



## مجله سیاست دفاعی

نشریه علمی - پژوهشی مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(شماره استاندارد بین‌المللی ۵۰۸۷-۱۰۲۵)

سال هجدهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، شماره پیاپی ۶۹

نشانی: دانشگاه جامع امام حسین (ع) - مرکز  
مطالعات دفاعی و امنیت ملی

شماره تماس مستقیم: ۷۷۱۰۵۷۶۵

دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۴۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۴۵۹  
مرکز فروش: تهران - بزرگراه شهید بابایی - بعد  
از پل لشکرک - دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
ساختمان شهید بروجردی - طبقه دوم - مرکز  
مطالعات دفاعی و امنیت ملی

شماره تماس: ۲ - ۷۷۱۰۵۷۴۱

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)،  
مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی

مدیر مسئول: علیرضا فرشچی

سر دبیر: دکتر سید یحیی صفوی

دبیر تحریریه و مدیر داخلی: علی قنبرزاده

حروف چینی و صفحه‌آرایی: حسن سلیمانی

ناظر چاپ: اندیشگاه علم و صنعت جهان معاصر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات شکیب

قیمت: ۴۰,۰۰۰ ریال

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۱۰۳۵۵/و مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۱

کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی،

مورد تأیید قرار گرفته است.

## هیأت تحریریه، مشاوران علمی و داوران مجله سیاست دفاعی

(به ترتیب حروف الفبا)

### هیأت تحریریه

<b>دکتر محمدابراهیم سنجقی</b> (استادیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر)	<b>دکتر علی اکبر احمدیان</b> (استادیار مدیریت، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>دکتر سیدیحیی صفوی</b> (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر محمدحسین افشردی</b> (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>علیرضا فرشچی</b> (رئیس مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی)	<b>دکتر همایون الهی</b> (استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران)
<b>دکتر جهانگیر کریمی</b> (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران)	<b>دکتر بهادر امینیان</b> (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>دکتر منوچهر محمدی</b> (دانشیار مطالعات بین الملل، دانشگاه تهران)	<b>دکتر حسین حسینی</b> (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>سیدحسین محمدی نجم</b> (پژوهشگر دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر حسین دهقان</b> (استادیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر)

### هیأت داوران

<b>دکتر حسین ظریف منش</b> (فرمانده دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر حسین اردستانی</b> (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>دکتر اصغر قاتدان</b> (استادیار تاریخ، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر سیدعلی حسینی تاش</b> (استادیار دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>غلامرضا محرابی</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر محسن رضایی</b> (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>دکتر پرویز میرعباسی</b> (دانشیار حقوق، دانشگاه تهران)	<b>اکبر رمضان زاده</b> (رئیس پژوهشکده عالی جنگ)
	<b>دکتر الله مراد سیف</b> (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )

### مشاوران علمی

<b>محمدحسین قنبری جهرمی</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر هادی مراد پیری</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>احمد محمدزاده</b> (مشاور مرکز راهبردی سپاه)	<b>سیدکمال الدین محمد رفیعی</b> (پژوهشگر دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>دکتر عباس مهری</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>دکتر محمدعلی سبحانی</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
<b>مهدی نطاق پور</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	<b>احمد غلامپور</b> (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )

## شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی برای چاپ در مجله سیاست دفاعی

پژوهشگران گرامی لطفاً هنگام ارسال مقالات به نکات زیر توجه فرمایید:

### الف) ملاحظات کلی

- ۱ - مقالات فقط مربوط به حوزه‌های دفاعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و در سطوح راهبردی و عملیاتی باشند.
- ۲ - مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد. مقالات مروری از نویسندگان صاحب‌نظر و حائز اثرات و مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث، به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع معتبر و متناهی، مستند تحقیق قرار گرفته باشد.
- ۳ - مقاله‌های ارسال‌شده قبلاً یا همزمان برای چاپ یا ارائه به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارسال شده باشند.
- ۴ - نام نویسنده یا نویسندگان همراه با رتبه علمی، محل اشتغال و نشانی کامل و تلفن تماس همراه مقاله باشد.
- ۵ - نشانی کامل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شامل نشانی پستی، شماره تلفن، شماره دورنگار و نشانی پیام‌نگار (E-Mail) به فارسی و انگلیسی.
- ۷ - چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین شده باشد باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

### ب) ساختار و شکل ارائه مقاله

- ۱ - رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است: عنوان، چکیده (حداکثر ۸ سطر)، کلید واژه (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (درب‌گیرنده بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه و روش تحقیق)، چارچوب نظری (تحلیلی)، داده‌ها و مباحث تفصیلی تحقیق، نتیجه‌گیری، چکیده انگلیسی (حداکثر ۲۵۰ کلمه)، کلید واژه انگلیسی (حداکثر ۵ کلمه)، فهرست منابع (منابع لزوماً باید در متن مقاله استفاده شده باشد).
- ۲ - تیترهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و... و زیر تیترها با شماره‌های ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳ و... و به ترتیب با فونت‌های B Zar Bold ۱۱، ۱۰، ۹ مشخص شده باشد.
- ۳ - متن مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه با نرم‌افزار Word 2003 به بالا و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با Calibri 10 آماده و ارسال گردد.
- ۴ - مقاله باید سلیس و روان و بدون هیچ‌گونه غلط‌های املائی نگارش یابد و از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ شده فارسی دارد، خودداری گردد. معادل خارجی اسامی و اصطلاحات خارجی در پانوشت به صورت اتوماتیک آورده شود و در هر صفحه به طور مستقل شماره‌گذاری گردد.
- ۵ - نمودارها، جداول و اشکال با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی و در اندازه‌های ۸×۱۲ یا ۱۶×۱۲ طراحی شود و اختصارات آنها در پانوشت توضیح داده شود. نمودارها، جداول و اشکال باید دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.
- ۶ - تیتر عناوین و نوع قلم مربوط مطابق جدول شماره ۱ که در انتهای این راهنما خواهد آمد، می‌باشد.

### ج) روش ارجاع به منابع

#### ۱ - در متن

- ۱-۱ - مأخذ در متن مقاله داخل کمان به صورت (نام‌خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ (Smith, 1990: 23)

۲-۱ - اشاره به منابع دارای چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار، شماره صفحه) مانند (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Smith, etal, 2004: 8)

۳-۱ - اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام‌خانوادگی نویسنده / نام مرجع تدوین‌کننده، سال)

۴-۱ - در تمامی منابع اگر نویسنده دارای دو یا چند منبع در یک سال باشد، پس از ذکر سال لازم است فصل یا ماه نشر اثر آورده شود، مانند (احمدی، پاییز ۱۳۸۸) و (احمدی، بهار ۱۳۸۸)؛ (Digman, Jan 1999) و (Digman, Apr 1999)

## ۲ - در پایان مقاله

فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا به صورت زیر آورده شود:

۱-۲ - کتاب تألیفی: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل نشر، نام ناشر.

۲-۲ - کتاب ترجمه‌ای: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر.

۳-۲ - مقاله: نام‌خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله)، سال نشر.

۴-۲ - آدرس اینترنتی: نام‌خانوادگی، نام و نویسنده و نویسندگان / مرجع تدوین‌کننده، عنوان مطلب، آدرس صفحه اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

## د) تذکرات

۱ - آرا و دیدگاه‌های ارائه شده در مقالات الزاماً بیانگر نظر و دیدگاه مجله نیست.

۲ - مسئولیت ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌ها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.  
۳ - مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات رد شده معذور است.

۴ - دریافت مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای پذیرش قطعی آن برای چاپ نیست.

## جدول شماره ۱

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با تیتراژ ۱	B Zar 11 Bold	متن چکیده و کلیدواژگان	B Lotus 10 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و ... نتیجه‌گیری (تیتراژ ۲)	B Zar 10 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیتراژ ۲ با تیتراژ ۳	B Zar 9 Bold	متن پانویس انگلیسی مانند:	Calibri 8
عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۳ با تیتراژ ۴	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 12
تیتراژ جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیتراژ جدول‌ها و نمودارها باید بالای آن‌ها و تیتراژ شکل‌ها پایین آن‌ها و در وسط ذکر شود).	B Lotus 10 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی مانند: (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی مانند: (Smith, 1990: 23)	Calibri 9

کلیه حقوق برای مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) محفوظ است.  
نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ آزاد است.

## فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال هجدهم، شماره پیاپی ۶۹، زمستان ۱۳۸۸

صفحه

عنوان

### مقاله‌ها

- ۹ ..... طراحی الگوی نظری آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل  
محمد رضا حافظ‌نیا  
سید یحیی صفوی  
شریف مطوف  
غلامرضا جلالی
- ۴۷ ..... طراحی الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون  
سید عباس کاظمی  
سیاوش نصرت‌پناه  
جمشید صالحی صدقیانی  
احمد جعفری
- ۷۹ ..... جنگ ناهم‌تراز و تبیین نقش نیروهای مردمی در جنگ آینده  
محمد جواد سبحانی‌نر  
سید حسین محمدی‌نجم
- ۱۱۱ ..... تبیین صحنه‌های عملیات در جنگ‌های گذشته  
هادی مرادپیری
- ۱۶۳ ..... قدرت در عصر اطلاعات  
حسین دهشیار  
مرتضی نورمحمدی
- ۱۹۳ ..... فناوری‌های اطلاعاتی؛ مبنایی برای توسعه فناوری‌های دفاعی و امنیتی  
امین حکیم  
وحید اسکویی
- ۲۱۷ ..... فرهنگ راهبردی و آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزی  
علیرضا فرشچی  
مریم صنیع‌اجال  
محمد حسینی‌مقدم

### چکیده انگلیسی

سید سعادت حسینی‌دمایی



### سخن سردبیر

با گذشت بیش از بیست سال از آغاز دوره پسا جنگ سرد، همچنان شاهد استمرار تغییر در مفهوم امنیت هستیم. برخلاف دوره جنگ سرد و قبل از آن که مسأله امنیت تنها دغدغه استراتژیست‌ها بود و گستره آن محدود به مرزبندی دولت‌های ملی، امروز غول امنیت به هر سو دست می‌اندازد و هیچ یک از شئون فردی و اجتماعی را از این هاضمه عجیب گریزی نیست. شاهدیم که موضوع امنیت از اصل بقای کشور و حاکمیت سیاسی، و حتی شهروندان، فراتر رفته و وارد فضایی ذهنی و نرم‌افزاری با عنوان کلی فرهنگ شده است. در شرایط حاضر، احساس ناامنی شایع‌تر و هول‌انگیزتر است تا تهدیدات واقعی. این ذهنی شدن فزاینده امنیت، دیگر نه از شکاف مگسک تفنگ، و نه با محاسبه قطر لوله توپ قابل تحلیل است. فهم این امنیت ذهنی شده نیازمند یک رویکرد معرفت‌شناختی متعالی‌تر است، بسیار متعالی‌تر از معرفت‌شناسی ماتریالیسم و پوزیتیویسم که هنوز سیطره خود را بر تعریف امنیت تاحد زیادی حفظ کرده‌اند. باید انسان به عنوان موضوع اصلی امنیت، از نو تعریف شود و مثلاً ارتباطش با عالم طبیعت و ما بعدالطبیعه تبیین شود. خلاصه در این بازاندیشی مفهوم امنیت، عالمی دیگر بیاورد ساخت و از نو آدمی.

بدین ترتیب، باید مفاهیم نوین امنیتی را در لابلای مطالعات فرهنگی سراغ بگیریم و بدانیم ذهن انسان بیش از همه در معرض ناامنی است، ذهن با همه تصورات، باورها، ارزش‌ها، امیدها و نگرانی‌هایی که هر یک از ما هر روز تجربه می‌کنیم. بدانیم که به تبع بسط مفهومی امنیت، قلمروی دفاع نیز گسترده شده است. جالب این که هیچ‌گاه تا بدین حد پاسخ سوال دفاع از «چه چیزی» دشوار نبوده است. در مطالعات دفاعی امروز دیگر «چه چیز» یا «چه

چیزهایی» مطرح نیست، بلکه «همه چیز» موضوع کار قرار گرفته است. «همه چیز» یعنی نگاهی کل‌نگر به کهکشان تهدیدات امنیتی و تدارک ساز و کارهای متنوع دفاعی برای مقابله با آنها.

از همین منظر کل‌نگر، نشریه سیاست دفاعی می‌کوشد تا در هر شماره تصویر جدیدی از هزار توی امنیت را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار دهد. باشد روزی که به لطف ایزد متعال و تلاش متقابل شما بتوانیم تصویری بزرگ و نسبتاً کامل از این «حیاتی‌ترین پدیده جامعه بشری» ترسیم کنیم.

دکتر سیدیچی صفوی



## طراحی الگوی نظری آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل<sup>۱</sup>

محمد رضا حافظ‌نیا<sup>۲</sup>  
سیدیحیی صفوی<sup>۳</sup>  
شریف مطوف<sup>۴</sup>  
غلامرضا جلالی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۷

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۱/۱۹

صفحات مقاله: ۹-۴۶

### چکیده

این تحقیق با موضوع طراحی الگوی آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل به منظور نیل به توسعه ملی انجام شده است. بر این اساس، هدف این مطالعه و تحقیق آن است که با شناخت و تجزیه و تحلیل وضع موجود متغیرها و عوامل مؤثر در آن را تعیین نموده بر پایه آن در خصوص طراحی الگوی آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل به منظور نیل به توسعه منطقه‌ای اقدام گردد.

عوامل عمده در این تحقیق عبارت از بررسی تهدیدات و عوامل عمده جغرافیای نظامی و عناصر فضایی و اصول پدافند غیرعامل و عناصر ژئوپلیتیک می‌باشند که تأثیر متقابل آن در آمایش سرزمین بررسی شده. تلاش گردیده تا الگوی بهینه از آن تهیه گردد. در انتها، این مقاله الگوی نظری آمایش سرزمین را با لحاظ نمودن ملاحظات پدافند غیرعامل بیان می‌کند.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

آمایش سرزمین، پدافند غیرعامل، تهدید، جغرافیای نظامی، ژئوپلیتیک

۱ - این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی تهیه شده است.

۲ - استاد دانشگاه تربیت مدرس

۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، دانشیار جغرافیای سیاسی.

۴ - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

۵ - دانش‌آموخته رشته علوم دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)

## مقدمه

آمایش، چنین ارادی و با برنامه و هماهنگ عناصر فضا ساز محیط جغرافیایی، منابع و انسان است. خاستگاه ادبیات آمایش عرصه علم جغرافیاست ولی به مرور زمان علوم دیگر نیز نقش آفرینی کرده که این امر باعث توسعه و تعامل در آمایش گردیده است. در سال ۱۳۵۴ ایران با «شرکت ستیران» الگوی آمایش سرزمین را با دیدگاه اقتصادی و اجتماعی طراحی نمود ولی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران این طرح متوقف گردید.

ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دهه اول به علت مباحث آمایش سرزمین و اقتضائات خاص آن دوره، مبانی آن دچار تردید و تحول اساسی گردید بصورت جدی پیگیری نشد ولی در مرحله دوم نیز به دلیل گسترش و توسعه، اشغال کاربری سرزمین و اختصاص عملکرد به فضا، مکان و انسان بدون هماهنگی لازم مشکلات عمده‌ای را تولید نمود.

در دهه سوم با توجه به تهدیدات آمریکا، مسئولین دولت جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح را به این فکر واداشت که برای دفاع و برقراری امنیت پایدار و توسعه پایدار کشور، بایستی به آمایش سرزمین و ملاحظات آن توجه ویژه شود.

با این توصیف متأسفانه تاکنون در کشور کار نسبتاً منسجم و هماهنگی در این خصوص انجام نگرفته و اقدامات گسسته و متفرقه در سیستم کشوری و لشکری انجام پذیرفته است. پرداختن به دفاع غیرعامل که خود بخش مهمی از دفاع هر کشور می‌باشد یک ضرورتی انکارناپذیر بوده و می‌تواند با اعمال اصول پدافند غیرعامل خسارات و تلفات را به حداقل رسانده با ایمن‌سازی زیر ساخت‌های دفاعی کشور گام‌های مؤثری در جهت توسعه ایمن و پایدار و ایجاد بازدارندگی دفاعی بردارد.

کشور ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک و ماهیت راهبرد آن نیازمند داشتن طرح جامع آمایش برای توسعه ملی می‌باشد. از طرفی داشتن دشمنانی مثل آمریکا ضرورت پرداختن به پدافند غیرعامل را دو چندان می‌کند.

از این رو، این تحقیق به دنبال یافتن الگوی مناسب برای آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل به منظور نیل به توسعه منطقه‌ای به‌عنوان یک الگو و مدل قابل تعمیم به سایر مناطق می‌باشد.

### روش تحقیق

- نوع تحقیق، کاربردی است. از نظر روش‌شناسی، روش تحقیق توصیفی، اکتشافی و با استفاده از تکنیک‌های طراحی می‌باشد.
- با انجام تحقیق کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی ادبیات و سوابق موضوع تحقیق خواهد شد.
- عناصر مهم فضایی آمایش و عوامل مؤثر بر امنیت عناصر مزبور از نظر پدافند غیرعامل، احصاء و تبیین می‌شود.

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

- با توجه به ماهیت طراحی الگوی آمایش سرزمین، نوع تحقیق کاربردی و روش انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی می‌باشد.
- اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق جستجوی کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات) و بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی و اینترنتی، مطالعات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه می‌باشد.
- نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و مراکز علمی و تحقیقات کشور و جهان در این تحقیق مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار می‌گیرد.
- از متخصصان فن، فرماندهان و مدیران نظامی و غیرنظامی در این خصوص مشخص کردن عوامل مؤثر بر امنیت عناصر فضایی و پدافند غیرعامل استفاده می‌گردد.

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

#### تجزیه و تحلیل یک متغیره

در این مرحله با استفاده از آمارهای توصیفی شامل معیارهای تمایل به مرکز (میانگین، میانه، نما و...) معیارهای پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات، حداقل، حداکثر و...) نسبت‌ها و درصدها (فراوانی، درصد، درصد متعبر و...) نمودارها و هیستوگرامها و... وضعیت هر یک از متغیرها مورد بررسی قرار گرفت.

### ۱- تجزیه و تحلیل دو متغیره

در تحلیل دو متغیری روابط موجود بین متغیرها به آزمون گذاشته می‌شود. در این بخش با توجه به نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنف، و نرمال بودن توزیع مقیاس‌ها، از آزمون تی استیودنت و برای تعیین میزان تأثیر هر یک از متغیرها، از آزمون فریدمن استفاده گردید. همچنین برای تعیین همبستگی و روابط بین متغیرهای الگو از آزمون همبستگی پیرسن استفاده شده است.

### ۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل هشتاد و پنج نفر نخبگان و افراد با تجربه و تحصیل کرده، آشنا با منطقه آذربایجان غربی و مسلط به مفاهیم پدافند غیرعامل می‌باشد که برای همگی آنها پرسشنامه ارسال گردیده که در نهایت پنجاه و سه نفر پرسشنامه را تکمیل و عودت داده‌اند. تحقیق به صورت تمام شماری بوده و لذا تحقیق نمونه آماری نداشته و همه اعضاء جامعه آماری مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

### بررسی اعتبار سنجش

#### اعتبار صوری

متغیرهای احصاء شده از درون مبانی نظری و چارچوب مفهومی تحقیق، به تعدادی از افراد متخصص و صاحب نظر در زمینه مسائل پدافند غیرعامل و آشنا با منطقه آذربایجان غربی و کردستان و همچنین آشنا با پژوهش علمی، داده شد و صحت و سقم آنها احصاء شد. پس از جمع‌بندی و تهیه شاخص‌ها و پرسشنامه‌ها، این شاخص‌ها در حجم کوچکتري به آزمون گذاشته شد<sup>۱</sup> و اصلاحات لازم بر روی آنها صورت گرفته و ابزار تحقیق نهایی شد، و بدین صورت اعتبار صوری پژوهش فراهم گردید.

---

1 - pre test

### اعتبار محتوا

علاوه بر تأیید شاخص‌ها توسط خبرگان، از آن‌ها خواسته شد درباره جامعیت یا عدم جامعیت سوالات اظهار نظر نمایند، تا اگر موارد مهمی از قلم افتاده معلوم شود و اصلاحات لازم در پرسشنامه بعمل آید.

متخصصانی که اعتبار صوری پرسشنامه‌های تحقیق را مورد تأیید قرار داده بودند، کفایت سوالات پرسشنامه را برای سنجش متغیرهای تحقیق تأیید کردند که نشان‌دهنده تأمین اعتبار محتوایی پرسشنامه‌ها می‌باشد.

### اعتبار سازه‌ای

در این پژوهش، انتظار این بوده که سوالات طرح شده در زمینه‌های پدافند غیرعامل، آمایش سرزمین، تهدیدات برون مرزی، عناصر فضایی و غیر فضایی و ژئوپلیتیک بتواند موضوع تحقیق (نقش عوامل مذکور در تدوین الگوی آمایش سرزمینی آذربایجان شرقی) را بسنجد، که همانگونه که در قابلیت اعتماد اشاره خواهد شد، مقادیر آلفای مقیاس‌ها بالا بوده و لذا مقیاس‌های تحقیق از اعتبار لازم برخوردار شده است.

### ۱- مباحث نظری

**آمایش سرزمین.** در بررسی ریشه لغت آمایش روشن است که با توجه به مفهوم علمی آمایش و در جهت سازماندهی فضا، فعالیت‌هایی صورت خواهد گرفت که به نوعی در معانی مختلف مصدر «آمودن» مستتر است چرا که آمودن به معنای آمیختن، در نشاندن، مستعد کردن، آراسته کردن و در کنار هم چیدن بوده و آمایش اسم مصدر «آمودن» و «آمائدن» می‌باشد. اصطلاح آمایش سرزمین از ریشه آمودن به معنای آباد کردن گرفته شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ص ۸) گرچه برخی از نویسندگان اصطلاح برنامه‌ریزی فضایی را معادل آمایش سرزمین گرفته‌اند، ولی باید دانست که مفهوم آمایش سرزمین دربرگیرنده تنظیم روابط بین سه عنصر اساسی انسان، فضای جغرافیایی و فعالیت‌های انسان در فضا، به منظور بهره برداری منطقی از همه

امکانات مادی و معنوی برای تحصیل اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت است. چنانکه گفته شده آمایش از ریشه آمودن گرفته شده و کلمه آمودن نیز به معنای آراستن، مهیاکردن و آماده کردن می باشد (معین، ۱۳۷۱، ص ۹۱). برخی دیگر هم آمایش سرزمین را با کلمه بهره برداری برابر می دانند و از این منظر، بهره برداری از زمین در اشکال گوناگون کشاورزی، استخراج معادن، منابع آب، شهرسازی، حمل و نقل و... آمایش سرزمین است. نتیجه چنین نگرشی در آمایش سرزمین، تعیین کارکرد فضای جغرافیایی در تعامل با فعالیت های اقتصادی - اجتماعی انسان است.

موضوع آمایش، بعد از جنگ جهانی دوم و در کشور فرانسه مطرح گردید. اندیشه آمایش سرزمینی در کشور فرانسه و با مشاهده و بروز عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات و همزمان با پیدایش تفکر برنامه ریزی شهری به منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرده است. (عسگری، تابستان ۸۵، ص ۸۶).

اما در برنامه ریزی آمایش سرزمین باید تکه هایی از سرزمین مورد ارزیابی را که ممکن است برای چندین نوع استفاده، توان اکولوژیکی داشته باشند، مورد بررسی دقیق قرارداد و بهترین گزینه را به عنوان کاربری مورد انتظار برای هر بخش از سرزمین انتخاب کرد. چنین فرآیندی را تعیین اولویت بین کاربری ها می نامند که در واقع همان برنامه ریزی استفاده از سرزمین یا آمایش سرزمین است (لانگدالن ۱۹۷۵، کوکز ۱۹۸۰، کومپانونی و کوکز ۱۹۸۱ و آیو و کوکز ۱۹۸۶).

به نظر می رسد که چون هدف اصلی و نهایی هرگونه مطالعه آمایش، تشخیص و تعیین مشکلات زیست انسانی و مسائل مدیریت زیست محیطی و طراحی و پیشنهاد راه حل های مناسب با آن است، مطالعات آمایشی نمی تواند به دور از وظیفه برنامه ریزی و ارائه پیشنهادها و سیاست های مطلوب باشد و در این صورت، نهایتاً مطالعات آمایش به سندی می انجامد که در آن نظم نویینی از سازماندهی منابع طبیعی و فعالیت های انسانی بر پهنه زمین آشکار می شود. بنابراین آمایش سرزمین در مرحله برنامه ریزی و پیشنهاد سیاست های مطلوب به سازماندهی منطقی و معتدل فضای موجود حیاتی برای هرگونه تجمع انسانی می پردازد. (غازی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

## اهداف آمایش سرزمین<sup>۱</sup>

اتحادیه اروپا در آخرین و جدیدترین نسخه از نشریه آمایش سرزمین اهداف آمایش سرزمین را در محدوده اروپا بدین شکل تعریف و بیان می‌نماید. (نشریه آمایش سرزمین - اتحادیه اروپا)

۱ - تقویت یکپارچگی منطقه‌ای از طریق طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن و تقویت رقابت‌پذیری

۲ - تشویق به توسعه ناشی از فعالیت‌های شهری و تقویت رابطه میان مناطق شهری و غیرشهری

۳ - تقویت دسترسی‌پذیری متوازن

۴ - توسعه دسترسی به اطلاعات و دانش

۵ - کاهش خسارات و آسیب‌های زیست‌محیطی

۶ - حفاظت و رشد منابع طبیعی و تاریخی

۷ - افزایش نقش داشته‌های فرهنگی در توسعه

۸ - توسعه منابع انرژی در عین ضمانت امنیت

۹ - تشویق گردشکاری پایداری و با کیفیت

۱۰ - کاهش اثر بلایای طبیعی

### جمع‌بندی خلاصه در ارتباط نظریات آمایش سرزمین:

در این نظریه‌ها به ویژه سه نظریه اخیر که متکی بر قلمرو فضایی فعالیت‌ها است، مفهوم مرز قابل تشخیص است. در مجموع می‌توان گفت تا زمانی که راهبردهای توسعه منطقه‌ای بر

۱ - برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

Spatial planning - key instrument for development and effective Governance with special Reference to Countries in Transition - UNITED NATIONS New York and Geneva 2008.

توسعه اقتصادی صرف و به ویژه توسعه صنعتی متکی باشد، مستلزم سرمایه‌گذاری کلان است و نیاز به شرایط ویژه‌ای دارد که به طور عمده در مناطق میانی و مرکزی فراهم است. لذا توسعه مناطق مرزی با تأخیر زمانی و تأثیر کمتری صورت می‌گیرد. عواملی چون موانع گمرکی، ناتوانی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، قطع اتصال راه‌های ارتباطی بین دو کشور توسط مرزها، عدم تلفیق بین بازارهای دو کشور و مانند آن نیز در این امر می‌تواند مؤثر باشد. برای درک ساده‌تر از راهبردهای توسعه منطقه‌ای ارائه شده در این بخش، اصلی‌ترین راهبردهای هر نظریه، در جدول زیر به صورت خلاصه، عنوان می‌شود:

جدول ۱ - راهبردهای توسعه منطقه‌ای منتج از نظریه‌ها توسعه‌ای

ردیف	نظریه	راهبردهای توسعه منطقه‌ای
۱	رشد بخش‌های اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز بر تولید کالا و خدمات دارای مزیت نسبی در منطقه.</li> <li>تزریق سرمایه‌گذاری و جذب فناوری خارجی در منطقه.</li> <li>تأکید بر توسعه بخش‌های دوم و سوم اقتصادی یعنی صنعت و خدمات.</li> <li>گسترش صادرات کالاهای اصلی منطقه.</li> </ul>
۲	قطب رشد	<ul style="list-style-type: none"> <li>تجمع زیرساخت‌ها و فعالیتهای مولد در قطب رشد.</li> <li>تأکید بر استقرار صنایع پیشتاز در منطقه.</li> </ul>
۳	مرکز رشد	<ul style="list-style-type: none"> <li>استقرار مراکز رشد با حجم و شعاع تأثیر کمتر از قطب رشد در منطقه.</li> <li>تجدید الگوی سکونت روستاها به نفع سکونت‌گاه‌هایی با بیشترین امکانات بالقوه و تبدیل آنها به مراکز رشد و خدمات.</li> </ul>
۴	برگشت تمرکز	<ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز زدایی و تشخیص نقاط جمعیتی مستعد رشد در مناطق پیرامونی.</li> <li>توجه به زمان مناسب برای شروع فعالیت تمرکز زدایی.</li> </ul>
۵	جامع شبکه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> <li>تولید فضای مجازی جغرافیایی و تأثیر جامع شبکه‌ای بر همه زیرساخت‌ها و نیاز به تولید راهبرد جدید.</li> </ul>

**پدافند غیرعامل.** در ادبیات فنی پدافند عامل عبارتست از «حفظ و توسعه قدرت نظامی و داشتن موضوع قویتر نسبت به مهاجمین احتمالی و پاسخ به آتش دشمن با آتشی قویتر و کوبنده‌تر». ولی عبارت «پدافند غیرعامل» به اشکال مختلفی بیان شده است که عمدتاً در نکته «حفاظت از غیرنظامیان» دارای وجه اشتراک هستند.

زیاری (۱۳۷۸) پدافند را بر دو نوع عامل و غیرعامل معرفی می‌نماید. به نظر او پدافند غیرعامل به کارگیری اقدامات آفندی و تهاجمی با هدف ممانعت از پیشروی دشمن است در



حالی که پدافند غیرعامل عبارت از: «بکار بردن روش‌هایی است که از آثار زیان‌های ناشی از اقدامات دشمن بکاهد یا آن را به حداقل برساند» به بیان ساده‌تر، بر خلاف پدافند عامل، در پدافند غیرعامل از هیچ نوع جنگ افزاری در برابر دشمن استفاده نمی‌گردد.

**پدافند غیرعامل:** مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها و تأسیسات، تجهیزات و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن می‌گردد. (آیین‌نامه اجرایی بند (۱۱) تبصره (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران)

مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۸۶ در سیاست‌های کلی نظام در مورد پدافند غیرعامل اینگونه تعریف مینماید:

تأکید بر پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد. (سیاست‌های کلی نظام - سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام - سال ۸۶).

### اصول پدافند غیرعامل

اصول "پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات بنیادی و زیربنایی است که در صورت به-کارگیری می‌توان به اهداف پدافند غیرعامل از قبیل تقلیل خسارات و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی اهداف، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نائل گردید. برخی از اصول عمده پدافند غیرعامل عبارتند از:

- ۱ - انتخاب عرصه‌های ایمن در جغرافیای کشور
- ۲ - تعیین مقیاس بهینه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا
- ۳ - پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا
- ۴ - کوچک‌سازی و ارزان‌سازی و ابتکار در پدافند غیرعامل
- ۵ - انتخاب مقیاس بهینه از پراکندگی و توجیه اقتصادی پروژه

- ۶ - عدم وابسته‌سازی سیستم‌های حیاتی به هم (موازی‌سازی)
- ۷ - مقاوم سازی، استحکامات و ایمن سازی سازه‌های حیاتی
- ۸ - مکان‌یابی بهینه استقرار عملکردها در فضا
- ۹ - مدیریت بحران دفاعی در عرصه‌ها و حوزه‌ها
- ۱۰ - استتار و نامرئی‌سازی سیستم‌ها در برابر سنجنده‌ها
- ۱۱ - کورکردن سیستم اطلاعاتی دشمن
- ۱۲ - اختفاء با استفاده از عوارض طبیعی
- ۱۳ - فریب، ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات
- ۱۴ - حفاظت اطلاعات سیستم‌های حیاتی و مهم
- ۱۵ - تولید سازه‌های دو منظوره (موانع)

**تهدید.** تهدید عبارت از پدیده‌هایی که علایق، منافع اساسی اعم از مادی و معنوی، نظیر استقلال و تمامیت ارضی، منافع اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و ملی. اهداف و علایق سیاسی، توانایی‌های نظامی و... را به گونه‌ای به مخاطره اندازد که بیم وقوع دگرگونی در آنها پیدا شود.

**جغرافیای نظامی.** جغرافیای نظامی، علمی است که تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی را در حرکات و عملیات نظامی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در داخل یک کشور همان طوری که حرکات واحدهای بزرگ تحت تأثیر عوارض طبیعی و مصنوعی می‌باشد به همان اندازه نیز به بازرگانی، صنعت، کشاورزی، ترابری، ارتباطات و سایر عوامل مختلف بستگی کامل دارد. بنابراین کلیه عوامل طبیعی، سیاسی، انسانی و اقتصادی و سایر پدیده‌هایی که به شکلی در عملیات نظامی دخالت دارند از قبیل مواضع مستحکم، بنادر، پلها، تونلها، کانالها و سایر تأسیسات باید بررسی شوند. به همین جهت دامنه مسائل جغرافیای نظامی از سایر رشته‌ها گسترده‌تر است و یا به عبارتی از کاربرد وسیع‌تر و عملی‌تری برخوردار می‌باشد.

شاخص‌های پدافند غیرعامل در حوزه آمایش سرزمین. پدافند غیرعامل عبارت است از: کلیه اقدامات و تدابیری که گفته می‌شود که بدون به‌کارگیری سلاح و تجهیزات نظامی باعث کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش پایداری در برابر تهدیدات نظامی بشود. برای بررسی و

آنالیز مفاهیم یادشده ابتدا کلید واژه‌های اصلی را استخراج کرده و سپس آن‌ها را بررسی و مقایسه می‌کنیم. کلیدواژه‌ها عبارت‌اند از:

- کلیه اقدامات و تدابیر (برنامه‌ریزی شده)
- کاهش
- آسیب‌پذیری
- افزایش پایداری
- تهدیدات نظامی

جدول ۱ - مقایسه مفاهیم پدافند غیرعامل و آمایش سرزمین

مصادیق آمایش	واژه‌های پدافند غیرعامل
عدم تمرکز	پراکندگی
اختصاص فضای جغرافیایی امن و بی خطر	انتخاب پهنه امن
اختصاص فضای جغرافیایی مناسب با عملکرد	مکان‌گزینی مناسب
اختصاص عملکرد مناسب دوگانه	تولید موانع دو منظوره
اختصاص عملکرد موازی و مجازی به هر سازه	فریب همه‌جانبه
اختصاص عملکرد موازی و مجازی به هر سازه	سد و موانع و استحکامات
اختصاص عملکرد مکمل و تکمیل با آمایش دفاعی	استقرار واحدهای نظامی
استفاده مناسب از فضا	استفاده از برتری جغرافیایی
پرهیز از ضعف‌های مکان مرجع	فاصله مناسب از مرز
راهبردهای تکمیلی آمایشی	حفاظت فیزیکی
راهبردهای تکمیلی آمایشی	پایداری زیرساخت‌ها در برابر تهدیدات
اختصاص عملکرد مناسب و موازی و چندگانه	موازی‌سازی سیستم‌های پشتیبانی مورد اتکاء
حداکثر هماهنگی با پس‌زمینه محیط	استتار
استفاده از ویژگی‌های جغرافیایی فضا	اختفاء

جدول ۲ - کاهش در حوزه آمایش

آمایش سرزمین	پدافند غیرعامل
شناسایی تهدیدات، تولید فضاهای خالی از تهدید	حذف کامل تهدید
شناسایی آسیب پذیری‌ها، کاهش آسیب‌پذیری فضا	کاهش نسبی تهدید
شناسایی ضعف‌ها، کاهش ضعف‌های عناصر فضایی	کاهش نسبی خسارات و تلفات بر تأسیسات، تجهیزات، نیروی انسانی

جدول ۳ - آسیب پذیری در حوزه آمایش سرزمین

آمایش سرزمین	پدافند غیرعاملی
عدم تعادل کاکردی	ضعف
تمرکز عملکردهای مهم	آسیب‌پذیری
آسیب‌پذیری زیرساخت	تهدیدات داخلی
تأثیر جدی عنصر مزاحم تهدید نظامی	تهدیدات خارجی
حداکثر بی‌توجهی به ضعف‌ها، درجه‌بندی امنیتی پهنه سرزمینی	دومینوی تهدید (هم‌افزایی)

جدول ۴ - افزایش پایداری در حوزه آمایش سرزمین

آمایش سرزمین	پدافند غیرعاملی
اعطای عملکرد مناسب	برطرف کردن ضعف‌ها
تمرکز زدایی	ایجاد فاصله درالحاق تهدیدات مهم
ایجاد تعادل بین عملکردها و ضرورت‌ها و نیازها	حفاظت از زیرساخت‌ها
پاسخ به تهدیدات با اعطاء عملکرد مناسب در فضا	لحاظ کردن مدیریت بحران
ایجاد تعادل بین آسیب‌پذیری‌ها و نقاط قوت	پراکندگی، پایداری

**اصول و شاخص‌های پدافند غیرعامل مؤثر بر آمایش سرزمین:** برای بررسی بهتر مسئله پدافند غیرعامل و آمایش سرزمین و تعیین ارتباط بین این دو متغیر ابتدا باید با مروری اجمالی به اصول و شاخص‌های پدافند غیرعامل، اصولی را که تأثیر مستقیم بر مباحث آمایش سرزمین دارند دقیق‌تر بررسی نموده و احصاء نمائیم. از این رو، مجموع مباحثی که در بخش ادبیات ارائه و توضیح داده شد را بررسی نموده و صرفاً اصولی را که بیشترین ارتباط را با آمایش سرزمین دارند مورد توجه قرار داده و سپس در ادامه سایر شاخص‌های مؤثر بر آمایش سرزمین بیان می‌شود.

ردیف	اصول	اقدامات
۱	انتخاب عرصه‌های ایمن در جغرافیای کشور	<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ بررسی و آنالیز تهدیدات خارجی و داخلی</li> <li>▪ بررسی جغرافیای نظامی کشور نسبت به تهدیدات</li> <li>▪ ارزیابی نواحی آسیب‌پذیر سرزمین نسبت به تهدید</li> <li>▪ انتخاب فاصله مناسب از مرزها نسبت به تهدید</li> <li>▪ درجه بندی سرزمین از نظر امنیت و پوشش نسبت به تهدید</li> <li>▪ استفاده از پتانسیل‌های دفاعی سرزمین</li> <li>▪ اختصاص عملکرد متناسب با درجه‌بندی امنیت سرزمین</li> </ul>
۲	تعیین مقیاس بهینه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا	<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ آنالیز و بررسی انواع عملکردها و کارکردها</li> <li>▪ تعیین اندازه و مقیاس‌های متفاوت، بین المللی، ملی منطقه‌ای، محلی و نقطه‌ای و..</li> <li>▪ تعامل دقیق سه عنصر جمعیت، عملکرد و مقیاس نسبت به تهدیدات</li> <li>▪ تحلیل مقیاس از نظر اقتصادی و اندازه و تعیین مقیاس بهینه</li> <li>▪ استخراج نهایی مقیاس بهینه از نظر عوامل فوق</li> </ul>
۳	پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا	<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ آنالیز و بررسی انواع عملکردها و کارکردها در هر سیستم و پروژه</li> <li>▪ بررسی و آنالیز تهدیدات، مرزها و جغرافیای نظامی</li> <li>▪ تعیین استانداردهای ایمنی و حفاظتی و دفاعی</li> <li>▪ بررسی فواصل کارکردی سیستم‌ها از هم (حداقل‌ها و حداکثرها)</li> <li>▪ تعیین حداقل و حداکثر پراکندگی در سایت با کارکرد عملی</li> </ul>
۴	کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و ابتکار در پدافند غیرعامل	<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ اجتناب از گسترش مراکز حیاتی و حساس با مقیاس بزرگ</li> <li>▪ کوچک سازی و پراکنده سازی و زیادسازی و مقیاس بهینه</li> <li>▪ جلوگیری از افزایش هزینه‌های اجرائی باعث تأثیر تهدیدات و انجام نشدن طرح می‌شود.</li> <li>▪ رعایت اقتصادی بودن طرح‌ها و عدم تحمیل هزینه بالا</li> </ul>
۵	انتخاب مقیاس بهینه از پراکندگی و توجیه اقتصادی پروژه	<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ درجه‌بندی مراکز به قابل تأمین و جایگزینی در صورت انهدام و غیرقابل تأمین و تولید</li> <li>▪ تعریف و درجه بندی میزان امنیت برای هر طرح در برابر تهدید</li> <li>▪ بررسی اقتصادی مراکز که قابل جایگزینی یا تولید مجدد است.</li> <li>▪ رعایت اصل هزینه فایده در طرح‌های اقتصادی با رعایت عوامل فوق.</li> </ul>

ردیف	اصول	اقدامات
۶	عدم وابسته‌سازی سیستم‌های حیاتی به یکدیگر (موازی‌سازی)	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ آنالیز میزان وابستگی سیستم‌ها به هم در شرایط بحران</li> <li>■ بررسی امکان ترمیم واحیاء و جایگزینی سیستم‌ها در صورت آسیب دیدن آنها در شرایط بحران</li> <li>■ بررسی پدیده دومینوی ریسک‌ها و هم‌افزایی خطرها</li> <li>■ بررسی امکان تفکیک سیستم‌ها از هم از نظر امکان‌پذیری، اقتصادی، فنی و ایمنی و...</li> <li>■ عدم وابستگی سیستم‌های پشتیبانی به یک نقطه آسیب‌پذیر</li> <li>■ پیش‌بینی سیستم‌های جایگزین برای نقاط گره و کلیدی</li> </ul>
۷	مقاوم‌سازی استحکامات و ایمن‌سازی سازه‌های حیاتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ مقاوم‌سازی سیستم‌های حیاتی در طرح‌های در دست بهره‌برداری</li> <li>■ تعیین میزان ایمنی هر سیستم در برابر تهدید و درجه‌بندی آنها</li> <li>■ ایجاد ایمنی در سیستم‌های پایدار ساز سیستم‌ها</li> <li>■ ایجاد ایمنی و استحکام متناسب با اهمیت هر طرح و سازه</li> <li>■ استفاده از استانداردهای فنی مقاوم در سازه‌های حیاتی و حساس</li> </ul>
۸	مکان‌یابی بهینه استقرار عملکردها در فضا	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ انتخاب عرصه امن از نظر جغرافیایی نظامی و پهنه امن</li> <li>■ تعیین اهمیت و اولویت طرح‌ها</li> <li>■ تعیین میزان ایمنی مورد نظر برای هر طرح</li> <li>■ تعیین شاخص‌ها و استانداردهای پدافند غیرعامل در استقرار عملکردها</li> <li>■ بررسی نقاط امن در پهنه امن جغرافیای مورد نظر</li> <li>■ امتیاز دهی و وزن دهی به شاخص‌ها بر اساس اهمیت و وزن</li> </ul>
۹	مدیریت بحران دفاعی در عرصه‌ها و حوزه‌ها.	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ مدیریت بحران دفاعی به منظور مدیریت بر حوادث، تبعات و مشکلات بحرانی ناشی از تهاجمات خارجی و مسائل امنیتی کشور به منظور تسهیل در اداره آن</li> <li>■ اولویت بندی نیازها و مراکز به امکانات حیاتی و حساس</li> <li>■ شناسایی و آنالیز تهدید و سناریوی عمومی کشور</li> <li>■ تهیه سناریوی تهدیدات در هر حوزه</li> </ul>

باتوجه به مطالب ارائه شده در بخش جغرافیای نظامی، می‌توان آن را به شکل

زیر (جدول) دسته‌بندی کرد:

جدول ارزیابی عوامل جغرافیای نظامی و آمایش سرزمین

ردیف	عارضه جغرافیای نظامی	عنصر اساسی	کارکرد دفاعی	قابلیت دفاع غیرعامل	قابلیت آمایش سرزمین
۱	رودخانه	عرض، شکل، سواحل	مانع عبور با قابلیت اتکاء جناح‌داری	قابلیت دفاع آبی دارد	قابلیت بهره‌برداری بالا
۲	جنگل‌ها	تراکم، اندازه، شکل، نوع درخت	مانع حرکت واحدهای عمده	قابلیت پوشش و اختفاء بالا	قابلیت برنامه‌ریزی بالای آمایش سرزمینی
۳	دریاچه	اندازه، شکل، عمق، سواحل	مانع عمده با قابلیت جناح‌داری	قابلیت دفاعی بالایی دارد	قابلیت بهره‌برداری بالا
۴	باتلاق و تالاب	اندازه، شکل، عمق	مانع حرکت	مناسب برای دفاع	پرهیز از تراحمات آن
۵	کوه	شیب، جنس، فرم، حالت	سد یا کانالیزه کردن حرکت	مناسب برای مکان‌گزینی مناسب دفاعی	قابلیت استفاده آمایشی و دفاعی
۶	توپوگرافی	گودی، بلندی، شیب، دره، چین-خوردگی	مناسب برای دفاع	قابلیت استتار و اختفاء	قابلیت مناسب دفاعی
۷	صحرا	جنس بستر، دما، آب، شکل و	عنصر مزاحم عملیات نظامی	مزاحم برای عملیات نظامی	پرهیز از تراحمات آن
۸	شهر (سکونت‌گاه)	اندازه، تراکم، پیچیدگی بافت، شکل استقرار	مانع حرکت واحدهای عمده نظامی	مانع عمده حرکت نظامی	قابلیت کاربرد آمایش و مکان‌گزینی دارد

#### ۴- روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق در پی بررسی روابط میان متغیرهای تحقیق و ارائه الگویی مشخص است. از نظر نوع داده، در این تحقیق هم از داده‌های کمی و هم از داده‌های کیفی استفاده شده است. جهت شناسایی وضعیت متغیرها پرسش‌نامه‌ای توسط محقق تهیه و تنظیم گردید و جهت پاسخ‌گویی توسط اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان، بین ۸۵ نفر توزیع گردید.

## ۵ - یافته‌های تحقیق

جدول ۵ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
کارشناسی	۷	۱۳.۲	۱۴.۹	۱۴.۹
کارشناسی ارشد	۲۵	۴۷.۲	۵۳.۲	۶۸.۱
دکترا	۱۵	۲۸.۳	۳۱.۹	۱۰۰.۰
جمع	۴۷	۸۸.۷	۱۰۰.۰	
بی جواب	۶	۱۱.۳		
جمع کل	۵۳	۱۰۰.۰		

ملاحظه می‌شود ۸۵.۱ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا هستند و ۱۴.۹ درصد نیز تحصیلاتی در سطح کارشناسی دارند، لذا نمونه آماری از حیث تحصیلات برای پاسخگویی به موضوع تحقیق تناسب قابل قبولی دارد.

جدول ۶ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر شغل

شغل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
هیأت علمی (مدرس دانشگاه)	۸	۱۵.۱	۲۰.۵	۲۰.۵
معاون پژوهش مرکز راهبردی	۱	۱.۹	۲.۶	۲۳.۱
معاون مهندسی و پدافند غیرعامل	۴	۷.۵	۱۰.۳	۳۳.۳
معاون آموزش	۲	۳.۸	۵.۱	۳۸.۵
مشاور	۴	۷.۵	۱۰.۳	۴۸.۷
بازنشسته	۴	۷.۵	۱۰.۳	۵۹.۰
فرمانده ناجا	۱	۱.۹	۲.۶	۶۱.۵
مدیر پروژه	۱	۱.۹	۲.۶	۶۴.۱
کارمند سازمان پدافند غیرعامل	۱	۱.۹	۲.۶	۶۶.۷
رئیس پژوهشکده	۲	۳.۸	۵.۱	۷۱.۸
محقق	۱	۱.۹	۲.۶	۷۴.۴
پاسدار (نظامی)	۸	۱۵.۱	۲۰.۵	۹۴.۹
رئیس دفتر حفاظت کل قوا	۱	۱.۹	۲.۶	۹۷.۴
مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی	۱	۱.۹	۲.۶	۱۰۰.۰
جمع	۳۹	۷۳.۶	۱۰۰.۰	
بی جواب	۱۴	۲۶.۴		
جمع کل	۵۳	۱۰۰.۰		



ملاحظه می‌شود ۲۰ درصد پاسخگویان عضو هیات علمی، ۲۱ درصد نظامی هستند و ۲۰ درصد نیز مشاور و بازنشسته هستند، لذا نمونه آماری از حیث شغل برای پاسخگویی به موضوع تحقیق تناسب قابل قبولی دارد.

جدول ۷ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر درجه

درجه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
سرگرد	۲	۳.۸	۴.۷	۴.۷
سرهنگ	۶	۱۱.۳	۱۴.۰	۱۸.۶
سرتیپ ۲	۳۰	۵۶.۶	۶۹.۸	۸۸.۴
سرتیپ	۴	۷.۵	۹.۳	۹۷.۷
سرلشکر	۱	۱.۹	۲.۳	۱۰۰.۰
جمع	۴۳	۸۱.۱	۱۰۰.۰	
بی جواب	۱۰	۱۸.۹		
جمع کل	۵۳	۱۰۰.۰		

ملاحظه می‌شود ۶۹.۸ درصد پاسخگویان درجه سرتیپ دومی، ۱۴ درصد سرهنگ، ۹.۳ درصد سرتیپ و ۴.۷ درصد سرگرد هستند، لذا نمونه آماری از حیث شغل برای پاسخگویی به موضوع تحقیق تناسب قابل قبولی دارد.

سال خدمت در منطقه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۱-۱۰ سال	۶	۱۱.۳	۱۵.۸	۱۵.۸
۱۱-۲۰ سال	۹	۱۷.۰	۲۳.۷	۳۹.۵
۲۱-۳۰ سال	۲۳	۴۳.۴	۶۰.۵	۱۰۰.۰
جمع	۳۸	۷۱.۷	۱۰۰.۰	
بی جواب	۱۵	۲۸.۳		
جمع کل	۵۳	۱۰۰.۰		

ملاحظه می‌شود ۶۰ درصد پاسخگویان ۲۱ سال به بالا، ۲۳.۷ درصد ۱۱ سال به بالا و ۱۵.۸ درصد بین ۱ تا ۱۰ سال سابقه خدمت مورد نظر را در منطقه دارند، لذا نمونه آماری از حیث سال خدمت برای پاسخگویی به موضوع تحقیق تناسب قابل قبولی دارد.

جدول ۹ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر آشنائی با منطقه شمال غرب

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	آشنائی با منطقه شمال غرب
۹۰.۶	۹۰.۶	۵۴.۷	۲۹	۱۰-۱ سال
۱۰۰.۰	۹.۴	۵.۷	۳	۲۰-۱۱ سال
	۱۰۰.۰	۶۰.۴	۳۲	جمع
		۳۹.۶	۲۱	بی جواب
		۱۰۰.۰	۵۳	جمع کل

ملاحظه می‌شود ۶۱ درصد پاسخگویان ۲۱ سال به بالا، ۲۲ درصد ۱۱ سال به بالا هستند، لذا نمونه آماری از حیث سال خدمت برای پاسخگویی به موضوع تحقیق تناسب قابل قبولی دارد.

جدول ۱۰ - توزیع فراوانی رابطه بین مؤلفه‌های آمایش سرزمین و توسعه امن

آمایش سرزمین		آمایش سرزمین	
۷۵۵۴۵.	انحراف معیار	۴۷	تعداد
۳۸۸	دامنه تغییرات	۶	بی جواب
۲۸۲	حداقل	۵.۵۷۳۲	میانگین
۶.۷۱	حداکثر	۵.۷۰۵۹	میانه
		۵.۶۵	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخ‌گویان به متغیر مؤلفه‌های آمایش سرزمین ۵.۵۷ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است. که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های آمایش سرزمین در حد زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

جدول ۱۱ - توزیع فراوانی اصول پدافند غیرعامل و توسعه امن

پدافند غیرعامل		پدافند غیرعامل	
۶۶۸۲۵.	انحراف معیار	۵۴	تعداد
۳.۴۰	دامنه تغییرات	۶	بی جواب
۳.۵۳	حداقل	۵.۷۶۱۵	میانگین
۶.۹۳	حداکثر	۵.۸۰۰۰	میانه
		۵.۸۰	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخگویان به متغیر مؤلفه‌های آمایش سرزمین ۵.۷۶ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است. که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های پدافند غیرعامل در حد تقریباً زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

جدول ۱۲ - توزیع فراوانی عوامل جغرافیایی و توسعه امن

عوامل جغرافیایی		عوامل جغرافیایی	
۶۶۸۰۳.	انحراف معیار	۴۶	تعداد
۲.۷۹	دامنه تغییرات	۷	بی جواب
۴.۱۱	حداقل	۵.۵۳۰۹	میانگین
۶.۸۹	حداکثر	۵.۵۷۸۹	میانه
		۵.۵۸	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخگویان به متغیر عوامل جغرافیایی ۵.۵۱ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است. که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های عوامل جغرافیایی در حد تقریباً زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

جدول ۱۳ - توزیع فراوانی متغیر عناصر فضایی و عناصر غیر فضایی و توسعه امن

عناصر فضایی و غیر فضایی		عناصر فضایی و غیر فضایی	
۶۹۶۴۳.	انحراف معیار	۴۹	تعداد
۳.۳۱	دامنه تغییرات	۴	بی جواب
۳.۶۹	حداقل	۵.۷۰۰۲	میانگین
۷.۰۰	حداکثر	۵.۷۶۹۲	میانه
		۶.۲۳	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخگویان به متغیر عناصر فضایی و غیر فضایی ۵.۶۸ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است، که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های عناصر فضایی و عناصر غیر فضایی در حد تقریباً زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

جدول ۱۴ - توزیع فراوانی تأثیر متغیر تهدیدات و توسعه امن

تهدیدات		تهدیدات	
۸۵۸۷۴.	انحراف معیار	۴۸	تعداد
۳.۴۰	دامنه تغییرات	۵	بی جواب
۳.۶۰	حداقل	۵.۵۲۰۸	میانگین
۷.۰۰	حداکثر	۵.۵۰۰۰	میانه
		۶.۱۰	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخگویان به تأثیر متغیر تهدیدات ۵.۲۷ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است. که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های تهدیدات در حد تقریباً زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

جدول ۱۵ - توزیع فراوانی تأثیر متغیر عوامل ژئوپلیتیک و توسعه امن

عوامل ژئوپلیتیک		عوامل ژئوپلیتیک	
۷۳۷۹۹.	انحراف معیار	۵۱	تعداد
۳.۴۰	دامنه تغییرات	۲	بی جواب
۳.۵۰	حداقل	۵.۸۷۶۵	میانگین
۶.۹۰	حداکثر	۵.۹۰۰۰	میان
		۵.۱۰ (a)	نما

ملاحظه می‌شود میانگین نمره پاسخگویان به تأثیر متغیر عوامل ژئوپلیتیک ۵.۹۲ است که این رقم از نمره متوسط طیف (۴) بالاتر است. که نشان‌دهنده آن است که از نظر پاسخگویان شاخص‌های عوامل ژئوپلیتیک در حد تقریباً زیاد در نیل به توسعه پایدار و امن مؤثر است.

#### ۶ - تحلیل داده‌ها

##### آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه سؤالات مقیاس‌ها در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، پس از تجمیع، مشخصات یک متغیر فاصله‌ای را پیدا می‌نمایند، اما برای اینکه بتوان از آماره‌های پارامتریک استفاده کرد، آزمون نرمالیته محاسبه شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۶ - آزمون تست نرمالیته (کولموگروف - اسمیرنف) متغیرهای تحقیق

عوامل ژئوپلیتیک	تهدیدات	فضا و غیر فضاء	عوامل جغرافیایی	پدافند غیر عامل	آمایش سرزمین	
۵۱	۴۸	۴۹	۴۶	۴۵	۴۷	فراوانی
۵.۸۷۶۵	۵.۵۲۰۸	۵.۷۰۰۲	۵.۵۳۰۹	۵.۷۶۱۵	۵.۵۷۳۲	میانگین
۷۳۷۹۹.	۸۵۸۷۴.	۶۹۶۴۳.	۶۶۸۰۳.	۶۶۸۲۵.	۷۵۵۴۵.	انحراف معیار
۹۵۳.	۷۴۹.	۶۵۴.	۵۷۵.	۱.۰۷۴	۹۲۳.	آماره Z
۳۲۳.	۶۲۹.	۷۸۵.	۸۹۵.	۱۹۹.	۳۶۱.	معنی داری

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف (تست نرمالیته) نشان می‌دهد که معنی داری به دست آمده برای همه متغیرها از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ بزرگتر است و این بدان معنی است که توزیع‌های مقیاس‌ها از منحنی توزیع نرمال تبعیت می‌کند و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک را فراهم می‌کند.

یکی از مؤلفه‌های فرضیه ۳: آمایش سرزمین در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

جدول ۱۷ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره آمایش سرزمین

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۴۶	۱۴.۲۷۷	۵.۵۷۳۲	۴۷	آمایش سرزمین

ملاحظه می‌شود، معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است، میانگین نمره آزمون ۵.۵ از نمره گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که متغیر آمایش سرزمین در ترسیم الگوی آمایش سرزمین در حد زیاد برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور تأثیر دارد.

یکی از مؤلفه‌های فرضیه ۲: پدافند غیرعامل در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

جدول ۱۸ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره پدافند غیرعامل

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۴۴	۱۷.۶۸۲	۵.۷۶۱۵	۴۵	پدافند غیرعامل

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است و میانگین محاسبه شده، ۵.۷۶ از گزینه متوسط (۴) بالاتر است، لذا با اطمینان ۹۹

درصد می توان گفت که متغیر پدافند غیرعامل درحد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است.

**یکی از مؤلفه های فرضیه ۱:** عوامل جغرافیایی در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

**جدول ۱۹ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره عوامل جغرافیایی**

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۴۵	۱۵.۵۴۳	۵.۵۳۰۹	۴۶	عوامل جغرافیایی

ملاحظه می شود که معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است و میانگین نمره متغیر ۵.۵۳ است و این میانگین از گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که متغیر عوامل جغرافیایی در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است.

**یکی از مؤلفه های فرضیه ۲:** متغیرهای فضایی و غیر فضایی در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

**جدول ۲۰ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره عناصر فضایی و غیر فضایی**

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۴۸	۱۷.۰۸۹	۵.۷۰۰۲	۴۹	عناصر فضایی و غیر فضایی

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیر ۵.۷۰ است که از گزینه متوسط بالاتر است، لذا با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که متغیرهای عناصر فضایی و غیر فضایی در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است.

یکی از مؤلفه‌های فرضیه ۱: تهدیدات برون مرزی در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

جدول ۲۱ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره تهدیدات برون مرزی

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۴۷	۱۲.۲۷۰	۵.۵۲۰۸	۴۸	تهدیدات

ملاحظه می‌شود که معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیر ۵.۵۲ است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که متغیر تهدیدات برون مرزی در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است.

یکی از مؤلفه‌های فرضیه ۲: عوامل ژئوپلیتیک در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور مؤثر است.

جدول ۲۲ - آزمون فرض تی استیودنت یک متغیره عوامل ژئوپلیتیک

معنی داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	فراوانی	
۰۰۰.	۵۰	۱۸.۱۵۸	۵.۸۷۶۵	۵۱	عوامل ژئوپلیتیک

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیر ۵.۸۷ است که از گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که متغیر عوامل ژئوپلیتیک در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است.

یکی از مؤلفه‌های فرضیه ۳: بین عوامل شش‌گانه مؤثر در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه امن و پایدار در کشور از لحاظ میزان تأثیر تفاوت معنادار وجود دارد.



**آزمون فرضیه‌ها و پاسخ به سئوالات اصلی و فرعی تحقیق:**

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد در همه مؤلفه‌ها و فرضیه‌ها کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیرها ۵.۸۷ است که از گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که متغیر عوامل و مؤلفه‌های احصاء شده از سئوالات اصلی و فرعی و فرضیه‌های ۳ تا ۳۱ در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است و لذا به صورت قطع و یقین از تحلیل داده‌های فوق با ضریب اطمینان ۹۹ درصد فرضیه‌های سه‌گانه تأیید شده است.

**جدول ۲۳ - آزمون فرض فریدمن برای تعیین میزان تأثیر متغیرهای شش‌گانه**

۳۷	فراوانی
۱۵.۸۴۴	آماره کای اسکوئر
۵	درجه آزادی
۰.۰۰۷	معنی داری

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد کمتر است، بدین معنی که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، متغیرهای شش‌گانه تحقیق از نظر ترتیب تأثیر با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارند و ترتیب تأثیر هریک از آنها در جدول زیر آمده است.

**جدول ۲۴ - آزمون فرض فریدمن و ترتیب تأثیر متغیرهای شش‌گانه**

۴.۴۱	عوامل ژئوپلیتیک
۳.۹۴	پدافند غیرعامل
۳.۸۲	عناصر فضایی و غیرفضایی
۳.۲۹	آمایش سرزمین
۳.۰۴	عوامل جغرافیایی
۲.۴۹	تهدیدات

ملاحظه می‌شود عوامل ژئوپلیتیک بالاترین میزان تأثیر و پس از آن به ترتیب پدافند غیرعامل، متغیرهای فضایی و غیر فضایی، آمایش سرزمین، عوامل جغرافیایی و تهدیدات برون مرزی بیشترین تأثیر را در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشوردارا هستند.

### بررسی رابطه معنی‌داری بین مؤلفه‌های عمده و متغیرهای تحقیق

برای بررسی امکان رابطه معنی‌دار بین مؤلفه‌های عمده و متغیرهای تحقیق از روش آزمون فرضیه فریدمن استفاده می‌کنیم و میزان، نحوه و کیفیت میزان معنی‌داری رابطه را بین متغیرهای تحقیق بررسی و به شرح زیر ارائه می‌گردد:

#### بررسی رابطه بین متغیرها

۱ - بین متغیر پدافند غیرعامل و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۲۵ - آزمون  $\chi^2$  پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای پدافند غیرعامل و آمایش سرزمین

پدافند غیرعامل	آمایش سرزمین
ضریب همبستگی	۸۳۹ (**)
معنی داری	۰۰۰.
فراوانی	۴۳

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می‌شود، این رابطه با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، مستقیم و ضریب همبستگی آن، ۸۳۹. قوی است.

۲ - بین متغیر عوامل جغرافیایی و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۲۶ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل جغرافیایی و آمایش سرزمین

عوامل جغرافیایی	آمایش سرزمین
ضریب همبستگی	۳۶۰(*)
معنی داری	۰۱۶.
فراوانی	۴۴

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می‌شود، با اطمینان ۹۵ درصد این رابطه وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و ضریب همبستگی آن، ۳۶۰. ضعیف است.

۳ - بین متغیر فضایی و غیر فضایی و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۲۷ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیر عناصر فضایی و غیر فضایی و آمایش سرزمین

عناصر فضایی و غیر فضایی	آمایش سرزمین
ضریب همبستگی	۴۱۶(**)
معنی داری	۰۰۴.
فراوانی	۴۵

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می‌شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۴۱۶(\*\*) در حد متوسط است.

۴ - بین متغیر تهدیدات برون مرزی و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۲۸ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای تهدیدات برون مرزی و آمایش سرزمین

آمایش سرزمین	تهدیدات
۲۵۳.	ضریب همبستگی
۱۰۱.	معنی داری
۴۳	فراوانی

معنی داری آزمون از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد بزرگتر است، لذا نمی توان فرض صفر را رد نمود. این بدان معنی است که با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت، بین این دو متغیر همبستگی وجود ندارد.

۵ - بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۲۹ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین

آمایش سرزمین	عوامل ژئوپلیتیک
۱۳۱.	ضریب همبستگی
۳۸۶.	معنی داری
۴۶	فراوانی

معنی داری آزمون از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد بزرگتر است، لذا نمی توان فرض صفر را رد نمود. این بدان معنی است که با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت، بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین همبستگی وجود ندارد.

۶ - بین متغیر عوامل جغرافیایی و پدافند غیرعامل همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۰ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل جغرافیایی و پدافند غیرعامل

عوامل جغرافیایی	پدافند غیرعامل
۵۵۴. (**)	ضریب همبستگی
۰۰۰.	معنی داری
۴۱	فراوانی

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۵۴ (\*\*\*) در حد متوسط است.

۷ - بین متغیر پدافند غیرعامل و متغیرهای عناصر فضایی و غیر فضایی همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۱ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای پدافند غیرعامل و متغیرهای فضایی و غیر فضایی

پدافند غیرعامل	عناصر فضایی و غیر فضایی
ضریب همبستگی	۵۸۱ (***)
معنی داری	۰۰۰
فراوانی	۴۴

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۸۱ (\*\*\*) در حد متوسط است.

۸ - بین متغیر پدافند غیرعامل و تهدیدات برون مرزی همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۲ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای پدافند غیرعامل و تهدیدات برون مرزی

پدافند غیرعامل	تهدیدات
ضریب همبستگی	۳۰۹
معنی داری	۰۵۲
فراوانی	۴۰

معنی داری آزمون از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد بزرگتر است، لذا نمی توان فرض صفر را رد نمود. این بدان معنی است که با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت، بین متغیر پدافند غیرعامل و تهدیدات برون مرزی همبستگی وجود ندارد.

۹ - بین متغیر پدافند غیرعامل و عوامل ژئوپلیتیک همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۳ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و پدافند غیرعامل

عوامل ژئوپلیتیک	پدافند غیرعامل
۳۶۸(*)	ضریب همبستگی
۰۱۵.	معنی داری
۴۳	فراوانی

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، با اطمینان ۹۵ درصد این رابطه وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۳۶۸(\*) ضعیف است.

۱۰ - بین متغیر عوامل جغرافیایی و فضا و غیر فضا همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۴ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و عناصر

فضایی و غیر فضایی

عناصر فضایی و غیر فضایی	عوامل جغرافیایی
۵۹۲(**)	ضریب همبستگی
۰۰۰.	معنی داری
۴۴	فراوانی

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۸۱(\*\*) در حد نسبتاً قوی است.

۱۱ - بین متغیر عوامل جغرافیایی و تهدیدات برون مرزی همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۵ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل جغرافیایی و

تهدیدات برون مرزی

تهدیدات	عوامل جغرافیایی
۵۶۰. (**)	ضریب همبستگی
۰۰۰.	معنی داری
۴۳	فراوانی

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، لذا فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۶۰. (\*\*). در حد نسبتاً قوی است.

۱۲ - بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۶ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و آمایش

سرزمین

عوامل ژئوپلیتیک	عوامل جغرافیایی
۵۸۸. (**)	ضریب همبستگی
۰۰۰.	معنی داری
۴۵	فراوانی

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، لذا فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۸۸. (\*\*). در حد نسبتاً قوی است.

۱۳ - بین متغیر تهدیدات برون مرزی و عناصر فضایی و غیر فضایی همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۷ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و عناصر فضایی و غیر فضایی

تهدیدات	عناصر فضایی و غیر فضایی
ضریب همبستگی	۴۴۸ (***)
معنی داری	۰۰۲.
فراوانی	۴۴

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، لذا فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می-شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۴۴۸ (\*\*\*) در حد متوسط است.

۱۴ - بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و فضا و غیر فضا همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۸ - آزمون I پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و عناصر فضایی و غیر فضایی

عوامل ژئوپلیتیک	عناصر فضایی و غیر فضایی
ضریب همبستگی	۵۴۴ (***)
معنی داری	۰۰۰.
فراوانی	۴۷

با توجه به اینکه معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، لذا فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می-شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۵۴۴ (\*\*\*) در حد نسبتاً قوی است.



۱۵ - بین متغیر عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین همبستگی معنادار وجود دارد.

جدول ۳۹ - آزمون ۲ پیرسن و معناداری رابطه همبستگی بین متغیرهای عوامل ژئوپلیتیک و آمایش سرزمین

تهدیدات	عوامل ژئوپلیتیک
۴۵۷ (***)	ضریب همبستگی
۰۰۱.	معنی داری
۴۸	فراوانی

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و ۰.۰۱ درصد کوچکتر است، لذا فرض صفر رد و فرض اصلی (وجود همبستگی بین دو متغیر) پذیرفته می شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه مستقیم و شدت آن، ۴۵۷ (\*\*\*) در حد متوسط است.

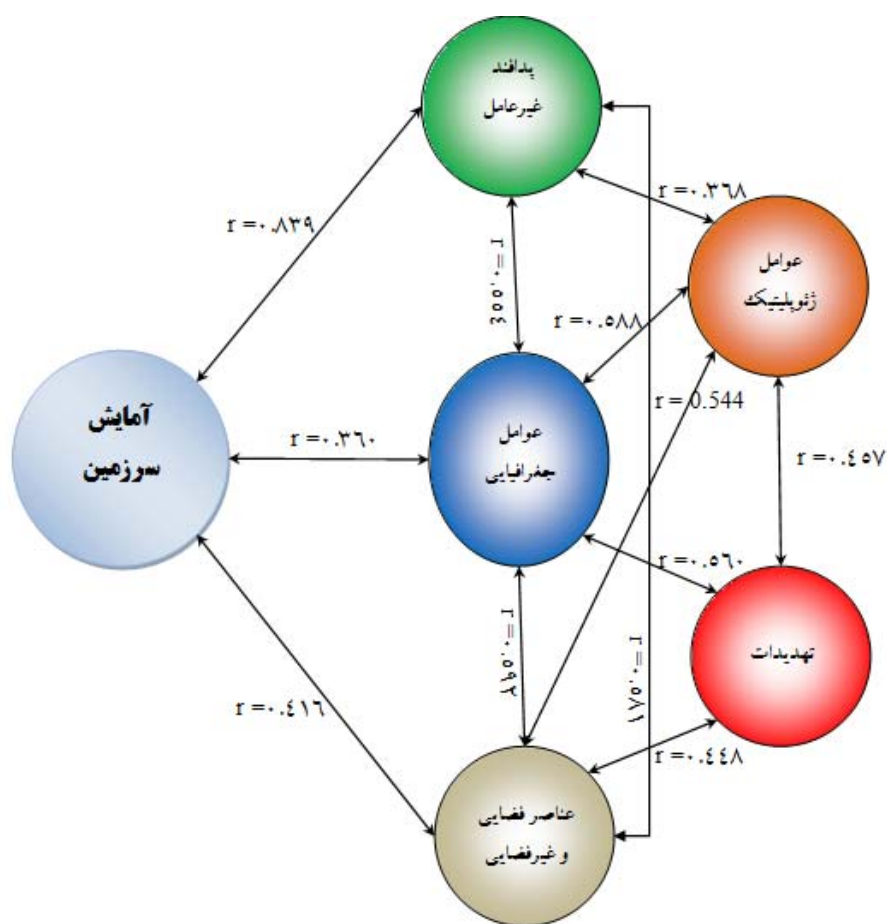
#### نتیجه تحقیق

معنی داری محاسبه شده از معنی داری در سطح آلفای ۰.۰۵ درصد و حتی ۰.۰۱ درصد در همه مؤلفه‌ها و فرضیه‌ها کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیرها ۵.۸۷ است که از گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که متغیر عوامل و مؤلفه‌های احصاء شده از سئوالات اصلی و فرعی و فرضیه‌های ۱ تا ۳ در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است و لذا می توان به صورت قطع و یقین از تحلیل داده‌های فوق با ضریب اطمینان ۹۹ درصد فرضیه‌های سه گانه تأیید شده است. به بیان دیگر نتیجه تحقیق را می توان به شرح زیر ارائه کرد:

بین مؤلفه‌های اصول پدافند غیرعامل، عناصر جغرافیایی نظامی و ژئوپولیتیک، تهدیدات و عناصر فضایی و غیرفضایی با آمایش سرزمین رابطه معنادار و تنگاتنگی وجود دارد.

### الگوی بهینه آمایش سرزمین

با توجه به آزمون‌های انجام شده و همبستگی بین متغیرها، این الگوی بهینه آمایش سرزمین به صورت نمودار ۱ حاصل شده است.



نمودار ۱ - بیان همبستگی بین متغیرهای تحقیق

معنی‌داری محاسبه شده از معنی‌داری در سطح آلفای  $0.05$  درصد و حتی  $0.01$  درصد در همه مؤلفه‌ها و فرضیه‌ها کمتر است، میانگین نمره پاسخگویان به این متغیرها  $5.87$  است که از

گزینه متوسط بالاتر است، لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که متغیر عوامل و مؤلفه‌های احصاء شده از سئوالات اصلی و فرعی و فرضیه‌های ۱ تا ۳ در حد زیاد در ترسیم الگوی آمایش سرزمین برای نیل به توسعه پایدار و امن در کشور مؤثر است و لذا می‌توان به صورت قطع و یقین از تحلیل داده‌های فوق با ضریب اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفت و فرضیه‌های سه‌گانه را تایید شده تلقی کرد. از نتایج الگوی فوق، برای ارائه راهبردهای امنیتی، توسعه‌ای و دفاعی منطقه شمال غرب کشور استفاده شده است.

## منابع

## الف) فارسی

- ۱ - آئین‌نامه اجرایی بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه، (۱۳۸۴).
- ۲ - آئین‌نامه حریم امنیتی اماکن نظامی و انتظامی، ستاد کل نیروهای مسلح.
- ۳ - آخوندی، محمداصداق، جزوه تهدیدات و تکنولوژی تهدید، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مرکز پژوهش‌ها.
- ۴ - اطلاعات عملیات ستاد مشترک سپاه، (۱۳۸۶)، بررسی تهدیدات داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران.
- ۵ - پاپلی‌یزدی، محمدحسین، (۱۳۷۲)، «تمرکزگرایی و عدم تمرکز گرایی و اثرات آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹، تابستان.
- ۶ - پرابنده، غلام‌عباس، (۱۳۶۲)، مقدمه‌ای بر مطالعات آمایش سرزمین، کرمان: سازمان برنامه و بودجه.
- ۷ - پولاددژ، محمد، (۱۳۷۳)، اصول و مبانی آمایش سرزمین در بخش صنعت، تهران: شرکت شهرک‌های صنعتی ایران.
- ۸ - تأسیسات حساس و استراتژیک زیرزمینی، (۸۳/۳/۱۹)، همایش پدافند غیرعامل نیروهای مسلح.
- ۹ - توفیق، فیروز، (۱۳۸۴)، «آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع موجود»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۰ - توفیق، فیروز، صدیقیان، ایران، (پاییز ۱۳۷۴)، «کشاورزی در طرح کالبدی ملی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، شماره ۱۱.
- ۱۱ - توفیق، فیروز، طرح ریزی کالبدی در ایران و محورهای اصلی آن، اصفهان: مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی طرح ریزی کالبدی (ملی و منطقه‌ای)، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۲ - جدی‌اصغریان، احمد، (۱۳۸۷)، الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار، پایان‌نامه دکترا، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳ - جزوه ترویجی حوزه‌های کاربردی دفاع غیرعامل، همایش پدافند غیرعامل، (۱۳۸۴)، ستاد مشترک سپاه.
- ۱۴ - جلالی، غلامرضا و همکاران، (۱۳۸۴)، کتاب بررسی جنگهای آینده، دانشکاه عالی دفاع ملی.
- ۱۵ - جلالی، غلامرضا، (۱۳۸۵)، جزوه آموزشی بررسی تهدیدات، دانشگاه دفاع ملی.
- ۱۶ - جلالی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، استراتژی پدافند غیرعامل، همایش پدافند غیرعامل، مقاله، مجله اسوه، بسیج مهندسين.
- ۱۷ - جمالی، (۱۳۸۴)، بررسی اقتصادی آمریکا با رویکرد جنگ آینده، دانشگاه دفاع ملی.
- ۱۸ - حافظ‌نیا، محمدرضا، (اردیبهشت ۱۳۷۳)، «شناخت عوامل فقر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی<sup>(ع)</sup> با تأکید بر مناطق جغرافیایی کشور»، نشر کمیته امداد امام خمینی.

- ۱۹ - حافظنیا، محمدرضا، ساختار فضایی نظری برای سازمان دفاعی کشور.
- ۲۰ - خانی، فسیله، (زمستان ۱۳۷۱)، «نگرش فضایی در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲۷.
- ۲۱ - رزم‌خواه، محمدرضا، (۱۳۸۴)، استراتژی جامع جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات آینده، دانشگاه دفاع ملی.
- ۲۲ - رزم‌خواه، محمدرضا، (۱۳۸۵)، بررسی تکنولوژیکی آمریکا با رویکرد جنگ آینده، دانشگاه دفاع ملی.
- ۲۳ - روزنامه کیهان، ۱۵ فروردین ۱۳۸۶.
- ۲۴ - زمانی، هوشنگ، (۱۳۷۵)، «سازماندهی روش‌های اجرایی طرح محو فقر از کشور جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقرزدایی.
- ۲۵ - زیاری، کرامت‌ا...، (۱۳۷۷)، «مدل‌های تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸.
- ۲۶ - سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۶۶)، معاونت امور مناطق، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، چارچوب کلی مطالعات جامع توسعه استان.
- ۲۷ - سازمان برنامه و بودجه، (تابستان ۱۳۷۸)، مروری به تجارب آمایش سرزمین در دیگر کشورها، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین، پیوست کتاب اول، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، جلد ۷.
- ۲۸ - سازمان پدافند غیرعامل کشور، اصول پدافند غیرعامل، نشریه شماره ۱.
- ۲۹ - سازمان پدافند غیرعامل کشور، (۱۳۸۶)، سند راهبردی، ویرایش اول.
- ۳۰ - سازمان پدافند غیرعامل کشور، (۱۳۸۷)، راهنمای جامع پدافند غیرعامل استانها.
- ۳۱ - سازمان پدافند غیرعامل کشور، تعاریف، واژه‌ها و دستورالعملهای پدافند غیرعامل.
- ۳۲ - سافیر، مایکل، تحلیل چند بعدی برنامه‌ریزی، توسعه و سازماندهی فضایی، واحد برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه لندن.
- ۳۳ - ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، رکن دوم، (۱۳۸۶)، بررسی منطقه عملیات منطقه آذربایجان.
- ۳۴ - سخنان مقام معظم رهبری در آبان ۱۳۸۶.
- ۳۵ - سخنان مقام معظم رهبری، اول فروردین ۱۳۸۶، مشهد مقدس،
- ۳۶ - سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۳۷ - طیبیان، محمد، (۱۳۷۸)، اقتصاد ایران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۳۸ - غازی، ایران، (۱۳۷۱)، «مفهوم آمایش سرزمین و رابطه آن با تحلیل‌های جغرافیایی توسعه»، طرح‌ریزی کالبدی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۳۹ - فولادی، محمد حسن، (۱۳۸۱)، مجله پیام مدیران فنی و اجرایی شماره ۷.
- ۴۰ - فیروزنیا، قدیر، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۲)، جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران.
- ۴۱ - کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات جلد ۱ تا ۳ ترجمه علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۴۲ - کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۴)، گفتگوهای با مانوئل کاستلز و مارتین اینس، ترجمه حسن چاوشیان، لیلا جوافشانی، تهران: نشر نی.
- ۴۳ - کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، مترجم: احد علیقلیان، افشین خاکباز، اقتصاد، جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات،

تهران: انتشارات طرح نو.

- ۴۴ - کاظمی، علی اصغر، (۱۳۶۹)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران، چاپخانه پیک ایران.
- ۴۵ - گروه معماری و مکان‌یابی، «معماری، شهرسازی، مکان‌یابی»، (مهر ۱۳۸۳)، ستاد کل نیروهای مسلح، کمیته پدافند غیرعامل.
- ۴۶ - موحدی نیا، احمد، دفاع غیرعامل، دافوس سپاه.
- ۴۷ - موحدی نیا، جعفر، (۱۳۸۵)، مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل، مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- ۴۸ - مومنی، مصطفی، خصلت میان‌دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا، نشریه آموزش جغرافیا، شماره ۶۲.
- ۴۹ - مهندسین مشاور ستیران، (۱۳۵۴)، شناسایی نقاط گروهی، برنامه و بودجه تهران.
- ۵۰ - میرحیدر، دره، (۱۳۷۵)، «نقش سیاست عدم تمرکز در برنامه‌های عمران ملی»، مجموعه سخنرانی‌های چهارمین کنگره جغرافی دانان ایران.

#### ب) منابع انگلیسی

- 51 - Economic Commission for Europe,( 2008), Spatial Planning, Key Instrument for Development and Effective Governance, United Nation, New York and Geneva.
- 52 - Gardiner,( 2008), Dangerous and getting more dangerous: the delicate situation between the us and Iran, a Gentry report.
- 53 - Ministry of Agriculture and Land Affairs,( July 2001), white paper on Spatial Planning and Spatial management.
- 54 - Moteff J, Copeland c,( 2003), Critical Infrastructures: what makes an Infrastructure Critical, Report for Congress.
- 55 - National Tsunami Hazard Mitigation Program,( March 2001), Designing for Tsunami's.
- 56 - Shaw David and Sicks Oliver, (2002), factors Interactions in Spatial Planning: case study of UK.
- 57 - Welsh Assembly Government, (2002), Wales Spatial Planning Plan.

## طراحی الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون

سید عباس کاظمی<sup>۱</sup>  
سیاوش نصرت پناه<sup>۲</sup>  
جمشید صالحی صدقیانی<sup>۳</sup>  
احمد جعفری<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۱۴

صفحات مقاله: ۴۷-۷۷

### چکیده

هرچند مفهوم نبرد ناهمگون به تازگی در ادبیات نظامی راهبردی دنیا خصوصاً غرب وارد شده است ولی مطالعه کتاب‌های تاریخ نبردها نشان می‌دهد مفهوم نبرد ناهمگون ریشه در ادبیات کهن دفاعی دارد. هدف این پژوهش طراحی الگوی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون است که همه فعالیت‌های مرتبط با جریان کالا و تبدیل مواد، از مرحله تهیه ماده اولیه تا مرحله تحویل کالای نهایی به مصرف‌کننده نهایی را شامل می‌شود. فرضیه اصلی پژوهش به این صورت است که الگوی آماد و پشتیبانی نبرد در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد آمیزه‌ای از سیستم‌های آماد و پشتیبانی ناب، مجازی، یکپارچه و چالاک می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف توصیفی تحلیلی و از نظر جهت‌گیری کاربردی و از نظر راهبرد با روش پیمایشی انجام شده است. تبیین روابط بین متغیرهای اصلی پژوهش و شاخص‌های اثرگذار بر هر متغیر از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بیانگر این است که الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی نبرد در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد، آمیزه‌ای از سیستم‌های آماد و پشتیبانی ناب، مجازی و چالاک می‌باشد و از سیستم آماد و پشتیبانی یکپارچه نمی‌توان استفاده کرد.

۱ - استادیار گروه مدیریت دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>.

۲ - استادیار گروه مدیریت دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>.

۳ - دانشیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبایی<sup>(ع)</sup>.

۴ - دانشجوی دکتری مدیریت سیستم های دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>.

## کلید واژگان

آماد و پشتیبانی، نبرد ناهمگون، آماد و پشتیبانی ناب، آماد و پشتیبانی یکپارچه، آماد و پشتیبانی مجازی، آماد و پشتیبانی چالاک.

## مقدمه

امروز دنیا شاهد تحولات چشمگیری در بخش‌های مدیریت آماد و پشتیبانی نظامی است. به طور کلی هدف این تحولات علاوه بر افزایش دقت و سرعت، کاهش هزینه‌ها است. تهدیدات امروز پیچیدگی بیشتری داشته و شاهد بکارگیری تجهیزات پیچیده در سازمان‌های نظامی هستیم که گریزی از آنها نیست.

در قرن بیست و یکم هیچ ملتی از تهدیدات ناهمگون در امان نیست. نبرد ناهمگون در زمانی حادث می‌شود که طرفین یک درگیری از قابلیت‌ها و نظام‌های ارزشی کاملاً متفاوتی چه از نظر هدف و چه از نظر تجهیزات برخوردار باشند. با توجه به تهدیدات موجود لازم است تا توانایی‌های نبرد ناهمگون را توسعه دهیم. توانایی‌های توسعه یافته ای در نبرد ناهمگون می‌توانند یک کشور را به حدی قدرتمند نمایند که امنیت دراز مدت آن تضمین شود. این عوامل و تحولات نظامی، اقتصادی و سیاسی جهان به ما مدیریت آماد و پشتیبانی را دیکته می‌کند تا بتوانیم قدرت مقابله با دشمن را در جبهه‌های مختلف داشته باشیم. در تمامی بخش‌های آماد و پشتیبانی در یک سازمان باید ارزشی جریان یابد که هدف نهایی آن افزایش و بهبود شاخص‌های توان رزم است و این حرکت باید همواره در جهت کمال ادامه یابد و هیچ چیز مانع این امر خطیر نگردد. پاسخگویی مؤثر در زمان نبرد و صلح از خصوصیات یک نظام آماد و پشتیبانی کارآمد است و عدم پاسخگویی به آن صدمات غیرقابل جبرانی را به سازمان وارد خواهد کرد.

اهمیت این پژوهش هنگامی دو چندان می‌شود که ویژگی‌های آماد و پشتیبانی را مد نظر قرار داده و بهترین مدل را برای بروز احتمالی نبرد ناهمگون بعنوان ابزاری کارآمد برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بکار گرفته شود. با بررسی‌های انجام شده به‌رغم اهمیت



فراوان طراحی الگوی آماد و پشتیبانی در نبرد ناهمگون، تاکنون پژوهش‌های بسیار محدود در این خصوص انجام شده است. مسایل و مشکلات این پدیده، مسایل پیچیده، درهم تنیده و چندبعدی است که در این مقاله به صورت روش‌مند و نگاهی ژرفانگر به ابعاد گسترده و پیچیده این مهم می‌پردازیم.

### بیان مسأله

لجستیک تابعی از شیوه جنگ است و وظیفه سیستم لجستیک ایجاد شرایط برپایی و مجرای پشتیبانی جهت کمک رسانی مطمئن مناسب به رزمندگان در انجام مأموریت‌های باشد؛ و نقش اساسی لجستیک جنگ ناهمگون در اجرای پشتیبانی صحیح و به موقع از یگان‌های پشتیبانی شونده ضرورتی دو چندان دارد. (توبین، ۲۰۰۵: ۱۰)

آنچه که محقق را به انجام این تحقیق ترغیب نموده ارائه الگویی راهبردی برای آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون با توجه به نیاز اساسی آماد و پشتیبانی نظامی در کشور است. در شرایط کنونی آماد و پشتیبانی نظامی از ساختاری کاملاً سنتی برخوردار است و به هیچ وجه توان پاسخگویی مناسب را در هنگام بروز احتمالی جنگ ناهمگون ندارد. در تمامی بخش‌های آماد و پشتیبانی باید ارزشی جریان یابد که هدف نهایی آن افزایش و بهبود شاخص‌های توان رزم است و این حرکت باید همواره در جهت کمال ادامه یابد و هیچ چیز مانع این امر خطیر نگردد. پاسخگویی مؤثر در جنگ از خصوصیات یک آماد و پشتیبانی کارآمد است و عدم پاسخگویی به آن صدمات غیرقابل جبرانی به سازمان وارد خواهد کرد. در این شرایط هرچه منابع بیشتری به سیستم آماد و پشتیبانی اختصاص یابد باز سازمان با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد. زیرا با توجه به محدودیت بودجه، بهترین سرمایه گذاری‌ها چون ناشی از نگاه سنتی به آماد و پشتیبانی است پاسخ مناسبی نخواهد داشت.

بنابراین کدام یک از الگوهای راهبردی آماد و پشتیبانی برای آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون مناسب است؟ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون کدام است؟ روابط هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن با

یکدیگر چگونه است؟ و در نهایت سهم هریک از آنها چقدر است؟ همه این سؤال‌ها بیانگر وجود ابهاماتی اساسی در سیستم آماد و پشتیبانی نظامی است. در این پژوهش محقق با ارائه الگوی مناسب برای آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون به دنبال پاسخی منطقی و کاربردی به سؤالات فوق می‌باشد.

### مروری بر ادبیات تحقیق

لجستیک پل ارتباطی میان امکانات اقتصادی ملی با سازمان نظامی و کارکردهای وسیعی از فعالیت‌ها، سیستم‌ها و روش‌های مدیریتی، سازمانی و اجرایی است که از تولید کالا تا فروش، بازاریابی و رساندن آن بدست مصرف کننده را در بر می‌گیرد. "لجستیک خوب، به تنهایی نمی‌تواند باعث پیروزی در نبرد شود، اما لجستیک به تنهایی باعث شکست در نبرد خواهد شد." (گادفری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)

آماد و پشتیبانی به عنوان ستون فقرات تمام عملیات نظامی باید با شرایط تحمیلی نبرد ناهمگون مقابله کند. سیستم آماد و پشتیبانی باید قادر به رسیدگی به شرایط متغیر و متفاوت باشد این امر به معنی آن است که ساختار و توانایی‌های سیستم آماد و پشتیبانی باید به نحوی انعطاف پذیر باشد که تغییر در نیازمندی‌ها و انجام امور تأثیر منفی بر آن نداشته باشد. نبرد ناهمگون به حالتی از نبرد اطلاق می‌شود که دو یا چند جبهه مخالف در برابر هم قرار گرفته باشند. یکی از طرفین قدرت نظامی کمتری را نسبت به دیگری داشته باشد، و برای پیروزی و نه پذیرفتن تسلیم، از هر روشی خواه متعارف یا غیرمتعارف در تضعیف و عقب نشان دادن دشمن استفاده کند.

رویکرد ناهمگون نگرشی به نحوه مبارزه با دشمن است و می‌تواند کمبود تجهیزات یا دیگر کاستی‌ها را جبران کند. نبرد ناهمگون می‌تواند جنبه‌های گوناگونی را دربرگیرد: حمله

1 - Major Fredrick V. God Fry

شیمیایی، هسته‌ای یا بیولوژیک، حمله اطلاعاتی، حمله تبلیغاتی یا نبرد روانی و یا حتی اقتصادی. تروریسم نیز نوعی نبرد ناهمگون است که از سوی گروه‌های مخالف یا دول مخالف جهت نیل به اهداف استفاده می‌شود. (کیتن، ۲۰۰۳)

### سیستم‌های آماد و پشتیبانی در نبرد ناهمگون

لجستیک نبرد ناهمگون علم برنامه‌ریزی و اجرای جابجایی، حفظ و نگهداری نیروها است که قابلیت منابع اقتصادی یک کشور را بدون بجا گذاشتن ردپا به نیروهای نظامی آن در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد پیوند می‌زند. (لانگ فورد؛ ۱۹۹۵؛ پیترسن و همکاران، ۲۰۰۷؛ کارپ، ۲۰۰۹) چنین شرایطی از نبرد حالتی است که دویاچند جبهه مخالف تضاد منافع حیاتی یافته و یکی از طرفین درگیر، قدرت مقابله بسیار کمتری را از لحاظ منابع انسانی و منابع مادی نسبت به دیگری داشته باشد و برای پیروزی از هر روشی با واکنش سریع و سرسختی تمام با کمترین منابع، بیشترین بهره برداری را از نقاط ضعف دشمن برای عقب نشاندن او بنماید. (کیتن، ۲۰۰۳)

کارشناسان لجستیک نظامی به دلایل زیرکپی برداری از فرآیند بخش تجاری را برای لجستیک دفاعی مناسب‌تر می‌دانند:

- ۱ - بخش تجاری به مشتری نهایی (کاربر نهایی) بسیار حساس است و از اینرو، فرآیند آن بر اساس لجستیک چالاک بنا گردیده است.
- ۲ - بخش تجاری حول محور ارزش افزوده و سود بیشتر حرکت می‌کند و این امر موجب فرصت‌های اقتصادی بهتر و صرفه جویی بهتر در هزینه‌ها می‌گردد که اساس لجستیک ناب را تشکیل می‌دهد.
- ۳ - پیاده سازی فن آوری اطلاعات در بخش تجاری سریعتر از بخش نظامی بوده است که اساس لجستیک مجازی است و این امر موجب یکپارچگی هر چه بهتر زنجیره تامین گردیده است. اولین نیاز اساسی در دستیابی به زنجیره چالاک، مفهوم زنجیره لجستیک یکپارچه است. (دابلین، ۲۰۰۴: ۱۱)

### لجستیک ناب

امروزه شاهد رشد و شکوفایی علوم در شاخه‌های مختلف هستیم. روزگاری سرآمد بکارگیری دانش‌ها به خصوص در امر مدیریت و اداره سازمان‌ها، حوزه‌های نظامی بودند اما اکنون برنامه ریزی ایجاد رویکرد ناب و تکنیک‌های کنترل کاهش ضایعات از طریق بهبود در کار حاصل می‌شود. (لوندون، ۲۰۰۸: ۹۶)

ساختار ناب یک رویکرد نظام‌مند است که با بهبود مستمر به شناسایی و حذف زوائد (هر فعالیتی که ارزش افزوده‌ای به همراه نداشته) می‌پردازد تا نهایتاً رضایت مشتری حاصل گردد. ناب همواره در مورد فراهم آوردن چیزهای درست در مکان درست و در زمان درست و برای اولین مرتبه تلاش می‌کند. در صورتی که زوائد به حداقل ممکن برسد، اما همیشه باید آمادگی برای تغییر وجود داشته باشد. ناب می‌تواند معنی کمتر بودن خیلی چیزها باشد، زوائد کمتر، زمان طراحی کمتر، لایه‌های سازمانی کمتر و نیز پشتیبانی‌کنندگان کمتر و در بعضی موارد نیز معنی بیشتر می‌دهد، از جمله تفویض اختیار بیشتر به کارکنان، انعطاف‌پذیری بیشتر، قابلیت و توانمندی بیشتر، بهره‌وری بیشتر، خرسندی بیشتر مشتریان و به طور کلی ناب موفقیت در رقابت طولانی مدت است. تلاش رویکرد ناب سفارشی کردن حجم بالا تولید برای ارائه به مشتریان با دقت همان چیزی است که آنها در آن زمان می‌خواهند. سفارشی کردن افزایش انعطاف‌پذیری، کاهش ضایعات و بهبود جریان در امتداد زنجیره تامین است. بهبود جریان از طریق مدیریت و کنترل هر بازیگر در امتداد عرضه زنجیره است. مفهوم وابستگی بمحض یکپارچگی تامین کننده مواد خام به پیمانکاران فرعی مختلف عرضه کننده مواد یا اجزای تولید شده مشخص می‌شود. (لوندون، ۲۰۰۸: ۹۵)

سازمان‌ها برای تبدیل شدن به بنگاه اقتصادی ناب، باید بسترهای مناسب را جهت نهادینه شدن تفکر ناب در کلیه سطوح مهیا نمایند. نهادینه شدن این تفکر ارتباط تنگاتنگی با نوع نگرش و ارزش‌های حاکم بر سازمان و کارکنان آن دارد. ناب اندیشیدن باید در سازمان به یک فرهنگ تبدیل شود و بدانیم هر قدر التزام و تعهد افراد به ارزش‌های اساسی و محوری سازمان (نظیر ناب اندیشیدن) بیشتر باشد و اعضای بیشتری به این ارزش معتقد باشند آن فرهنگ و

ارزش قوی تر است و تأثیر بیشتری بر رفتار اعضای سازمان دارد. برای دستیافتن به لجستیک ناب باید مبادی ناکارایی (اتلاف) را در سیستم شناسایی کرده و به رفع آنها پرداخت. در این بخش به تعدادی از زوائد که از اهمیت بیشتری برخوردارند می‌پردازیم: (مورون، ۲۰۰۹: ۷)

- ارقام اضافی
- عیوب و دوباره‌کاری‌ها
- هزینه در مقابل رفع نیاز
- عدم هماهنگی اجزای سیستم بایکدیگر
- زمان انتظار
- عدم ساختار مناسب زیرسیستم‌ها و اجزای سیستم
- زائده فرآیند
- عدم شناخت اجزای سیستم از فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها و حیطه‌ها
- حمل‌ونقل
- پائین بودن بهره‌وری کار عناصر سیستم

#### لجستیک چالاک

چالاکي یک قابلیت گسترده تجاری است که شامل ساختارهای سازمانی، سیستم‌های اطلاعاتی، فرآیندهای لجستیک و به ویژه گروه‌های فکری می‌باشد. یک شاخص کلیدی سازمان چالاک، انعطاف‌پذیری آن است. در ابتدا تصور می‌شد که رسیدن به سیستم‌های تولید انعطاف‌پذیر (FMS)، از طریق اتوماسیون سیستم‌ها امکان‌پذیر است تا امکان تغییر سریع (یعنی کاهش زمان‌های تنظیم) را ایجاد کند و بنابراین باعث تغییرات بیشتر در ترکیب یا حجم محصول شود. بعدها، این ایده انعطاف‌پذیری تولید به یک مفهوم جامع‌تری توسعه یافت و مفهوم چالاکي به عنوان یک جهت‌گیری سازمانی، متولد شد. چالاکي به عنوان توانایی رشد و پیشرفت در یک محیط رقابتی و تغییر مستمر و غیرمنتظره، برای پاسخ سریع به سرعت بازار در حال تغییر مبتنی بر ارزش محصولات و خدمات هدایت شده توسط مشتری است. این سیستم کسب و کار آینده جایگزین کسب و کار تولید انبوه امروز شده است. (کید، ۲۰۰۶ مورون، ۲۰۰۹: ۲۱۹)

مبنای نظری لجستیک چالاک این است که زمان، بستری برای به هدر رفتن منابع اصلی لجستیک یعنی آمادها، بودجه و نیروی انسانی است. با آن‌که برخی از افراد تصور می‌کنند که در لجستیک چالاک همه چیز باید فدای سرعت جریان شود و هدف، تحویل سریع کالا و

خدمات به دست کاربران نهایی است، اما رقابت با زمان در اصل برای کاهش ضایعات نیز هست. منطق لجستیک به ما می‌گوید که کالا یا خدمات (پشتیبانی) را باید در زمان درست، در مکان درست و با هزینه قابل قبول به مشتری ارائه کرد. (دابلین، ۲۰۰۴: ۱۱)

یک سیستم چالاک قابل انعطاف، شدیداً قابل تنظیم، قابل جرح و تعدیل است و به آسانی با تغییرات محیطی پویا هماهنگ شده و توسعه می‌یابد. (کاوانگی یول، یانگ جون و مویونگ، ۲۰۰۳؛ وانگ، ۲۰۰۹: ۶۲۱)

واکنش سریع مشخصه منحصر به فرد لجستیک چالاک است. این مفهوم به معنی آن است که سیستم لجستیک به سرعت به نیازمندی‌ها پاسخ می‌دهد؛ به همین منظور، سیستم لجستیک چهارچوب زمانی بسیار محدودی را برای برآوردن تقاضاها دارد. زنجیره عرضه چالاک توانایی اختصاصی یا قابلیت‌های متمایزی دارند. (کوهن، ۲۰۰۴: ۱۱؛ شارپ و همکاران، ۱۹۹۹؛ کریستفر، ۲۰۰۰؛ گیاجتی و دیگران، ۲۰۰۳؛ تارنگ‌لین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۸۹)

این قابلیت‌ها عبارتند از چهار عنصر اصلی به شرح زیر:

- پاسخگویی: توانایی شناسایی تغییرات و عکس‌العمل سریع به آنها، واکنشی یا پیشگیرانه، و همچنین بهبود وضعیت آنها است؛
- مهارت: این توانایی نحو احسن و مؤثر تحقق اهداف سازمانی می‌باشد؛
- انعطاف / انطباق پذیری: این توانایی را به پیاده سازی فرآیندهای مختلف و درخواست امکانات مختلفی برای دستیابی به همان اهداف است
- سرعت عمل: توانایی برای تکمیل فعالیت در کوتاه ترین زمان است. (تارنگ لین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۸۹)

دلایل پیاده سازی زنجیره چالاک پرداختن به مأموریت اصلی، سبک کردن سازمان، کوتاه کردن کانال‌های لجستیکی، نداشتن دغدغه مالکیت، درست به موقع در مقابل حسب الاقتضاء است. چالاک می‌تواند به عنوان آمادگی مستمر موسسه مستقل به سرعت یا بطور ماندگار، پیشگیرانه یا واکنشی، تغییر پذیر، از طریق کیفیت برتر، سادگی، مؤلفه‌های اقتصادی و ارتباط با محیط تعریف شود. (فیتزجرالد و کونوی، ۲۰۰۱؛ مورون، ۲۰۰۹: ۳)

چالاکي به معنی برآوردن سریع، دقیق، مطمئن و مقرون بصرفه تقاضاست. سرعت جریان لجستیک در تک تک کارکردهای لجستیک با توجه به برنامه‌ریزی زمانبندی شده‌ای که برای انجام هر جزء کارکردی در آن کارکرد تعیین شده است تعیین می‌شود. با محاسبه سرعت جریان لجستیک می‌توان به مقایسه عملکرد فعلی و قبلی سیستم لجستیک نیز پرداخت. (توبین، ۲۰۰۳: ۹)

### لجستیک مجازی

لجستیک مجازی تبلور عینی طرح کلان فن آوری اطلاعات در لجستیک است. طرح کلان فن آوری اطلاعات در لجستیک بطور خلاصه به معنی بهره‌گیری و پیاده‌سازی سیستم‌های فن آوری اطلاعات جهت برقراری ارتباط میان عناصر تشکیل دهنده ساختار لجستیک (و نه الزاماً سیستم لجستیک) و حفظ یکپارچگی ایجاد شده میان آنان و توسعه همکاری‌های فی مابین آنها است. در عصر حاضر شاهد توسعه مفهوم و کاربرد مجازی در بسیاری از موضوعات هستیم. گاهی از سازمان‌های مجازی، دانشگاه مجازی، بیمارستان‌های مجازی، کارخانه مجازی، ذخیره‌سازی مجازی، فرآیند مجازی، حمل‌ونقل مجازی و... سخن به میان می‌آید. با ظهور اینترنت مفاهیم مجازی نیز قوت گرفته و به سرعت توسعه می‌یابند. مجمع اقتصاد جهانی، رقابت پذیری را مجموعه‌ای از برنامه‌ها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های حمایتی اقتصادی می‌داند که نرخ رشد اقتصادی را از یک وضعیت متوسط به وضعیت عالی ببرد. شول آنسل و همکارانش ده عامل: شاخص‌های جامع عملکرد دولت، محیط کلان اقتصادی، تکنولوژی و نوآوری، منابع انسانی، زیرساخت‌های عمومی، موسسات ملی، رقابت داخلی، توسعه خوشه‌ها، استراتژی و عملیات شرکت‌ها و محیط را برای ارزیابی رقابت پذیری کشورها استفاده می‌کنند. (اینسلا، ۲۰۰۷: ۱۸)

لجستیک مجازی مفهوم جدید در لجستیک است که زائیده فن آوری اطلاعات (IT) است. لجستیک مجازی بر فن آوری اینترنت استوار است. برخی از مفاهیم لجستیک مجازی

عبارتند از: بازار مجازی، فروشنده مجازی، مشتری مجازی، پول مجازی (دیجیتال)، معامله مجازی<sup>۱</sup> و عرضه مجازی می‌باشد. اهمیت استانداردهای تجارت الکترونیک و اطلاعات دیجیتال بین جریان‌های کسب و کار یکپارچه در حال افزایش است. (گروه تجارت الکترونیک، ۲۰۰۵؛ دیمیتریس، ۲۰۰۸:۹)

- به اعتقاد دانشگاه پوردو، تمرکز یکپارچگی سازمانی بر موارد زیر می‌باشد:
- ۱ - به اشتراک گذاری اطلاعات توسط واحدهای مهندسی، تولید، بازاریابی و کلیه گروه‌های پشتیبانی
  - ۲ - حذف کلیه فرآیندهای بدون ارزش افزوده در سازمان
  - ۳ - افزایش توان خدمت دهی سازمان به مشتری
  - ۴ - بهبود مدیریت دارایی (پوردو، ۲۰۰۱)

### خصوصیات سازمان‌های مجازی

برای سازمان‌های مجازی خصوصیتی برشمرده اند که در زیر به تعدادی از آنها به اجمال اشاره می‌شود:

- ۱ - نداشتن مرز مشخص: در حال حاضر بسیاری از سازمان‌ها قابلیت ارائه یک سرویس و یا تولید را به تنهایی ندارند و این نیاز به انعطاف، صرفاً توسط سازمان‌های کوچک قابل دستیابی است.
- ۲ - استفاده از منابع مشترک: یکی از مهمترین شاخصه‌های سازمان مجازی جمع شدن توان مالی و نیروی انسانی شرکت‌هایی است که این سازمان را تشکیل می‌دهند.
- ۳ - غیرمتمرکز بودن از نظر مکانی: از آنجا که ارتباطات بین شرکت‌ها با استفاده از فناوری مخابرات صورت می‌گیرد، دیگر نیازی به ساکن بودن افراد در یک مکان و

---

1 - Virtual Transaction



داشتن یک مکان مشخص برای انجام تمامی کارها نیست.

۴ - متغیر بودن شرکا: یک سازمان مجازی می‌تواند هرروزبه یک نوعی شکل گیرد، مثلاً قسمتی از سازمان مجازی باشد و یا از شرکت‌های دیگر تشکیل شود.

۵ - همسانی و برابری شرکا: به دلیل نیازی که شرکا در این گونه سازمان‌ها به یکدیگر دارند، برابری بیشتر بین شرکا ایجاد می‌شود.

۶ - ارتباط الکترونیک: اساس سازمان‌های مجازی بر شکستن سنت‌های قدیمی سازمان‌ها استوار است. همکاری‌های بوجود آمده در این سازمان‌ها بر اساس ارتباطات از طریق فناوری مخابرات و ارتباطات است.

آقای پک (۲۰۰۶) بیشتر به شرح جریان مواد، کالاها و اطلاعات (شامل پول) که در درون و بین سازمان‌های جریان دارد و در ارتباط با طیف وسیعی از تسهیلات ملموس و غیرملموس از جمله روابط، فرآیندها، فعالیت‌ها، و سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه تمرکز دارد. (دونالد، ۲۰۰۷:۷)

منظور از ابزارهای پشرفته اطلاعات و ارتباطات ابزارهایی است که حداقل ۶۰ درصد از ویژگی‌های فناوری‌های نو نظیر جهانی بودن، دوطرفه بودن، چندرسانه‌ای بودن، فراگیر بودن و تعاملی بودن را دارا باشد. عقیده بر آن است که بیشترین امتیاز را از این ویژگی‌ها، اینترنت و کمترین امتیاز را شاید بتوان گفت ارتباطات رو در رو به خود اختصاص می‌دهد. البته پیش‌فرض این تعریف این است که کلیه فرآیندهای فوق‌باهداف کسب سود انجام می‌شود. سازمان مجازی، یک اتحاد زود گذر و موقتی بین دو یا چند سازمان است که برای انجام یک کار ویژه بطور گروهی و برای مدت کوتاهی همکاری می‌کنند. (جورج مورهد و دیگران، ۲۰۰۱:۴۷۰)

از دید مایکل میشکی یکپارچه سازی سیستم‌ها در بردارنده کلیه فرآیندهای سازمانی، وظایف مدیریتی، تعاملات سازمانی، اتحادهای ساختاری و مدیریت دانش می‌باشد. یکپارچه سازی شامل کلیه مواردی است که به منظور ایجاد فرآیندهایی بی نقص و چابک، و ساختار سازمانی منطبق با اهداف استراتژیک و مالی سازمان، لازم می‌باشد. (ووزالک، ۱۹۹۹)

## لجستیک یکپارچه

یکپارچه‌سازی لجستیک، هدف سازماندهی کلیه فعالیت‌های همکاران و مرتبط لجستیک در قالب یک سیستم هماهنگ و منظم است و در عین حال ماهیت مستقل هر یک از کارکردها حفظ می‌شود. به طور کلی می‌توان فرآیند یکپارچگی لجستیکی را به چهار مرحله به صورت زیر تقسیم نمود:

مرحله یک: به طوری‌عمده، اولین مرحله در این فرآیند، «انقلابی در مدیریت توزیع فیزیکی» در نظر گرفته می‌شود که در نهایت منجر به یکپارچگی سیستم‌های توزیع، به صورت مجموعه‌ای از فرآیندهای مرتبط با توزیع محصولات نهایی گردید. (جوکار، ۲۰۰۲: ۸) یکپارچگی بین این فرآیندهای داخل سیستم توزیع فیزیکی (PDS) منجر به نتایج زیرگردید:

- کاهش هزینه‌های توزیع و افزایش درآمد سازمان
- ارائه خدمت بهتر به مشتریان و افزایش رضایت و در نتیجه وفاداری بیشتر آنها به سازمان
- در نظر گرفتن مدیریت توزیع به عنوان دپارتمانی مجزا در کنار بخش‌های مانند تولید، بازاریابی، فروش و...

مرحله دو: در اواخر دهه ۱۹۷۰ شرکت‌ها با ایجاد قسمت‌های مجزای آماد و پشتیبانی، مفاهیم PDS را که تنها با توزیع محصول نهایی مرتبط بود؛ درمورد تأمین مواد اولیه نیز بکاربردند. با گذشت زمان، وظیفه آماد و پشتیبانی شامل مدیریت کلیه فرآیندهای جابجایی، انبار و جابجایی محصولات، در مرحله تأمین و در مرحله توزیع گردید. فابریک‌ها کاستس و کولین مفهوم «آماد و پشتیبانی یکپارچه» را در مورد هماهنگی بین بخش‌های تأمین مواد، تولید و توزیع به کار بردند.

مرحله سه: پس از نایل شدن به یکپارچگی بین فرآیندهای لجستیکی، بسیاری از شرکت‌ها تلاش خود را برای یکپارچه‌سازی سیستم لجستیک با دیگر فرآیندهای سازمانی آغاز نمودند. تا قبل از این دوران هر یک از بخش‌های تولید، فروش و... به صورت مستقل، تنها برای بهینه‌سازی هزینه‌های خود، بدون در نظر گرفتن بهینگی کل سیستم، تلاش می‌کردند. به

منظور یکپارچگی کل سازمان، دپارتمان لجستیک به دلیل داشتن ارتباط نزدیک با دپارتمان‌های دیگر، نقش مهمی را برای رسیدن به این منظور ایفا می‌کرد. (رومانو، ۲۰۰۳: ۱۲۰)

با معرفی مفهوم «مهندسی مجدد» (BPR) در اوایل دهه ۹۰، ارتباط بین آماد و پشتیبانی و فرآیندهای دیگر سازمان، با تأکید بیشتر بر روی «مشتری گرایی»، مجدداً تعریف گردید. باورساکس و کلوس در سال ۱۹۹۶ مراحل کاربری اصول BPR در سیستم‌های آماد و پشتیبانی عبارتند از: ۱- اولین و مهمترین قدم، برقراری «یکپارچگی سیستم‌ها» می‌باشد. ۲- الگوبرداری. ۳- تحلیل مجزای فعالیت‌های آماد و پشتیبانی. ۴- بهبود سیستم

مرحله چهارم: کلیه پیشرفت‌های انجام شده تا قبل از این مرحله، تنها مربوط به یکپارچه سازی و بهینه‌سازی سیستم لجستیک یک سازمان بود. سپس مطرح گردید که اگر شرکتی تنها به بهینه سازی خود بپردازد، الزاماً فرآیندهای کل زنجیره عرضه بهینه نخواهد شد. به منظور رسیدن به بهینگی کل زنجیره عرضه، لازم است کلیه شرکت‌های موجود در زنجیره، با یکدیگر یکپارچه و هماهنگ شوند. این طرح باعث به وجود آمدن مفهوم «مدیریت زنجیره عرضه» (SCM)<sup>۱</sup> گردید. (جوکار، ۲۰۰۲: ۸) ویژگی‌های منحصر بفرد سیستم لجستیک یکپارچه به شرح زیر است:

۱- فرآیندگرایی، ۲- جامعیت، ۳- مانعیت، ۴- همگرایی، ۵- استانداردسازی، ۶- تعامل، ۷- دسترسی، ۸- انطباق، ۹- سازگاری، ۱۰- هماهنگی.

### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری، الگوی مفهومی مبتنی بر روابط تئوریک میان عوامل و متغیرهای اثرگذار بر موضوع پژوهش می‌باشد. (سکاران، ۱۳۸۶)

---

1 - Supply Chain Management

جدول شماره ۱ - ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مفاهیم لجستیک

مفهوم لجستیک چالاک			مفهوم لجستیک ناب				
شاخص	مؤلفه	ابعاد	شاخص	مؤلفه	ابعاد		
برون سپاری	پرداختن به مأموریت اصلی	مشتری مداری	جایگزین کردن سایر منابع کم هزینه تر	حداقل هزینه	حذف اتلاف		
سرعت عمل در انجام مأموریت اصلی			پذیرش هزینه‌ها در مقابل رفع نیاز موجود لجستیک				
تامین دقیق سفارشات پشتیبانی شوندگان	سفارش مداری		حداکثر بهره وری با حداقل نیروی انسانی	حداقل نیروی انسانی			
پاسخگویی سریع به تقاضای واقعی پشتیبانی شوندگان	حساسیت برای تقاضا		حداقل سرمایه‌گذاری ممکن در عملیات لجستیک	حداقل سرمایه‌گذار			
تامین سریع سفارشات مورد نیاز مصرف کنندگان	رضایت مصرف کنندگان		بالا بردن کیفیت انجام فعالیت‌ها	حذف دوباره کاری‌ها			
میزان مصرف بهینه خدمات لجستیکی			حذف فرایندهای زائد	حداقل موجودی			
ابراز رضایت مصرف کنندگان از خدمات لجستیکی			پیش بینی حداقل موجودی قابل قبول				
توسعه دامنه وسیعی از مهارت‌ها یا توانمندی‌ها	افزایش قابلیت‌ها		انعطاف پذیری	حذف حمل و نقل اضافی بوسیله برنامه ریزی صحیح		حذف حمل و نقل اضافی	استاندارد سازی
خود اتکایی				حد اکثر استفاده از فضای موجود		حداقل فضای ممکن	
استفاده از افراد لایق چند مهارت	نیروی انسانی چندمهارت‌ه			هدف گذاری دقیق		اهداف	
آمادگی برای پاسخگویی به تغییرات غیر قابل پیش‌بینی	آمادگی برای تغییرات	تعیین دقیق فرایندهای لجستیکی	فرآیندهای				
قابل تنظیم بودن نحوه فعالیت‌های لجستیکی	بسیار قابل تنظیم	مشخص کردن دقیق تعاملات بین بخش‌های مختلف لجستیکی	تعاملات				

مفهوم لجستیک چالاک			مفهوم لجستیک ناب		
کوچک سازی سازمان	سبک کردن سازمان		سرعت عمل در تحویل نیازمندی‌ها به مصرف کنندگان نهایی	سرعت جریان	
تحویل سریع خدمات مورد نیاز مصرف کنندگان نهایی	جریان لجستیکی بالا		مشخص کردن میزان دقت لازم در ارائه فعالیت‌های لجستیکی	حداکثر دقت	
سرعت عمل در انجام فعالیت‌های لجستیکی	پاسخگویی سریع	واکنش سریع	درخواست به هنگام نیازمندی‌های لجستیکی	درخواست به هنگام	به هنگام بودن
ارائه سریع پشتیبانی به تقاضاها در سیستم	پویایی		رعایت زمان دقیق انجام فعالیت‌های لجستیکی	زمان دقیق	
افزایش تحرک سیستم لجستیک به حداکثر ممکن خود	مدیریت غیر متمرکز رخدادها با واکنش به موقع به تغییرات		برآورد دقیق نیازمندی‌ها	برآورد دقیق	
کاهش کانال‌های لجستیکی	کوتاه کردن کانال‌های لجستیکی		تحویل به هنگام در مکان مورد انتظار	مکان صحیح	
اهمیت فوق العاده دریافت سریع نیازهای عملیاتی	تحقق قدرت مانور در پاسخ به نیازها		آموزش مستمر کارکنان لجستیک	آموزش	بهبود مستمر
شایستگی در به اشتراک گذاشتن اطلاعات	به اشتراک گذاشتن اطلاعات	فناوری	افزایش مستمر کیفیت انجام فعالیت‌ها	افزایش هماهنگی بین عناصر لجستیکی	
تعمین دقیق فرآیندهای لجستیکی	فرآیندگرایی		طراحی ساختار سازمانی مناسب	ساختار	
		طراحی یکپارچه	استفاده از اینترنت بعنوان وسیله ارتباط عمومی الکترونیکی	فناوری جهانی	فناوری‌های اطلاعات

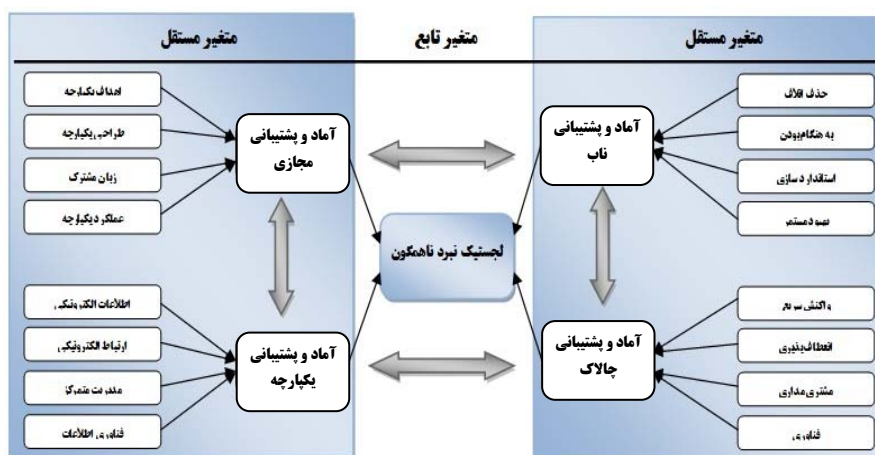
مفهوم لجستیک چالاک			مفهوم لجستیک ناب		
تعریف دقیق کلیه فرآیندهای لجستیکی	جامعیت		بهره برداری از ایترانت برای تسریع در فرآیندهای بین رده ای	فناوری داخلی	
تعیین دقیق وظایف اجزای بی			استفاده از شبکه اختصاصی مجازی در بین زیرسیستم ها	فناوری اختصاصی	
حذف اجزای تکراری در فرآیندهای لجستیکی	مانعیت		قابلیت به اشتراک گذاشتن اطلاعات	بانک اطلاعات	
حذف اجزای اضافی چرخه فعالیت ها			حفظ و نگهداری اطلاعات لجستیکی مناسب		
استفاده از قالب‌های یکسان در پایگاه داده‌های لجستیکی	استانداردسازی		استفاده از ارتباط الکترونیک برای پاسخگویی به نیازها		اطلاعات الکترونیکی
امکان استفاده برابر از خدمات لجستیکی برای تمام رده ها	شبکه اطلاعاتی مشترک		اخذ تمرکز در اطلاعات تنها از یک نقطه تماس		
افزایش حجم دسترسی مناسب به اطلاعات	دسترسی	زبان مشترک	استفاده از محیط نرم افزاری برای انجام فرآیندهای لجستیکی	سیستم‌های اطلاعاتی	
تعیین حجم دسترسی منطقی به خدمات لجستیکی			به روز نگه داشتن سیستم‌های اطلاعاتی		
به اشتراک گذاشتن اطلاعات «یکسان» در کل سیستم لجستیک	انطباق		بهره برداری از اتوماسیون فرآیندهای لجستیکی	مدیریت تحلیل اطلاعات	
به اشتراک گذاشتن اطلاعات «صحیح» در کل سیستم لجستیک			قدرت ارائه اطلاعات تحلیلی دقیق از نیازمندی‌های سیستم		
وجود اهداف مشترک در بین تمام اجزای سیستم لجستیک	همگرایی	اهداف یکپارچه	هماهنگ سازی جریان مواد در طول زنجیره عرضه	هماهنگ سازی جریان مواد	مدیریت متمرکز
تعیین اهداف و وظایف هر جز با توجه به دیگر محدودیت ها	سازگاری		استفاده از بخش خصوصی در لجستیک	برون سپاری	

مفهوم لجستیک چالاک			مفهوم لجستیک ناب		
مشخص کردن ورودی و خروجی‌های هریک از فعالیت‌ها			نقش حیاتی مدیریت پردازش آمار و اطلاعات در لجستیک	مدیریت پردازش اطلاعات	
تعیین دقیق میزان تعاملات بین فرآیندهای لجستیکی	تعامل	عملکرد یکپارچه	بهره برداری از مدیریت گسترده جریان اطلاعات در سیستم	مدیریت جریان اطلاعات	
تعیین محدودیت‌های عملکردی			تقاضای مصرف کننده یا حق انتخاب وسیع در شبکه لجستیک	مشتری مجازی	
مدیریت بخش‌های مختلف لجستیکی به صورت متمرکز	تمرکز مدیریتی	عملکرد یکپارچه	انتقال مالکیت جنس یا تحویل خدمات با پول الکترونیکی	تجارت الکترونیکی	ارتباط الکترونیکی
ضرورت هماهنگی بین فعالیت‌ها بعنوان یک کل در سیستم	هماهنگی		عرضه مجازی با سرعت مطمئن بدون نیاز به مراجعه		
هماهنگی بخش‌های مختلف لجستیکی به عنوان یک کل			استفاده از کارت اعتباری		
عرضه کننده کالا یا خدمات به عنوان ماشین الکترونیکی خودکار					
انجام معامله‌های مجازی با آگاهی کامل از اطلاعات دقیق نیازمندی‌ها					
انعطاف پذیری بسیار بالا			بازار مجازی		
سرعت جریان بالای لجستیک					

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی که برگرفته از ادبیات تحقیق است در جدول شماره ۱ آمده است:

باتوجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص مدل‌های موجود هیچ کدام نمی‌تواند مدل مناسبی برای لجستیک نبرد ناهمگون باشد. در این پژوهش با مد نظر قرار دادن ادبیات تحقیق و با بهره‌گیری از نقاط قوت دیدگاه‌ها و الگوهای متفاوت طراحی الگوی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون را با استفاده از سیستم‌های آماد و پشتیبانی چالاک، ناب، مجازی و یکپارچه و تأثیر مستقیم و متقابل آنها بر آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون انجام داده است و از طرف دیگر این

مدل بیانگر نوع ارتباط چهار سیستم آماد و پشتیبانی «چالاک»، «ناب»، «مجازی» و «یکپارچه» با یکدیگر فرض شده است.



نمودار شماره ۱ - الگوی مفهومی تحقیق

براساس مدل تحقیق فرضیات زیر توسعه داده شده است:

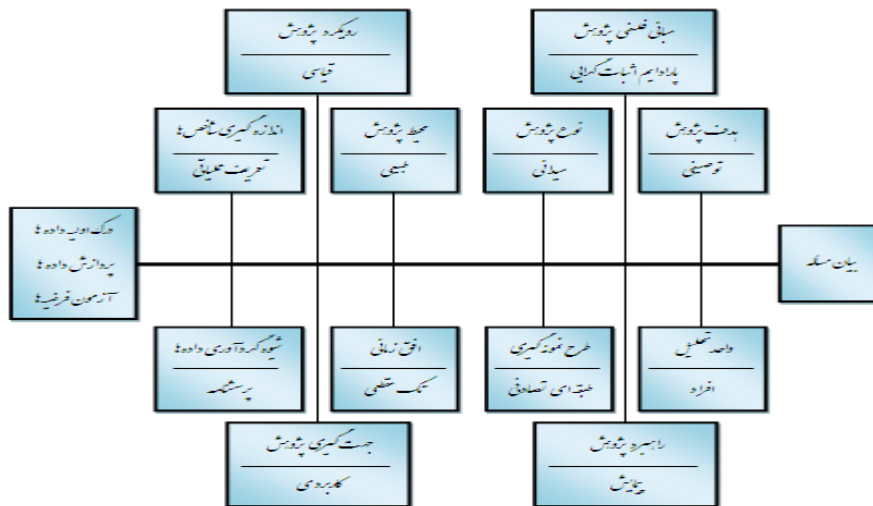
فرضیه اصلی پژوهش: الگوی آماد و پشتیبانی جنگ در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد، آمیزه ای از سیستم‌های آماد و پشتیبانی ناب، مجازی، یکپارچه و چالاک می‌باشد. فرضیه‌های اختصاصی پژوهش:

- ۱ - باتوجه به سطح ناهمگونی و تهدیدات زیاد، از ابعاد حذف اتلاف، به هنگام بودن، استانداردسازی و بهبود مستمر (از ابعاد اصلی سیستم آماد و پشتیبانی ناب) در الگوی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود.
- ۲ - باتوجه به سطح ناهمگونی و تهدیدات زیاد، از ابعاد واکنش سریع، انعطاف پذیری، مشتری مداری و فناوری (از ابعاد اصلی سیستم آماد و پشتیبانی چالاک) در الگوی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود.
- ۳ - باتوجه به سطح ناهمگونی و تهدیدات زیاد، از ابعاد اطلاعات الکترونیکی، ارتباط



الکترونیکی، مدیریت متمرکز و فناوری اطلاعات ( ازابعاد اصلی سیستم آماد و پشتیبانی مجازی) درالگوی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می شود.

۴- باتوجه به سطح ناهمگونی و تهدیدات زیاد، از ابعاد اهداف یکپارچه، طراحی یکپارچه، زبان مشترک و عملکرد یکپارچه ( ازابعاد اصلی سیستم آماد و پشتیبانی یکپارچه) درالگوی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می شود.



### روش شناسی پژوهش

این پژوهش که الگوی مفهومی جدیدی را با استفاده از منابع علمی و اطلاعات حاصل از دیدگاه نمونه پژوهش مورد آزمایش قرار می دهد از نظر مبانی فلسفی از پارادایم اثبات گرایی<sup>۱</sup> تبعیت می نماید و از نظر جهت گیری این پژوهش کاربردی<sup>۲</sup> است. از نظر رویکرد، پژوهش

1 - Positivism  
2 - Applied orientation

قیاسی<sup>۱</sup> و از نظر نوع پژوهش میدانی، از نظر راهبرد پژوهش پیمایشی<sup>۲</sup> و از نظر هدف پژوهش توصیفی<sup>۳</sup> به شمار می‌رود.

جامعه آماری پژوهش را فرماندهان، مدیران عالی، مدیران ارشد، کارشناسان عالی و کارشناسان ارشد عملیاتی و آماد و پشتیبانی تشکیل می‌دهند. با توجه به جامعه آماری که تعداد محدودی از آحاد آن بیان‌کننده ویژگی‌های اصلی جامعه است (آذر و مؤمنی، ۱۳۸۰: ۶) از رابطه زیر برای محاسبه تعداد نمونه آماری استفاده شده است:

$$n = \frac{NZ^2_{\alpha/2} P \cdot q}{Nd^2 + Z^2_{\alpha/2} P \cdot q}$$

$$N_1 = 150 \text{ (فرماندهان، مدیران ارشدو عالی حوزه عملیات)}$$

$$N_2 = 300 \text{ (فرماندهان، مدیران ارشدو عالی، کارشناسان ارشد و عالی حوزه آماد و پشتیبانی)}$$

$$N = N_1 + N_2 \quad 150 + 300 = 450$$

$$n = \frac{450(1.96)^2(\frac{1}{2} * \frac{1}{2})}{450(0.0025) + (1.96)^2(\frac{1}{2} * \frac{1}{2})} = \frac{432.18}{2.0854} = 207 \Rightarrow n_1 = 69 \quad \forall \quad n_2 = 138$$

در این پژوهش توجه به این نکته مهم که جامعه آماری در دو طبقه مدیران و کارشناسان حوزه عملیات و آماد و پشتیبانی قرار دارند، از بین ۱۵۰ فرمانده، مدیر ارشد و عالی حوزه عملیات با محاسبات دقیق تعداد ۶۹ نفر به عنوان نمونه طبقه ای تصادفی انتخاب و از بین ۳۰۰ فرمانده، مدیر ارشد و عالی، کارشناس ارشد و عالی حوزه آماد و پشتیبانی با محاسبات دقیق تعداد ۱۳۸ نفر به عنوان نمونه تصادفی انتخاب و جمعاً تعداد ۲۰۷ نفر از جامعه آماری ۴۵۰

- 
- 1 - Deduction
  - 2 - Survey
  - 3 - Descriptive

نفری درخصوص این پژوهش اظهار نظر نمودند.

سنجش‌روایی و پایایی سازه: ابتدا برای سنجش روایی محتوای سازه نظرات ۱۷ نفر از خبرگان منحصر به فرد آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون دریافت شد و شاخص‌های پژوهش مورد جرح و تعدیل قرار گرفت و بعد بوسیله تحلیل سنجش روایی سازه با استفاده از مدل معادلات اندازه‌گیری به کمک نرم افزار لیزرل (Lisrel<sup>1</sup>) و روش تحلیل عاملی تأییدی با بار عاملی و آماره T هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها تعیین گردید که همه آنها از بار عاملی قابل قبول (بالای ۰/۳) و آماره T قابل قبول (بزرگتر از عدد ۲) برخوردار بودند. برای محاسبه سنجش پایایی پرسشنامه یا ضریب سازگاری درونی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های سیستم‌های آماد و پشتیبانی از فرمول آلفای کرونباخ و با بهره‌گیری از نرم افزار رایانه ای SPSS<sup>2</sup> استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱۶۸ به دست آمد و نشان داد که تمامی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق از سازگاری درونی بسیار بالا و قابل قبولی برخوردار هستند. معمولاً دامنه ضریب قابلیت آلفای کرونباخ از صفر، به معنی عدم ارتباط تا مثبت یک به معنی ارتباط کامل قرار می‌گیرد و هر چقدر عدد بدست آمده به یک نزدیک تر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می‌شود.

#### یافته‌های تحقیق

۱ - نتایج تحلیلی آزمون دو جمله ای و فریدمن در خصوص فرضیه اصلی پژوهش درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون از سیستم آماد و پشتیبانی فرض شده استفاده نمی‌شود.  $P \neq \%60: H_0$

درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون از سیستم آماد و پشتیبانی فرض شده استفاده می‌شود.  $P = \%60: H_1$

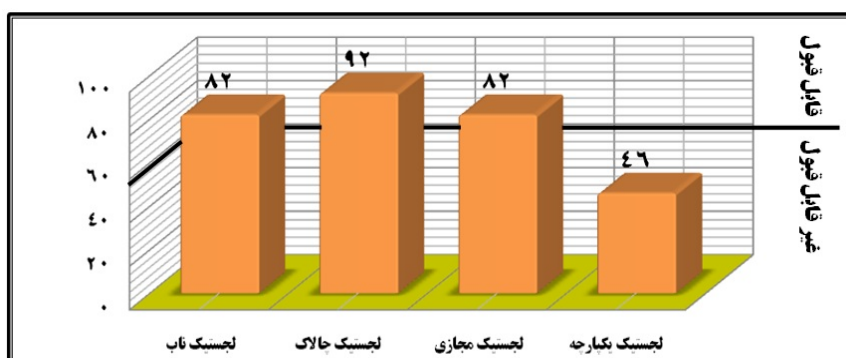
1 - Linear structural relationships (LI+S+REL)

2 - Statistical Package for Social Sciences

جدول شماره ۲ - نتایج آزمون دو جمله ای از تست ناپارامتریک در خصوص فرضیه اصلی پژوهش

نتایج آزمون دو جمله ای	لجستیک ناب	لجستیک چالاک	لجستیک مجازی	لجستیک یکپارچه
نسبت فرضیه	۰,۶۰	۰,۶۰	۰,۶۰	۰,۶۰
نسبت مشاهده شده	۰,۸۲	۹۲	۰,۸۲	۰,۴۶
نتیجه آزمون	رد H0	رد H0	رد H0	رد H0
رتبه میانگین فریدمن	۳,۸۵	۳,۱۵	۱,۶۰	۱,۴۰
اولویت	۱	۲	۳	۴

نتایج آزمون دو جمله ای از تست ناپارامتریک بیانگر آن است که نسبت مشاهده شده برای آماد و پشتیبانی ناب ۸۲ درصد، آماد و پشتیبانی چالاک ۹۲ درصد و آماد و پشتیبانی مجازی ۸۲ درصد بوده است که به طور معنی داری با نسبت فرضیه متفاوت نیست و نسبت مشاهده شده برای آماد و پشتیبانی یکپارچه فقط ۴۶ درصد بوده است که به طور معنی داری با نسبت فرضیه متفاوت است و فرضیه  $H_1$  رد می شود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش آماد و پشتیبانی به صورت زیر تایید گردید: الگوی آماد و پشتیبانی نبرد در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد، آمیزه ای از سیستم های آماد و پشتیبانی ناب، چالاک و مجازی است.



نمودار شماره ۲ - نمایه نتایج آزمون دو جمله ای از تست ناپارامتریک در خصوص سیستم های آماد و پشتیبانی

## ۲- نتایج تحلیلی آزمون فرضیه‌های اختصاصی پژوهش

درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون از ابعاد سیستم آماد و پشتیبانی فرض

شده استفاده نمی‌شود.  $P \neq \%60: H_0$

درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون از ابعاد سیستم آماد و پشتیبانی فرض

شده استفاده می‌شود.  $P = \%60: H_1$

## جدول شماره ۳- نتایج تحلیلی آزمون دو جمله‌ای و فریدمن در خصوص فرضیه‌های اختصاصی پژوهش

اولویت	رتبه میانگین فریدمن	نتیجه آزمون	نسبت مشاهده شده	نسبت فرضیه	ابعاد سیستم‌های لجستیکی
۱	۳.۹۷	رد $H_0$	۰.۹۸	۰.۶۰	حذف اتلاف
۸	۲.۲۷	رد $H_0$	۰.۷۹	۰.۶۰	استاندارد سازی
۱۱	۱.۱۴	رد $H_0$	۰.۷۷	۰.۶۰	به هنگام بودن
۷	۲.۶۲	رد $H_0$	۰.۹۸	۰.۶۰	بهبود مستمر
۹	۲.۰۵	رد $H_0$	۰.۹۸	۰.۶۰	مشتری مداری
۶	۳.۰۷	رد $H_0$	۰.۹۴	۰.۶۰	انعطاف پذیری
۳	۳.۸۸	رد $H_0$	۰.۹۸	۰.۶۰	واکنش سریع
۱۲	۱.۰۰	رد $H_0$	۰.۸۲	۰.۶۰	فناوری
۱۳	۱.۰۰	رد $H_0$	۰.۸۰	۰.۶۰	فناوری‌های اطلاعات
۵	۳.۲۰	رد $H_0$	۰.۸۰	۰.۶۰	اطلاعات الکترونیکی
۱۰	۲.۰۰	رد $H_0$	۰.۸۶	۰.۶۰	مدیریت متمرکز
۴	۳.۸۰	رد $H_0$	۰.۸۲	۰.۶۰	ارتباطات الکترونیکی
		رد $H_0$	۰.۵۳	۰.۶۰	طراحی یکپارچه
۲	۳.۹۷	رد $H_0$	۰.۸۱	۰.۶۰	زبان مشترک
		رد $H_0$	۰.۵۷	۰.۶۰	اهداف یکپارچه
		رد $H_0$	۰.۴۹	۰.۶۰	عملکرد یکپارچه

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳ فرضیه‌های اختصاصی تایید شده به شرح زیر است:  
 ۱ - باتوجه به رد فرضیه  $H_0$  درخصوص ابعاد آماد و پشتیبانی ناب از ابعاد حذف اتلاف، به هنگام بودن، استانداردسازی و بهبود مستمر درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود. ( $H_1: P \geq 60\%$ )

سهم هریک از ابعاد مؤثر درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارت است از: بعد حذف اتلاف با بار عاملی ۰.۷۵ و آماره T به میزان ۱۲/۱۰، بعد به هنگام بودن با بارعاملی ۰.۸۹ و آماره T به میزان ۱۵/۵۰، بعد استانداردسازی با بارعاملی ۰.۷۸ و آماره T به میزان ۱۲/۸۷ و بعد بهبود مستمر با بارعاملی ۰.۷۷ و آماره T به میزان ۱۲/۶۲ که نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد تمامی شاخص‌ها بار عاملی قابل قبول (بالای ۰/۳) و آماره T قابل قبول (بزرگتر از عدد ۲) ابعاد سیستم آماد و پشتیبانی ناب را می‌سنجد.

مؤلفه‌های تایید شده آماد و پشتیبانی ناب و سهم مؤثر آنها درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارتنداز: حداقل هزینه با بار عاملی ۰.۴۸ و آماره T به میزان ۶.۸۶. حداقل نیروی انسانی با بار عاملی ۰.۵۶ و آماره T به میزان ۸.۱۵. حداقل سرمایه گذاری با بار عاملی ۰.۶۱ و آماره T به میزان ۹.۱۱. حذف دوباره کاری با بار عاملی ۰.۷۷ و آماره T به میزان ۱۲.۲۸. حداقل موجودی با بار عاملی ۰.۶۸ و آماره T به میزان ۱۰.۴۳. حذف حمل و نقل اضافی با بار عاملی ۰.۷۲ و آماره T به میزان ۱۱.۲۲. حداقل فضای ممکن با بار عاملی ۰.۶۵ و آماره T به میزان ۹.۷۶. اهداف استاندارد با بار عاملی ۰.۷۹ و آماره T به میزان ۱۳.۳۱. فرایندهای استاندارد با بار عاملی ۰.۸۸ و آماره T به میزان ۱۵.۷۳. تعاملات استاندارد با بار عاملی ۰.۸۹ و آماره T به میزان ۱۶.۱۴. سرعت جریان استاندارد با بار عاملی ۰.۵۹ و آماره T به میزان ۸.۹۸. حداکثر دقت استاندارد با بار عاملی ۰.۷۴ و آماره T به میزان ۱۲.۱۶. درخواست به هنگام با بار عاملی ۰.۶۹ و آماره T به میزان ۱۰.۹۵. زمان دقیق با بار عاملی ۰.۷۸ و آماره T به میزان ۱۳.۰۳. برآورد دقیق با بار عاملی ۰.۸۶ و آماره T به میزان ۱۵.۰۷. مکان صحیح با بار عاملی ۰.۷۶ و آماره T به میزان ۱۲.۳۷. آموزش مستمر با بار عاملی ۰.۳۸ و آماره T به میزان ۳.۹۲. هماهنگی مستمر با بار عاملی ۰.۵۴ و آماره T به میزان ۸.۰۲. ساختار مناسب با بار عاملی ۰.۶۳ و آماره T به میزان ۹.۷۲. کیفیت

مستمر با بار عاملی ۰.۹۰ و آماره T به میزان ۱۶.۱۹ و بهره وری مستمر با بار عاملی ۰.۸۰ و آماره T به میزان ۱۳.۵۱ است.

۲ - باتوجه به رد فرضیه  $H_0$  درخصوص ابعاد آماد و پشتیبانی چالاک از ابعاد واکنش سریع، انعطاف پذیری، مشتری مداری و فناوری درالگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود. ( $P \geq 60\%: H_1$ )

سهم هریک از ابعاد مؤثر در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارت است از: بعد واکنش سریع با بار عاملی ۰.۷۸ و آماره T به میزان ۱۲.۶۳، بعد انعطاف پذیری با بار عاملی ۰.۸۷ و آماره T به میزان ۱۴.۶۸، بعد مشتری مداری با بار عاملی ۰.۷۵ و آماره T به میزان ۱۱.۹۳ و بعد فناوری با بار عاملی ۰.۷۲ و آماره T به میزان ۱۱.۳۶ که نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد تمامی شاخص‌ها بار عاملی قابل قبول (بالای ۰/۳) و آماره T قابل قبول (بزرگتر از عدد ۲) ابعاد سیستم آماد و پشتیبانی چالاک را می‌سازد.

مؤلفه‌های تایید شده آماد و پشتیبانی چالاک و سهم مؤثر آنها در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارتند از: آمادگی برای تغییرات با بار عاملی ۰.۷۴ و آماره T به میزان ۱۱.۸۵، حساسیت نسبت به تقاضا با بار عاملی ۰.۵۱ و آماره T به میزان ۷.۵۸، جریان آماد و پشتیبانی بالا با بار عاملی ۰.۷۰ و آماره T به میزان ۱۱.۱۱، پرداختن به مأموریت اصلی با بار عاملی ۰.۴۸ و آماره T به میزان ۷.۱۱، سفارش مداری با بار عاملی ۰.۷۲ و آماره T به میزان ۱۱.۵۵، افزایش قابلیت‌های اجرایی با بار عاملی ۰.۷۲ و آماره T به میزان ۱۱.۳۸، بسیار قابل تنظیم با بار عاملی ۰.۷۳ و آماره T به میزان ۱۱.۵۸، سبک کردن سازمان با بار عاملی ۰.۶۸ و آماره T به میزان ۱۰.۶۰، نیروی انسانی چند مهارته با بار عاملی ۰.۵۷ و آماره T به میزان ۸.۵۸، پاسخگویی سریع با بار عاملی ۰.۷۲ و آماره T به میزان ۱۱.۱۹، مدیریت غیر متمرکز با بار عاملی ۰.۷۵ و آماره T به میزان ۱۱.۵۷، کوتاه کردن کانال‌های آماد و پشتیبانی با بار عاملی ۰.۶۷ و آماره T به میزان ۹.۹۹، پویایی با بار عاملی ۰.۷۱ و آماره T به میزان ۱۰.۸۱، شبکه اختصاصی مجازی با بار عاملی ۰.۵۵ و آماره T به میزان ۷.۹۱، به اشتراک گذاشتن اطلاعات با بار عاملی ۰.۵۵ و آماره T به میزان ۷.۸۴ و رضایت مصرف کنندگان با بار عاملی ۰.۳۰ و آماره T به میزان ۲.۶۲ است.

۳ - باتوجه به رد فرضیه  $H_0$  درخصوص ابعاد آماد و پشتیبانی مجازی از ابعاد اطلاعات الکترونیکی، ارتباط الکترونیکی، مدیریت متمرکز و فناوری اطلاعات در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود. ( $P \geq \%60: H_1$ )

سهم هریک از ابعاد مؤثر در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارت است از: بعد اطلاعات الکترونیکی با بار عاملی ۰.۷۷ و آماره T به میزان ۱۲.۸۱، ارتباط الکترونیکی با بار عاملی ۰.۹۰ و آماره T به میزان ۱۶.۳۸، مدیریت متمرکز با بار عاملی ۰.۹۲ و آماره T به میزان ۱۵.۹۴ و فناوری اطلاعات با بار عاملی ۰.۸۹ و آماره T به میزان ۱۶.۲۲ که نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد تمامی شاخص‌ها بار عاملی قابل قبول (بالای ۰/۳) و آماره T قابل قبول (بزرگتر از عدد ۲) ابعاد سیستم آماد و پشتیبانی چالاک را می‌سند.

مؤلفه‌های تایید شده آماد و پشتیبانی مجازی و سهم مؤثر آنها در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون عبارتند از: فناوری اطلاعات جهانی با بار عاملی ۰.۵۳ و آماره T به میزان ۷.۹۲، فناوری اطلاعات داخلی با بار عاملی ۰.۷۹ و آماره T به میزان ۱۳.۲۰ و فناوری اطلاعات اختصاصی با بار عاملی ۰.۹۲ و آماره T به میزان ۱۶.۵۵، بانک اطلاعات با بار عاملی ۰.۹۲ و آماره T به میزان ۱۷.۱۸، سیستم‌های اطلاعاتی با بار عاملی ۰.۹۰ و آماره T به میزان ۱۶.۳۶، مدیریت تحلیل اطلاعات با بار عاملی ۰.۷۰ و آماره T به میزان ۱۱.۲۶، هماهنگ سازی جریان مواد با بار عاملی ۰.۶۹ و آماره T به میزان ۱۱.۱۲، برون‌سپاری با بار عاملی ۰.۷۳ و آماره T به میزان ۱۲.۰۴، مدیریت پردازش اطلاعات با بار عاملی ۰.۸۷ و آماره T به میزان ۱۵.۵۱، مدیریت جریان اطلاعات با بار عاملی ۰.۷۶ و آماره T به میزان ۱۲.۵۳، مشتری مجازی با بار عاملی ۰.۶۷ و آماره T به میزان ۱۰.۷۵، تجارت الکترونیکی با بار عاملی ۰.۷۶ و آماره T به میزان ۱۲.۸۴ و بازار مجازی با بار عاملی ۰.۹۳ و آماره T به میزان ۱۷.۴۰ است.

۴ - باتوجه به رد فرضیه  $H_0$  درخصوص بعد زبان مشترک با بار عاملی ۰.۵۵ و آماره T به میزان ۸.۲۶ از ابعاد آماد و پشتیبانی یکپارچه در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون استفاده می‌شود. ( $P \geq \%60: H_1$ ) مؤلفه‌های تایید شده آماد و پشتیبانی یکپارچه و سهم مؤثر آنها در الگوی راهبردی آماد و پشتیبانی جنگ ناهمگون فقط شامل استانداردسازی با بار عاملی



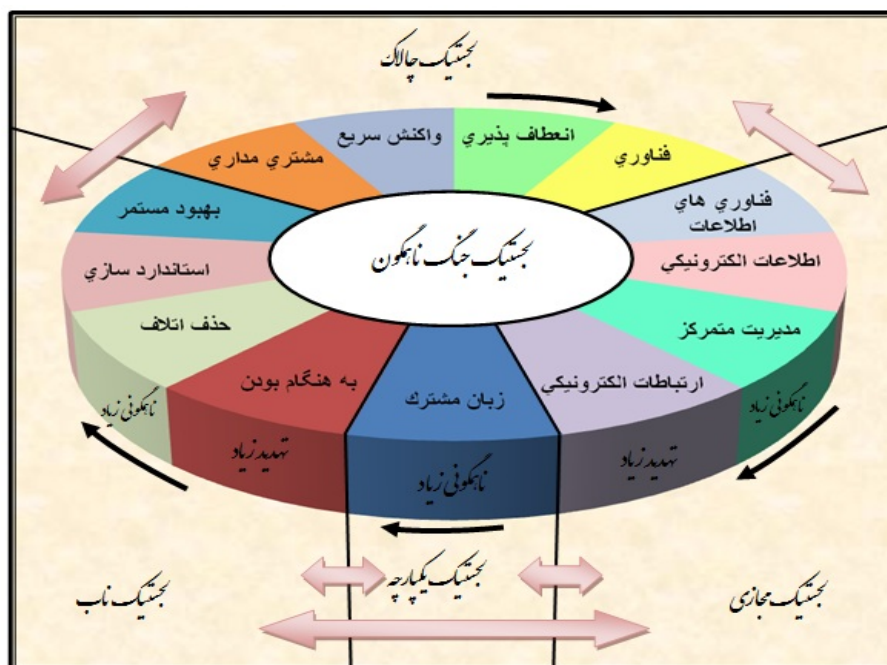
۰.۸۸ و آماره T به میزان ۱۵.۸۵، شبکه اطلاعاتی مشترک با بار عاملی ۰.۹۱ و آماره T به میزان ۱۶.۸۹، دسترسی با بار عاملی ۰.۹۲ و آماره T به میزان ۱۷.۲۰ و انطباق اطلاعات با بار عاملی ۰.۹۲ و آماره T به میزان ۱۷.۳۳ است. درخصوص ابعاد اهداف یکپارچه، طراحی یکپارچه و عملکرد یکپارچه فرضیه  $H_1$  رد شد. ( $P \leq 60\%: H_1$ )

### نتیجه گیری

در تمامی بخش‌های آماد و پشتیبانی در یک سازمان باید ارزشی جریان یابد که هدف نهایی آن افزایش و بهبود شاخص‌های توان رزم است و این حرکت باید همواره در جهت کمال ادامه یابد و هیچ چیز مانع این امر خطیر نگردد. آماد و پشتیبانی تابعی از شیوه نبرد است، وظیفه سیستم آماد و پشتیبانی ایجاد شرایط برپایی و مجرای پشتیبانی جهت کمک رسانی مطمئن مناسب به رزمندگان در انجام مأموریت‌ها در دستیابی به اهداف مورد نظر آنان می‌باشد. بنابراین، در شیوه‌های مختلف نبرد شیوه‌های آماد و پشتیبانی متفاوت و متنوع بکار گرفته می‌شوند.

در شرایط فعلی هر چه منابع بیشتری به آماد و پشتیبانی اختصاص یابد باز سازمان با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد. از طرف دیگر، با توجه به محدودیت بودجه، بهترین سرمایه گذاری‌ها چون ناشی از نگاه سنتی به آماد و پشتیبانی است پاسخ مناسب را در پی نخواهد داشت.

براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش مشخص گردید که الگوی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون مرکب از ابعاد حذف اتلاف، به هنگام بودن، استاندارد سازی، بهبود مستمر، مشتری‌مداری، انعطاف پذیری، واکنش سریع، فناوری، اطلاعات الکترونیکی، مدیریت متمرکز، ارتباطات الکترونیکی، فناوری‌های اطلاعات و زبان مشترک می‌باشد. تمام مؤلفه‌ها و شاخص‌های ابعاد فوق در این پژوهش تایید گردید که برگرفته از سیستم‌های آماد و پشتیبانی ناب، چالاک، مجازی و یکپارچه می‌باشند.



نمودار شماره ۲ - نمایه الگوی نهایی آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون

آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون، تنها با بسیج تمامی نیروها، امکانات و طرح ریزی و برنامه ریزی دقیق و مدیریت آگاهانه به موفقیت دست می‌یابد. کلیدهای موفقیت در آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون، مدیریت دقیق، آگاهانه و همه جانبه نگر، طرح ریزی پویا و برنامه ریزی بسیار دقیق، هستند. به هر یک از کارکردها باید برحسب اهمیتشان اولویت داده شود و از مصرف کردن توان و سرمایه مورد نیاز سایر بخش‌ها در بخش‌های غیرکلیدی، پرهیز کرد. اما با همه این موارد، هنوز هم اراده ملت‌ها، سلاح و نیروی زوال‌ناپذیری است که می‌تواند همه چیز را متحول سازد.

#### پیشنهاد‌های مبتنی بر یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج این پژوهش که از آزمون فرضیات بدست آمده است پیشنهادهایی مبتنی بر آن به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱ - در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد ترکیبی از استفاده سیستم‌های آماد و پشتیبانی چالاک، آماد و پشتیبانی یکپارچه و آماد و پشتیبانی ناب پیشنهاد می‌شود.
- ۲ - در شرایط ناهمگونی و تهدیدات زیاد به ترتیب، استفاده از ابعاد حذف اتلاف، به هنگام بودن، استاندارد سازی، بهبود مستمر، مشتری مداری، انعطاف پذیری، واکنش سریع، فناوری، اطلاعات الکترونیکی، مدیریت متمرکز، ارتباطات الکترونیکی، فناوری‌های اطلاعات و زبان مشترک پیشنهاد می‌شود.

#### پیشنادهایی برای محققین و پژوهشگران آینده

- ۱ - طراحی مدلی برای تعیین نقش بخش خصوصی در آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون
- ۲ - طراحی مدلی برای تعیین نقش بخش دولتی در آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون
- ۳ - طراحی مدلی برای تعیین نقش مردم و بویژه بسیج در آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون
- ۴ - طراحی مدلی برای آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون در ارتش
- ۵ - طراحی مدلی برای آماد و پشتیبانی نبرد ناهمگون در شرایط ناهمگونی زیاد و تهدیدات کم

#### دانش‌افزایی و نوآوری تحقیق

- ۱ - جدید بودن موضوع تحقیق به ویژه در حوزه علوم آماد و پشتیبانی نظامی.
- ۲ - الگوی ارائه شده با توجه به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده کاملاً نو و منحصر به فرد است که از نتایج این تحقیق حاصل گردید.
- ۳ - هر چند ابعاد الگوی تحقیق در نظریات و دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان به صورت پراکنده وجود داشت ولی هیچ یک از آنها چنین الگوی منسجم و یکپارچه ارائه نداده‌اند.
- ۴ - الگوی ارائه شده در تحقیق بر مبنای آمیزه‌ای از سیستم‌های آماد و پشتیبانی ناب، چالاک، مجازی و یکپارچه تبیین گردید که کاملاً کاربردی است و در ایران سابقه قبلی ندارد.

### منابع

- 1 - Cohen , Jason D; (2004 ) “Asymmetry Warfare & Weapons of Mass Destruction” , Interview oral of Defense and Security; Cohen- Jason @ SuperOnline. Net ,No: 23.
- 2 - Dimitris Karagiannis and Nancy LeMaster( 2008) eBusiness in Healthcare From eProcurement to Supply Chain Management ISBN 978-1-84628-878-4
- 3 - Donald Waters (2007) Supply chain risk management : vulnerability and resilience in logistics ISBN-10: 0-7494-4854-7
- 4 - Dublin, Patrick J. (2004) “ Logistics Support Pipeline, Lean & Agile” , Interview oral of Defense and Security; PATRICKDUBLIN@Logsa.army.mil ,No: 26.
- 5 - Fitzgerald ,B., Conboy ,K., (2001).Toward a conceptual framework of agile methods: A study of agility in different disciplines.Electronic version.Formerly Abducted Boys In Northern Uganda”, Journal Of Refugee Studies, 20, 4.
- 6 - Giachetti, R.E., Martinez, L.D., Saenz, O.A., Chen, C.S.,(2003).Analysis of the structural measures of flexibility and agility using a measurement theoretical framework. International Journal of Production Economics 86 (1).
- 7 - Jokar ,Mohammad Reza ,Akbari ;Lionel Dupont, Yannick Frein ;( 2002) “Evolution Du Concept De Logistique”, Revue Française de Gestion Industrielle, vol 21, No. 3.
- 8 - Karp ,Regina ; (2009) “Systemic Change and Institutional Adaptation: What Drives EU-NATO Crisis Management Cooperation?” International Studies Association Annual Conference ; New York.
- 9 - Keeton , Sean, William Bradley, (2003 ) “Logistics And Support Portals” Interview oral of Defense and Security;No:4.
- 10 - Kidd , P.T., (2006). Agile Manufacturing : A Strategy for the 21s Century / http: // www.cheshirehenbury.com / agility / agility papers / paper1095. htmlS.
- 11 - Kwangyeol, R., Youngjun, S., & Mooyoung, J. (2003). Modeling and specifications of dynamic agents in fractal manufacturing systems.Computers in Industry, 52, 161–182.
- 12 - London ,Kerry ;(2008); “ Construction Supply Chain Economics” ;. ISBN10: 0–203–96248–6

- 13 - Moron, Danuta Kisperska & Artur Swierczek (2009) The agile capabilities of Polish companies in the supply chain : An empirical study journal homepage: Economics118 (2009).
- 14 - Petersen ,Friis Arne ; Hans Binnendijk, )2007( 'The Comprehensive Approach Initiative: Future Options for NATO,' Defense Horizons, No. 58, September.
- 15 - Purdue Laboratory for Applied Industrial Control, (2001).“A Handbook on Master Planning and Implementation for Enterprise Integration Program”, Purdue University
- 16 - Romano ,Pietro; (2003) “Co-ordination and integration mechanisms to manage logistics processes across supply networks”, Journal of Purchasing & Supply Management 9.
- 17 - Sharp, J.M., Irani, Z., Desai, S.,(1999). Working towards agile manufacturing in the UK industry. International Journal of Production Economics 62.
- 18 - Tobin, General, Abraham (2005) “ US Army's Command & Logistics systems” Interview oral of Defense and Security; No:27,28,34.
- 19 - Tobin, General, Abraham (2003) “The Principles of Army Logistics Management” Interview oral of Defense and Security; Atobin@dld.mil ;No:11,12,15,16,17.
- 20 - Torng Lin, Ching -Hero Chiu, Po -Young Chu;(2006) “ Agility index in the supply chain”. International Journal Production Economics 100.
- 21 - Wang,Li-Chih ,Sian-Kun Lin (2009)A multi-agent based agile manufacturing planning and control system Computers & Industrial Engineering 57.
- 22 - Wuzalek,John;Editor , (1999), “System Integration Success 1999”, Auerbach



## جنگ ناهم تراز و تبیین نقش نیروهای مردمی در جنگ آینده

محمدجواد سبحانی فر<sup>۱</sup>

سید حسین محمدی نجم<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۱۹

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۰/۸

صفحات مقاله: ۷۹-۱۱۰

### چکیده

با گذشت عصر صنعتی و ظهور عصر اطلاعات، فهم و دانش بشر از ساده عبور کرده و به مؤلفه‌های فرامادی جنگ معطوف شده است. تأثیر (به عنوان یک امر کیفی) در مقابل تخریب (به عنوان یک امر کمی) از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرامادی جنگ آینده است. هر چند درک مفهوم تأثیر میان همه‌ی بازیگران صحنه‌ی جنگ مشترک است، اما آنها به هیچ وجه نسخه‌ی واحدی از عملیات تأثیرمحور (به عنوان الگوی عینیت‌یافته‌ی نبرد ناهم‌تراز) ارائه نمی‌کنند. چنانچه در این مقاله خواهیم خواند، در حال حاضر دو نسخه‌ی متفاوت از رویکرد تأثیرمحور موجود است که تا حدی تز و آنتی‌تز یکدیگر محسوب می‌شوند: عملیات تأثیرمحور مبتنی بر فناوری و عملیات تأثیرمحور مبتنی بر نیروهای مردمی. نکته مهم این‌که هیچ‌یک از این دو نسخه برتری ذاتی نسبت به یکدیگر ندارند و ملاک کارایی هر یک به میزان تغییر رفتار ایجاد شده در طرف مقابل مرتبط می‌باشد. این امر نویدی است برای بازیگران کم بضاعتی که می‌کوشند ضعف فناورانه‌ی خود را با تکیه بر قابلیت‌های بی‌سابقه‌ی نیروهای مردمی (بعد انسانی جنگ) جبران کنند و نسخه‌ی موفق‌تری از عملیات تأثیرمحور ارائه دهند.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

عملیات تأثیرمحور، نبرد نامتقارن، شبکه، فناوری نوین، کل‌نگری

۱ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲ - دانشجوی دکتری و پژوهشگر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.

## مقدمه

در این مقاله به اختصار مهم‌ترین نظریه‌های جنگ آینده را به منظور شناخت نقش انسان در این جنگ مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنچه از این بررسی مراد است، ارائه‌ی یک تصویر روشن از کلان روندهای جنگ آینده است، بیش‌تر بدین منظور که جایگاه انسان یا نقش مردم و نیروهای مردمی در مقابل سلطه‌ی ناباورانه‌ی فناوری مشخص شود و بدانیم که آیا دوره‌ی حاضر عصر رجعت انسان به میدان رزم است، یا نومیدانه تسلیم تفوق فناوری‌های نظامی شویم و اهمیت اثبات شده‌ی نیروهای مردمی را به فراموشی بسپاریم.

از آنجایی که موضوع این مقاله یعنی جنگ ناهم‌تراز و تبیین نیروهای مردمی در جنگ آینده مستلزم تحلیل جنگ بر اساس یک پیوستار تاریخ می‌باشد، به ناچار نظریه‌های تکاملی جنگ را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از مطالعه اجمالی سه نظریه مطرح در دیدگاه تکاملی جنگ، نسل جدیدی از جنگ را به عنوان آنتی‌تز جنگ غربی معرفی می‌کنیم، نسل جدیدی که ظهور و بروز آن در افغانستان و عراق امروز کاملاً آشکار است. در نهایت به یک دوگانگی و تضاد در روند جنگ آینده می‌رسیم که در یک طرف فناوری و در طرف دیگر انسان قرار دارد. این دوگانگی و تضاد مبنایی از جنگ ناهم‌تراز است که در روزگار آینده، به شکل رویارویی نیروهای مردمی با فناوری‌های پیشرفته‌ی جنگی جلوه‌گر خواهد شد. حوادث امروز عراق طبعه‌ی این شکل جدید از جنگ است.

## نقش نیروهای مردمی در پیوستار تاریخی جنگ

به‌طور کلی نظریه‌های تکاملی<sup>۱</sup> یا فرگشتی در خصوص جنگ آینده دارای یک وجه مشترک هستند و آن این‌که تغییر شکل جنگ را طی یک فرایند تکوینی و براساس نقاط عطف مهم در تاریخ و تمدن بشری مورد بررسی قرار می‌دهند. اما همان‌طور که در پی خواهد آمد،

---

1 - Evolutionist Theories of Future War



هر یک از این نظریه‌ها دارای مبنای خاصی برای مرحله‌بندی سیر تکامل جنگ هستند که همین امر توصیف آنها را از جنگ آینده تا حدی از یکدیگر متمایز می‌سازد. اساساً در ادبیات نظامی امروز سه نظریه تکاملی اصلی در خصوص جنگ آینده مطرح است که عبارتند از: جنگ نسل چهارم،<sup>۱</sup> جنگ موج سوم،<sup>۲</sup> و جنگ دوره چهارم.<sup>۳</sup> (Fitzgerald, 1994, p7)

از آنجایی که هر یک از نظریه‌های یاد شده با ارایه‌ی چشم‌اندازی متفاوت - و نه لزوماً متضاد - از جنگ، نظام ادراکی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لازم است توصیفی اجمالی از هر یک ارائه شود.

### نظریه‌ی موج‌های جنگ

این نظریه مبتنی بر تحلیل اجتماعی تاریخ است و به‌جای بررسی حوادث به‌صورت مجزا و مقطعی، جنگ را امواج متوالی تغییر و تحول می‌داند. فرض اصلی این است که تکوین اجتماعی بشر، سراسر ابداعات و نقاط عطفی است که سبب بروز موج‌های مختلف شده است. براساس این رویکرد، موج اول کشاورزی از چند ده هزار سال پیش آغاز شد و تا انقلاب صنعتی ادامه داشت، هر چند هنوز بقایایی از این موج در کشورهای کمتر توسعه یافته به چشم می‌خورد. موج دوم صنعتی طی دو سه قرن گذشته زندگی بشر را در ابعاد مختلف متحول ساخته اما هنوز به پایان خود نرسیده است. این موج که تا حد زیادی متکی به انرژی فسیلی می‌باشد در حال جایگزینی به موج سوم است که پیامدهای آن به‌طور کامل برای ما مشخص نمی‌باشد. البته منظور این نیست که این موج‌ها به صورت متوالی و پشت سر هم می‌آیند، بلکه با یکدیگر هم زیستی داشته و پیامدهای آنها به صورت هم زمان قابل مشاهده‌اند.

براساس این رویکرد تحلیلی به تاریخ اجتماعی، تغییر شکل جنگ‌ها قابل توضیح هستند، بدین معنا که هر گاه نیروی هر موج به انباشت کافی رسیده، جنگ تغییر شکل داده است. آنچه

1 - Forth - Generation Warfare

2 - Third - Wave War

3 - Fourth - Epoch War

در پی می‌آید مروری است بر سیر تکوین جنگ براساس نظریه‌ی موج‌ها:

### الف) موج اول جنگ

هرگونه تحلیل و تحقیق درباره ریشه‌های پیدایی جنگ باید با مطالعه‌ی جوامع ابتدایی آغاز شود، یعنی زمانی که موج اول به تدریج پا به عرصه‌ی تاریخ بشر نهاد. در این مقطع از تاریخ، جنگ‌های قبیله‌ای جریان داشت و در بسیاری از زبان‌های باستانی، واژه «جنگجو» اغلب با «مرد جوان» مترادف بود. (Keegan, 1994, p6) انتقام، اعاده حیثیت و حتی برخی جنبه‌های متفاوتی از جمله انگیزه‌های این جنگجویان برای زد و خورد‌های قبیله‌ای به حساب می‌آمد. نکته مهم این‌که برای انسان این دوره، جنگ یک تجربه‌ی اگریستنس‌شال<sup>۱</sup> یا وجودگرا تصور می‌گردید، به این معنا که در بطن بینش واقع‌گرایانه و هستی‌شناختی آنها قرار داشت. به بیان ساده‌تر، رابطه‌ی بین جنگجویان با جنگ اساساً یک رابطه‌ی فردی بود و چه بسا در خصوص لحظه‌ی مرگ خود آزادانه تصمیم می‌گرفتند. جالب این‌که در پیروزی افتخار و سربلندی تلقی می‌شد، اما شکست هرگز مایه‌ی سرافکنندگی و بدنامی نبود.

بتدریج که نیروهای لازم برای تکمیل موج اول فراهم می‌گردید، تمدن بشر توسعه‌ی بیشتری می‌یافت. برای مثال، اقوام گوناگون یونانی در منطقه‌ی مدیترانه ساکن شدند، دولت شهرها ایجاد گردیدند، توسعه کشاورزی، ثروت اقتصادی به همراه آورد و ویژگی‌های اصلی جنگ غربی تا هزاران سال بعد بر همین اساس رقم خورد. در این دوره و تا پیش از انقلاب صنعتی، جنگ غالباً مبتنی بر قدرت جسمی جنگجویان و به صورت تن به تن جریان داشت. به رغم روند توسعه در این جوامع، جنگجویان همچنان از انگیزه ذاتی به جنگ و احساس تنفر به دشمن برخوردار بودند، صرفاً برای خود - و نه به نمایندگی از دیگران - می‌جنگیدند و آنچه ما امروز عوامل سیاسی سکولار می‌نامیم، در بروز جنگ‌های آنها نقشی نداشت.

1 - Existential Expenence

**ب) موج دوم جنگ**

با مستهلک شدن نیروهای موج اول جنگ که عمدتاً جنگجویانی با زمینه‌ی مذهبی و احساسی، و نگرشی فردی و اگزیستنشیال به جنگ را شامل می‌گردید، موج دوم با تاکید بر درگیری بر سر قدرت کشورها آغاز گردید. در این موج، جنگ کاملاً تابع ملاحظات سیاسی گردید و اساساً سیاست به مهم‌ترین معیار قضاوت نتیجه یک جنگ تبدیل شد. خشونت در انحصار دولت‌ها درآمد و برای دستیابی به اهداف سیاسی به خدمت گرفته شد.

همگام با سلطه و هیمنه‌ی منطق‌گرایی صنعتی بر سربازان و جنگ‌افزارها، جنگ به سمت استاندارد شدن پیش رفتند. (Toffler, 1980, p23) مهارت در سازماندهی یگان‌های بزرگ نظامی به عنوان عامل پیروزی در جنگ مطرح گردید و شجاعت صرفاً به نظم انضباط بیشتر در زیر آتش دشمن تغییر معنی داد. افزایش حجم روزافزون نیروهای مسلح خود دلیلی شد برای تقسیم‌بندی و تخصصی شدن یگان‌ها و طبیعاً ضرورت نبوغ در سازماندهی ارتش‌های بزرگ اهمیت بیشتری یافت. (Jablonsky, 2002, p8) در واقع باید گفت نسبت به جنگجوی نسل اول که با شور و احساس خود می‌جنگید، سربازان دولت‌های ملی<sup>۱</sup> در این دوره کاملاً منطق‌گرا بودند، چرا که سیاست و دیپلماسی نه تنها بر همه‌ی عوامل ورود به جنگ سایه انداخته بود، بلکه حتی خود عملیات‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. (Jomini, 1992, p17)

از آن پس بود که جنگ نه دغدغه افراد، بلکه به مشغله‌ی اصلی کشورها تبدیل شد. کشورها می‌کوشیدند تا با بهره‌گیری از همه منابع مادی و غیر مادی خود، راه‌حلی آسان و سریع برای پیروزی در جنگ پیدا کنند؛ بدین ترتیب جنگ به عنوان یک مشکل فنی مطرح شد که یا باید به وسیله‌ی تاکتیک بهتر و یا فناوری پیشرفته‌تر حل و فصل می‌گردید. اختراع سلاح‌های خان‌دار، مسلسل، و دیگر جنگ‌افزارهای سریع و دوربرد آخرین میخ را بر تابوت جنگجویان موج اول کوبید، چه این که با عریض‌تر شدن منطقه کشتار<sup>۲</sup> - به سبب بُرد و

---

1 - Nation - State

۲ - فاصله‌ای که مهاجم باید از خط خیز خود تا خط پدافندی دشمن پیماید.

نواخت تیر بیشتر - عملیات آفندی بیش از پیش نیازمند رویکرد محاسباتی و منطقی در طرح‌ریزی گردید و به‌طوری کلی جنگ بیش از گذشته از ماهیت فردی خود تهی گردید.

### ج) موج سوم جنگ

مهم‌ترین پیش فرض مربوط به موج سوم جنگ این است که اقدامات نظامی نیز همپا با فعالیت‌های اقتصاد جهانی، از زیرساخت سخت‌افزاری به نرم‌افزاری در حال گذار هستند. به عبارتی، سربازان موج سوم جنگ بیشتر اپراتور فناوری‌های پیچیده نظامی هستند، تا جایی که به دور از منطقه خطر، روبات‌ها را برای ماموریت‌های مختلفی به کار می‌گیرند تا خود از آسیب مصون بمانند. بدین ترتیب، نقش و جایگاه سستی انسان در جنگ که محور اصلی بحث ما در این فصل است، دستخوش تغییر خواهد شد. هواپیماهای بدون سرنشین و خودروهای زمینی قابل کنترل از راه دور که حسگرها و تجهیزات مختلفی بر آنها تعبیه شده، جنگ را به یک تجربه‌ی فناورانه بدل ساخته‌اند. هر چند عملیات نظامی جاری در عراق و افغانستان بیانگر نقش اصلی نیروی انسانی در جنگ است، اما تلاش‌های زیادی در حال انجام است که برای مقابله با شبه نظامیان معارض در این دو کشور، روبات‌های مجهز به مسلسل کالیبر کوچک به کار گرفته شوند. (BBC News, 23 Jan) این روبات‌ها را می‌توان برای گشت زدن در مناطق پرخطر، شناسایی منطقه، پدافند پیرامونی، دیده‌وری و دیگر کارکردهای رزمی و غیررزمی مورد استفاده قرار داد. (Wried News, 12 Oct) به هر حال، به کارگیری این تجهیزات امکان عملیات را به دور از منطقه‌ی خطر میسر می‌سازد، شبیه به خلبان هواپیمای دورپروازی که در کابین خود و با فاصله‌ی کیلومترها از هدف اقدام به شلیک می‌نماید. در واقع، چه بسا درگیری مستقیم و حتی مشاهده دشمن نیز به اتفاقی بعید تبدیل شود.

بنابراین می‌توان گفت که در پی روند فزاینده‌ای که از موج دوم آغاز شد، جنگ غربی در موج سوم بیش از پیش غیرفردی شده است. پدیده جهانی‌سازی نیز تا حد قابل توجهی بر غیرفردی کردن ماهیت جنگ تأثیرگذار بوده است، بدین توضیح که با انتقال قدرت نظامی و اقتصادی به بازیگران غیردولتی، امکان مواجهه غرب با دشمنانی ناشناس در مکان‌هایی ناآشنا و

به شیوه‌هایی نامشخص بسیار زیاد شده است. انجام عملیات چندملیتی که خود معلول جهانی سازی است، سربازان را عملاً تحت امر فرماندهانی غیر از مقامات ملی خود قرار می‌دهد، یعنی نقش کشور به عنوان منبع هویت در این سربازان کم رنگ‌تر می‌شود. (Miller, 2001,p86) در نتیجه، بر خلاف سربازان موج دوم که جنگیدن خود را در مستقیماً خدمت به منافع سیاسی کشورشان می‌دیدند، موج سوم‌ها چندان تعلق‌ی به اهداف سیاسی جنگی که در آن شرکت دارند احساس نخواهد کرد.

یادآوری این نکته به‌جاست که به سبب ماهیت فناورانه‌ی موج سوم جنگ، غرب بیش از همه و بیش از هر زمان دیگر به این موج تعلق دارد و بدیهی است که غربی‌ها بیش از حریفان خود مفهوم غیرفردی شدن جنگ را حس می‌کنند. در واقع، هر چه سلاح‌های دورایستا، هوش مصنوعی و روباتیکس بیشتر جایگزین وظایف انسان در جنگ می‌شود، حس فردی و اگر بیست‌شالیستی به جنگ کم رنگ‌تر می‌شود و به قول فرد رید، "سربازان تکنیسین‌هایی خواهند بود که با جنبه‌های عاطفی و روانی جنگ متارکه کرده‌اند." (Reed, 2005,p23)

در واقع، سربازان موج سوم یا همان اپراتورهای فناوری پیشرفته، بجای شور و احساس یا حتی منطق، به مهارت‌های تخصصی ویژه نیازمندند. به بیان دیگر، انتقال فناوری نظامی از حالت سخت و غیرهوشمند مستلزم مهارت‌های تحلیلی و ظرفیت فکری قابل توجهی است که باید از قابلیت‌های شناختی انسانی و شبکه‌های قدرتمند فناوری اطلاعات تأمین شود. هم‌افزایی حاصل از پردازش و انتشار هم‌زمان داده‌ها که به ترکیب و انسجام حسگرها و سیستم‌های تسلیحاتی انجامیده، دستاوردهای نظامی بزرگی را از دهه‌ی ۱۹۹۰ تاکنون رقم زده است. (O'Hanlon,2000,p30)

به علاوه، در پی افزایش سلطه‌ی فناوری، نقش اخلاق در جنگ نیز مورد باز تعریف قرار می‌گیرد. جنگ‌های نسل سوم عمدتاً غیراخلاقی‌اند، چرا که دشمن نه گوشت و خون، بلکه سیستمی است متشکل از زیرسیستم‌ها، گره‌ها و عناصر متعدد. ناگفته نماند که فناوری خود به لحاظ اخلاقی کور است، (Singapore, 2005,p15) و اگر هم محدودیت‌هایی بر استفاده از فناوری اعمال شود، آن محدودیت‌ها غالباً مبتنی بر قوانین است و نه اخلاقیات. در واقع،

قوانین و مقررات متناسب با منابع و ملاحظات صاحبان قدرت وضع می‌شوند و از این نظر، با اخلاقیات که ریشه در فطرت عام بشری دارند متفاوتند.

بدین ترتیب، مانیفست جنگ غربی در موج سوم عبارت است از جنگی کوتاه، سریع و سرنوشت‌ساز، چرا که هر چه مدت زمان جنگ بیشتر می‌شود، دشمن - به سبب مزیت فناوری غرب - آسیب و صدمه‌ی بیشتری متحمل می‌شود و چه بسا با ادامه این روند احساس کند چیزی برای از دست دادن ندارد و بر عکس، اراده‌اش برای مقاومت بیشتر شود. به علاوه، ممکن است دشمنان غرب که ممکن است به موج‌های قبلی تعلق داشته باشند جنگ را در یک افق زمانی وسیع‌تر ببینند و به شیوه‌ای متفاوت بجنگند. در اینصورت، تصادم و هم‌زمانی میان موج‌های پیش گفته به وجود می‌آید، معضلی که پیش‌بینی جنگ‌ها و انجام سریع و سرنوشت‌ساز آن‌ها را برای غرب دشوار کرده است. برای مثال، وقایع اخیر در عراق نشان می‌دهد که مهم نیست غرب چه چیز را پیروزی می‌بیند، بلکه آنچه اهمیت دارد این است که دشمن شکست را چطور تفسیر می‌کند. (Jabbagy, 2001,p24) این مطلب خاص عراق نیست، بلکه درگیری‌های نظامی اخیر، به ویژه پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که پایان دوره مدرن و آغاز دوره پسامدرن جنگ تلقی می‌شود، مبتنی بر یک گذار تاریخی از پیروزی در جنگ، بسوی پیروزی در صلح بوده‌اند. پیروزی در صلح یعنی تثبیت موفقیت‌های نظامی و اعمال شرایط موردنظر برای خاتمه دادن به جنگ. بدیهی است تحقق این هدف، به غیر از ابزار نظامی، ابزارهای متعدد دیگری را نیز می‌طلبد؛ به طوری که انتظار می‌رود بر خلاف جنگ‌های فناوری محور، اهمیت عملکرد نظامی به تدریج تنزل یافته و فضای بیشتری برای فعالیت نهادهای مختلف سیاسی، فرهنگی، مدنی، و حتی زیست محیطی باز شود. این جنگ‌ها، به جای ماه‌ها ممکن است سال‌ها به طول انجامند و هدف آنها بر خلاف گذشته نه صرف موفقیت نظامی، بلکه کنترل رفتار طرف مقابل در ابعاد مختلف اجتماعی خواهد بود. بدین ترتیب، در جنگ آینده با یک تغییر پارادایم مواجه هستیم، پارادایمی که بعد اجتماعی جنگ را بر بُعد ابزاری و فناورانه رجحان می‌دهد. منظور از بُعد اجتماعی جنگ یعنی انسان و مبانی معرفت‌شناختی او که با گذر از دوره‌ی مدرن، بار دیگر جایگاه گذشته خود را باز یافته است.

تغییر پارادایم حاصل از برخورد موج‌ها غرب را با یک سردرگمی شناختی مواجه ساخته است. در طول دوره مدرن، غرب با اتکا به ابزار و فناوری، جنگ را صرفاً شیوه‌ای برای نیل به هدف می‌دانست، اما امروز با دشمنانی روبروست که براساس دیدگاه‌هیو وجودگرا، جنگ را خود یک هدف می‌دانند. (Caker, 2006,p15)

به عبارت دیگر، امروز غرب فناوری محور در مقابل دشمنان ایده محور قرار گرفته است، تناقضی که ناکامی نیروهای آمریکایی در عراق و طولانی شدن جنگ در این کشور را به خوبی توجیه می‌کند. هر چند جرج بوش با تصرف پایتخت عراق در سال ۲۰۰۳ پیروزی در جنگ را اعلام کرد، اما با گذشت پنج سال، پیروزی در صلح در عراق ماهانه ۵/۸ میلیارد دلار (Crawley,2007,p20) هزینه دارد که این رقم با اعلام استراتژی جدید بوش رو به افزایش است.

در واقع باید گفت سنت نظامی غرب درک صحیحی از تغییر پارادایم جنگ که ناشی از تقابل موج‌های مورد بحث است ندارد. پاسخ غرب به این تغییر پارادایم تناقض‌آمیز است. در طول یک دهه‌ی گذشته، ارتش‌های پیشرفته غربی که اساساً برای نبرد هم‌تراز و تمام عیار با حریفاتی مانند خود طراحی شده‌اند، عملاً با جنگجویان قبیله‌ای، مذهبی، یا ملی‌گرای مجهز به تسلیحات غیر پیشرفته - مانند صربستان، افغانستان، عراق، سومالی - سردرگم مانده‌اند. تمایل سنتی غرب به فناوری سبب گردیده که حل این معضل را در افزایش کارایی نظامی (Military Efficiency)، یعنی افزایش ضریب تخریب و کشتندگی، به عنوان یک مقوله‌ی کمی، جستجو کند. حال آن‌که حوادث اخیر در افغانستان و عراق به خوبی نشان می‌دهد که کارایی با تأثیر (Effectiveness)، به معنای افزایش اثربخشی به عنوان یک مقوله‌ی کیفی، به کلی متفاوت است. ادبیات گسترده‌ی مربوط به «انقلاب در امور نظامی» (RMA) نیز غالباً معطوف به ارتقای کارایی نظامی با تکیه بر فناوری عصر اطلاعات می‌باشد. جالب این جاست که هر چند بسیاری از اندیشمندان غربی بروز این تغییر پارادایم را درک کرده و برای سازگاری با آن رویکردهای بدیعی مانند عملیات تأثیرمحور را خلق کرده‌اند، اما غالباً در نظریه‌پردازی و طراحی مدل‌های اجرایی از مفاهیم و پیش فرض‌های تفکر ابزاری استفاده کرده‌اند. (Jobbagy, 2001,p32)

### نظریه‌ی نسل‌های جنگ

چنانچه گفته شد، جنگ را همواره می‌توان به شکل یک پیوستار مستمر و در حال تکوین مشاهده کرد، اما حداقل در دوره‌ی مدرن می‌توان نقاط عطفی را در این حوزه بر شمرد که هر یک طلوع‌دار نسل جدیدی از جنگ به حساب می‌آیند. منظور از دوره‌ی مدرن یعنی از معاهده‌ی صلح وستفاليا در سال ۱۶۴۸، معاهده‌ای که به جنگ سی ساله‌ی پیش از خود پایان داد و جنگ را منحصر به کشورها نمود. تا قبل از این تاریخ، هویت‌های مختلف اجتماعی - مانند خانواده‌ها، قبایل، مذاهب و... - به شیوه‌های متفاوت و خاص خود با یکدیگر در حال جنگ بودند. اما پس از معاهده‌ی وستفاليا کشورها رسماً عهده‌دار جنگ‌ها گردیدند و ارتش‌ها مشخصاً به عنوان مجریان جنگ در تاریخ مدرن ظاهر شدند.

نسل‌بندی جنگ به عنوان یک نظریه، اول بار توسط ویلیام لیند (William Lind) و جمعی از افسران نیروی زمینی و تفنگدار دریایی آمریکا در سال ۱۹۸۹ مطرح گردید. در تاریخ مذکور، این نظریه به صورت مقاله در دو نشریه‌ی *Military Review* و *Marine Corps Gazette* با عنوان «چهره‌ی در حال تاریخ جنگ: گذار به جنگ نسل چهارم»، منتشر گردید. گفته می‌شود نیروهای آمریکایی در تعقیب افراد القاعده در افغانستان، چند نسخه از این مقاله را در غارهای تاراورا یافتند. (Lind, 2004, p11)

این نظریه مبتنی است بر دیالکتیک تز و آنتی‌تز، به این معنا که هر یک از نسل‌های چهارگانه‌ی جنگ، با تاکید بر یک فناوری و یا یک تدبیر جدید نظامی، در پاسخ به نسل قبلی خود پا به میدان رزم نهاده‌اند. به بیان روشن‌تر، نوآوری چه در حوزه‌ی تاکتیک یا سلاح، مزیتی سرنوشت‌ساز برای طرفی از درگیری است که اولین بار آن را به کار بندد. بعدها، لیند و همکارانش در سال ۱۹۹۴ ضمن تاکید بر نظریه‌ی خود اعلام کردند که تدابیر و نه فناوری‌های نظامی، جنگ آینده را در سیطره خواهند گرفت. (Bunker, 1994, p13) برای درک این ادعا لازم است نگاهی مختصر به نسل‌بندی جنگ از منظر لیند و همکارانش داشته باشیم.



**الف) نسل اول جنگ**

تاکتیک خط و ستون مهم‌ترین شاخص جنگ نسل اول به حساب می‌آید. توسعه‌ی این تاکتیک تا حدی وابسته به عوامل فناورانه بود (برای مثال، آرایش خطی نیروها، قدرت آتش سلاح‌های بدون خان را که در آن زمان متداول بود افزایش می‌داد) و نیز پاسخی به تفکر و شرایط اجتماعی آن دوره محسوب می‌گردید (برای نمونه، ستون‌های انبوه ارتش انقلابی فرانسه با شور انقلابی و کثرت نیروها که برای اولین بار به صورت سربازان وظیفه به میدان رزم آمده بودند تناسب داشت). اگر چه تاکتیک نسل اول با توسعه‌ی فناوری قدرت آتش - مثلاً جایگزینی سلاح‌های خان‌دار به جای تفنگ‌های بدون خان - منسوخ گردید، اما نشانه‌هایی از این تاکتیک همچنان تا به امروز باقی است. (Lind & Others, 2004,p8)

در واقع بیشتر علائمی که امروزه نیروهای نظامی را از مردم غیرنظامی متمایز می‌سازند - مانند یونیفرم، احترام نظامی، درجه‌بندی دقیق افراد و... - محصول اندیشه‌ی نسل اول به شمار می‌رود؛ بدین معنا که انضباط خشک و بی‌چون و چرای سربازان در میدان نبرد بن‌مایه‌ی یک فرهنگ نظامی سلسله‌مراتبی بود که برخی از آثار هنوز در بسیاری از ارتش‌های کلاسیک جهان هویداست. طول عمر این تاکتیک را باید بین سال‌های ۱۸۶۰ - ۱۶۴۸ میلادی دانست و همان‌طور که ذکر شد با ورود سلاح‌های خان‌دار، ته‌پر و مسلسل به عرصه‌ی رزم، تاکتیک‌خط و ستون نوعی خودکشی تلقی گردید. با منسوخ شدن این تاکتیک، از نظم و انضباط دقیق میدان نبرد تا حد زیادی کاسته شد. از آن پس، تضادی فزاینده میان فرهنگ نظامی و بی‌نظمی روزافزون میدان نبرد به وجود آمد، به‌طوری که فرهنگ نظامی مبتنی بر نظم و انضباط شدید با محیط عملیاتی جدید بیگانه به نظر می‌آمد. (Bunker, 1994,p5)

**ب) نسل دوم جنگ**

همان‌گونه که گفته شد، در نظریه‌ی نسل چهارم جنگ، هر نسل در پاسخ به نسل قبلی و به نوعی آنتی‌تز آن محسوب می‌شود. نسل دوم جنگ نیز در پاسخ به نوآوری تسلیحاتی آن زمان یعنی سلاح‌های خان‌دار، سیم‌خاردار، مسلسل، و آتش غیرمستقیم پا به عرصه‌ی نبرد نهاد.

در این نسل، تاکتیک مبتنی بر آتش و حرکت بود و اساساً ماهیت خطی خود را حفظ کرد، با این تفاوت که قدرت آتش انبوه جایگزین نیروی انسانی انبوه گردید. شاید بتوان گفت نسل دوم جنگ واکنشی بود به تضاد پیش آمده میان فرهنگ نظامی و محیط عملیاتی آن زمان. در این نسل بود که ارتش فرانسه طی جنگ جهانی اول و پس از آن، چاره‌ی کار را در قدرت آتش انبوه دید که عمده‌تأمتکی بر آتش غیرمستقیم توپخانه بود. فرسایش امکانات و نیروهای دشمن هدف اصلی به شمار می‌آمد. شعار دکترینی فرانسوی‌ها به عنوان طلوع‌دار نسل دوم جنگ عبارت بود از: *”توپخانه نیروهای دشمن را در هم می‌کوبد و واحدهای پیاده سرزمین وی رات به تصرف در می‌آورد.“* (Bunker, 2004,p6)

قدرت آتش متمرکز طی طرح‌ها و دستورات دقیق و مشخص با تحرک نیروهای پیاده و تانک هماهنگ می‌گردید. عنصر هماهنگی به حدی اهمیت داشت که فرماندهان عملیاتی این دوره به رهبران ارکستر تشبیه می‌شوند. نسل دوم جنگ با اقبال گسترده‌ی سربازان (یا حداقل فرماندهان آنها) مواجه شد، چرا که همچنان نظم و انضباط نظامی را مورد تأکید قرار می‌داد. بدیهی است که در این فضا اطاعت سلسله‌مراتبی از ابتکار و نوآوری مهم‌تر تلقی می‌شود. در واقع حتی از ابتکار نیروها ممانعت می‌شود، چرا که ممکن است به این سبب هماهنگی کلی فضای نبرد به خطر افتد. در نهایت باید گفت که تاکتیک نسل دوم جنگ بیش از ایده‌های نظامی، مرهون فناوری‌های نظامی و به ویژه، قدرت آتش بوده است که به دو صورت کیفی - مانند توپخانه‌ی سنگین و هواپیمای بمب‌افکن - و کمی، یعنی توان اقتصادی کشورهای صنعتی در تولید انبوه این جنگ‌افزارها به منصفی ظهور رسید.

### ج) نسل سوم جنگ

نسل سوم جنگ را نیز باید آنتی‌تر نسل دوم به حساب آورد. این بار، آلمان‌ها بودند که با ابداع حملات برق‌آسا (Blitzkrieg) یا جنگ مانوری زمینه‌ی ظهور نسل بعدی جنگ را فراهم آوردند. نسل سوم جنگ بر خلاف نسل پیشین به قدرت آتش و فرسایش متکی نبود، بلکه در عوض سرعت، غافلگیری و سردرگمی فیزیکی و ذهنی دشمن را مورد تأکید قرار

می‌داد. به لحاظ تاکتیکی، حملات براساس نفوذ به عقبه‌ی دشمن و قطع ارتباط وی با عقبه و در نهایت از هم پاشیدن نیروهای خط مقدم هدایت و اجرا می‌گردید؛ یعنی به جای مواجهه‌ی مستقیم با عمده قوای دشمن، تاکتیک دور زدن و از هم گسیختن دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در پدافند نیز نیروهای رزمی دشمن به منطقه‌ی پدافندی کشیده شده و سپس ارتباط آنها با منطقه‌ی عقب قطع می‌گردید.

تاکتیک نسل سوم جنگ را باید تاکتیکی غیرخطی دانست که تا حد قابل توجهی فرهنگ نظامی نسل دوم را دچار تغییر و تحول کرد؛ با این توضیح که بر خلاف نسل دوم جنگ که نگاهش به روندها و فرآیندهای درونی نیروهای خودی بوده، نگاه تاکتیک نسل سوم به بیرون بود و موقعیت، دشمن، و پیامد اقدامات بر میدان نبرد را مورد توجه قرار می‌داد. (Bunker, 2004, p54)

این امر تا حدودی ناقض نظم و انضباط شدید حاکم بر فرهنگ نظامی نسل دوم جنگ بود. افسران ارشد آلمان در تمرین‌های نظامی و بازی‌های جنگ قرن نوزدهم به این نتیجه رسیدند که حل و فصل بسیاری از مشکلات به وجود آمده در میدان نبرد مستلزم سرپیچی از دستورات است؛ به این معنا که ابتکار عمل مهم‌تر از اطاعت صرف از دستورات است، به ویژه جایی که به روش و نه نتیجه‌ی کار مربوط می‌شود. در نتیجه، در تمرین‌های نظامی آن زمان، اشتباهاتی که به سبب نوآوری‌های فوق‌العاده ایجاد می‌گردید، مورد اغماض قرار می‌گرفت، اما اشتباهات غیر مرتبط با ابتکار عمل مورد مواخذه قرار می‌گرفت. نتیجه‌ی دیگر این تمرین‌ها این بود که به جای اعمال یک انضباط بیرونی، باید خود انضباطی در فضای رزم حاکم شود. با این حال، ارتش آلمان هیتلری نتوانست در عمل این یافته‌ها را به کار گیرد و قربانی انضباط بیش از حد خود شد.

به هر ترتیب می‌توان گفت که نسل سوم جنگ، بیش از فناوری، از تدابیر نظامی تأثیر گرفته است. البته نباید در این میان نقش فناوری را دست کم گرفت، زیرا هر چند شکل اولیه‌ی نسل سوم جنگ در پایان سال ۱۹۱۸ پدید آمد، اما تنها در جنگ جهانی دوم بود که با پدیدار شدن یک عنصر جدید فناوری (تانک) در سطح عملیاتی، این نسل از جنگ به مرحله‌ی

بلوغ خود نزدیک شد. در واقع، به کارگیری تانک و خودروهای رزهی از سوی آلمان‌ها در همین جنگ، تمرکز طرح‌ریزی‌های عملیاتی را از مکان به زمان معطوف کرد. این تحول یعنی اضافه شدن زمان به عنوان بُعد چهارم جنگ نقطه عطف مهمی در تاریخ جنگ محسوب می‌شود که بعدها دست مایه‌ی تحقیقات بسیاری، از جمله نظریه‌ی معروف جان بوید،<sup>۱</sup> گردید.

(Bunker, 2004,p33)

همان‌گونه که گفته شد، در تغییر نسل‌های جنگ، به ویژه از نسل دوم به سوم، اهمیت و تاکید بر برخی از مؤلفه‌های جنگ روندی فزاینده داشته است. بررسی برخی از این مؤلفه‌ها مقدمه‌ی مناسبی است برای ورود به نسل چهارم جنگ.

آرایش یگان‌های رزم: تاریخ جنگ با تعویض هر نسل شاهد پراکندگی بیشتر نیروها در فضای رزم بوده است. پراکندگی نیروها در نسل چهارم جنگ به حدی است که چه بسا کل جامعه‌ی دشمن را در بر گیرد. این پراکندگی زمینه‌ی اجرای عملیات به دست واحدهای کوچک نظامی را فراهم می‌آورد و این واحدها باید - حتی در پایین‌ترین سطح - از انعطاف‌پذیری عملیاتی برخوردار بوده و صرفاً براساس منظور فرمانده (و نه یک دستور عملیاتی جزء به جزء) به انجام عملیات پردازند.

وابستگی کمتر به آماد و پشتیبانی متمرکز: پراکندگی مورد اشاره که طبیعتاً سبب افزایش شتاب عملیاتی می‌شود مستلزم این است که نیروها از زنجیره‌های پشتیبانی و آماد و پشتیبانی معمول رها شوند و بتوانند بدون انتظار کمک از عقبه، در هر نقطه لازم با دشمن درگیر شوند. تاکید بیشتر در مانور: تعدد نیروی انسانی و حتی آتش انبوه دیگر یک عامل تعیین‌کننده در جنگ‌های آینده محسوب نمی‌شود. در فضای رزم آینده، یگان‌های کوچک، متحرک و چابک بر دشمنان پر تعداد و برخوردار از قدرت آتش زیاد فائق خواهند آمد.

فروپاشی روانی دشمن به جای تخریب فیزیکی وی: بر خلاف عادت نسل‌های گذشته

1 - Col John Boyd Theory: OODA (Observation - Orientation - Dedision - Action)

جنگ که همه چیز معطوف به انهدام نیروها و زیرساخت‌های ملی مؤثر در تداوم جنگ از سوی دشمن بود، در نسل چهارم، فرهنگ دشمن و نیز حمایت مردمی از وی از اهداف مهم شمرده می‌شوند. با توجه به ماهیت ذهنی این اهداف، شناسایی دقیق مراکز ثقل دشمن از اهمیتی ویژه برخوردار خواهد بود. (Bunker, 2004, p32)

در یک بیان کلی، فضای نسل چهارم بسیار گسترده و ناشناخته است؛ مرز میان جنگ و صلح قابل تشخیص نمی‌باشد؛ ماهیتی غیرخطی دارد، تا جایی که احتمالاً تفکیک کلاسیک صحنه عملیات به لجن، جناحین، عقبه و... میسر نیست؛ تفاوتی میان نیروهای نظامی و افراد غیرنظامی وجود نخواهد داشت؛ اقدامات مختلف به صورت هم‌زمان همه‌ی ابعاد سیستم دشمن را تحت تأثیر قرار داده و غالباً ماهیت نرم‌افزاری - و نه صرفاً سخت‌افزاری - دارند؛ تاسیسات مهم نظامی مانند فرودگاه، مراکز ثابت مخابرات و قرارگاه‌های بزرگ فرماندهی به سبب آسیب‌پذیری‌شان، کمتر در صحنه‌ی جنگ آینده مشاهده می‌شوند؛ موفقیت متکی به عملیات مشترک بوده و مرز میان مسئولیت و مأموریت نیروها از میان خواهد رفت. البته از یاد نبریم که بسیاری از این ویژگی‌ها در نسل سوم متولد شده، اما در نسل چهارم به رشد و بلوغ خود خواهند رسید.

اکنون با ترسیم یک افق کلی از نسل چهارم، بجاست دو شکل متفاوت از این نسل را مورد بررسی قرار دهیم: یکی نسل چهارم فناوری محور<sup>۱</sup> و دیگری نسل چهارم ایده محور<sup>۲</sup>.

#### (د) نسل چهارم فناوری محور

اگر ویژگی‌های کلی بالا را در کنار فناوری‌های نوین نظامی قرار دهیم، با شکل جدیدی از جنگ مواجه می‌شویم. برای نمونه، مهمات هدایت شونده‌ی دقیق با حجم محدود، قابلیت حمله به اهدافی را فراهم می‌کنند که با مهمات متعارف با حجم انبوه قابل انهدام نیستند. به

1 - Technology – Based Fourth Generation of War

2 - Idea – Based Fourth Generation of War

علاوه، رشد فناوری رباتیک و هوش مصنوعی، خودروهایی بدون سرنشین، و ارتقای آگاهی وضعیتی و مشاهده‌ی عمیق‌تر فضای نبرد از طریق سکوهایی فضا پایه - با سطوح ارتفاع متفاوت - سبب بروز تغییرات ژرفی در فضای رزم شده است. همچنین، واحدهای نظامی کوچک و متحرک، متشکل از سربازان آموزش دیده و مسلح به سلاح‌های پیشرفته قادر خواهند بود در جستجوی اهداف حیاتی، مناطق وسیعی را به سرعت طی کنند. از آنجایی که ممکن است این اهداف بیشتر غیرنظامی باشند تا نظامی، تقسیم‌بندی سنتی منطقه‌ی خط مقدم - عقبه به منطقه‌ی هدف - غیرهدف تغییر می‌یابد. این امر می‌تواند سازمان و ساختار نیروهای مسلح را به کلی متحول سازد. واحدهای نظامی مورد بحث می‌تواند کارکردهای شناسایی و ضربه به اهداف را در هم ادغام کنند. تسلیحات هوشمند و قابل کنترل از راه دور، که از طریق هوش مصنوعی قابل برنامه‌ریزی هستند نقش مهمی در میدان نبرد آینده بازی می‌کنند. بدین ترتیب، پنهان شدن از دید و تیر این تسلیحات و گمراه کردن آنها از جمله توانایی‌های دفاعی مهم آینده محسوب می‌شود.

به علاوه باید گفت از آنجایی که زیرساخت سیاسی و جامعه غیرنظامی دشمن به اهداف میدان نبرد تبدیل می‌شوند، متمایز کردن سطوح استراتژیکی و تاکتیکی از یکدیگر مشکل است. در این فضای پیچیده و پرابهام، فرماندهان باید از مهارت کافی برای به‌کارگیری توأمان هنر جنگ و فناوری برخوردار باشند. ادغام این دو با یکدیگر اگر نگوییم دو تفکر نظامی متضاد، اما حداقل متفاوت را می‌طلبد. چالش‌های اصلی فرماندهان در نسل چهارم جنگ عبارتند از:

انتخاب دقیق اهداف (به ویژه این که این اهداف ممکن است فراتر از اهداف نظامی عینی، ماهیتی سیاسی یا فرهنگی داشته باشند)؛ توانایی تمرکز سریع و ناگهانی نیروها از حالت پراکندگی، انتخاب واحدهایی که بتوانند با کم‌ترین رد پا و با استفاده از غافلگیری، محیط متغییر عملیات را مدیریت کنند؛ و پردازش به موقع اطلاعات و اجتناب از عارضه‌ی اضافه وزن اطلاعاتی که گاه می‌تواند مقاصد عملیاتی و استراتژیکی را مخدوش سازد. البته نباید از نظر دور بداریم که وابستگی نسل چهارم فناوری محور (کشورهای غربی و به ویژه آمریکا) به

شبکه‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای از منظر آسیب‌شناسی نیز قابل تامل است و چه بسا حمله‌ی ویروس‌های رایانه‌ای باعث اختلال سیستم‌های نظامی و غیرنظامی متعددی شود. علاوه بر موارد بالا، جنگجویان نسل چهارم ماهرانه از رسانه‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی داخلی و جهانی بهره خواهند برد، تا جایی که گاه اجرای دقیق عملیات روانی ضرورت استفاده از نیروهای نظامی را منتفی می‌سازد.

#### ۵) نسل چهارم ایده محور

همان‌گونه که اشاره شد، عنصر فناوری پیش‌ران اصلی نسل دوم جنگ بود، ایده‌های تاکتیکی عامل بنیادین ظهور نسل سوم محسوب گردید، و نسل چهارم نیز با محوریت فناوری به منصفی ظهور رسید. اکنون به جاست نسل چهارم را از منظری متفاوت، یعنی با محوریت ایده و تدابیر تاکتیکی تشریح کنیم.

حدوداً از پانصد سال گذشته تاکنون، غرب پارادایم‌های حاکم بر جنگ را تعریف کرده است، به طوری که گاه حتی ارتش‌های کشورهای غیر غربی نیز تأثیر و کارایی اقدامات خود را در تبعیت از این پارادایم دیده‌اند. در واقع چون نقطه قوت غرب در فناوری خلاصه می‌شود، غربی‌ها مایلند نسل چهارم جنگ را فناوری محور تعریف کنند. اما امروزه صرفاً پارادایم غرب بر فضای جنگ آینده حاکم نیست و همان‌طور که خواهیم دید، نسل چهارم جنگ می‌تواند از سنت‌های فرهنگی غیر غربی متولد شود؛ شاید به این سبب که کشورهای غیر غربی که غالباً توان رقابت با فناوری نظامی غرب را ندارند، در تلاشند تا جنگ آینده را به سمت ایده محوری هدایت کنند. از این منظر می‌توان نسل چهارم ایده محور را جنگی ناهم‌تراز به حساب آورد. جنگجویان ناهم‌تراز علاوه بر برخی ویژگی‌های منتقل شده از نسل سوم به نسل چهارم، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی نیز هستند. برای مثال، بدون وجود یک سازمان رزم مشخص به صورت پراکنده در فضای نبرد عملیات می‌کنند، غالباً از نظر آماد و پشتیبانی خود اتکا و غیرمتمرکز هستند و با برهم زدن مرزبندی سنتی منطقی‌مقدم - عقبه، در پی فروپاشی روانی دشمن می‌باشند. به علاوه، آنها از قابلیت مانور بالا برخوردار بوده و آتش محدود خود

را در زمان و مکان مناسب علیه مراکز ثقل اصلی در عمق سرزمین دشمن به کار می‌گیرند. در واقع باید گفت جنگجویان نهم‌تراز نسل چهارم تلاش می‌کنند برای مشکلی که در پی نسل‌های گذشته مطرح گردیده، اما به آن پاسخی داده نشده، راه‌حلی بیابند. این مشکل عبارت است از تضاد میان ماهیت میدان نبرد مدرن و فرهنگ نظامی سنتی. این فرهنگ نظامی - شامل درجه، احترام، یونیفرم، و رژه نظامی - عمدتاً محصول نسل اول جنگ محسوب شده و مبتنی بر نظم و انضباط صرف است. این فرهنگ متناسب با فضای نبرد زمان خودش (قرن هفدهم تا نوزدهم) تکوین یافت. در آن زمان یک ارتش ایده‌آل همانند یک ماشین روغن‌کاری شده تصور می‌گردید و از فرهنگ نظامی تولید چنین ماشینی انتظار می‌رفت. (Bunker, 2004,p32)

به هر حال، با پدیدار شدن هر نسل جدید از جنگ، فضای رزم به سمت بی‌نظمی بیشتر و بیشتر پیش رفته و بدین ترتیب فرهنگ نظامی که مبتنی بر انضباط شدید تعریف می‌شود، روز به روز با ماهیت جنگ مدرن ناسازگارتر می‌شود؛ تا جایی که تضاد و ناسازگاری به معضلی به مهم برای بسیاری از ارتش‌های جهان تبدیل شده است. جنگجویان نهم‌تراز نسل چهارم جنگ با انکار ماهوی فرهنگ نظامی مورد بحث، توانسته‌اند این مشکل را حل کنند. اکنون این امکان برای آنها وجود دارد که فرهنگی متناسب با ماهیت بی‌نظم جنگ مدرن تدوین کنند.

این فرهنگ نظامی جدید که ابعاد وسیع‌تری دارد، بی‌تردید فرهنگی غیرغربی خواهد بود. امروز ظهور اولیه‌ی نسل چهارم جنگ را در عراق و افغانستان شاهد هستیم. در واقع کسانی مانند توماس هامس<sup>۱</sup> معتقدند شکل مدرن شورش در عراق و افغانستان همان نسل چهارم ایده محور است که در ادبیات نظامی روزگار حاضر فراوان مورد اشاره قرار می‌گیرد. بر این اساس، جنگجویان ایده محور نسل چهارم، می‌کوشند به رهبران سیاسی دشمن ثابت کنند که یا اهداف

۱ - سرهنگ توماس ایکس هامس (Thomas X. Hammes) تحلیل‌گر ارشد مؤسسه‌ی مطالعات استراتژیک ملی وابسته به دانشگاه دفاع ملی آمریکا.



استراتژیک ایشان دست نیافتنی است و یا هزینه‌های آن اهداف بیش از منافعشان است. در این دیدگاه فرض اصلی این است که اراده‌ی برتر سیاسی اگر خوب به کار گرفته شود می‌تواند قدرت‌های سیاسی و اقتصادی قوی‌تر را شکست دهد، چرا که در نهایت هدف پیروزی سیاسی است تا موفقیت نظامی. از منظر غرب، پیروزی در این جنگ بسیار دشوار است. (Forum, No, 214) زیرا غرب خود را در سطح فناوری بسیار تقویت کرده اما در درک نقش انسان یا به عبارت روشن‌تر، رجعت انسان به صحنه‌ی جنگ تا حد زیادی ناتوان بوده است. نمونه‌هایی تاریخی متنوعی مانند شکست آمریکا در ویتنام، لبنان، سومالی، افغانستان، و عراق گواهی بر این ادعا به حساب می‌آیند.

نکته‌ی جالب توجه درباره‌ی نسل چهارم جنگ در عراق این است که نیروهای آمریکایی هیچ شواهدی مبنی بر وجود هدایت مرکزی و هماهنگی کلی میان همه‌ی گروه‌های شورشی عراق نیافته‌اند، اما به نظر می‌رسد که همه‌ی حملات تحت تأثیر یک الگوی مشترک و با هدف بیرون راندن نیروهای آمریکایی از عراق صورت می‌گیرد. در واقع این پرسش مطرح است که بدون وجود هماهنگی، گروه‌های مختلف شورشی چگونه اقداماتشان را در تکمیل یکدیگر انجام می‌دهند؟ این پرسش از آن جهت حائز اهمیت است که هماهنگی اقدامات بازیگران در صحنه‌ی جنگ هم‌تراز و کلاسیک مستلزم وجود یک سیستم فرماندهی و کنترل متمرکز و مجزاست، به ویژه این که جغرافیای نسل چهارم جنگ به مراتب گسترده‌تر از نبردهای کلاسیک بوده و گاه بخش قابل توجهی از مناطق جهان را در بر می‌گیرد. در پاسخ باید گفت شورشیان عراقی یکایک اقدامات را به دقت مشاهده می‌کنند و تأثیر آنها را براساس بازخوردشان نسبت به عراق، آمریکا و رسانه‌های بین‌المللی مورد سنجش قرار می‌دهند. در این سنجش، اقداماتی که نمره‌ی خوب می‌گیرند ادامه می‌یابند و آنهایی که ضعیف ارزیابی می‌شوند، متوقف می‌گردند. شورشیان با این کار، بسیاری از ویژگی‌های یک شبکه‌ی خود سازمانده را به نمایش می‌گذارند. بدین ترتیب ضرورت وجود یک سیستم منسجم و متمرکز فرماندهی و کنترل در نسل چهارم جنگ با تردید جدی مواجه می‌شود، این در حالی است که کشورهایی مانند آمریکا سرمایه‌های مالی و انسانی هنگفتی را برای حفظ و توسعه‌ی این سیستم

هزینه می‌کنند. جنگجویان نسل چهارم در صورت نیاز به فرماندهی و کنترل می‌توانند آن را به صورت غیرمتمرکز و با استفاده از امکانات غیرنظامی موجود در جامعه تأمین کنند (پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه تلفن همراه، GPSهای تجاری، عکس‌های ماهواره‌ای با دقت یک متر نمونه‌هایی از امکانات غیرنظامی موجود در جامعه محسوب می‌شوند).

### نظریه‌ی دوره‌های تاریخی جنگ

نظریه‌ی دوره چهارم جنگ<sup>۱</sup> از سال ۱۹۸۷ توسط صاحب‌نظرانی مانند دکتر لیندسی مور و دکتر رابرت جی بانکر<sup>۲</sup> مطرح گردید و امروزه یکی از مواد درسی مطالعات امنیت ملی محسوب می‌شود. مفهوم دوره‌ی چهارم جنگ براساس این نظریه‌ی علوم سیاسی به تحلیل تاریخی تمدن غرب در ۲۵۰۰ سال گذشته می‌پردازد که تغییر ماهیت نیروی اجتماعی در هر مقطع زمانی همواره بر شکل حکومت جوامع و ساختارهای اقتصادی و نظامی آن مؤثر بوده است. این نظریه بر اساس نوع و ماهیت نیروهای اجتماعی، تمدن بشر را به چهار دوره تقسیم می‌کند. هر دوره براساس بهره‌گیری آزمایشی یا نهادینه شده از نیروی اجتماعی موردنظر، شکل منحصر به فرد جنگ خود را داراست (برای مثال، نیروی انسانی، جانوری، ماشینی و فراموتوری) (Robert Bunker, 1994,p76)

از این منظر، سیستم‌های نظامی در هر دوره حاصل سنتز فناوری‌ها و ایده‌هایی هستند که به لحاظ کیفی شکل‌های مختلف جنگ را از یکدیگر متمایز می‌گردانند؛ به این معنا که انقلاب‌های نظامی زمانی رخ می‌دهند که تمدن بشری به شکل تازه‌ای از انرژی و نیروی اجتماعی دست یابد. با استفاده از این رویکرد تحلیلی به تاریخ تمدن بشر که اتمام نیروی اجتماعی در هر دوره و آغاز نیرویی جدید در دوره‌ی دیگر را دلیل اصلی انقلاب‌های سیاسی و نظامی و نیز شکل‌های تازه‌ی جنگ می‌داند، می‌توان بسیاری از واقعیت‌های امروز جنگ در

1 - Fourth – Epoch War

2 - Dr. Lindsay Moore and Dr. Robert J. Bunker

عراق و همچنین جنگ‌های آینده را توجیه کرد. واضح است که این واقعیت‌ها با برداشت‌های سنتی از امنیت قابل فهم نیستند و باز تعریف مفاهیمی مانند پیروزی، شکست، تهدید، و فضای رزم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. این واقعیت‌ها همچنین بیان می‌کنند که دشمنان غرب با به چالش کشیدن نظام سیاسی و اجتماعی تثبیت یافته‌ی غرب، خود را با ماهیت نرم‌افزاری دوره‌ی جدید منطبق کرده و به شیوه‌ای جدید می‌جنگند. در این حالت بدیهی است که انقلاب در امور نظامی (RMA) به عنوان ابزار تفوق غرب برای سرکوب آنها ناکارآمد می‌نماید. اکنون پیش از ورود به دوره‌ی چهارم جنگ، به‌جاست نگاهی گذرا و اجمالی به دوره‌های اول تا سوم بیندازیم.

#### الف) دوره‌ی اول جنگ (نیروی انسانی)

دوره‌ی اول جنگ را باید در دوره‌ی کلاسیک، یعنی پیش از قرون وسطی سراغ گرفت. (Parametrs,2000,p12) این دوره عمدتاً مبتنی بر بهره‌گیری از نیروی انسانی بود. دو شکل بارز جنگ در این دوره عبارت بود از: جنگ‌های یونان باستان مبتنی بر آرایش سربازان در صف‌های فشرده، به‌طوری که سپرهای آنها یک دیوار زرهی ایجاد می‌کرد؛ و جنگ‌های روم باستان براساس قشون بزرگ سربازان با نام لژیون. طی این دوره، دولت شهرها مبنای حکومت‌داری محسوب شده و اقتصاد برده‌داری حاکم بود. همچنین مزیت‌های طبقاتی مانند روابط میان اربابان و برده‌گان بخشی از پارادایم ایدئولوژیک آن زمان به‌حساب می‌آمد. (Robert Bunker, 1994,p19)

#### ب) دوره‌ی دوم جنگ (نیروی جانوری)

جنگ دوره‌ی دوم در دنیای قرون وسطی اتفاق افتاد. در این دوره سه شکل از جنگ مشاهده می‌شود که هر سه مبتنی بر بهره‌گیری از نیروی جانوری هستند. بربرهایی که به مرزهای اروپا تاختند، قشون انبوه سواره نظام را به خدمت گرفتند که نتیجه آن سقوط امپراطوری روم و آغاز دوره‌ی بربریت غرب بود. حکومت‌هایی که به‌جای دولت شهرها در

نیمی از امپراطوری روم به وجود آمدند، در پاسخ به این تهدید به توسعه نیروهای سواره نظام روی آوردند. بعدها در زمان حاکمان فئودال، این نیروها به شوالیه‌ها تغییر یافتند. در این دوره تمدن، اقتصاد دست‌مزدی به عنوان الگوی غالب اقتصادی، دولت فئودالی به عنوان شیوه‌ی رایج حکومت‌داری، و مشیت الهی که به شکلی افراطی از سوی کلیسا ترویج می‌گردید به عنوان مبنای اصلی ایدئولوژی رواج یافت.

#### ج) دوره‌ی سوم جنگ (نیروی مکانیکی)

دوره سوم جنگ یا همان دوره‌ی مدرن با پارادایم نیروی مکانیکی پا به عرصه‌ی تاریخ نهاد. این پارادایم به ترتیب شامل دو شکل نیرو، یعنی نیروی ماشین و نیروی موتور است. در شکل اول شاهد ظهور ارتش‌های مزدور (سربازان اجیر شده) در دوره‌ی حکومت‌های پادشاهی هستیم که به بعدها به صورت نهادیه شده درآمد. شکل دوم، یعنی نیروی موتور، زمینه‌ی ظهور جنگ گسترده با شرکت همه‌ی اقشار جامعه را به وجود آورد: ابتدا به صورت ابتدایی در فرانسه‌ی ناپلئونی و سپس با اختراع موتور درون سوز به شکل نهادینه شده و مدرن‌تر توسط آلمان در قالب حملات برق‌آسای لشکرهای موتوری و زرهی در جنگ جهانی دوم.

#### د) دوره‌ی چهارم جنگ (نیروی فرامکانیکی)

دوره‌ی چهارم بیانگر ظهور جنگ در جهان پسامدرن است. براساس نیروی فرامکانیکی، دو شکل اصلی از جنگ در حال ظهور است: جنگ غیرغربی و جنگ با فناوری پیشرفته. جنگ غیرغربی غالباً متکی بر درگیری کم‌شدت و تاکتیک‌های ناهم‌تراز است که با هدف به چالش گرفتن برتری فناورانه‌ی غرب انجام می‌گیرد. بسیاری از صاحب‌نظران، نسل چهارم ایده‌محور جنگ را که پیش‌تر بررسی گردید، با این نوع جنگ مترادف می‌پندارند. (Robert Bunker, 1994,p49)

به علاوه، گسترش مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه، خود عاملی است در مقابل برتری فناورانه‌ی امروز غرب در جنگ‌های مدرن، بدین معنا که در محیط‌های محدود و پیچیده‌ی شهری - به سبب عوارض متعدد مصنوعی نظیر ساختمان‌ها و مختلط بودن

جنگجویان با مردم عادی - کارایی تسلیحات پیشرفته تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد. جنگ با فناوری پیشرفته بیانگر فناوری‌های نظامی جدید مانند سلاح‌های هدایت شونده‌ی دقیق، جنگ اطلاعاتی، تسلیحات غیرمرگبار، واحدهای رزمی رباتیک و نیز جنگ‌افزارهای هدایت‌کننده‌ی انرژی می‌باشد.

بدین ترتیب چالش بیان دو شیوه‌ی غربی و غیر غربی جنگ هر روز بیشتر نمایان می‌شود. بی‌تردید جنگ‌هایی که غرب در آینده با آنها مواجه خواهد بود - مانند آنچه امروز در عراق و افغانستان شاهد هستیم - مبتنی بر برداشت‌های سنتی از امنیت نخواهد بود. نگرش چند صد ساله‌ی نزاع میان دولت‌های ملی یا متحدان آنها که بر سر حفظ یا گسترش حاکمیت ملی در می‌گرفت، جایی در چشم‌انداز جنگ آینده ندارد و طبیعتاً تعاریف فعلی پیروزی، شکست، تهدید و فضای رزم دیگر تکافوی مقتضیات جنگ آینده را نمی‌کند. با تعریف دوباره‌ی این مفاهیم اصلی، معرفت‌شناسی جنگ بار دیگر با گذار و دگرگونی مواجه می‌شود، چرخشی نوبه‌ای بین نظم و آشوب که حداقل از هزار سال پیش وجود داشته و در هر چرخش جوامعی توسعه یافته‌اند که توانسته‌اند با نیروی اجتماعی نوظهور زمان خود سازگاری بیشتری یابند. (Morris, 1990,p33) در واقع از زمان معاهده‌ی وستفالیا در سال ۱۶۴۸ فرایند روزافزون نظم و قوانین اجتماعی باعث شکل‌گیری و شکوفایی بسیاری از کشورها، نهادها و جوامع غربی گردیده است اما در روزگار حاضر - بنا به دلایلی که گفته خواهد شد - این فرایند از نظم مداری بسوی آشوب‌زدگی در حال تغییر است، به این معنا که الگوی دولت ملی در حال ورود به دوره‌ای است که کارایی آن جهت سازمان دادن به جوامع بشری با چالش جدی مواجه شده است. (Robert Bunker, 1994,p41) به گفته‌ی رالف پیترز، چالش پیش‌روی غرب تعریف دوباره‌ی انسان است. (Peters, 2003,p82) بنا به نظر وی، تاریخ غرب در حال تجربه‌ی یک گذار پسامدرن است که آشوب و بی‌نظمی ویژگی بارز آن محسوب می‌شود. بی‌تردید در دوره‌ی جدید، شکل‌های رایج نهادهای سیاسی و اجتماعی فروریخته و شکل‌های جدیدی جایگزین آنها می‌شوند.

نظریه‌ی دوره‌ی چهارم جنگ بیان می‌دارد انقلاب‌ها در امور نظامی و سیاسی در پی

گذارهای تاریخی به وجود آمده‌اند، بدین نحو که هرگاه نیروی اجتماعی یک دوره به پایان رسیده، دوره‌ای دیگر با نیرویی جدید آغاز گردیده است. شکل‌های رایج نهادهای سیاسی و نظامی در نظام اجتماعی تثبیت شده‌ی هر دوره که ناتوان از انطباق با منافع و منابع نیروی در حال ظهور هستند، جای خود را به شکل‌های جدیدتر می‌دهند.

فناوری‌های پیشرفته‌ای که براساس نیروهای اجتماعی جدید ظاهر می‌شوند یکی از عوامل تغییرات مورد بحث به شمار می‌آیند. افکار و ایده‌های قبلی که نهادهای فعلی حکومتی بر پایه‌ی آنها تاسیس شده‌اند در قالب مفاهیمی چون نظریه‌ی اقتصادی، تعریف ثروت، اخلاق نظامی، دکترین و ساختار نیروهای نظامی، نظام حقوقی، علوم، ساختار طبقاتی جامعه و دولت منعکس شده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که در دوره‌های قبلی تغییر، افکار و عقاید تثبیت یافته‌ای که بیانگر مفاهیم فوق بوده‌اند، در مقابل تغییرات پیش رو مقاومت کرده‌اند و مردم نخواستار یا نتوانسته‌اند به لحاظ کیفی با فناوری‌های پیشرفته در حال ظهور سازگاری یابند. در نتیجه، مشروعیت نظام اجتماعی تثبیت یافته‌ی آنها از سوی کسانی که به فناوری‌های پیشرفته و طبیعتاً شیوه‌های جدید جنگ مجهز بوده‌اند به چالش گرفته شده است. در نهایت گروه غالب معضلات اجتماعی و ملاحظات شناختی، حقوقی و اخلاقی جدیدی مطرح ساخته‌اند که افکار و عقاید گروه مغلوب قادر به حل و فصل آنها نبوده است. به بیان ساده‌تر، از آنجایی که نهادهای سیاسی و اجتماعی دوره‌ی پیشین قادر به پاسخگویی به نیازهای برآمده از شیوه‌های جدید جنگیدن در دوره‌ی جدید نیستند، ناگزیر فرو ریخته‌اند. چنانچه خواهیم گفت ماهیت نرم‌افزاری جنگ و اساساً جنگ‌شناختی به عنوان شیوه‌ی جدید جنگیدن نمونه‌ای از این دست محسوب می‌شود.

زمانی که فروپاشی و شکست یک تمدن را در میدان نبرد مطالعه می‌کنیم نباید به این اشتباه دچار شویم که حاکمان و مردم آن تمدن قادر به ادامه‌ی عملیات در میدان نبرد سستی خود نبودند، بلکه شکست آنها را باید به حریفانی نسبت داد که فارغ از پارادایم حاکم، آزادانه و براساس مزیت‌های خود تعریف تازه‌ای از میدان نبرد ارائه کردند و بدین وسیله ساختار موجود را به چالش گرفتند. (Bunker, 1994, p55) در واقع، نخبگان حاکم با این که می‌دانستند

ابزارهایی در دست حریف است که با آنها می‌تواند حق حاکمیت‌شان را به چالش بکشد و با این‌که می‌توانستند افکار و عقاید جدیدی را براساس همان ابزارها شکل دهند، اما غالباً یا به-اصلاح شیوه‌های قدیمی‌تر بسنده کردند و یا اصلاً چشم‌خود را به‌روی واقعیات بستند.

بی‌تردید آنان که نظم قدیم را برای ایجاد نظمی جدید به چالش می‌گیرند، بدون هیچ تعهدی برای حفظ و پیروی از نظام سیاسی و اجتماعی حاکم، براساس قابلیت‌های ذاتی موجود در شیوه‌های نوین جنگ، به نحوی متفاوت و خلاف انتظار عمل می‌کنند. آنها اندیشه و رفتار خود را از قید و بند عرف رایج رها می‌کنند، به راحتی قوانین پذیرفته شده‌ی جنگ را نقض می‌کنند، و در نهایت تدابیر جنگی جدیدی می‌آفرینند که از نظر فنی به آنان امکان می‌دهد از تسلیحات بدیع و مبتکرانه‌ای علیه نقاط ضعف و آسیب‌های نظام حاکم استفاده می‌کنند.

بدیهی است که نقض قوانین جنگ - با انگیزه‌ی اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و... - از سوی نظام قدرت حاکم، جنایت خوانده می‌شود زیرا اگر نقض قوانین جنگ به راحتی انجام شود، بتدریج جنگ را از انحصار صاحبان قدرت خارج می‌سازد و پارادایمی ایجاد می‌شود که قدرت حاکم توان مقابله با آن را ندارد. از این منظر تعجبی ندارد که انتفاضه‌ی فلسطینیان و دفاع حزب‌الله لبنان علیه متجاوزین صهیونیست اقدامات تروریستی نامیده شود. به بیان ساده‌تر، مهم‌ترین ملاحظه‌ی امنیتی غرب این است که در پارادایم جدید شکل متفاوتی از نهادهای اجتماعی ارایه شود که با به چالش گرفتن مشروعیت دولت - ملت به عنوان یک پارادایم غربی، به شکل‌های رفتاری جدیدی مشروعیت دهد که از دید جوامع امروز غربی نا به‌هنجار و حتی غیراخلاقی محسوب می‌شود. جهان غرب در مقابل این پارادایم جدید واقعاً آسیب‌پذیر است.

باید بپذیریم که ظهور شیوه‌ها و بازیگران جدید در صحنه‌ی جنگ به این معناست که تصورات سنتی غرب و آنهایی که جنگ را با پارادایم غربی می‌نگرند با تردید جدی مواجه است. شواهد اخیر در عراق و افغانستان مؤید این ادعاست که بر خلاف نگرش کلاسیک، جنگ آینده برای ادامه و توسعه‌ی منافع دولت‌های ملی در نمی‌گیرد، بلکه رقابتی است بر سر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی. (William Lind, 2004,p3) در واقع، بار دیگر شاهد رجعت

جنگجویانی هستیم که منبعث از نگرش‌های وجودگرایی (چه دارای تعلق ملی و چه بدون آن)، رابطه‌ای فردی با جنگ برقرار می‌کنند. آنها با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی ارزان به دنبال مقابله با تسلط نیروهای غربی بر فضای رزم، و ایجاد شکل‌های جدیدی از سازمان‌های سیاسی و اجتماعی هستند که از خلاف عرف رایج بوده و بنابراین در تقابل مستقیم با پارادایم دولت - ملت قرار می‌گیرد. (Arquilla, 2000, p4) بر این اساس، مدل وستفالیایی دولت - ملت که نهادهای اجتماعی و نیز نظامی آن بر پایه‌ی معماری منظم و سلسله‌مراتبی بنا شده از سوی نهادهای نوظهوری که مبتنی بر معماری آشوب‌ناک و شبکه‌ای طرح‌ریزی شده‌اند مورد تهدید قرار گرفته است (بنا به دلایلی که در فصل‌های آینده خواهند آمد، نقش‌انسان بعنوان یک هویت شناختی در این معماری جدید اهمیت بسزایی یافته است).

بدین ترتیب، هر دو گروه بازیگران غربی و مردمی طیف مورد بحث می‌کوشند با استفاده منحصر به فرد از بُعد پنجم جنگ، عملیات تأثیرمحور را طرح‌ریزی و اجرا کنند. بدیهی است که این دو گونه از عملیات تأثیرمحور در ماهیت یکسان و در شکل متفاوت هستند. در ماهیت یکسان هستند چون هر دو رویکرد تأثیر را به‌جای تخریب مبنای عملکرد خود قرار می‌دهند و می‌کوشند تا با مدیریت تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اقدامات خود در سطح تاکتیکی و عملیات به نتایج استراتژیک دست یابند. اما این رویکرد در شکل متفاوتند چون طرف غربی با تکیه به فناوری پیشرفته و طرف مردمی با اتکا به تدابیر تاکتیکی در پی ایجاد تأثیرات موردنظر هستند. از آنجایی که مفهوم عملیات تأثیرمحور در ادبیات نظامی امروز و نیز در این تحقیق بسیار حائز اهمیت است، به‌جاست مروری مختصر بر ماهیت و ویژگی‌های این تفکر داشته‌باشیم.

#### عملیات تأثیرمحور الگوی نهادینه‌شده‌ی جنگ ناهم‌تراز

چنانچه خواهیم دید، عملیات تأثیرمحور با هدف تغییر رفتار حریف انجام می‌شود، یعنی به‌جای نابودی کل سیستم دشمن که هزینه‌ها و تلفات زیادی برای دو طرف درگیری به همراه دارد، تلاش می‌شود که با وارد آوردن محرک‌های خاصی به سیستم، رفتار کلی آن سیستم تغییر یابد. بدیهی است که در این صورت طرف قوی‌تر جنگ ضمن کاهش هزینه‌ها و تلفات خودی



و دشمن، جنگ اخلاقی‌تر را به نمایش می‌گذارد و مشروعیت خود را نزد افکار عمومی حفظ می‌کند. این توضیحات با ویژگی‌های جنگ ناهم‌تراز که در ادبیات نظامی امروز گسترش یافته همخوانی زیادی دارد. در واقع جنگجویان ناهم‌تراز، چه در طرف قوی‌تر و چه در طرف ضعیف‌تر، می‌کوشند تا با حداقل سرمایه‌گذاری در میدان نبرد، حداکثر نتیجه یا تأثیر را برداشت کنند. به همین علت است که بسیاری از صاحب‌نظران نظامی بر خلاف گذشته جنگ ناهم‌تراز را منحصر به طرف ضعیف‌تر نمی‌دانند، بلکه بر سر این نکته به توافق رسیده‌اند که با فرض وجود حالت دو قطبی در یک جنگ - یعنی طرف ضعیف در مقابل طرف قوی - هر یک براساس خاستگاه فکری و مقدورات مادی و معنوی خود انگیزه کافی برای عملیات تأثیرمحور یا ناهم‌تراز جنگیدن را دارند. به بیان ساده‌تر، رویای سربازان و فرماندهان تاریخ جنگ برای انجام یک جنگ کم تلفات‌تر و آسان‌تر در قالب اندیشه‌ی جنگ ناهم‌تراز تعبیر شد و تبدیل این اندیشه به یک الگوی عملی در هیأت عملیات تأثیرمحور در یکی دو دهه‌ی اخیر جامعه‌ی عمل پوشیده است.

بنابراین می‌توان گفت که طیف گسترده‌ی بازیگران جنگ آینده، از دولت - ملت‌های غربی گرفته تا بازیگران غیردولتی، به دنبال تحقق جنگ ناهم‌تراز با رویکرد تأثیرمحور خاص خود هستند و صد البته که هر کدام براساس شیوه و منابع در دسترس خود به دنبال انجام این مهم هستند.

### نتیجه

براساس آنچه تاکنون در مورد دو قطبی بودن جنگ آینده (قطب انسان و قطب فناوری) گفته شد و نیز با استناد به این نکته مهم که به کارگیری رویکرد تأثیر محور (به‌عنوان الگوی نهادینه شده‌ی نبرد ناهم‌تراز) در انحصار هیچ‌یک از بازیگران جنگ آینده نیست، بازیگران قبلی به نیروهای مردمی می‌توانند ضعف فناوری و سخت‌افزار خود را با اتکا به قوه‌ی ابتکار و خلاقیت بُعد انسانی تا حدی جبران کنند و مدلی از عملیات تأثیر محور را توسعه دهند که همانند حریفان فن‌مدارشان، بسیاری از مزیت‌های این شیوه‌ی نوین جنگ را تصاحب کنند.

خوشبختانه تحقق این امر در ج.ا.ا در هیچ وجه تازگی ندارد، چرا که همواره در طول دفاع مقدس رزمندگان اسلام، منبعث از تاکیدات فراوان حضرت امام(ره) مبنی بر اعتماد و تکیه به نیروهای مردمی - آنچه در این مقاله بُعد انسانی جنگ نامیده می‌شود - توانستند با بهره‌گیری از قوه‌ی ابتکار و خلاقیت (ایده محوری) توان رزم نسبی خود را در مقابل دشمن فناوری محور حفظ کرده و در بسیاری موارد بر وی غلبه کنند. با این حال، آنچه فقدان در سال‌های پس از جنگ همچنان محسوس است. نهادینه‌سازی نقش نیروهای مردمی در یک الگوی بومی ناهم‌تراز (تأثیرمحور) است که هر چند تلاش‌های بسیاری در این خصوص انجام شده، اما مدل کنونی - متناسب با تغییر محیط تهدید- همچنان نیازمند تکمیل و روزآمدسازی است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که به استناد بررسی مقایسه‌ای سه نظریه‌ی مورد بحث، امروز پس از دوره‌ی صنعتی که ماشین‌های سنگین و عظیم جنگی میان انسان و فضای رزم حال شده بود و عملاً معادله‌ی قوا را به نفع دارندگان فناوری تسلیحاتی بر هم زده بود، بار دیگر انسان و ذهن انسان جایگاه گذشته‌ی خود را در صحنه‌ی نبرد بازیافته است. این فرصت تاریخی برای همه‌ی بازیگرانی است که می‌کوشند با تکیه بر بُعد انسانی شیوه‌ی رزم خود را توسعه دهند. امید است ارزش والای این فرصت را بخوبی درک کنیم.

### منابع

- 1 - Alan G. R. Smith, Science and Society in the Sixteen and Seventeen Centuries, 1972.
- 2 - Basil H. Liddell Hart, "Strategy", 1972.
- 3 - BBC News, Sunday, 23 January, 2005, "US Plans Robot Troops for Iraq
- 4 - Ben Ames, "Air Force Predicts Enemy Moves With New Soft Ware, 2003.
- 5 - Charles B. Miller: Enhancing the Strategic Application of Effects – Based Operation Concepts, U.S. Army War College, 2002.
- 6 - Chris Morris, "Weapons of Mass Protection: Non Lethality, Information Warfare, and Air Power in the Age of Chaos", Airpower Journal, Spring 1995.
- 7 - Chris S. Richie, "We Need War Principles For Our Generation, 2005 Internet Accessable.
- 8 - Christopger Coker: Waging War Without Warriors, the Changing Culture of Military Conflict, 2002.
- 9 - Colonel Bui Tin, "How North Vietnam Won the War, "Wall Street Journal, August 3, 1995.
- 10 - Commander's Handbook for an Effects – Based Approach to Joint Operations, 2006.
- 11 - Daniel F. Fayette, "Effects Based Operations: Application of New Concepts, 2001.
- 12 - Dr. Ed Smith, Effects – Based Operations ... The way Ahead, Power Point, Internet Accessable.
- 13 - EBO Panel of C4ISR Summit, "White Paper on Training, Planning and System Development For EBO, 2000.
- 14 - Edar M. Knouse: Effects – Based Taraeting and Operation Art in the 21st Century, Naval War Callege, 2002.
- 15 - Fred Reed: Robotic Warfare Drawing Nearer, Internet Accessed.
- 16 - Fredrick P. Stein, "Network Centric Warfare, 1999.
- 17 - Giulio Dohet, "The Command of the Air", 1942.
- 18 - Gray Klein, "Sources of Power: How People Make Decisions, 1998.

- 19 - Hanson, Victor Davis: Carnage and Culture: Landmark Battles in the Rise to Western Power, 2002.
- 20 - Harlan K. Ellman & James p. Wade, "Rapid Dominance – A Force for All Seasons, 1998.
- 21 - Harry G. Summers, On Strategy: A Critical Analysis of the Vietnam War, 1982.
- 22 - Howard, Michael: "War in European History", Oxford University Press, 1976.
- 23 - J. Arquilla and D. F. Ronfeldt, "The Advent of Netwar, Rand, 1996.
- 24 - Jablonsky, David: Why is Strategy Difficult, 2001.
- 25 - James W. Crawley: Rising War Costs, Media General News Service, Internet Accessed, 2004.
- 26 - Jefferson Morley, "The Origins of Shock and Awe, 2003, Washington Post.
- 27 - Joint Chiefs of Staff, Concept for Future Joint Operations: Expanding Vision 2010, Fort Monroe, 1997.
- 28 - Jomini, Baron: The Art of War, 1992.
- 29 - Joshua Ho, The Advent of A New Way of War: Theory & Practice of Effects - Based operations, Dec, 2003.
- 30 - Keegan, John: A History of Warfare, 1994.
- 31 - Kevin D. Admiral, Effects – Based operation: Enhancing Operational Art& Design in the 21st Century, May 2003.
- 32 - M. Michell Waldrop, Complexity: the Emerging Science at the Edge of Order and Chaos, 1992.
- 33 - Maj Z. Jobbagy, "Effects – Based Operations and Biology of War: A Conceptualistion, 2006.
- 34 - Maj Z. Jobbagy, Literature Surrey of Effects – Based Operation, 2003.
- 35 - Marine Corps Doctrine Division Home Pape: <http://138.156.107.3/.../docdiv/index.html>
- 36 - Martin Van Creveld: The Transformation of War, the Free Press, 1991.
- 37 - Mary C. Fitzgerald, "The Russian Military's Strategy for Sixth Generation Warfare" 1994, Andrew F. Krepinevich, "Cavalry to Computer: The Pattern of Military Revolution", the National Interest, 1994.
- 38 - Maj Z. Jabbagy: Wars, Waves, and the West: Putting EBO in to Context, May 2005.
- 39 - Michael Howard & Peter paret, Carl Von Clausewitz: On War, 1976.
- 40 - Michael O'Hanlon: Technological Change and the Future Warfare, Brookings Institution Press, 2000.
- 41 - Michael Senglaub, "The Analytic & Philosophical Imperatives of Effects Based Opertaions, 2002.
- 42 - Parameters, U.S. Army College Quarterly, Summer 1997.

- 43 - Paul K. Davis, "Effects-Based Operations, A Grand Challenge for the Analytical Community, RAND, 2001.
- 44 - Ralph Peters, "After the Revolution, Parameters, Summer 1995.
- 45 - Robert J. Bunker, "Advanced Battle Space and Cybermaneuver Concepts: Implication for Force XXI, "Parameters, Autumn, 1996.
- 46 - Robert J. Bunker, "Five - Dimensional (Cyber) Warfighting: Can the Army After Next Be Defeated Through Complex Concepts And Technologies?, 1998.
- 47 - Robert J. Bunker, "The Generations, Waves, and Epochs, 1995.
- 48 - Robert J. Bunker, "The Transition to Fourth Epoch War, Marine Corps Gazette, September, 1994.
- 49 - Robert S. Bunker, ed, "Nonlethal Weapons; Terms and References, 1998
- 50 - Scientists Report Primitive Step in Teleportation, Los Angeles Times, December 11, 1997.
- 51 - Smith E, "Effects - Based Operations: Applying Network Centric Warfare in Pace, Crisis, and war, 2002.
- 52 - Statement of Major General Robert Scales, U.S.A (ret.), Testifying Before the House Armed Services Committee on July 15, 2004.
- 53 - Steven M. Rinaldi, "Complexity Theory and Airpower: A New Paradigm for Airpower in the 21st Century, 2002
- 54 - Steven Metz, "The Revolution in Military Affairs: Orthodoxy and Beyond, 1999
- 55 - Strategic Forum, No. 214, January 2005, <http://www.ndu.edu/inss>.
- 56 - Tao Hanzhang, Sun Tzu's Art of war, 1987.
- 57 - The Dimensions of Effects - Based Operations, A View from Singapore, Australian Army Journal, Volume Two, Number 1.
- 58 - Thomas J. Czerwinski, "Command and Control at the Crossroads, Parameters, Autumn 1996.
- 59 - Thomas X. Hammes, "Insurgency: Modern Warfare Evolves in to a Fourth Generation, January 25, Internet Available.
- 60 - Toffler, Alvin: The Third Wave, 1980.
- 61 - TRADOC, the Annual Report on the Army After Next, 2004.
- 62 - United States Army, FM 100-5, Operations, Washington, DC: US Government Printing Office, June, 1993.
- 63 - Victor Hanson, "Our Weird Way of War, Our Enemies Know U.S. Too Well, National Review Online, May 7, 2004.
- 64 - White Paper on Training, Planing, and Systems Development for Effects-Based Operations, 2003.
- 65 - William Gibson, "Burning Chrome, 1987.

- 66 - William Mitchell, "Skyways: A Book on Modern Aeronautics, Philadelphia: Lippincott, 1930.
- 67 - William S. Lind and Co-authors, "The Changing Face of War: Into the Fourth Generations, 1989.
- 68 - William S. Lind, "Defending Western Culture," Foreign Policy, 1991.
- 69 - William S. Lind: "Understanding Fourth Generation War", Military Review, September - October, 2004.
- 70 - Wried News, 12 October, 2004, "More Robot Grunts Ready for Duty"
- 71 - Yehuda Wegman: Israel's Security Doctrine and the Trap of "Limited Conflict", March 2005.

## تبیین صحنه‌های عملیات در جنگ‌های گذشته

هادی مراد پیری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۱/۲۹

صفحات مقاله: ۱۱۱-۱۶۲

### چکیده

انتخاب صحنه‌های عملیات در تمام جنگ‌ها، یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی برای همه فرماندهان و اعضای ستاد آنها در سطوح مختلف به ویژه سطح میانی جنگ می‌باشد. موقعی می‌توان از انتخاب صحنه‌های مطمئن شد که با استفاده از شاخص‌ها و عوامل مؤثر و دقیق آنها را انتخاب کرد و این مستلزم آن است که عوامل یاد شده به درستی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرند. جنگ عراق و ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و هر یک از طرفین برای اجرای عملیات آفندی و پدافندی خود صحنه‌های عملیاتی خشکی (جنوب غرب، غرب و شمال غرب) و دریایی (شمال خلیج فارس) را متناسب با شرایط و توانمندی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیای نظامی و همچنین با استفاده از شاخص مشخص کردند. هدف این تحقیق، مطالعه صحنه‌های عملیات در طول جنگ‌های گذشته به‌خصوص هشت سال دفاع مقدس بوده است. برای این منظور محقق صحنه‌های عملیات در جنگ‌های گذشته، را شناسایی و تدوین، سپس برای غنا بخشیدن و تکمیل اطلاعات خود با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد، مدارک و مصاحبه، اطلاعات لازم را گردآوری کرده است. نوع تحقیق کاربردی، توسعه‌ای و روش تحقیق تاریخی و توصیفی است. روش تحقیق یاد شده با روش هدفمند انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشانگر این است که در جنگ‌های گذشته انتخاب صحنه‌های عملیات از یک عرض و عمق مشخصی تبعیت نموده بلکه متناسب با شرایط و وضعیت‌های انتخاب‌ها صورت گرفته است.

۱ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

## واژگان کلیدی

صحنه، صحنه‌ی عملیات، جنگ، جنگ‌های گذشته

### مقدمه

فرماندهان صحنه‌های عملیات که وظیفه کنترل عملیاتی نیروهای زمینی، دریایی و هوایی را در حوزه‌ی اختیارات خود بر عهده دارند، معمولاً به دلایل عملیاتی، لجستیکی و اجرایی، مسئولیت و اختیار بخش‌هایی از مناطق مسئولیت خود را به رده‌های عمده‌ی تحت امر (مناطق مسئولیت تاکتیکی [منطقه رزم]) خود تفویض می‌نمایند. فرماندهان صحنه و دیگر فرماندهان برای تسهیل آزادی عمل در نواحی مورد نظر، تضمین پوشش کافی برای اهداف و تجهیزات هدف‌گیری و در عین حال پرهیز از دوباره‌کاری‌های ناخواسته، پیش‌گیری از هرج و مرج و کاهش تلفات خودی، حدود مناطق مسئولیت خود را تعیین می‌کنند.

مناطق یا حوزه مسئولیت رده‌های تاکتیکی و عملیاتی از چندین جنبه مهم با تقسیمات جهانی و منطقه‌ای تفاوت دارد در این سطح، حساسیت‌های بین‌المللی به طور بالقوه رو به کاهش است اما رقابت‌های بین نیرویی همچنان به قوت خود باقی است، حوزه‌های منافع و نفوذ موجب محو شدن خطوط مرزی می‌شود، و مناطق مسئولیت تاکتیکی در جریان عملیات مختلف غالباً دستخوش تغییر و تحول می‌شوند. منطقه مسئولیتی که یک فرمانده صحنه‌ی عملیات با هر حجم و اندازه‌ای که قادر به دفاع از آن است باید به طور عمده از وضعیت جوی، عوارض طبیعی، پوشش گیاهی، معابر و راههای وصولی و نفوذی و غیره تشکیل شده باشد و هر چند این عوامل باعث محدودیت در دید و تیر، اختفاء و پوشش و دسترسی به گذرگاه‌ها توسط دشمن باشد از اهمیت بالاتری برخوردار خواهد بود و نیروهای پدافند یا آفند کننده با استفاده از عوارض فوق بهتر می‌توانند از منطقه مسئولیت خود استفاده نمایند. از طرف دیگر، توان غلبه بر شرایط نامساعد جغرافیایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها نیز به نوبه خود بستگی به استفاده از فن‌آوری‌های موجود دارد. در روزگاری که سربازان دوشادوش همدیگر صف کشیدند و تنها سلاحشان تفنگ سرپر و توپ‌های ابتدایی بود و فریاد کشیدن، علامت



دادن با دست و پرچم، ارسال پیک، شیپور زدن و پرتاب فشفسه و منور از بهترین شیوه‌های کنترل محسوب می‌شد، خطوط حد و مناطق مسئولیت صحنه‌ها بسیار محدود و کم عرض بود اما امروز، به یمن وجود سیستم‌های تسلیحاتی مدرن، سیستم ارتباط الکترونیکی، حسگرهای پیشرفته و دیگر ابداعات و اختراعات، نیروها توان پراکندگی بیشتری پیدا کرده‌اند. با این حال، عرض و عمق صحنه‌های عملیات بسیار وسیعتر شده است. از همه مهم‌تر ترکیب عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظامی و جغرافیای نظامی با یکدیگر باعث توسعه صحنه‌های عملیات گردیده است. (علمایی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶)، لذا ما در این مقاله با توجه به شرایط و وضعیت‌های مختلف به دنبال تبیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ‌های گذشته می‌باشیم.

#### بیان مسأله

یکی از مهمترین مسائل و چالش‌های جنگ برای فرماندهان نظامی انتخاب صحنه عملیات بر مبنای عوامل مؤثر و مرتبط می‌باشد، زیرا انتخاب درست صحنه می‌تواند توفیقات نظامی را فراهم نموده یا در صورت خطا، شکستی غیرقابل جبران را بر واحدهای نظامی تحمیل نماید. انتخاب صحنه عملیات یک فرآیند پیچیده و ناشی از فرآیند سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و مبتنی بر مجموعه‌ای متعدد و متنوع از عوامل مؤثر مانند: جغرافیا، قومیت، تهدیدها و غیره می‌باشد؛ اگرچه مجموعه عوامل یاد شده در عموم کشورها از معیارها و مؤلفه‌های عمومی پیروی می‌نمایند. اما به طور طبیعی شرایط خاص عملیاتی در هر کشوری نیز تغییر می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و قابلیت‌های منحصر به فرد و همچنین آسیب‌پذیری‌های مختص به خود، در انتخاب صحنه عملیات نیازمند تبیین شاخص‌ها و عوامل بومی شده می‌باشد و با بررسی و تجربه هشت سال دفاع مقدس می‌توان الگوهای تجربه شده در دفاع مقدس را شناسایی و عوامل مذکور در انتخاب صحنه عملیات را از این طریق تبیین نمود و در گام بعدی آن دسته از این عوامل را که در انتخاب صحنه عملیات در جنگ‌های آینده تأثیرگذارند، تدوین کرد.

این تحقیق برآن است که با بهره‌گیری از منابع علمی مرتبط و مستندات تاریخی و همچنین استفاده از دیدگاه‌های نخبگان و خبرگان نظامی و به ویژه فرماندهان ارشد هشت سال

دفاع مقدس به تبیین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه عملیات جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس پرداخته و کاربرد آنها را در جنگ آینده مشخص نماید.

### ادبیات و مبانی نظری تحقیق

#### مبانی صحنه‌ی عملیات

تعیین منطقه مسئولیت برای یگان‌های عملیاتی در سطوح مختلف علاوه بر شرایط جغرافیایی، تابعه عوامل دیگری مانند ظرفیت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، توان نیروی تهدید کننده و توان رزم موجود در هر منطقه می‌باشد. به همین دلیل فرماندهان و مسئولان در زمان جنگ علاوه بر سطح‌بندی جنگ (راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی) مناطق مختلفی را به عنوان صحنه انتخاب می‌کنند.

#### الف) مفهوم صحنه

صحنه، منطقه جغرافیایی مشخصی است که می‌تواند مربوط به داخل یا خارج از یک کشور یا ترکیبی از چند کشور باشد که تحت فرماندهی یک فرمانده عالی منطقه‌ای قرار دارد. (امیر بیگی، ۱۳۷۲، ص ۳۲) صحنه یا حوزه مسئولیت براساس طرح فرماندهی عالی و به لحاظ شرایط راهبردی، میزان همکاری نظامی مورد نیاز ملی و بین‌المللی یا میزان منابع نظامی اختصاص یافته در صحنه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چشم‌اندازها چگونگی اجرای عملیات در هر صحنه‌ای را به وسیله نیروی مشترک یا یگان، تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۷۴-۱۹۹۵-۷-۱۰۰-FM)

#### ب) انواع صحنه از دیدگاه غرب

هر صحنه‌ای با توجه به شرایط تهدید، محیط جغرافیایی، توانمندی‌های خودی به صحنه‌های کوچکتر و مختلف تقسیم می‌شود استراتژیست‌های نظامی آمریکا با توجه به ویژگیهای مهم راهبردی و جغرافیایی غالباً آنها را این گونه گروه بندی می‌کنند:

### (۱) صحنه‌های قاره‌ای (خشکی و هوایی)

صحنه‌ای است که برای کنترل زمین، فضا و هوایی که برای حفظ و کنترل یک یا چند کشور به وجود می‌آید و این صحنه‌ها مربوط به کشورهایی می‌باشد که از نظر قدرت رزمی در سطح بالایی قرار دارند و حوزه نفوذ آنها در سطح محیط بین‌المللی می‌باشد از دیدگاه آمریکا می‌توان صحنه‌های قاره‌ای را به فرماندهی اروپا، فرماندهی مرکزی و فرماندهی جنوب تقسیم کرد. صحنه‌های قاره‌ای ممکن است به لحاظ هدف و گستره متفاوت باشد، بنابراین ممکن است از مقابله یا براندازی، هرج و مرج و شورش در داخل یک کشور گرفته تا عملیات و نبردهای اصلی برای نابودی زمینی دشمن باشد. (همان، ۷۴)

### (۲) صحنه‌های دریایی

یکی دیگر از انواع صحنه‌ها، صحنه‌های دریایی می‌باشد، این گونه صحنه‌ها هم برای دفاع از خط مقدم کشور آمریکا و هم برای دسترسی راهبردی به منابع مورد نیاز، دوستان و هم پیمانان و دشمنان بالقوه ایجاد می‌شوند. صحنه‌های دریایی از دیدگاه آمریکا شامل فرماندهی آتلانتیک و فرماندهی پاسفیک می‌باشد. در صحنه دریایی ممکن است یک یا چند نوع عملیات به شرح زیر انجام گیرد:

- اجرای عملیات‌های دریایی برای اشغال یا دسترسی به مناطق دریایی
- اجرای عملیات‌های مشترک برای کنترل مناطق مهم زمینی
- انجام عملیات‌های محدود با اهداف محدود مانند: حفظ صلح یا کمک به کشور دوست

### (۳) صحنه‌های ساحلی

صحنه‌های ساحلی مستلزم ترکیب و هماهنگی بین نیروهای زمینی، هوایی و دریایی می‌باشد که با طرح‌ریزی و اجرای عملیات مشترک دریایی و زمینی می‌توان قدرت رزمی خوبی را ارائه نمود. این صحنه‌ها بیشتر در خطوط ساحلی، جزایر و شبه جزیره‌ها کاربرد دارد. (همان، ۷۵)

### ج) مفهوم صحنه‌ی جنگ و صحنه‌ی عملیات

فرماندهان عالی در زمان جنگ، راهبرد عملیاتی نبرد را طوری سازمان می‌دهند که بتوانند متناسب با شرایط تهدید توانمندی‌های خودی و شرایط محیط منطقه نبرد، روابط و وحدت فرماندهی را ممکن سازند. هر صحنه‌ای می‌تواند شامل یک یا چند صحنه‌ی عملیاتی را در بر گیرد که متناسب با عرض و عمق منطقه واگذاری و شرایط جغرافیایی صحنه تقسیم می‌شود. که به ترتیب هر یک از صحنه‌ها توضیح داده می‌شود.

#### (۱) صحنه‌ی جنگ<sup>۱</sup>

آن قسمت از خشکی، دریا، هوا و فضا است که درگیر عملیات جنگی بوده یا در آینده خواهد بود. صحنه‌ی جنگ حد مشخص و معینی نداشته و با توجه به پیشرفت تکنولوژی و توسعه جنگ افزارها ممکن است تمام یا قسمتی از کره زمین را در برگیرد. (گروه، مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

صحنه‌ی جنگ منطقه‌ای هوایی، زمینی، دریایی و فضایی است که به طور مستقیم با عملیات جنگی مرتبط بوده یا خواهد بود. عملیات صحنه‌ی جنگ معمولاً یگانه، مشترک یا چند ملیتی است. صحنه‌ی جنگ باید به لحاظ عملیاتی خود کفا و دارای پایگاه پشتیبانی دایمی برای پشتیبانی عملیات در عمق می‌باشد.

صحنه‌ی جنگ باید تنها آن قسمت از مناطق یا کشورهای را که با جنگ مرتبط اند را در بر گیرد و در حالی که یک قسمت از صحنه در شرایط جنگی قرار دارد، ممکن است بقیه کشورهای که در صحنه‌ی جنگ هستند در وضعیت جنگی نباشند. (علمایی، ۱۳۸۲: ۷۸)

صحنه‌ی جنگ یک کشور می‌تواند از محیط جغرافیایی آن بزرگتر باشد و از مرزهای آن فراتر رفته و در سایر نقاط جهان توسعه یابد. کشوری مانند آمریکا می‌تواند در هر جای جهان

---

1 - Theater of War

مانند خاورميانه، جنوب شرق آسيا، اروپا و... صحنه‌های جنگ خود را انتخاب نمايد. يا مثلاً جمهوری اسلامی ايران در قبال تهديد آمريکا و اسرائيل می‌تواند کل فضای کشور، منطقه - خليج فارس، دریای عمان و دریای خزر و غرب آسيا (لبنان) را به عنوان صحنه‌ی جنگ خود تعريف نمايد.

صحنه‌ی جنگ اساساً در سطح راهبردی طرح‌ریزی می‌شود و نحوه به کارگیری مجموعه امکانات کشور و سازمان دهی کلان نیروهای مسلح را برای دستیابی به اهداف عالی جنگ مشخص می‌نماید. (سلامی، ۱۳۸۵، ۵۷)، در صحنه‌ی جنگ اهداف و خط مشی‌های امنیت ملی تعیین می‌شود.

مهمترین فعالیت‌هایی که در صحنه‌ی جنگ انجام می‌گیرد عبارتند از:

- تعیین اهداف نظامی در سطح ملی
- مشخص کردن محدوده صحنه یا صحنه‌های عمليات اعم از داخل یا خارج از کشور
- نحوه تبدیل اهداف سیاسی به اهداف نظامی
- تعیین نقش و مأموریت عمده نیروهای مسلح در زمان جنگ
- اجرای عمليات روانی که با هدف ایجاد اتحاد و هماهنگی و همکاری بین نیروهای خودی و همراه سازی مردم و ایجاد شکاف در صفوف نیروهای دشمن و در نهایت برهم زدن ائتلاف آنها؛ (همان، ۳۴)
- استفاده از متحدین و امکاناتی که قدرت مکمل در نیروی کلان خودی به وجود می‌آورد.

#### (۲) صحنه‌ی عمليات<sup>۱</sup>

##### (الف) تعاریف صحنه‌ی عمليات

- صحنه‌ی عمليات، سرزمینی مشخص و تعیین شده‌ای شامل (هوا، دریا و زمین) که

---

1 - Theater of Operation

- زیر مجموعه صحنه‌ی جنگ محسوب می‌شود و در آن، نیروهای مسلح دیا چند بازیگر ملی، فروملی یا فرا ملی با یکدیگر به مقابله می‌پردازند. (Allan - 2006-4)
- صحنه‌ی عملیات آن قسمت از صحنه‌ی جنگ است که برای انجام عملیات نظامی مورد نیاز است و دارای حدود مشخص و معین می‌باشد. صحنه‌ی عملیات طوری سازمان داده می‌شود که جوابگوی احتیاجات یگان‌های رزمی به کار برده شده در ناحیه رزم باشد. (محرابی، ۱۳۸۴، ۳۶)
  - صحنه‌ی عملیات به مناطق اصلی تحرک نیروهای رزمی، (آفند، پدافند) در مجموعه یک صحنه‌ی جنگ اطلاق می‌شود. (نظامی، ۱۳۸۷/۱۰/۱۷، مصاحبه)
  - در فرهنگ لغت وزارت دفاع آمریکا، صحنه‌ی عملیاتی اینگونه تعریف شده است. یک منطقه عملیاتی که به وسیله سر فرماندهی جغرافیایی به منظور اجرا یا پشتیبانی عملیات نظامی مشخص می‌شود را صحنه‌ی عملیاتی می‌گویند. در یک صحنه‌ی جنگ، صحنه‌های عملیاتی چند گانه که معمولاً از نظر جغرافیایی مجزا و متصل با مأموریت‌های مختلف خواهد بود و از طرفی صحنه‌ی عملیات دارای خطوط حد مشخص است که امکان اجرای عملیات در عمق و در زمان طولانی را فراهم می‌نماید. ([www.dtic.Mil](http://www.dtic.Mil)) در صورتی که فرماندهی عالی مشخص نماید که برای جنگیدن باید صحنه‌ی عملیات را به مناطق کوچکتر تقسیم نمود، می‌توان برای مقابله با هر نوع تهدید صحنه‌های عملیاتی جزء را ایجاد نمود، لذا در یک جنگ کلاسیک فرمانده صحنه‌ی عملیات باید تضمین نماید که این گونه تقسیم بندی‌ها تداخل از اصل وحدت فرماندهی نمی‌باشد.
  - صحنه‌ی عملیات به آن بخش از مناطق جنگی اطلاق می‌شود که برای اجرای هر نوع عملیات نظامی برای دوره‌های طولانی مدت مورد نیاز است. فرمانده صحنه‌ی عملیاتی دارای مسئولیت‌های مشابه سر فرماندهی است اما حوزه عمل آنها متفاوت است. (سلامی، ۱۳۸۵، ۳۵)

(ب) عمده‌ترین اقدام‌های اساسی فرماندهان در صحنه‌ی عملیات عبارتند از:

مرحله‌بندی عملیات، تعیین زمان عملیات، انتخاب انواع یگانهای مانوری (پیاده، زرهی، مکانیزه و...) و پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی، تعیین نوع عمل (آفند، پدافند و...)، تعیین اهداف عملیاتی، شیوه استفاده از منابع و امکانات نظامی متناسب با محدودیتها و مقدرات، ایجاد خطوط مواصلاتی برای پشتیبانی از نواحی

رزم در واقع صحنه‌ی عملیاتی حلقه واسط بین کاربرد یگانهای رزمی در ناحیه رزم و

تأمین اهداف راهبردی را در صحنه‌ی جنگ به وجود می‌آورد. (نوذری، ۱۳۸۴، ۳۵)

لازم به توضیح است که صحنه‌ی عملیات با سطح عملیات متفاوت است. صحنه‌ی عملیات به جغرافیای منطقه مربوط می‌شود اما سطح عملیاتی، یعنی آن فضایی از جنگ که اقدام‌های عملیاتی در آن صورت می‌گیرد. سطح عملیات، سطح واسطی است که هدف‌های راهبردی نظامی را به اهداف و اقدام‌های تاکتیکی تبدیل می‌کند. این سطح، منطبق به هم پیوستگی عملیات تاکتیکی را در امتداد هدف‌های راهبردی را مشخص می‌کند. فرماندهان و نیروهایی که در سطح عملیاتی فعالیت دارند، باید هم فهم مسائل راهبردی را داشته باشند و هم دارای دانش و درک تاکتیکی یعنی مسئولان و فرماندهان در سطح عملیاتی، باید تاکتیک و راهبرد را به خوبی بدانند و اجرا نمایند و برای هر هدف واسطه یک زنجیره‌ای از هدفها و عملیاتهای تاکتیکی را تعریف کنند. به نوعی که این عملیاتها به یکدیگر پیوستگی داشته و به سمت آن اهداف هدایت شوند و مرحله به مرحله عملیات را توسعه داده تا در نهایت به آن هدف راهبردی برسد. (سلامی، ۱۳۸۵، ۴۶)

#### (د) تقسیمات صحنه

##### (۱) تقسیم‌بندی صحنه‌ی جنگ

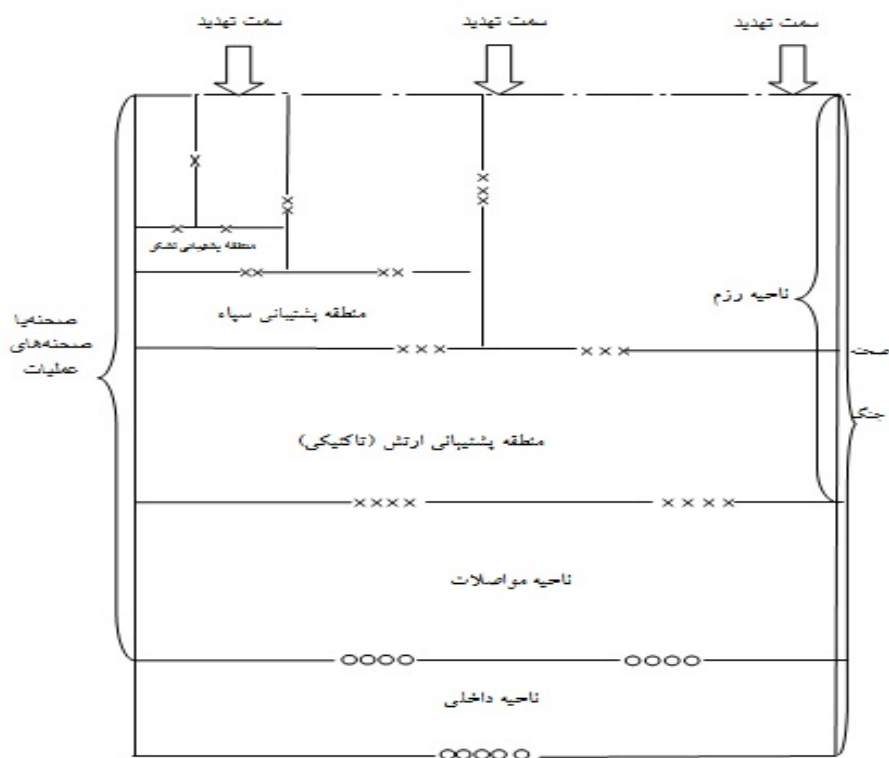
صحنه‌ی جنگ به دو قسمت عمده شامل صحنه‌ی داخلی یا صحنه‌های عملیات و ناحیه داخلی

تقسیم می‌شود.

ناحیه داخلی معمولاً شامل تمام یا قسمتی از سرزمین کشور درگیر جنگ است، به

استثنای صحنه‌ها یا صحنه‌های عملیات که ممکن است در شرایط خاص شامل سرزمین کشورهای دیگر نیز بشود. ناحیه داخلی پشتیبانی‌های لازم را برای صحنه‌ها یا صحنه‌های عملیات فراهم می‌نماید. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳، ۱۷۴) معمولاً در ناحیه داخلی سیاست‌ها و تدابیر کلی تدوین و خط مشیی‌های نظامی ارائه می‌شود و همچنین منابع و امکانات لازم برای صحنه‌های عملیاتی را تأمین خواهد نمود.

آن قسمت از صحنه‌ی جنگ است که برای انجام عملیات نظامی (آفند و پدافند و...)، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی تقسیم می‌شود. (آقایی و علی بابایی، ۱۳۶۶، ۲۵۲) شکل شماره (۱) تقسیم بندی صحنه‌ی جنگ را به طور کلی نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱ - تقسیم‌بندی صحنه‌ی جنگ و صحنه‌های عملیات در زمان جنگ در یک جنگ کلاسیک و تهدید از یک سمت



**(۲) تقسیم‌بندی صحنه‌ی عملیات**

در هر جنگی صحنه‌ی عملیات طوری سازمان داده می‌شود که جواب گوی نیاز یگانهای مانوری به کار گرفته شده در نواحی رزم مختلف باشد. طرحهای کلی برای صحنه‌ی عملیات سازمان اولیه را پیش بینی و ارائه می‌کند. طراحی سازمان صحنه‌ی عملیات بر مبنای نیازها و اختصاص منابع و امکانات لازم از مسئولیتهای فرمانده صحنه‌ی عملیات می‌باشد. سازماندهی صحنه‌ی عملیات با توجه به تنوع مأموریت (آفند، پدافند، مقابله با بحرانهای داخلی و...)، ماهیت یگانهای مانوری (زمینی، هوایی، دریایی) تعداد و نوع یگانها، عرض و عمق منطقه واگذاری و توانمندیهای خودی و دشمن خواهد بود. و یگانهای متعددی از پایین ترین رده تاکتیکی تا گروه ارتش‌ها به شرح زیر سازماندهی می‌شود. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳، ۱۷۶)

**الف) زمینی:** (تیپ، لشکر، سپاه، ارتش تاکتیکی، گروه ارتش تاکتیکی)

**ب) دریایی:** (ناوتیپ، منطقه دریایی، ارتش تاکتیکی، گروه ارتش تاکتیکی)

**ج) هوایی:** نقش پشتیبانی از هر یک از نیروهای زمینی و دریایی را به عهده خواهد داشت. (نوذری، ۱۳۸۴، ۳۷)

صحنه‌ی عملیات به طور معمول به دو دسته شامل ناحیه مواصلات و ناحیه (منطقه) رزم تقسیم می‌شود:

**الف) ناحیه مواصلات (منطقه مواصلات)<sup>۱</sup>**

الف) ناحیه مواصلات جزئی از صحنه‌ی عملیات بوده و معمولاً در منطقه عقب صحنه‌ی عملیات به کار برده می‌شود و از حد عقب منطقه رزم شروع تا انتهای منطقه مسئولیت صحنه‌ی عملیات ادامه خواهد داشت. ناحیه مواصلات پشتیبانیهای خدمات رزمی لازم را برای نواحی رزم (منطقه نبرد) فراهم می‌نماید. در این قسمت از صحنه‌ی عملیات تأسیسات آمادی،

---

1 - Communication Zone

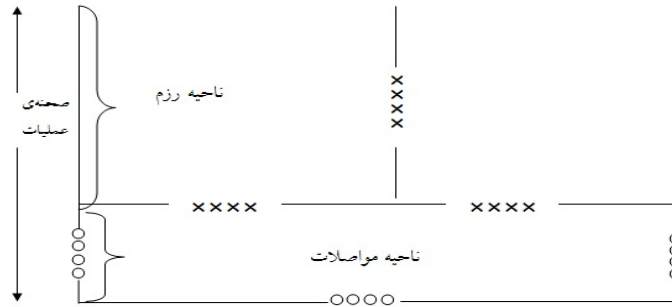
خطوط مواصلاتی و تسهیلات تخلیه و بستری کردن، ایجاد بیمارستان‌های ثابت و متحرک، برقراری سیستم جایگزینی نیروی انسانی و سایر عوامل لازم آماده می‌شود. ناحیه مواصلات زنجیره پشتیبانی خدمات رزمی را بین ناحیه رزم و ناحیه داخلی به یکدیگر متصل می‌کند. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳، ۱۷۵) و همانطور که در شکل شماره (۶-۲) نشان داده شده است این ناحیه می‌تواند به بخشهای مختلف (مقدم، میانی و پایه) تقسیم شود که هر یک از این بخشها با توجه به عرض و عمق صحنه‌ی عملیات متفاوت می‌باشد و گاهی اوقات این بخشها بر روی یکدیگر منطبق خواهد شد.

(ب) سازمان ناحیه مواصلات در تمام صحنه‌های عملیات یک نواخت نبوده و بر طبق طرحهای عملیاتی و متناسب با شرایط جغرافیایی هر صحنه سازمان داده می‌شود.

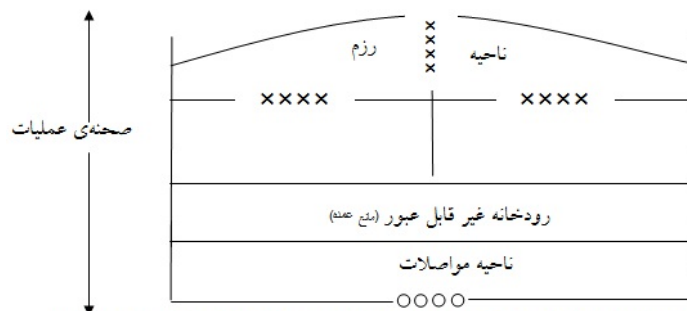
(پ) پایگاههای هوایی و تأسیسات مربوط به آنها که در داخل ناحیه مواصلات واقع شده باشند جزو حوزه مسئولیت فرمانده نیروی هوایی صحنه محسوب می‌گردند و فرمانده ناحیه مواصلات در داخل این پایگاهها و تأسیسات هیچگونه مسئولیتی بجز آنچه از طرف فرمانده صحنه‌ی عملیات تعیین شده، به عهده نخواهد داشت.

فرمانده صحنه‌ی عملیات در زمان جنگ ممکن است منطقه‌ای را تحت عنوان منطقه مشترک تعیین نماید این منطقه به منظور محافظت و تسهیل عملکرد امکانات و نیروهایی است که وظایف آمادی و پشتیبانی را برعهده دارد. اندازه منطقه عقبه مشترک، ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای گسترده بوده و بستگی به موارد زیر دارد:

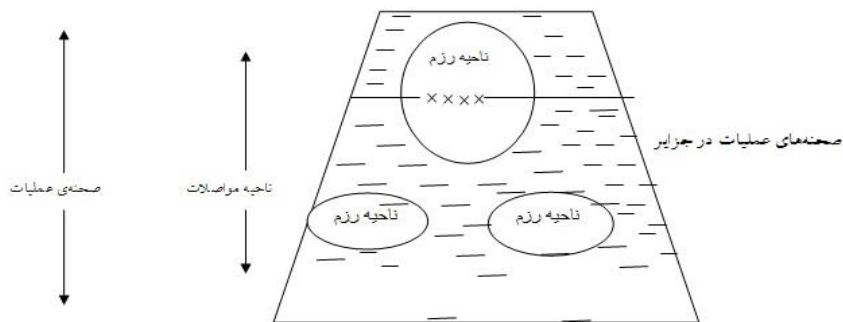
اندازه صحنه‌ی عملیات ۲- نیازهای پشتیبانی ۳- نوع و اندازه تهدید می‌باشد. این صحنه در پشت ناحیه رزم واقع می‌شود، اما الزاماً با ناحیه رزم ممکن است همجوار نباشد و ممکن است با میدان رزم غیر خطی، انطباق یابد. در این صورت منطقه پشتیبانی به بخشهایی مجزا از مناطق پشتیبانی نسبتاً امنی تقسیم می‌شود که در مجموع یک منطقه عقبه مشترک را تشکیل می‌دهند. شکل‌های شماره (۲)، (۳) و (۴) نمونه‌هایی از تقسیمات صحنه‌های عملیات را در مناطق مختلف بیان می‌نماید.



شکل شماره ۳-۲ - تقسیمات صحنه‌ی عملیات (ناحیه رزم، ناحیه مواصلات) در زمان جنگ (منطقه خشکی)



شکل شماره ۴-۲ - تقسیمات صحنه‌ی عملیات که ناحیه رزم و ناحیه مواصلات آن به وسیله منع عمده از یکدیگر جدا شده است.



شکل شماره ۵-۲ - تقسیمات صحنه‌ی عملیات که ناحیه مواصلات و ناحیه مواصلات و ناحیه رزم به وسیله آب قطع شده است.

**(ب) منطقه نبرد (ناحیه رزم)<sup>۱</sup>**

ناحیه رزم (منطقه نبرد) قسمتی از صحنه‌ی عملیات است که یگانهای مانوری در آن منطقه با دشمن درگیر رزم می‌شوند عمق این ناحیه با توجه به استعداد نیروهای عمل‌کننده، نوع عملیات خطوط مواصلاتی، عوارض مهم زمین وضعیت جغرافیایی منطقه و امکانات خودی و دشمن متغیر می‌باشد. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳، ۱۷۶) معمولاً محدوده ناحیه رزم به دو دسته تقسیم می‌شود:

**الف) منطقه نبرد:** (در این منطقه یگانهای مانوری مانند سپاهها، لشکرها، تیپها و گردانها اجرای مأموریت می‌نمایند.)

**ب) منطقه عقب:** (در این منطقه پشتیبانی از یگانهای مانوری طرحریزی و اجرا می‌شود.) در بعضی از منابع و در مصاحبه‌ای که با بعضی از فرماندهان هشت‌سال دفاع مقدس به عمل آمد، ناحیه رزم را به عنوان صحنه نبرد و بعضاً صحنه‌ی عملیات نام برده‌اند. در منطقه رزم هدف‌های عملیاتی، کوچک شده و به هدف‌های تاکتیکی تبدیل می‌شوند و واحدهای کوچک تر رزم، در این صحنه‌ی عملیاتها را طراحی، اجرا و هدایت می‌نمایند. در این محدوده چون یگان‌های تاکتیکی و عمده درگیری‌ها فیزیکی است، بنابراین، تحرک و پویایی ذهنی برای فرماندهان بسیار حیاتی می‌باشد. در این صحنه قواعد کار، محاسباتی و برآورد پذیر می‌باشد. زمان‌های اجرا عملیات در این صحنه‌ها کوتاه و مقیاسی جغرافیایی محدود و اقدام‌های تاکتیکی می‌باشد و تقریباً همه چیز عینی است، و فاکتورهای مهم نقش اساسی را بازی می‌کنند. (مطالعات موردی)

---

1 - Combat Area/ Zone

## صحنه‌های عملیات در برخی از جنگ‌های گذشته

### الف) صحنه‌های عملیات در جنگ جهانی دوم

سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ میلادی رکود اقتصادی در آلمان با جمعیت ۶۶ میلیون نفر به اوج خود رسید به حدی که شمار بیکاران از ۳ میلیون به ۶ میلیون نفر رسید. حزب نازی با کسب امتیاز ۲۳۰ کرسی رایشتاک (مجلس آلمان) قوی‌ترین نیروی سیاسی کشور نشان داده شد و در سال ۱۹۳۳ هیتلر را به مقام صدراعظمی آلمان انتخاب نمودند. مقامی که آن را تبدیل به مقام خودکامانه فوئرر (پیشوا) کرد. هیتلر از لحظه‌ای که به قدرت رسید به جنگ گرایش داشت و به سرعت برنامه نوسازی تسلیحاتی خود را آغاز کرد و در این راستا در نیروهای مسلح و کارخانه‌های مهمات سازی به میلیون‌ها نفر نیاز داشت، که مشکل بیکاری در یک مدت زمان محدود برطرف شد. با افزایش کارکنان نیروهای سه گانه، ارتش آلمان به میزان چند برابر ارقام پذیرفته شده در پیمان ورسای، مواد این پیمان آشکارا مورد استهزا قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸ نخستین تعرض از سوی هیتلر با حمله به اتریش انجام گرفت. علاوه بر اتریش، کناره کوهستانی بوهم در غرب چک و اسلواکی و نواحی اطراف دانتسیگ و مِمِل را نیز در بر می‌گرفت. در پایان سال ۱۹۳۸ هیتلر مناطق آلمانی چک و اسلواکی را نیز اشغال نمود. در آغاز سال ۱۹۳۹ بقیه کشور را تحت الحمايه خویش کرد. در همین زمان لیتوانی را نیز وادار به دادن مِمِل به آلمان نمود. و سرانجام در سپتامبر سال ۱۹۳۹ به لهستان لشکر کشید و به کشمکش در اروپا دامن زد که منجر به جنگ جهانی دوم شد. (جمالی، رستمی ۱۳۸۱، ۴۰۲-۴۰۵) در این جنگ که تقریباً نیمی از جهان را در بر گرفت، صحنه‌های عملیاتی متفاوتی در مناطق مختلف جهان و با محدودهای متغیر به وجود آمد. این صحنه‌ها در بین نیروهای متحدین و متفقین متفاوت بوده و از شرایط یکسانی برخوردار نبود. نقشه شماره (۱) صحنه‌های عملیاتی کشورهای درگیر (متحدین و متفقین) را در جنگ جهانی دوم را نشان می‌دهد.

#### (۱) صحنه‌ی عملیاتی لهستان

حمله به لهستان در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ و توسعه صحنه‌ی جنگ و ایجاد صحنه‌ی

عملیاتی جدید از سوی آلمان در کشور لهستان، آغاز جنگ جهانی دوم به حساب می‌آید. در پی این حمله، کشورهای انگلیس، فرانسه و بلژیک به آلمان اعلام جنگ نمودند و عملاً جنگ جهانی دوم آغاز شد. ارتش آلمان به فرماندهی ژنرال گودریل با ۶ لشکر زرهی و مکانیزه با یک حمله برق آسا و سریع و با عبور از مواضع دفاعی کشور لهستان، توانست در کمتر از یک ماه کشور لهستان را اشغال و صحنه‌ی جنگ خود را توسعه دهد و صحنه‌ی عملیاتی جدیدی در کشور لهستان به وجود آورد. با این حمله ارتش آلمان موفق شد صحنه‌های عملیات و ناحیه داخلی کشور خود را توسعه داده و ارتش را آماده نماید که به سایر کشورها حمله نماید.

### (۲) صحنه‌های عملیاتی غرب و توسعه صحنه‌ی جنگ

با حمله آلمان به لهستان کشورهای انگلیس، فرانسه و بلژیک (متفقین) قصد حمله به نروژ و دانمارک را داشتند که در نتیجه ارتش آلمان برای مقابله با این حرکت پیش دستی نمود و در آوریل ۱۹۴۰ دانمارک و نروژ را تسخیر کرد و صحنه‌های عملیاتی جدیدی در این کشورها به وجود آورد. در ماه می ۱۹۴۰ با حمله ناگهانی آلمان به کشورهای بلژیک و هلند توانست در کوتاه‌ترین زمان این دو کشور را نیز اشغال نماید و صحنه‌های عملیات خود را نیز در این مناطق توسعه دهد و سپس به شمال فرانسه حمله نمود و با این عملیات آفندی سریع، توانست نیروهای فرانسوی را غافلگیر کند و خط دفاعی (دیوار دفاعی ماژینو) را دور زده و ظرف مدت یک ماه ارتش فرانسه را تارومار نموده و این کشور را نیز تصرف نماید و در دوم ژوئن ۱۹۴۰ م فرانسه تسلیم آلمان شد. (۲۶-۱۹۸۰ - Brd Peter) و به این ترتیب صحنه‌های عملیاتی آلمان در سمت غرب نیز توسعه یافت. (جمالی رستمی، ۱۳۸۱، ۴۳۷).

### (۳) صحنه‌های عملیات در منطقه بالکان

پس از پیروزی در غرب نیروهای آلمان آماده برای حمله به بریتانیا می‌شوند، اما زمانی که هیتلر متوجه شد قادر به برتری هوایی و دریایی بر علیه بریتانیا نیست، صرف نظر کرد. و به فکر حمله به شوروی افتاد. زیرا هیتلر معتقد بود که تنها امید بریتانیا به شوروی است و

چنانچه شوروی نابود شود، بریتانیا نیز تسلیم می‌شود. بنابراین ارتش خود را به سمت بالکان هدایت نمود و با ایجاد صحنه‌ی عملیاتی در این منطقه در سال ۱۹۴۱ آلمان توانست ارتش‌های یونان و یوگسلاوی را شکست داده و ضربات سختی را به ارتش انگلستان وارد نماید. و دو صحنه‌ی عملیاتی جدید در این دو کشور ایجاد نماید و آماده حمله به شرق شد.

#### (۴) صحنه‌های عملیات بارباروسا (شرق)

پس از پیروزی در صحنه‌ی عملیات بالکان هیتلر در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ دستور حمله به شرق را صادر نمود. در این تهاجم بزرگ، بسیاری از کشورهای مختلف در کنار ارتش آلمان قرار گرفتند که از جمله می‌توان به رومانی، مجارستان، ایتالیا و فنلاند اشاره نمود. با این عملیات گسترده، بسیاری از مردم ملل تحت سلطه شوروی به استقبال ارتش آلمان آمدند و نیروهای آلمانی توانستند ظرف مدت چند ماه لنینگراد را محاصره و کیف را تسخیر نمایند و به دروازه‌های مسکو برسند و موفق شد صحنه‌های عملیاتی جدیدی را در شرق به وجود آورد. اما به دلیل فرا رسیدن زمستان هیتلر ناچار شد در این صحنه‌های عملیاتی متوقف شود. (همان، ۴۶۲ با تلخیص)

#### (۵) صحنه‌های عملیات شمال افریقا

در حالی که نیروهای آلمان در صحنه‌ی عملیاتی بالکان در حال عملیات جنگی بودند در شمال افریقا ارتش ایتالیا که هم پیمان آلمان است، در حال شکست از نیروهای انگلیسی بود، هیتلر یک ژنرال زرهی بنام اروین رومل که موفقیت‌های قابل توجهی در نبرد با فرانسه داشت را به فرماندهی یک سپاه صحرائی بنام (سپاه افریقایی آلمانی) منصوب نمود. این فرمانده در این صحنه‌ی عملیاتی با توجه به کمبود نیروی هوایی و امکانات و تجهیزات موفق شد نیروهای بریتانیا را در مصر و لیبی شکست دهد، اما هرگز نتوانست قاهره پایتخت مصر را تصرف نماید. رومل در ژوئیه سال ۱۹۴۲ با ۵ لشکر آلمانی و ۹ لشکر ایتالیایی به داخل مصر پیشروی نمود و در منطقه العلمین با مارشال مونتگومری وارد میدان نبرد شد و پس از نبردهای متعدد در

نهایت مونتیگری توانست نیروهای رومل را شکست دهد و به همین دلیل عقب نشینی رومل از شاخ افریقا شروع شد که تا کشور تونس ادامه داشت و سرانجام در می ۱۹۴۵ حدود ۲۵۰/۰۰۰ سرباز آلمانی و ایتالیایی تسلیم نیروهای متفقین شدند. با این اقدام نیروهای آلمانی شمال افریقا را از دست دادند و همین عامل باعث شد که روحیه نیروهای آلمانی علاوه بر این صحنه در صحنه‌های عملیات شوروی نیز متزلزل شود. (همان، ۵۱۲ با تلخیص)

#### (۶) صحنه‌های عملیاتی استالینگراد و قفقاز

با تهاجم آلمان به قفقاز آغاز شد اگر چه بسیاری از ژنرال‌ها معتقد بودند که ابتدا باید مسکو را تصرف نمود، اما از نظر اکثر فرماندهان ارتش آلمان تصرف استالینگراد نسبت به مسکو صحیح تر بود. ابتدا سربازان آلمان توانستند تا قفقاز جنوبی پیشروی کنند که با مقاومت شدید نیروهای روسی مواجه بود. ([www.Military.ir](http://www.Military.ir))

نبرد سخت و خانه به خانه به وسیله ارتش ششم آلمان به فرماندهی ژنرال پاولوس آغاز شد و تقریباً تا سپتامبر ۱۹۴۲ پیشروی با آلمان‌ها بود، اما با آغاز ماه اکتبر و شروع سرما پیشروی آلمان‌ها تقریباً متوقف شد. و از نوامبر ۱۹۴۲ تا ژانویه ۱۹۴۳ ارتش ششم در این صحنه‌های عملیاتی محاصره و در نهایت تار و مار شد.

در این راستا ژنرال پاولوس از هیتلر درخواست عقب نشینی می‌نماید که موافقت نمی‌شود و ژنرال پاولوس با اینکه چند روز از فیلدمارشالی او نگذشته بود، ارتش خود را تسلیم شوروی نمود و بلافاصله با کمک شورویها کمیته آلمان آزاد را اعلام نمود. و در چنین شرایطی وضعیت ارتش آلمان بسیار خطرناک شد و باعث شد که سربازان آلمانی که در محاصره قرار گرفته بودند به سرعت این منطقه را تخلیه نموده و از این تاریخ به بعد شکستهای ارتش آلمان در صحنه‌های مختلف نیز آغاز شد و صحنه‌ی جنگی که تقریباً نیمی از کره زمین را دربرگرفته بود شروع به محدود شدن نمود. (عزتی ۱۳۶۵، ۱۴۱، ۱۳۴ با تلخیص) و در نهایت منجر به شکست آلمان شده.



**(ب) صحنه‌های عملیاتی اعراب و رژیم صهیونیستی در جنگ سال ۱۹۷۳**

در ماه مه ۱۹۶۷ میلادی عبدالناصر در پی اعلام سوریه متمرکز کردن نیرو و ازسوی اسرائیل در این کشور واکنش نشان داد. و در پنجم ژوئن ۱۹۶۷ میلادی هواپیماهای اسرائیل با حمله به فرودگاه‌های مصر هواپیماهای آن کشور را نابود کردند و پس از ۶ روز جنگ بین نیروهای اعراب و رژیم صهیونیستی در نهایت دولتهای عرب شکست خوردند. (راشدالقنوش، ۱۲، ۱۳۷۰) اعراب پس از شکست در جنگهای گذشته به دنبال حیثیت از دست رفته خود بودند و مجدداً در سال ۱۹۷۳ به منظور تأمین اهداف خود اقدام به بازسازی نیروهای مسلح خود نمودند و بدین ترتیب در ساعت ۱۴ روز ۶ اکتبر ۱۹۷۳ میلادی ارتش مصر و سوریه با پشتیبانی بعضی از کشورهای عربی به مواضع اسرائیلی‌ها در طول کانال سوئز و در بلندیهای جولان تک نمودند. (جمالی، رستمی، ۱۳۸۱، ۵۶۷، ۵۷۴ با تلخیص)

**(۱) صحنه‌ی جنگ اسرائیل و اعراب**

به سبب درگیری ارتش اسرائیل از دو جبهه یکی از سمت کشور سوریه و دیگری از سمت کشور مصر، می‌توان کل کشورهای مصر و سوریه را از دیدگاه این رژیم به عنوان صحنه‌ی جنگ بیان نمود و از منظر اعراب کل کشور اسرائیل را به عنوان صحنه‌ی جنگ محسوب نمود. نقشه شماره (۲) صحنه‌ی جنگ و صحنه‌های عملیات اعراب و اسرائیل را در سال ۱۹۷۳ میلادی نشان می‌دهد.

**(۲) صحنه‌های عملیات اسرائیل و اعراب**

صحنه‌های عملیات در این جنگ را می‌توان به طور جداگانه در دو جبهه تقسیم نمود:

**(الف) صحنه‌ی عملیات در جبهه سوریه**

صحنه‌ی عملیات سوریه را می‌توان کل منطقه عمومی جولان که از قسمت شمال منطقه هرمن گرفته تا مرز بین کشور اردن و سوریه و ناحیه مواصلاتی آن (منطقه عقب) را تا منطقه عمومی شهر دمشق نام برد.

منطقه نبرد یا ناحیه رزم این صحنه (صحنه‌ی عملیات) شامل کوه هرمن، میسادا، قنطره، جوخادر، تل فاراس، کفر نفاخ و ال آل (EL AL) را نام برد که در این منطقه عمده نیروهای مسلح سوریه و کشورهای عربی (نیروهای عراق و مغرب) با رژیم صهیونیستی درگیر بوده‌اند. ناحیه مواصلات یا منطقه پشتیبانی این منطقه را می‌توان مناطق عقب ناحیه رزم با مرکزیت شهر دمشق را نام برد. درگیریهای عمده این منطقه را می‌توان در دو ناحیه رزم در قسمت شمال با لشکر ۳ زرهی ارتش سوریه، در قسمت جنوب با لشکر یکم زرهی سوریه و کشورهای عربی نام برد.

در این مناطق ابتدا پیروزی با کشورهای عربی بود، اما پس از پاتکهای عمده رژیم صهیونیستی در کوه هرمن و سپس در منطقه تل فاراس و کفر نفاخ موفق به عقب راندن نیروهای سوری و باز پس گیری مناطق از دست رفته خود شد.

#### (ب) صحنه‌ی عملیات در جبهه مصر (سینا)

در این جنگ ابتدا تک نیروهای مصری در ساعت ۱۴:۰۰ روز ۶ اکتبر با تعداد ۱۵۰ فروند هواپیماهای هجومی هدفهایی را در فلسطین اشغالی بمباران نمودند و همزمان با حملات هوایی با دو ارتش (ارتش دوم و سوم) تک خود را به سمت فلسطین اشغالی آغاز نمودند. (همان، ۵۸۹) در این صحنه، منطقه نبرد یا ناحیه رزم عبارت است از خط پدافندی اسرائیل (بنام خط دفاعی بارلو) که شامل منطقه عمومی پور سعید، قنطره، اسماعیله، گذرگاه جیدی، متیلا، دریاچه تلخ و بئر قفقفه می‌باشد و ناحیه مواصلات یا منطقه پشتیبانی این صحنه مجموعه صحرای سینا، شهر سوئز و بخشی از شهر قاهره را در بر می‌گیرد. در این صحنه مانند کشور سوریه، ابتدا پیروزی با نیروهای مصری بود، اما با حمایت کشورهای غربی و اجرای پاتک سنگینی که از طرف نیروهای اسرائیلی طرحریزی و اجرا شد در نهایت منجر به شکست نیروهای مصری و اعلام آتش بس در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ شد. (همان، ۵۹۴)

### ج) صحنه‌های عملیات آمریکا در دوران جنگ سرد

تجربیات آمریکا طی جنگ جهانی دوم نشان داد که سرفرماندهی‌های یگانهای عملیاتی مرکب، تنها در صورتی می‌توانند حداکثر بهره ممکن را به گونه‌ای مؤثر و کارآمد از توان نظامی خود ببرند که یک نظام منطقی در اختیار داشته باشند و از آن روش بتوانند به اجرای عملیات مشترک، رفع مناقشات موجود در مورد گستره اختیارات و از دوباره کاری‌های ناخواسته بپرهیزند و هرگونه شکاف و فاصله عمده را پر کنند.

با شروع دوران جنگ سرد لزوم توجه به مقتضیات این دوره احساس شد؛ زیرا متحدان آمریکا در شش قاره جهان نگران و مضطرب، چشم به این کشور دوخته بودند تا زمام امور را به دست گیرد. از زمان تشکیل ارتش آمریکا در سال ۱۷۷۵ میلادی، این نخستین بار بود که مسئولیتی جهانی بردوش این کشور گذاشته شده بود. (Walter S. Poole et al 1995,25)

### تقسیمات اصلی حوزه‌های مسئولیت آمریکا

مناطق مسئولیت اصلی آمریکا در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ میلادی، هری.اس. ترومن نخستین طرح از مجموعه مفصل طرحهای فرماندهی متحد، موسوم به طرح کلی فرماندهی را تصویب کرد که در آن هفت حوزه فرماندهی متحد بر اساس مناطق جغرافیایی تقسیم شد و مناطق مسئولیت و مأموریت‌های اصلی هریک از آنها به قرار زیر بود ([http:// www. Ghadeer.org](http://www.Ghadeer.org)) نقشه شماره (۳) صحنه‌های عملیاتی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم (دوران جنگ سرد) را نشان می‌دهد.

### (الف) صحنه‌های عملیات آمریکا در خاور دور و خاورمیانه<sup>۱</sup>

اجرای عملیات اشغال در خاک ژاپن، کره، جزایر ریوکیو، فلپین، ماریانا، و بونین؛

---

1 - Far East Command

فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس اقیانوس هند و چین در موقع مقتضی؛ حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول ژانویه ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (ب) صحنه‌های عملیات آمریکا در اقیانوس آرام<sup>۱</sup>

اجرای عملیات برای ایجاد امنیت خطوط مواصلات هوایی و دریایی در اقیانوس آرام؛ حفاظت از خاک آمریکا در برابر حملات دشمن از این ناحیه، حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول ژانویه ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (ج) صحنه‌های عملیات آمریکا در آلاسکا<sup>۲</sup>

دفاع از آلاسکا و جزایر ایوت؛ حفاظت از خاک آمریکا در برابر حملات دشمن از سمت آلاسکا و مناطق قطبی مجاور؛ حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول ژانویه ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (د) صحنه‌های عملیات آمریکا در اروپا<sup>۳</sup>

اشغال آلمان؛ حمایت از سیاست‌های ملی آمریکا در اروپا، طرح‌ریزی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در ۱۵ مارس ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (ه) صحنه‌های عملیات آمریکا در کارائیب<sup>۴</sup>

دفاع از آمریکا، کانال پاناما، و پایگاه‌های آمریکا در کشورهای حوزه کارائیب از طریق پایگاه‌های واقع در خاک پاناما و جزایر آنتیل؛ دفاع از خطوط مواصلات هوایی و دریایی با

---

1 - PACOM  
2 - ALCOM  
3 - EUCOM  
4 - CARIBCOM

کمک حوزه فرماندهی اقیانوس اطلس؛ حمایت از ناوگان آمریکا در اقیانوس اطلس؛ حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول نوامبر ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (و) صحنه‌های عملیات آمریکا در اقیانوس اطلس<sup>۱</sup>

دفاع از خاک آمریکا در برابر حملات دشمن از سمت اقیانوس اطلس؛ حمایت از نیروهای نظامی آمریکا در خاک اروپا، کشورهای حوزه مدیترانه، نواحی شمال شرقی (آمریکای شمالی) و کشورهای حوزه کارائیب؛ حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول دسامبر ۱۹۴۷ میلادی ایجاد شد.

#### (ز) صحنه‌های عملیات آمریکا در شمال شرق آمریکا<sup>۲</sup>

حفظ امنیت جزایر نیوفاندلند، لابرادو و گرینلند؛ حفاظت از خطوط مواصلات هوایی و دریایی منطقه، حفاظت از خاک آمریکا در برابر حمله دشمن از این ناحیه، حفظ آمادگی برای حالت فوق‌العاده، این حوزه در اول اکتبر ۱۹۵۰ میلادی ایجاد شد. (کالیز، ۲۰۰۰، ۶۱۵) از سال ۱۹۴۷ میلادی به بعد، بیست و یک حوزه فرماندهی متحد در مقاطع مختلف تأسیس شد که نه حوزه از آنها تا ۵۰ سال بعد همچنان به قوت خود باقی ماندند.

#### (د) صحنه‌های عملیاتی رژیم صهیونیستی با لبنان (حزب‌الله) در جنگ ۳۳ روزه

با روی کار آمدن رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۵ میلادی و به رسمیت شناختن آن از سوی آمریکا و دولت‌های غربی این رژیم به دنبال توسعه طلبی و گسترش مرزهای جغرافیایی و سیاسی خود بوده است و یکی از اهداف او اشغال سرزمین لبنان می‌باشد که تابحال بارها به این کشور حمله نموده، اما با مقاومت مردم لبنان به ویژه شیعیان مواجه شد و از طرفی با فشارهای

1 - LANTCOM

2 - USNEC

بین‌المللی و گرفتن امتیاز از کشورهای غربی و به ویژه کشورهای عربی عقب‌نشینی نموده است. و در نهایت حمله گسترده اسرائیل به لبنان تحت عنوان عملیات مفتوح، یعنی بدون محدودیت به منظور انهدام نیروهای حزب‌الله لبنان انجام گرفت و ۳۳ روز طول کشید که با عنوان جنگ ۳۳ روزه نام گذاری شد. (آرامش، ۱۳۸۶ - ۱۲ با تلخیص)

در این جنگ سران رژیم صهیونیستی با هدف نابودی حزب‌الله و دستگیری رهبران این جنبش و آزادی دو نظامی اسرائیلی، دستور حمله به لبنان را صادر نمود و ارتش این کشور از زمین، هوا و دریا حملات وسیع و سراسری خود را به این کشور آغاز نمود.

با گذشت چند روز از این تهاجم و پاسخ تلافی جویانه نیروهای حزب‌الله لبنان در موشک باران شهرها و شهرکهای صهیونیستی از جمله شهر حیفا که سومین شهر مهم این رژیم محسوب می‌شود و همچنین اصابت موشک به ۴۰ کیلومتری تل‌آویو، مقامات این رژیم اعتراف نمودند که تصور درستی از قدرت حزب‌الله نداشته‌اند. و با اجرای عملیاتهای چریکی، ویژه، کمین و انهدام ناوچه پیشرفته ساغر پنج (با ۵۵ سرنشین) به‌وسیله حزب‌الله سرانجام اعضای شورای امنیت سازمان ملل ناامید از پیروزی رژیم صهیونیستی قطعنامه، ۱۷۰۱ را تصویب و به دو طرف اعلام نمودند. نقشه شماره (۴) صحنه‌های عملیات رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان را در جنگ ۳۳ روزه نشان می‌دهد.

#### (۱) صحنه‌ی جنگ رژیم صهیونیستی

صحنه‌ی جنگ این رژیم را به دلیل برد سلاحها و موشکها و هواپیماهای او می‌توان تمام محدوده رژیم صهیونیستی و کشور لبنان را به ویژه مناطق شیعه نشین را نام برد.

#### (۲) صحنه‌های عملیاتی رژیم صهیونیستی

صحنه‌های عملیاتی این رژیم به سه گروه زمینی، هوایی و دریایی تقسیم می‌شود.

**(الف) صحنه‌ی عملیات خشکی (زمینی)**

صحنه‌ی عملیات خشکی از ابتدای خط مرزی با کشور لبنان شروع و تمام منطقه جنوب لبنان را شامل می‌شود که مناطق درگیر (ناحیه رزم) صحنه‌ی عملیات یادشده شامل مناطق خییام، عتیا، الشعب، بنت الجیه ای، کفرکلا، العدسیه، مارون‌الرأس، الناقوره و بنادر صور و صیدا را می‌توان نام برد. ناحیه مواصلاتی که وظیفه پشتیبانی و سرویس دهی نواحی رزم را بر عهده دارد، عمدتاً مناطق شمالی شامل شهرهای نهاریا، الجلیل و شهرکهای یهودی نشین، طبریه، حیفا این رژیم را شامل می‌شود.

**(ب) صحنه‌ی عملیات دریایی**

صحنه‌ی عملیات دریایی بیشتر در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داشت و ناوچه‌ها و رزمناوها از این صحنه به سمت سواحل شهر بیروت و شهرهای مهم صور و صیدا را گلوله باران می‌نمودند. و پایتخت لبنان (بیروت) را از سمت دریا محاصره نمود. (چیدری، ۱۳۸۷/۸/۲۷، مصاحبه)

**(ج) صحنه‌ی عملیات هوایی رژیم صهیونیستی**

با توجه به برد هواپیماهای رژیم صهیونیستی، می‌توان تمام کشور لبنان را به عنوان صحنه‌ی عملیات هوایی نام برد. اهدافی که رژیم صهیونیستی در صحنه‌ی عملیات هوایی انتخاب نموده بود، شامل بمباران زیر ساختهای سیاسی، اقتصادی و نظامی حزب‌الله لبنان و از بین بردن مواضع مقاومت، قطع پشتیبانی‌ها و در نهایت رو در رو قرار دادن مردم لبنان با حزب‌الله بود. (زبیدانی، ۱۳۸۷، ۲۵)

**(۳) صحنه‌های عملیاتی لبنان (حزب‌الله)**

حزب‌الله با به کار بردن شیوه‌های بدیع به گونه‌ای در جنگ عمل نمود که کارشناسان نظامی غرب و رژیم صهیونیستی اعتراف کرده‌اند که مقابله با شیوه‌های چریکی حزب‌الله کار ساده‌ای نیست. (عبد الستار، ۲۰۰۷-۵)

این سازمان با به کارگیری تاکتیکهای جنگ چریکی، اطلاعاتی و تحرک و جایجایی سریع نیروها و ادوات جنگی و همچنین پراکندگی و ترکیب جمعیتی لبنان (مسیحی، مارونی، شیعه و سنی) و شرایط جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی این کشور همچنین با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف، بنابراین تمام مناطقی که شیعیان به ویژه محلهای استقرار نیروهای حزب الله را می توان به عنوان صحنه‌ی عملیاتی نام برد. صحنه‌های عملیاتی حزب الله لبنان را نیز می توان به دو صحنه‌ی عملیاتی تقسیم نمود:

الف) صحنه‌ی عملیاتی خشکی که شامل جنوب لبنان می باشد.

ب) صحنه‌ی عملیات دریایی که شامل حاشیه‌های سواحل کشور لبنان با دریای مدیترانه می باشد که در این صحنه، نیرویهای حزب الله دو ناوچه پیشرفته رژیم صهیونیستی را منهدم نمودند. (خیراندیش، ۸/۲۳ / ۱۳۸۷، مصاحبه)

#### ه) صحنه‌های عملیات جنگ ارتش آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۳

حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی به نقطه عطفی در نگرش سیاست خارجی آمریکا در سطح جهان و منطقه تبدیل شد. فضای نظامی گری حاکم پس از این واقعه بهانه خوبی با عنوان مبارزه با تروریسم، حمایت از دموکراسی و آزادی را برای آنها به ارمغان آورد و اشغال کشور افغانستان در راستای همین سیاست عملی گشت، سپس آمریکا به منظور توسعه قدرت و نفوذ خود در منطقه خلیج فارس اقدام به اشغال کشور عراق نمود، این جنگ به بهانه وجود سلاحهای کشتار جمعی و عدم رعایت قوانین و مقررات بین‌المللی از سوی صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق، و با هدف تغییر رژیم و براندازی حکومت عراق (حزب بعث و شخص صدام حسین) آغاز و در عین نا باوری در مدت ۲۰ روز این کشور اشغال شد. (حسنی، پیری، علاماتی، ۱۳۶، ۱۳۸۴)

#### ۱) صحنه‌های عملیاتی ارتش آمریکا و متحدانش

قبل از حمله سراسری آمریکا و متحدانش به عراق نیروهای مسلح این کشور علاوه



برگسترش در سایر نقاط جهان در کشورهای ترکیه، کویت، قطر، عربستان، عمان و بحرین گسترش یافته و کویت کشوری بود که بار اصلی پیاده شدن، آرایش و سازماندهی قوا در خاک این کشور را متحمل می‌شد و با اینکه پایگاه‌های هوایی کشورهای یاد شده به منظور حملات هوایی به مناطق مختلف عراق در اختیار نیروهای آمریکایی و متحدین او بود، پس صحنه‌ی جنگ آمریکا شامل تمام کشور عراق به علاوه تمام کشورهای یاد شده و آب‌های خلیج فارس می‌باشد. این صحنه دارای صحنه‌های عملیاتی خشکی، دریایی و هوایی می‌باشد که مهمترین صحنه‌ی عملیاتی، صحنه‌ی عملیات زمینی (خشکی) می‌باشد که هر یک از صحنه‌ها به طور مجزا و مختصر ارائه خواهد شد.

#### (الف) صحنه‌های عملیاتی زمینی (خشکی)

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و شکل هندسی این کشور همچنین گسترش نیروهای آمریکایی و متحدانش در کشورهای همسایه منهای ایران زمینه را برای ایجاد صحنه‌های مختلف عملیات زمینی در جنوب، غرب و شمال را برای آمریکا فراهم نموده که مهمترین این صحنه، صحنه‌ی عملیات جنوب بوده است.

- صحنه‌ی عملیات جنوب: این صحنه‌یکی از مهمترین صحنه‌های عملیات زمینی آمریکا و متحدانش محسوب می‌شود در این صحنه مهمترین یگانهای رزمی ارتشهای آمریکا، انگلیس و استرالیا به کار گرفته شد و اهدافی را در عمق مواضع دفاعی عراق انتخاب و سپس تصرف نمودند. این صحنه به دو ناحیه رزم (منطقه نبرد) به شرح زیر تقسیم شد:

- منطقه نبرد یا ناحیه رزم اول شامل عبور از خط مرز کویت به سمت شهرهای صفان، فاو، ام‌القصر و بصره منطقه نبرد یا ناحیه رزم دوم شامل عبور از خط مرز کویت به سمت شهرهای ناصریه، سماوه، نجف، کربلا و در نهایت بغداد می‌باشد. همچنین ناحیه مواصلات یا منطقه پشتیبانی این صحنه‌ی عملیات شامل کشور کویت و قسمتی از شمال دریای خلیج فارس می‌باشد که پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی برای

یگان‌های مانوری در نواحی رزم را به عهده دارد. نقشه شماره (۵) صحنه‌ی عملیات زمینی در منطقه جنوب عراق را نشان می‌دهد.

- صحنه‌ی عملیات غرب: این صحنه، دومین صحنه‌ی عملیاتی آمریکایی علیه عراق می‌باشد. که پس از مقاومت نیروهای عراقی در صحنه جنوب به منظور تسریع در روند عملیات در صحنه جنوب طرح‌ریزی و اجرا شد. هدف اصلی این صحنه حمله و تصرف بزرگراه امان، بغداد و تصرف پایگاه‌های هوایی (اچ یک و اچ دو) و در نهایت تصرف فرودگاه بین‌المللی صدام بود. (مولوی، تمیزی، ۱۳۸۴، ۳۳) ناحیه رزم (منطقه نبرد) این صحنه پایگاه الولید و ایستگاه کنترل و رهگیری هوایی بود و ناحیه مواصلاتی این صحنه کشور اردن می‌باشد. (همان ۱۲۲)

- صحنه‌ی عملیاتی شمال: در این صحنه ابتدا نیروهای آمریکایی از کشور ترکیه قصد وارد عمل نمودن یک لشکر به همراه معارضین کرد را داشتند که با مخالفت ترکیه مواجه شد و این طرح با شکست مواجه شد و پس از انصراف از اجرای طرح اول و به دلیل کند شدن پیشروی نیروهای آمریکایی در صحنه جنوب و در پی مقاومت‌های شدید نیروهای عراق در نواحی شرق رودخانه فرات از جمله شهرهای ناصریه، سماوه، و نجف، طرحی برای گشایش صحنه‌ی عملیاتی جدیدی برای از بین بردن تمرکز نیرو و ارتش عراق در منطقه جنوب و غرب اتخاذ ناحیه رزم (منطقه نبرد) اول، این صحنه شامل چمچمال، کرکوک، (منطقه نفوذ طالبانی) و ناحیه رزم (منطقه نبرد) دوم منطقه ی یادشده تحت نفوذ مسعود بارزانی شامل منطقه اربیل و کرکوک بود که با مشارکت نیروهای آمریکایی که به سمت بغداد از هر دو ناحیه حمله گردید و ناحیه مواصلاتی این صحنه شامل شمال منطقه کردستان عراق بود که وظیفه پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی را به عهده داشت. (حسنی، پیری، علاماتی، ۱۳۸۳، ۱۲۳ با تلخیص)

#### (ب) صحنه‌ی عملیات دریایی

با توجه به جنگ عراق علیه ایران و نابودی نیروی دریایی عراق از سوی کشور

جمهوری اسلامی ایران بنابراین در این صحنه نیروی دریایی عراق توان وارد عمل شدن را نداشت و نیروی دریایی آمریکا و متحدین بدون هیچگونه محدودیتی در صحنه‌ی عملیات دریایی اقدام به عملیات موشکی و دریایی بر علیه نیروهای عراقی نمودند.

### (ج) صحنه‌های عملیات هوایی

صحنه‌ی عملیات هوایی آمریکا شامل کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه و کشور عراق را شامل می‌شود که در مجموعه از دوازده پایگاه هوایی ارتش عراق را زیر آتش هوایی و موشکی خود قرار دادند. (همان، ۱۳۳ با تلخیص)

### (۲) صحنه‌های عملیاتی عراق در مقابله با حملات نیروهای آمریکایی و متحدانش

صحنه‌های عملیاتی عراق بر مبنای راهبرد دفاعی و امنیتی عراق بر پایه دفاع از شهرهای مهم به ویژه بغداد طراحی و به مورد اجرا گذاشته شد. ارتش عراق با تمرکز نمودن نیروهای ویژه و زبده خود سعی در فرسایشی نمودن جنگ و کشتاندن نیروهای آمریکایی به شهرها را نمود و بر این اساس صحنه‌های عملیاتی خود را طرحریزی و اجرا نمود. صدام حسین رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق با صدور فرمانی آرایش دفاعی کشور عراق را به چهار صحنه‌ی عملیاتی تحت فرمان خود به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده:

- صحنه‌ی عملیاتی مرکزی و شهر بغداد (پایتخت کشور عراق)؛
- صحنه‌ی عملیاتی شمال؛
- صحنه‌ی عملیاتی جنوب؛
- صحنه‌ی عملیات منطقه مرکزی. (محرابی، ۱۳۸۵، ۳۲)

نقشه شماره (۶) نقشه صحنه‌های عملیاتی عراق در مقابله با حمله نیروهای آمریکا و متحدین او را نشان می‌دهد.

### و) صحنه‌های عملیاتی آمریکا پس از فروپاشی شوروی (۱۹۹۰)

پس از فروپاشی شوروی و استقرار نیروهای مسلح آمریکا در مناطق حساس و حیاتی جهان به ویژه منطقه خاورمیانه امری ضروری به نظر می‌رسد. وزارت دفاع آمریکا در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی گزارش ((بررسی دفاعی چهار سالانه)) را منتشر کرد و در مقدمه آن رونالد رامسفلد، وزیر دفاع، با اشاره به ((حمله خونین و تبهکارانه)) به ایالات متحده، و ((جنگ علیه آمریکا، شیوه ی زندگی آمریکایی و آزادی)) در ۱۱ سپتامبر، آن را شرایطی اساسی در محیط جدید نامید. شرایطی که ما دقیقاً نمی دانیم و نخواهیم دانست کی و کجا منافعمان تهدید می‌شود، و مورد حمله قرار می‌گیرد، یا چه وقت ممکن است آمریکایی‌ها بر اثر تجاوز بمیرند. ما روند را می‌دانیم، اما حادثه نامعلوم است. برای تطبیق دادن توان خود با این وضعیت غافلگیر کننده، باید شرایط برنامه ریزی لازم را ایجاد کنیم (Rumsfeld, , 2001,4).

بر اساس این رهیافت آمریکا اصول اساسی دکترین نظامی خود را در ۶ بند بیان نموده است که شامل:

- آمریکا نباید نیروهای خود را ملزم به نبرد در مناطق خارج کند، مگر اینکه آن درگیری در مناسبت خاص، برای منافع ملی و متحدان آن حیاتی پنداشته شود.
- اگر تصور کنم که لازم است نیروهای نظامی خود را در موقعیت خاصی قرار دهیم، باید این کار با کمال میل و به قصد پیروزی انجام دهیم
- اگر تصمیم بگیریم نیروهای نظامی خود را به جنگ در کشورهای خارجی ملزم نماییم باید اهداف نظامی و سیاسی را به روشنی مشخص و تعریف کرده و شیوه رسیدن به این اهداف را دقیقاً بدانیم
- در صورت لزوم رابطه میان اهداف آمریکا و نیروهایی که به این امر اختصاص می‌یابند (اندازه، ساختار و ترکیب آنها به طور پیوسته و مجدد مورد ارزیابی و تطبیق قرار بگیرد).
- از حمایت ملت آمریکا برخوردار باشیم
- درگیر ساختن نیروهای آمریکا در جنگ باید آخرین راه‌حل باشد.

(Sarkisian 8 Gonnor of eit ، ۱۳۵).

#### (۱) صحنه‌های عملیات آمریکا در جهان

##### (الف) صحنه‌های عملیاتی اروپا و افریقا<sup>۱</sup>

فرماندهی اروپایی ارتش آمریکا مسئول افزایش امنیت فراتلانتیکی از طریق حمایت از ناتو، ایجاد امنیت منطقه‌ای، و پیشبرد منافع آمریکا در اروپا و افریقا است. برای انجام این مأموریت، فرماندهی یاد شده مجموعه‌ای از فعالیتها را با متحدان آمریکا در ناتو، کشورهای شریک و دیگر ملت‌های دوست در حوزه‌ی مسئولیت خود به عمل آورده است. نقشه شماره (۷) صحنه‌ی عملیاتی آمریکا در سطح جهان بعد از فروپاشی شوروی را نشان می‌دهد. قلمرو مسئولیت این فرماندهی شامل ۸۹ کشور است؛ یعنی از دماغه نروژ تا دماغه امید نیک را شامل می‌شود. فرماندهی صحنه‌ی عملیاتی اروپا، شامل (۱) نیروی زمینی اروپایی آمریکا، ۲- نیروی دریایی اروپایی آمریکا، ۳- نیروی هوایی اروپایی آمریکا، ۴- فرماندهی عملیات ویژه در اروپا، ۵- تفنگداران دریایی اروپا) می‌باشد و همچنین فرماندهی عالی متحدان اروپایی ناتو را بر عهده دارد و نقشی اساسی را در عملیات ناتو علیه دولت یوگسلاوی در جریان کوزوو (سال ۱۹۹۹) را به عهده داشت. (<http://www.fas.org.irpdoddirdodip-3-27-pdf>)

##### (ب) صحنه‌های عملیاتی پاسیفیک<sup>۲</sup>

قلمرو مسئولیت فرماندهی صحنه‌ی عملیات پاسیفیک از سواحل غربی سرزمین آمریکا تا سواحل شرقی افریقا و از قطب شمال تا قطب جنوب، شامل آلاسکا و هاوایی است. از لحاظ جغرافیایی، فرماندهی صحنه‌ی عملیات پاسیفیک بزرگ‌ترین فرماندهی صحنه‌ی عملیات آمریکا است. مناطق تحت پوشش این فرماندهی حدود ۵۰٪ از سطح کره زمین را می‌پوشاند.

1 - AFRCOM- EUCOM

2 - PACOM

حدود ۳۰۰ هزار نیروی نظامی تحت پوشش این فرماندهی هستند. نیروی زمینی پاسیفیک آمریکا، ناوگان پاسیفیک، نیروهای تفنگداران دریایی پاسیفیک و نیروی هوایی پاسیفیک آمریکا، از بخشهای تحت فرماندهی این صحنه می‌باشند (همان، ۲۷،۳)

### (ج) صحنه‌های عملیات جنوب<sup>۱</sup>

قلمرو این فرماندهی شامل ۳۲ کشور می‌باشد که از شمال تا جنوب و از سواحل جنوبی آمریکا تا مکزیک (آمریکای مرکزی و جنوبی) در بر می‌گیرد. ستاد این فرماندهی در میامی فلوریدا قرار دارد و شامل ارتش جنوبی، ناوگان آتلانتیک، نیروی هوایی جنوب و تفنگداران دریایی جنوب است. اقدامهای این فرماندهی صحنه عمدتاً در کشورهای گرانادا، دومینیک، نیکاراگوئه، پاناما، هائیتی، عملیات حفظ صلح در مرزهای پرو، اکوادور، هندوراس والسالوادور بوده است. ( <http://www.ghadeer.org/htp://joghrfi/joghrfi/002.htm> / [www.siyasi.com](http://www.siyasi.com) )

### (د) صحنه‌های عملیات شمالی<sup>۲</sup>

این فرماندهی مسئولیت دفاع از سرزمین اصلی آمریکا را به عهده خواهد داشت و نیز به عنوان مسئول فرماندهی دفاع فضایی آمریکای شمالی عمل می‌کند. قلمرو مسئولیت فرماندهی شمالی، شمال آمریکا، کانادا، آلاسکا، مکزیک، بخشهایی از منطقه ی کرایب و آبهای ساحلی در اقیانوس اطلس و آرام است. این فرماندهی مسئول دفاع از سرزمین آمریکا از زمین، فضا و دریاست، همچنین، نیروهایی را که در داخل آمریکا در حمایت از مقامات غیر نظامی، چه در مقابل حمله و چه در شرایط اضطراری طبیعی عمل می‌کنند، فرماندهی خواهد کرد.. (Security. Org. Us Army. Unified Commands www.Global)

1 - SOUTCOM

2 - NORTHCOM

### (ه) صحنه‌های عملیات مرکزی<sup>۱</sup>

فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا مأموریت و اهداف خود را از طریق ستاد مشترک خود در مک مدیل فلوریدا و بخشهای مختلف از سرویس‌های (نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و تفنگداران دریایی) انجام می‌دهد. این فرماندهی با نیروهای مختلف خود، حضور پیش‌تاز و دائمی در منطقه خاورمیانه دارد. فرماندهی مرکزی مسئول طراحی و هدایت فعالیتهای نظامی در منطقه‌ای متشکل از ۲۵ کشور خاورمیانه (از مصر تا پاکستان و از قرقستان تا کنیا) است. در سال ۱۹۹۹ میلادی منطقه‌ی آسیای مرکزی هم در قلمرو مسئولیت این نیرو قرار گرفت که این منطقه بیشتر مسلمان نشین هستند. (<http://www.uni.graz.at/yvonne.schmidt>)

شکل‌گیری این فرماندهی به حوادث اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تهاجم اتحاد شوروی به افغانستان بر می‌شود. این فرماندهی شامل پنج بخش است: نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی تفنگدار دریایی، نیروی عملیات ویژه، و نیروی هوایی، هدف اصلی از تشکیل این فرماندهی چنین بیان شده است:

- حمایت از منافع آمریکا در منطقه؛
- تضمین دسترسی به نفت؛
- کمک به امنیت دوستان و متحدان آمریکا؛
- بازداشتن تلاش‌های خصمانه دولتهای منطقه برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک منطقه‌ای با تهدید یا استفاده از زور برای این منظور، نیروهای مستقر در منطقه از طریق آموزش مشترک، تماس‌های ارتش با ارتش، فرصت‌های آموزشی و مشاوره‌ای امنیتی به آمادگی ارتشهای منطقه کمک و همچنین با انجام رزمایشهای مشترک با کشورهای منطقه به توسعه عملیات مشترک اقدام کرده‌اند. مهم‌ترین اقدامهای این فرماندهی عبارتند از: اشغال کشورهای افغانستان و عراق و حضور-

---

1 - CENTCOM

فیزیکی در منطقه خلیج فارس به منظور کنترل و حمایت از کشورهای دوست امریکا می باشد.

ز) بررسی اجمالی صحنه های عملیاتی ایران و عراق در طول جنگ عراق علیه ایران با توجه به مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه ای که با ۷۹ نفر از فرماندهان (ارتش و سپاه) هشت سال دفاع مقدس مبنی بر انتخاب صحنه های عملیات به عمل آمد و با توجه به جدید بودن بحث یادشده و دیدگاه های متفاوت ولیکن بسیار ارزنده ای که وجود دارد، در این تحقیق سعی بر این است که ابتدا دیدگاه های فرماندهان را گردآوری نموده و با توجه به بحرانهای داخلی و شروع جنگ از سوی رژیم بعث عراق، صحنه های عملیاتی به نوعی به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد و نهایت با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی و عرض و عمق مناطق و همچنین معابر و محورهای وصولی و سمت هجوم دشمن در مناطق مختلف و تحمیل اراده خود به جمهوری اسلامی ایران صحنه ی جنگ ایران و عراق و صحنه های عملیاتی هر دو کشور در دو منطقه خشکی و دریایی طبق نقشه شماره (۸) انتخاب شد.

#### (۱) صحنه های عملیاتی عراق در حمله به کشور ایران<sup>۱</sup>

پس از گسترش نیروهای مسلح عراق در مرزهای جمهوری اسلامی ایران در سه صحنه ی عملیات زمینی، هوایی و دریایی حملات سراسری خود را به سرزمین جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود. که به طور مختصر هر صحنه تشریح می شود.

#### (الف) صحنه های عملیات منطقه خشکی (زمینی)

بر اساس دیدگاه و نظریات فرماندهان و مسئولان جنگ عراق علیه ایران صحنه های عملیات

۱ - مطالب یادشده بخشی از نتایج مصاحبه با فرماندهان ارشد و نخبگان ارتش و سپاه می باشد که توسط محقق تلخیص شده است.



زمینی عراق در سه صحنه‌ی عملیات جنوب شرق، شرق و شمال شرق به شرح زیر می‌باشد:

- صحنه‌ی عملیاتی جنوب و جنوب شرق: در این منطقه عراق با سپاه سوم، هجوم سراسری خود را به منظور تصرف شهرهای مهم آبادان، اهواز، سوسنگرد، اندیمشک، موسیان و دهلران آغاز نمود و با توجه به موقعیت جغرافیایی و عوارض طبیعی و مصنوعی و معابر وصولی موجود در منطقه و استعداد به کار گرفته شده در منطقه فوق، اقدام به ایجاد یک صحنه‌ی عملیاتی در جنوب کشور خود نمود. این صحنه از دهانه فاو شروع شده و تا منطقه علی غربی ادامه دارد در این راستا منطقه‌ای نبرد خودرانیز در مناطق مرزی ایران، و ناحیه مواصلاتی (منطقه پشتیبانی) سپاه سوم را در شهرهای مرزی خود قرار داده بنابراین این صحنه از نظر ویژگیهای طبیعی، انسانی و جغرافیایی نظامی متنوع و از نظر موقعیت بسیار حساس برای کشور عراق محسوب می‌شود. جدول شماره (۱) مناطق نواحی رزم و نواحی مواصلات صحنه‌های عملیاتی عراق علیه ایران را نشان می‌دهد:
- صحنه‌ی عملیاتی منطقه میانی: عراق در این صحنه با سپاه دوم حمله خود را به منظور تصرف شهرهای مهران، صالح آباد و ایلام (مرکز استان) و همچنین شهرهای سومار، نفت شهر، گیلان غرب، قصر شیرین و سر پل ذهاب و منطقه عمومی باویسی و ازگله آغاز نمود و موفق شد تعدادی از شهرهای یادشده را تصرف و اشغال در آورد. و با این اقدام آفندی یک صحنه‌ی عملیاتی با عنوان صحنه میانی یا شرق را به وجود آورد. این صحنه به دلیل نزدیکی به پایتخت عراق (بغداد) نیز یکی از صحنه‌های عملیاتی مهم برای این کشور محسوب می‌شود.
- صحنه‌ی عملیاتی شمال شرق: در صحنه شمال شرقی عراق به دلیل وجود ارتفاعات پیچیده و سخت و وجود ضدانقلابیون مورد حمایت او اقدام به تک گسترده‌ای در این صحنه مانند جنوب و منطقه میانی نداشته، و فقط در منطقه عمومی مریوان اقدام به تک محدود نمود و در این راستا توانست صحنه‌ی عملیات سوم (صحنه‌ی عملیات شمال شرقی) خود را تشکیل دهد. میزان حساسیت این صحنه مانند دو صحنه دیگر نیست و هدف او حمایت و پشتیبانی از نیروهای ضد انقلاب ایران و زمین گیر نمودن نیروهای

مسلح جمهوری اسلامی ایران در این صحنه می‌باشد.

### (ب) صحنه‌ی عملیات دریایی

ارتش عراق به منظور محاصره دریایی ایران و حفظ حراست از آبراه خور عبدالله و سکوهای البکر و العمیه یک صحنه دریایی در منطقه شمال خلیج فارس تشکیل داد که در این راستا با تمام توان، نیروی دریایی خود وارد عمل دهنمود، اما در دریا موفقیت چندانی را نتوانست کسب نماید. محدوده این صحنه از دهانه فاو، منطقه عمومی خور عبدا... تا انتهای سکوهای البکر و العمیه و مرزهای کویت ادامه داشت.. در جدول شماره (۱) مناطق و نواحی رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی عراق علیه ایران آورده شده است.

جدول شماره ۱ - جدول نواحی منطقه رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی عراق علیه ایران

ردیف	نوع صحنه	نام صحنه‌ی عملیات	ناحیه مواصلات	نواحی رزم
۱	صحنه‌های عملیات خشکی	صحنه‌ی عملیات جنوب و جنوب شرق	بصره، العماره، القرنه، کوت و سماوه	فاو، شلمچه، تنومه، نشوه، طلائی، فکه، چم هندی، ابوغریب و موسیان
		صحنه‌ی عملیات منطقه میانی	شهرهای مندلی، یعقوبه، عزیزیه	شهرهای بدره، زرباتی، مهران، صالح آباد، خانقین، سومار، نفت شهر، گیلان غرب، قصر شیرین، سر پل ذهاب و منطقه عمومی باویسی و ازگله
		صحنه‌ی عملیاتی شمال شرق	رواندوز، دوکان، سلیمانیه، دربندیجان	منطقه عمومی مریوان، پنجوین، ماوت قلعه دیزه، سردشت، تمرچین
۲	صحنه‌ی عملیات دریایی	صحنه‌های عملیاتی شمال خلیج فارس	اروند رود، آبراه خور عبدالله و مناطق ساحلی کشور کویت	خورعبداله، سکوهای البکر و العمیه و شمال خلیج فارس

### ج) صحنه‌ی عملیات هوایی

کشور عراق با دراختیار داشتن هواپیماها و موشک‌های مدرن و دوربرد قسمت اعظم کشور جمهوری اسلامی ایران را اعم از زمینی و دریایی را جزو صحنه‌ی عملیاتی هوایی خود در اختیار داشت. این کشور در ابتدای جنگ قصد داشت برتری هوایی خود را در صحنه کشور ایران ایجاد و توسعه نماید، که با بمباران وسیعی از مناطق مختلف کشور مانند: تهران، تبریز، اصفهان، اهواز و... اقدام نمود که با عکس‌العمل به موقع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی مواجه شد که حدوداً ۱۴۰ فروند هواپیما از پایگاه‌های مختلف کشور به هوا برخاست و مراکز نظامی مختلف عراق را بمباران نمودند. اما در طول جنگ با توجه به حمایت‌های بیش از اندازه کشورهای غربی و شرقی و عربی از عراق و در اختیار قرار دادن امکانات و تجهیزات زیادی اعم از هوایی و موشکی از سوی این کشورها و تحریم ایران توانستند برتری هوایی را به نفع ارتش عراق رقم زنند و از این زمان به بعد حملات هوایی ارتش عراق به کشور ایران در مناطق خشکی و دریایی توسعه یافت و عمق صحنه‌ی عملیات هوایی او نیز گسترش یافت. و تقریباً می‌توان اذعان نمود که صحنه‌ی عملیات هوایی را در کشور ایران تا جایی که هواپیماهای دشمن قدرت مانور و برد داشتند مانند تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، اهواز، کرمانشاه، همدان و دریای خلیج فارس تا استان هرمزگان را نام برد. نقشه شماره (۸) صحنه‌های عملیات زمینی و دریایی ایران و عراق را نشان می‌دهد.

### ۲- صحنه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس

پس از حملات سراسری ارتش بعث عراق به مرزهای جمهوری اسلامی در صحنه‌های مختلف و اشغال قسمت اعظمی از مناطق مرزی غربی ایران نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و ژاندارمری) برای مقابله با هجوم سراسری او اقدام به مقابله و دفاع پرداختند و به طور طبیعی هر کجا که یگان‌هایی از ارتش عراق کشور ایران را مورد تهاجم قرار داده بود نیروهای خودی سعی نمودند در مقابل او دفاع نمایند. بنابراین صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران متناسب با اوضاع جغرافیایی هر منطقه و مناطقی که لشکرها و تیپ‌های دشمن اقدام به تک نمودند انتخاب شد.

با توجه به مصاحبه‌هایی که با اکثر فرماندهان ارتش و سپاه انجام شده است بیشتر صحنه‌های عملیاتی را به سه صحنه خشکی و یک صحنه عملیات دریایی تقسیم نموده‌اند و در ضمن بعضی از افراد که تعداد آنها بسیار اندک می‌باشد صحنه‌ی عملیات خشکی را به چهار صحنه و صحنه‌ی دریایی را نیز به دو صحنه‌ی عملیاتی تقسیم‌بندی نموده‌اند. اما نظر اکثر قریب به اتفاق روی سه صحنه خشکی و یک صحنه دریایی نظر مثبت داشته‌اند. که صحنه‌های یادشده نیز در همین راستا توضیح داده خواهد شد.

لازم به یادآوری است که صحنه‌های عملیاتی بر اساس اصول و مبانی عملیاتی و وضعیت جغرافیایی و محیطی همیشه خودرا به نوعی به انسان تحمیل می‌کند که ایجاد صحنه‌های یادشده نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. (سلامی، ۱۳۸۵، ۲۸)

#### (الف) صحنه‌های عملیات منطقه خشکی (زمینی)

- صحنه‌ی عملیات جنوب و جنوب غرب: صحنه‌ی عملیات جنوب، شامل استان خوزستان و قسمت محدودی از استان ایلام است که از دهانه اروندرکنار تا منطقه عمومی دهلران را شامل می‌شود. صحنه‌ی عملیات جنوب بدلیل ذخایر عظیم نفت، گاز، آب فراوان و دسترسی به دریای خلیج فارس و گویش بعضی از مردم عرب زبان در منطقه و زمین باز و دشتی بودن که دارای دید و تیر بسیار عالی بوده و یکی از مهمترین مناطق کشور جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از این رو عراق احساس می‌نمود که اگر این منطقه را اشغال نماید می‌تواند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و در نهایت خواسته‌های خود را به او تحمیل نماید. بنابراین از این منظر منطقه جنوب یکی از صحنه‌های عملیاتی بسیار حیاتی و مهم برای جمهوری اسلامی ایران و عراق محسوب می‌شد.
- صحنه‌ی عملیات منطقه میانی (غرب): صحنه‌ی عملیات غرب از منطقه عمومی شمال دهلران شروع و تا منطقه عمومی باویسی و ازگله ایران ادامه می‌یابد. این صحنه بدلیل نزدیکی به بغداد (پایتخت عراق) و از طرفی به دلیل واسط بودن بین

صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب و جنوب برای هر دو کشور بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. این صحنه از نظر جغرافیای طبیعی دارای زمینهای نیمه کوهستانی و ذوعارضه و از نظر آب و هوا، منطقه‌ای گرم و نیمه خشک می‌باشد و از نظر اجرای عملیات در تابستانها نیروها را با مشکلاتی مواجه می‌نماید.

- صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب: صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب از منطقه عمومی ازگله و پاوه شروع شده تا نقطه تلاقی مرز مشترک سه کشور ایران، ترکیه و عراق ادامه دارد که دو استان کردستان و آذربایجان غربی را شامل می‌شود. شاید بتوان گفت این صحنه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اعمال فشار و تضعیف جمهوری اسلامی به عنوان صحنه‌ی عملیات داخلی در این دو استان به وجود آمد و جمهوری اسلامی و در این صحنه از دو جبهه داخلی و خارجی تهدید می‌شد. لذا این صحنه با توجه به نوع تهدیدها اعم از داخلی و خارجی نیز به نوبه خود یکی از صحنه‌های مهم به شمار می‌رود این صحنه به دلیل کوهستانی بودن منطقه و وجود ضد انقلاب در منطقه کردستان و به منظور تمرکز تلاش اصلی در صحنه جنوب تلاش گسترده‌ای را برای تصرف مناطق و شهرهای این منطقه به عمل نیاورد و سعی نمود بیشترین توان رزم خود را در منطقه جنوب متمرکز نماید.

#### (ب) صحنه‌ی عملیات دریایی

در صحنه‌ی عملیات دریایی با توجه به قدرت ضعیف نیروی دریایی دشمن (دو ناو تیپ) قدرت دریایی در شمال خلیج فارس در اختیار نیروهای خودی بود. و محدوده صحنه‌ی عملیات دریایی از دهانه فاو در استان خوزستان شروع شده تا استان بوشهر را شامل می‌شود. این صحنه در ابتدا جنگ با توجه به توانمندیهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی تا واسط جنگ تقریباً راکد بود و پس از جنگ نفت کشها و اجرای عملیات کربلای ۳ (انهدام سکوها البکر و العمیه) و پشتیبانی نیروهای دریایی کشورهای بیگانه این صحنه به طور چشمگیر فعال شد. لازم به توضیح است در این صحنه‌ی عملیاتیهای مشترک زمینی، دریایی و هوایی مانند؛

عملیات والفجر هشت و عملیات کربلای سه طرحریزی و اجرا شد که به نوبه خود یکی از عملیاتهای بی نظیر در عصر حاضر می‌باشد. جدول شماره (۲) جدول نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی کشور جمهوری اسلامی ایران در مقابله با عراق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲ - جدول نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با عراق

ردیف	نوع صحنه	نام صحنه‌ی عملیات	ناحیه مواصلات	نواحی (منطقه) رزم
۱	صحنه‌ی عملیات خشکی	صحنه‌ی عملیات جنوب و جنوب غرب	اهواز، شوشتر، دزفول، اندیمشک	مناطق مرزی، شهرهای دهلران، بستان، کوشک، طلائیه، شلمچه، شهر خرمشهر و جزیره آبادان
		صحنه‌ی عملیات منطقه میانی (غرب)	شهرهای ایلام، صالح آباد، کرد، جوانرود و پاوه	منطقه عمومی باووسی، قصر شیرین، سرپل ذهاب، منطقه عمومی گیلان غرب، سومار، چنگلوله، مهران
		صحنه‌ی عملیات شمال غرب	ارومیه، سنندج، مهاباد، نقده و شهرهای مرزی دو استان و کردستان و آذربایجان غربی	شهرهای نوسود، مناطق مرزی، استان کردستان و قسمتی از آذربایجان غربی، پیرانشهر، اشنویه
۲	صحنه‌ی عملیات دریایی	صحنه‌های عملیات شمال خلیج فارس	استانهای بوشهر و خوزستان	رودخانه اروند رود، خور عبدالله، منطقه عمومی شمال خلیج فارس

#### (ج) صحنه‌ی عملیات هوایی

با توجه به گستردگی صحنه‌ی عملیات هوایی نمی‌توان تنها از بعد جغرافیایی به صحنه یادشده توجه نمود، زیرا عوامل دیگری همچون برد سلاحهای منحنی زن (موشکهای دوربرد) و هواپیماها در انتخاب عرض و عمق صحنه‌ی عملیات هوایی نقش بسزایی دارند. صحنه‌ی عملیات هوایی کشور ایران با توجه به برد هواپیماهای خودی در ابتدای جنگ برتری مطلق هوایی با جمهوری اسلامی ایران بود و تقریباً تمام فضای کشور عراق را در بر می‌گرفت اما به

مرور زمان و با توجه به تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تقویت نیروهای مسلح عراق محدود به مناطق مرزی کشور عراق می‌شد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در هر جنگی هر فرمانده‌ای در سطوح مختلف اعم از خودی و دشمن سعی می‌نماید، بهترین صحنه را برای اجرای عملیات آفندی و پدافندی متناسب با توانمندیهای خود، محیط جغرافیایی و همچنین آخرین وضعیت دشمن انتخاب نماید. در این راستا، با توجه به مطالعه جنگ‌های گذشته در می‌یابیم که صحنه‌های عملیات در همه جنگ‌ها یکسان نیست بلکه متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف متغیر بوده و در آینده نیز متغیر خواهد بود. در دوران جنگ‌های نسل اول صحنه‌های عملیاتی منحصر به جنگ افزارهای سبک، و تاکتیک‌ها متکی به نفرات پیاده بود به همین دلیل صحنه‌های عملیات نسبت به امروزه بسیار محدود طرح‌ریزی و انتخاب می‌شد. مثلاً در جنگ‌های ناپلئون با کشورهای همسایه خود به ویژه در حمله به آلمان به دلیل محیط جغرافیایی و استعداد رزمی محدود صحنه‌ی عملیات نیز محدود انتخاب می‌شد و سپس با پیشرفت سلاح و تجهیزات، فناوری به مرور زمان صحنه‌ی عملیات جنگ‌ها گسترش یافته و به تبعه آن صحنه‌های عملیات نیز توسعه یافت به طوری که در جنگ جهانی دوم صحنه‌های عملیات با استفاده از عوامل مؤثر جدیدتر و تعداد بیشتر متغیرها از وسعت بیشتری برخوردار گردید، در این جنگ بعضاً مشاهده می‌شود که یک یا چند کشور به عنوان یک صحنه‌ی عملیاتی انتخاب می‌شود. همچنین در دوران جنگ سرد که کل کره زمین به دو صحنه‌ی جنگ بین شوروی سابق و آمریکا تقسیم شده بود، صحنه‌های عملیاتی مختلفی در مناطق مختلف جهان به وجود آمده بود مثلاً در صحنه‌ی جنگ آمریکا که عمدتاً در حوزه اختیارات ناتو بود کشورهای اروپای غربی به عنوان یک صحنه‌ی عملیاتی محسوب می‌شدند. پس از فرو پاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی و به قدرت رسیدن آمریکا به عنوان تنها ابر قدرت جهان و توسعه قدرت رزمی این کشور در کل جهان، صحنه‌های عملیاتی نیز توسعه یافته و مناطق اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام، اروپا، آفریقا و خاورمیانه را در بر گرفت، که فقط در صحنه‌ی

عملیاتی خاورمیانه، یک صحنه‌ی عملیاتی حساس متشکل از چندین کشور را شامل می‌شود. و مرکز فرماندهی آن تحت عنوان فرماندهی مرکزی سنتکام در کشورهای قطر و بحرین مستقر می‌باشد. که این فرماندهی قسمت اعظمی از نیروهای مسلح آمریکا و سایر کشورهای عضو پیمان ناتو در عراق، افغانستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را در اختیار دارد. بنابراین آمریکا در این دوره و با توجه به اتمام دوره جنگ سرد و پایان دوران رقابت تسلیحاتی در ساختاروسازمان، تاکتیک و تجهیزات و وجود تهدیدهای جدید و بعضاً ضعیف اما با رویکردهای مختلف اقدام به تغییر و تحول بنیادی در ساختاروسازمان خود نمود.

در جنگ عراق علیه ایران صحنه‌های عملیات مختلف اعم از زمین، هوا و دریا مانند سایر جنگ‌ها طرح‌ریزی و اجرا شد و در این راستا با توجه به شروع جنگ از سوی عراق و حمله سراسری او از سه صحنه‌ی عملیات زمینی (جنوب شرق و شرق و شمال شرق) و یک صحنه عملیات دریائی (شمال خلیج فارس) خود به سمت ایران صحنه‌های عملیات را به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمود و نیروهای خودی اقدام به دفاع در مقابل همان صحنه‌ها نموده و اجرای عملیاتهای متعدد و متنوعی در قالب عملیاتهای آفندی و پدافندی در زمانها و مکانهای مختلف که منجر به بیرون راندن متجاوز و تنبیه او شد. و با توجه به مؤلفه‌ها و عوامل مؤثری که در انتخاب صحنه‌های عملیات نقش داشته‌اند می‌توان ادعان نمود که در یک صحنه‌ی عملیات به طور همزمان عملیاتهای آفندی و پدافند طرح ریزی و اجراء گردید به عنوان مثال در صحنه‌ی عملیات جنوب همزمان با اجرای عملیات فتح المبین و یا بیت المقدس در سایر مناطق عملیات پدافندی طرح ریزی و اجراء گردیده است. لازم به یاد آوری است در این تحقیق، محقق با مطالعه میدانی و استفاده از اسناد و مدارک معتبر و مصاحبه با ۷۹ نفر از فرماندهان ارشد ارتش و سپاه، تقریباً همه نسبت به این موضوع ادعان داشته‌اند، عملیاتهایی که در صحنه‌های مختلف انجام گرفته هر کدام در یک منطقه عملیاتی که همان (ناحیه رزم) می‌باشد انجام شده است. در جنگ اسرائیل با حزب‌الله لبنان صحنه‌های عملیاتی به وسیله این دو کشور طوری طرح‌ریزی و اجرا می‌شد که تقریباً منحصر به فرد و از شیوه و روشهایی در انتخاب این صحنه‌ها استفاده می‌گردد، که از نظر عمق و عرض هیچ گونه



شباهتی به سایر جنگها را ندارند. در این جنگ صحنه‌های عملیاتی اسرائیل طوری طحریزی شد که منحصر به جغرافیای نظامی با توانمندیهای نیروهای نظامی حزب‌الله لبنان نیست؛ بلکه صحنه‌ی عملیاتی او شامل همه مناطق شیعه نشین لبنان می‌باشد که در مناطق مختلف کشور پراکنده هستند و فقط با یک قومیت و مذهب وارد جنگ شد و صحنه‌ی عملیات زمینی او نیز در یک منطقه بسیار محدود تحت عنوان جنوب لبنان شکل گرفت. از طرفی نیروهای حزب‌الله لبنان از عوامل مؤثر و خاصی پیروی می‌نماید که در انتخاب صحنه‌های عملیاتی آنها مؤثر می‌باشد اما آن صحنه‌ها خطوط حد مشخصی نداشته و هر جا که نیروی زمینی ارتش اسرائیل حضور دارند، این نیروها برای مقابله در همان مناطق حضور یافته و درگیر نبرد می‌گردند پس در این جنگ اثبات شد که انتخاب صحنه‌های عملیات از یک عوامل ثابت و مشخص تبعیت و پیروی نمی‌نماید و صحنه‌های یادشده نیز از نظر وسعت بسیار متنوع و متغیر می‌باشد و با توجه به مباحث یادشده می‌توان نتیجه گرفت که در انتخاب صحنه‌های عملیات که با تغییر چند عنصر و عوامل مؤثر تأثیر گذار در زمان و مکانهای مشخص و مختلف، صحنه‌های عملیات طوری انتخاب نمود که متناسب با عوامل جغرافیایی، عوامل نظامی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متنوع بوده و یکسان و ثابت نیست چون این تغییر و تحولات جاری و دائم می‌باشد، بنابراین صحنه‌های عملیات نیز متأثر از عوامل یادشده انتخاب می‌شود و عوامل یادشده از صحنه‌های عملیات متأثر می‌شود و لذا یک حالت تعامل با یکدیگر خواهند داشت.

### پیشنهادات

محقق در این مقاله تلاش نمود، برای دستیابی به صحنه‌های عملیات در جنگهای گذشته و هشت سال دفاع مقدس لذا بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود تا انشا... آیندگان بتوانند از این پژوهش بیشتر و بهتر استفاده نمایند.

۱ - باتوجه به نتایج بدست آمده با اهمیت ترین عوامل موفقیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مراکز آموزش عالی، به ویژه دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشکده‌های فرماندهی و ستاد می‌باشد که می‌توانند نقش اساسی در انتقال فرهنگ

دفاع مقدس و مطالب علمی دفاعی را به نسلهای آینده منتقل نمایند از این رو به مراکز علمی یادشده پیشنهاد می شود که درخصوص صحنه های عملیات در هشت سال دفاع مقدس و جنگهای گذشته این مطالعه مبنایی برای توسعه ادبیات مربوط به صحنه ی عملیات قرارگیرد.

۲- در خصوص جنگ عراق علیه ایران تاکنون کتابهای زیادی نوشته شده که بیشتر جنبه عامیانه و عمومی دارد اما درخصوص مسائل تخصصی جنگ کمتر قلم فرسایی شده است اما جا دارد که پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری درخصوص موضوع یادشده انتخاب و مطالعه بیشتری انجام شود.

۳- با توجه به بررسی مدارک و منابع متعدد و مصاحبه با ۷۹ نفر از فرماندهان ارشد، کارشناسان، نخبگان و اعضای هیأت علمی ارتش و سپاه بنابراین انتخاب صحنه های عملیات در جنگهای گذشته مطالعه و تحقیقات بیشتری انجام گردد.

## منابع

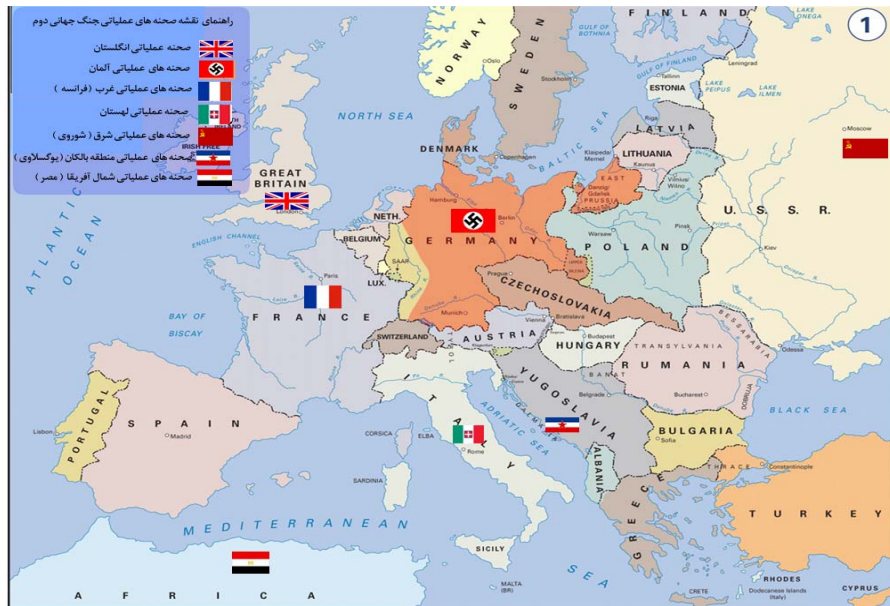
## الف) فارسی

- ۱ - آقایی و علی بابایی، فرهنگ و علوم سیاسی، تهران، نشر ویس، ۱۳۶۶.
- ۲ - آئین نامه عملیات ارتش آمریکا (نیروی قاطع) ۱۹۹۵-۷-۱۰۰-FM.
- ۳ - آرامش، حسین، تحلیلی بر جنگ ۳۳ روزه (مقاله منتشر نشده)، نقسا، تهران، ۱۳۸۶.
- ۴ - جمالی، رستمی، علی اصغر، محمود، تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ، دانشگاه افسری امام علی (ع)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵ - چیدری، محسن، مصاحبه در خصوص جنگ ۳۳ روزه، نقسا، آذر، ۱۳۸۷.
- ۶ - حسنی، پیری، علاماتی، قاسم، هادی، جنگ خلیج فارس، دانشگاه جامع امام حسین (ع) ۱۳۸۳.
- ۷ - خیر اندیش حسین، مصاحبه در خصوص جنگ ۳۳ روزه، نقسا، ۱۳۸۷.
- ۸ - سلامی، حسین، صحنه جنگ و عملیات، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (دوره عالی جنگ)، تهران، ۱۳۸۵.
- ۹ - عبد الستار، تحلیل جنگ ۳۳ روزه، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی (سخنرانی منتشر نشده)، تهران، ۲۰۰۷.
- ۱۰ - علمایی، داوود، نیروی قاطع زمینی در عملیات‌های صحنه، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ، انتشارات عقیلی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۱ - گروه مؤلفین، فرماندهی و ستاد، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، انتشارات سپاه، تهران ۱۳۷۳.
- ۱۲ - زبیدانی، کاظم، بررسی جنگ ۳۳ روزه، مقاله منتشر نشده، نقسا، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۳ - محرابی، غلامرضا، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (دوره عالی جنگ)، جزوه درسی ۱۳۸۴.
- ۱۴ - محرابی، غلامرضا، تحلیل جنگ آینده و جنگ‌های معاصر، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، (جزوه درسی منتشر نشده) تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۵ - مولوی، تمیزی، اسماعیل، امیر سعید، جنگ آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۳ جزوه منتشر نشده، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دافوس سپاه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۶ - نوذری، فضل اله، دکترین صحنه جنگ، جزوه درسی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۷ - نظامی، غدیر؛ مصاحبه در خصوص صحنه‌های عملیاتی؛ دانشگاه عالی دفاع ملی تهران؛ ۱۳۸۷.

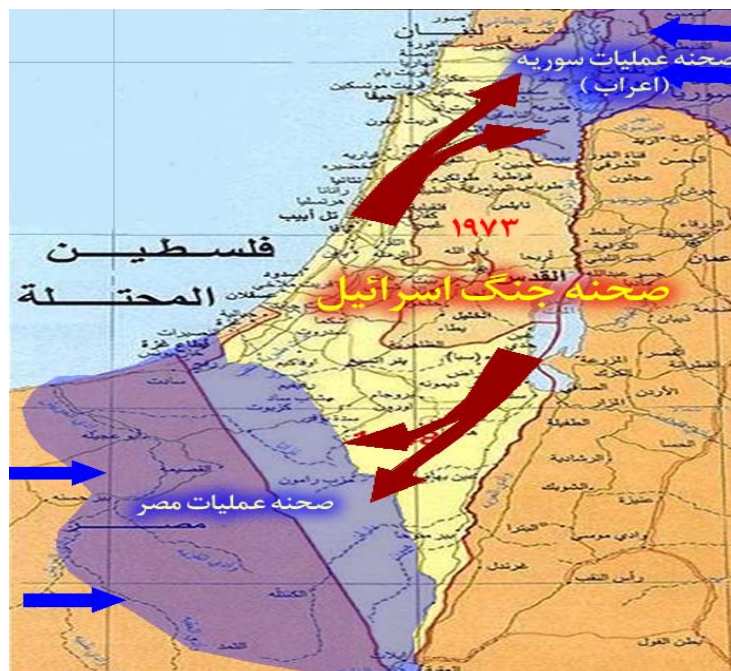
ب) انگلیسی

- 18 - Dr. Allan English Dr. Richard Gimblett and Howard Coombs Human Factors implications and Lessesin Network Enabled Operations 26 August 2006.
- 19 - <http://www.military.ir>.
- 20 - <http://www.uni.graz.at/yvonne.Schmidt>.
- 21 - [www.Global Security, Org.us](http://www.GlobalSecurity.Org.us) Army, Unified Commands.
- 22 - [http:// www.ghadeer.org/SIYASI/jografy/joghr002.htm](http://www.ghadeer.org/SIYASI/jografy/joghr002.htm) <http://www.ndu.edu>.
- 23 - <http://www.Fas.org.irdoddirdodip-3-27-pdf>.
- 24 - Walters. Poole etal.1995.
- 25 - The mach Millan Encyclope dia Cuild Publishing Longon 1989.

ضمانم



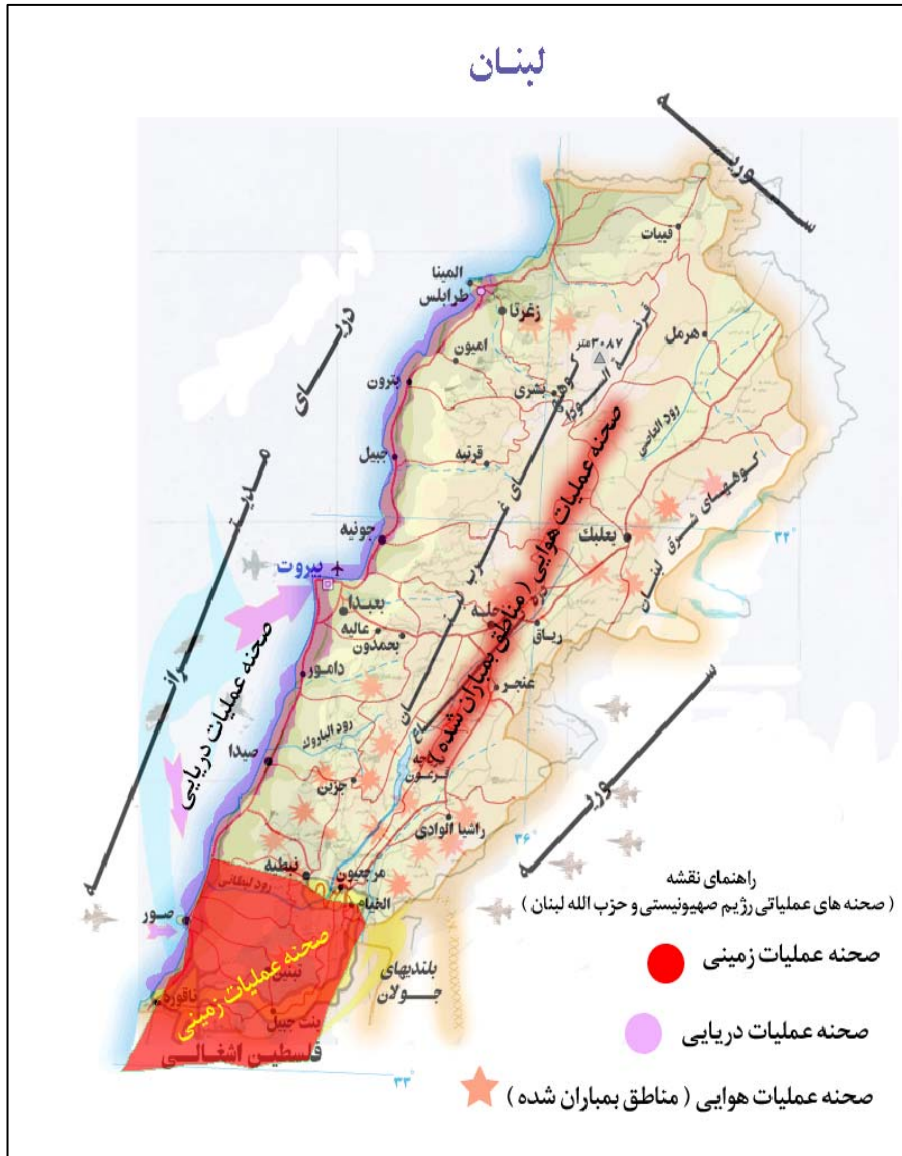
نقشه شماره ۱ - صحنه‌های عملیاتی کشورهای درگیر (متفقین و متفقین) را در جنگ جهانی دوم



نقشه شماره ۲ - صحنه‌های جنگ و صحنه‌های عملیات اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳



نقشه شماره ۳ - صحنه‌های عملیاتی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم (دوران جنگ سرد)



نقشه شماره ۴ - صحنه‌های عملیات رژیم صهیونیستی و حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه



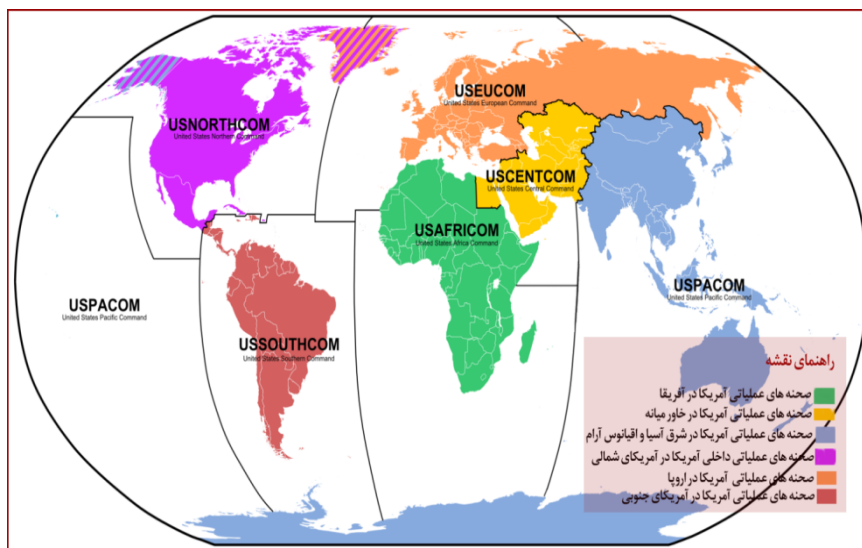


نقشه شماره ۵ - صحنه‌های عملیاتی آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳





نقشه شماره ۶ - صحنه‌های عملیاتی عراق در مقابله با حمله آمریکا و متحدین



نقشه شماره ۷ - صحنه های عملیاتی آمریکا در سطح جهان بعد از فروپاشی شوروی



نقشه شماره ۸ - صحنه های عملیات زمینی و دریایی ایران و عراق

## قدرت در عصر اطلاعات

حسین دهشیار<sup>۱</sup>

مرتضی نورمحمدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۲/۳

صفحات مقاله: ۱۶۳-۱۹۲

### چکیده

در این مقاله استدلال می‌کنیم که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و کاربری‌های فزاینده آن در تمامی ابعاد زندگی بشری، از چند جهت فهم متعارف از منابع، ماهیت و اشکال قدرت را متحول ساخته است: نخست آن‌که براساس الزامات فناوری اطلاعات و ارتباطات، دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران عصر صنعتی با کنشگران جدیدی مواجه شده‌اند که در وضعیتی پیچیده از همزیستی، تعامل یا تقابل با آنها به‌سر می‌برند. توزیع قدرت در میان کنشگران متعددی مانند سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، جنبش‌های اجتماعی فراملی، سازمان‌های غیردولتی و افراد، چالش بزرگی را فراروی جایگاه و کارکرد سنتی دولت به‌عنوان تنها دارنده و اعمال‌کننده قدرت قرار داده است؛ دوم این‌که فهم کلاسیک از قدرت در چارچوب دو نوع نگاه ابزاری و ساختاری در نتیجه تحولات ناشی از فناوری‌های دیجیتال و امکانات تازه آنها باید بازتعریف شود؛ به‌نحوی که چهره دیگر قدرت یعنی قدرت معنایی و مجازی را نیز در بر گیرد. چرا که کاربرد قدرن به‌میزان زیادی وابسته به بافتی است که در آن قرار دارد. در بافت جدید که مبتنی بر فضای مجازی است قدرت اطلاعات اهمیت فزاینده‌ای در ساختارهای قدرت جهانی و در تعاملات میان دولت‌ها پیدا کرده است. سوم و مهم‌تر این‌که فناوری اطلاعات به بازسازی هویت و حوزه‌های موضوعی در سیاست جهان انجامیده است؛ به‌عبارت دیگر اگر تمایلات کنشگران را نتیجه تعامل آنها با دیگران و دست‌یابی آنها به تعریفی

۱ - استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی<sup>(ه)</sup>.

۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>(ه)</sup>.

از خود و دیگری قلمداد کنیم، فناوری اطلاعات به دلیل ماهیت تعاملی و پویای آن، به مهم‌ترین بسترساز این تعامل تبدیل گردیده است.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

عصر اطلاعات، فراقدرت، جامعه شبکه‌ای، دولت مجازی، فضای مجازی

## مقدمه

گسترش فزاینده تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات که مانوئل کاستلز<sup>۱</sup> (۱۳۸۵) از آن به‌عنوان «جامعه شبکه‌ای»<sup>۲</sup> یاد می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶(۱۵)، منجر به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی شده است. ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای هم‌چون اقتصاد اطلاعاتی،<sup>۳</sup> فرهنگ مجازی<sup>۴</sup> و کاهش اهمیت زمان و مکان در تعاملات اجتماعی ویژگی متمایزی به هزاره سوم بخشیده است که اصل بنیادین آن اهمیت محوری فرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است. در چنین فضایی که با عنوان فضای مجازی<sup>۵</sup> توصیف می‌شود، مجموعه‌های نقش‌آفرین جدیدی خارج از حوزه دولت‌ها شکل گرفته‌اند که کنترل سنتی دولت‌ها بر حوزه‌های کارکردی هم‌چون تولید امنیت، ایجاد نظم سیاسی، قدرت، مدیریت و ساماندهی به فعالیت‌های اقتصادی را با چالش جدی مواجه ساخته‌اند.

قدرت یکی از حوزه‌های مهمی است که تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات متحول شده است. به‌واسطه کاربست فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در ابعاد زندگی بشری، محیط عملیاتی نوینی پدید آمده که ماهیت، گستره و اشکال اعمال قدرت کنشگران نیز متحول شده

- 
- 1 - Manuel Castells
  - 2 - Network society
  - 3 - Informational economy
  - 4 - Virtual culture
  - 5 - Cyber space

است. در این مقاله تلاش می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که فناوری اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر ماهیت، منابع و اشکال قدرت گذاشته است؟ استدلال ما این است که به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات، نه تنها اشکال اعمال قدرت پیچیده، متنوع و نامحسوس شده است؛ بلکه منابع و ساختارهای جدید قدرت در کنار بازیگران بازیگران دولتی ظهور کرده است که موجب پراکندگی قدرت در تمامی سطوح فعالیت‌های بشری و تغییر بافت قدرت شده است.

### ۱- قدرت در روابط بین‌الملل

قدرت در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به‌عنوان نگرشی دربرگیرنده عنوان‌های گوناگون چون هدف سیاست خارجی، مهار نمودن منابع فیزیکی و سیاسی، و توانایی مهار نمودن دیگران یا دستکاری محیط پیرامونی مورد توجه بوده است. از نظر واقع‌گرایان قدرت فی‌نفسه یک هدف است (لمی، ۱۳۸۳: ۴۱۷). مورگنتا مفهوم منافع را در قالب قدرت ریخته و معتقد است: «راهنمای عمل دولت‌ها مفهوم منافع است که در قالب قدرت تعریف شده باشد. ما فرض می‌کنیم که دولتمردان در قالب منافع که به‌عنوان قدرت تعریف شده است، تفکر و عمل می‌کنند» (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۶). تعریف قدرت از نظر واقع‌گرایی همان‌طوری که مورگنتا می‌گوید عبارت است از: «کنترل انسان بر افکار و اعمال انسان‌های دیگر» (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۴۷). واقع‌گرایان به دو نکته مهم در مورد مفهوم قدرت اشاره می‌کنند: نخست این‌که قدرت یک مفهوم ارتباطی است؛ به این معنا که، روابط قدرت در ارتباط با دیگری تعریف می‌شود. دوم این‌که قدرت یک مفهوم نسبی است؛ به این معنا که نه تنها یک بازیگر باید قدرت خودش را محاسبه کند، بلکه باید نسبت قدرتش را با قدرت سایر بازیگران نیز بسنجد (دان و اشمیت، ۱۳۸۳: ۳۴۲). بنابراین، واقع‌گرایان سستی اگرچه مؤلفه‌های اقتصادی و تکنولوژی قدرت را قبول دارند؛ اما تأکید آنها بر قدرت نظامی به‌عنوان بارزترین مؤلفه قدرت یک کشور است.

کنت والتز<sup>۱</sup> سعی کرد با تمرکز بر مفهوم قابلیت‌ها<sup>۲</sup> به جای قدرت، تعریف دقیق‌تری از آن ارائه کند. وی معتقد بود که می‌توان قابلیت‌ها را بر اساس جمعیت، سرزمین، میزان منابع، امکانات اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات سیاسی دسته‌بندی کرد (Waltz, 1979: 131) نواقح‌گرایان قدرت را به‌عنوان توانمندی‌های ترکیب شده یک دولت می‌دانند و عامل تمایز دولت‌ها از همدیگر را قدرت می‌دانند نه نوع رفتار (لمی، ۱۳۸۳: ۴۱۸). این قدرت است که جایگاه دولتی را در ساختار تعیین می‌کند و این جایگاه رفتار را شکل می‌دهد؛ بنابراین مبنای تفاوت دولت‌ها بستگی به قدرت آنها دارد. والتز معتقد است که رفتار بازیگران در نظام بین‌الملل بستگی به توزیع قدرت دارد و این ساختار است که رفتار را محدود می‌کند. ایجاد محدودیت از طریق یک ساختار دو وجهی صورت می‌گیرد؛ یعنی از طریق جامعه‌پذیری<sup>۳</sup> بازیگران که در قالب پادشاه یا مجازات‌هایی است که در برابر رفتارهای خود دریافت می‌کنند و یا از طریق رقابت<sup>۴</sup> که دولت‌ها ناگزیرند رفتاری را برای حفظ حقوقشان و رسیدن به توان رقابت با سایرین از خود نشان بدهند. (Guzzini, 1993: 444)

رویکرد واقع‌گرایی به قدرت، از ناحیه رهیافت‌هایی چون نئولیبرالیسم، وابستگی متقابل و پست مدرنیسم مورد معارضه جدی قرار گرفت. در شرایط حاضر دولت محوری مکتب واقع‌گرایی ناگزیر به قبول کسب و افزایش قدرت بازیگران غیردولتی، که نقش محدود کننده‌ای برای دولت‌ها در بعضی حوزه‌ها قائلند، خواهد بود. مکتب وابستگی متقابل نیز که بر رشد بازیگران غیردولتی تاکید دارد، ناگزیر به پذیرش این است که دولت‌ها هم چنان پراهمیت هستند و انقلاب اطلاعاتی ابزارهای نوین کنترل و نظارت را در اختیار دولت‌ها قرار داده است. (Arquilla and Ronfeldt, 1997a: 143)

محققان برای فهم و اندازه‌گیری قدرت از سه رهیافت استفاده می‌کنند: ۱- قدرت به‌عنوان

---

1 - Keneth Waltz  
2 - Capabilities  
3 - socialization  
4 - competition

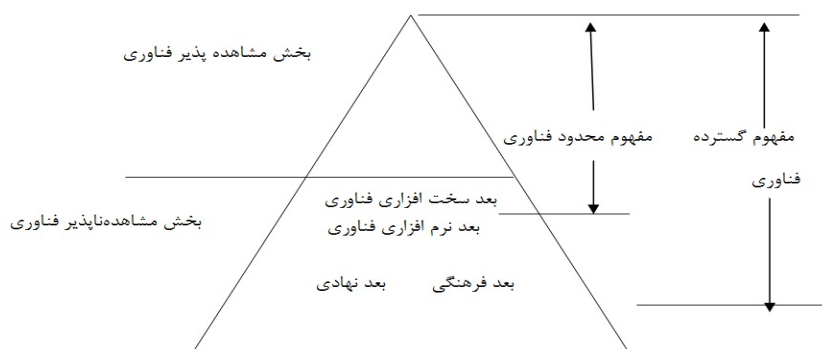
کنترل بر منابع<sup>۱</sup>؛ ۲- قدرت به‌عنوان کنترل بر بازیگران (رابطه‌ای<sup>۲</sup>)؛ ۳- قدرت به‌عنوان کنترل بر حوادث و نتایج (ساختاری<sup>۳</sup>). (Hart,1976:289-305) رویکرد نظریه‌پردازان واقع‌گرایی برای فهم و سنجش قدرت بر اساس تلقی آن به‌عنوان منبع است. قدرت بر حسب قابلیت‌های معین و کنترل بر انواع مشخصی از منابع مانند زمین، جمعیت، انرژی و غیره سنجش و ارزیابی می‌شود. در رویکرد رابطه‌ای به قدرت، قدرت برحسب چگونگی تعاملات میان دو بازیگر اجتماعی اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس رویکرد ساختاری به قدرت، دارنده قدرت می‌تواند بدون توسل به اشکال ظاهری قدرت مانند فشار، انتخاب‌های فراروی طرف مقابل را تغییر دهد و به اهداف خود دست یابد. بر اساس رویکرد ساختاری به قدرت، یک بازیگر از توانمندی تأثیرگذاری بر قواعد و نهادهایی که بر نتایج حاکم هستند، برخوردار است. (Hart and Kim,2000:53)

## ۲- فناوری اطلاعات و ارتباطات

### ۲-۱- انقلاب فناوری اطلاعات

هر پیشرفت فناورانه مستلزم چهار بعد سخت‌افزاری، دانش، نهاد و فرهنگ است. (Hart and Kim,2000:37) در این میان عوامل فرهنگی و نهادی نقش مهمی در گزینش فناوری‌های نوین و گسترش یک فناوری در سطح گسترده دارند. وجود بسترهای مناسب فرهنگی و نهادی زمینه را برای به‌کارگیری فناوری‌های نوین در بخش‌های مختلف جامعه فراهم می‌سازد و در نتیجه کاربرد فناوری‌های نوین، حوزه‌های کارکردی یک جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متحول خواهد شد. شکل زیر ابعاد مختلف فناوری را نشان می‌دهد.

- 
- 1 - Resource
  - 2 - Relationship
  - 3 - Structure



شکل ۱ - ابعاد مختلف فناوری

تاریخ بشریت در مسیر دستیابی به فناوری‌های پیشرفته دوره‌های مختلفی را طی کرده است. در جوامع اولیه و ابتدایی، تلاش بشری در جهت ساخت ابزارآلات با هدف ارتقاء مهارت‌های فردی برای انجام بهینه و آسان فعالیت‌های یدی معطوف بود. در دوره مدرن، فناوری در خدمت ساخت ماشین مکانیکی قرار گرفت، ماشین‌هایی که با هدایت و کنترل انسان قادر به انجام کارها به جای انسان بودند. و در عصر حاضر انسان تلاش می‌کند تا ماشین‌های هوشمندی را بسازد که بدون کنترل و هدایت انسان قادر به انجام کارها باشند. جدول زیر سیر تکامل فناوری را از پیدایش جوامع اولیه تا عصر حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۱ - سیر تکامل فناوری

جامعه اطلاعاتی	جامعه مدرن	جامعه اولیه	مراحل پیشرفت جوامع
ماشین‌های هوشمند (به عنوان دستیار بشر)	تجهیزات ماشینی متحرک	ابزارآلات غیرفعال	مفهوم اختراع
سلاح‌های لیزری ماهواره‌های فضایی	توپ اتوماتیک، تانک، زیردریایی، هواپیمای موتوری هواپیمای بمب افکن، موشک، سلاح‌های هسته‌ای هواپیماهای جت	شمشیر، نیزه، تفنگ، توپ قایق بادی، بالن، کشتی بخار	فناوری نظامی
صنایع اطلاعاتی	تجهیزات الکتریکی اتومبیل، صنایع شیمی	صنایع نساجی، راه آهن، فولاد	فناوری اقتصادی
ارتباطات رایانه‌ای	تلفن، رادیو، تلگراف بی سیم، ارتباطات ماهواره‌ای	مهارت‌های نوشتاری، تلگراف	فناوری ارتباطی

Source: Hart and Kim, 2000:44



اواخر دهه ۱۹۵۰ زمانی که پرتاب نخستین سفینه اسپونیتیک زنگ خطر را برای موسسات تکنولوژی پیشرفته نظامی آمریکا به صدا درآورد، سازمان پروژه‌های پژوهشی پیشرفته وزارت دفاع آمریکا اقدام به طراحی سیستم مخابراتی کرد که در برابر تهاجم هسته‌ای آسیب‌ناپذیر باشد. طراحی سیستم بر اساس تکنولوژی ارتباطی انتقال بسته‌ای، شبکه را از مراکز کنترل و فرماندهی بی‌نیاز کرد، به نحوی که واحدهای پیام می‌توانستند مسیر خود را در طول شبکه پیدا کنند. ورود به این شبکه برای مراکز تحقیقاتی که با وزارت دفاع آمریکا همکاری داشتند، آزاد بود. ولی دانشمندان از این شبکه برای اهداف ارتباطی مختلف نیز استفاده می‌کردند. در سال ۱۹۸۳ بین آرپانت<sup>۱</sup> که مخصوص اهداف ویژه بود و میلنت<sup>۲</sup> که مستقیماً به اهداف نظامی ارتباط داشت تمایز ایجاد شد. شبکه شبکه‌ها که در طول دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد، آرپانت-ایتترنت نام داشت و سپس به ایتترنت تبدیل شد. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تکنولوژی انتقال اطلاعات پیشرفت چشمگیری کرد و ظرفیت انتقالی آن از ۵۶ هزار بایت در ثانیه در دهه ۱۹۷۰ به ۴۵ میلیون بایت در هر ثانیه در سال ۱۹۹۲ رسید. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹)

اواسط ۱۹۹۰ از ترکیب رسانه‌های همگانی جهانی و ارتباط رایانه‌ای، سیستم ارتباط الکترونیکی جدیدی شکل گرفت که ویژگی برجسته آن ترکیب رسانه‌های مختلف و توانایی بالقوه آن برای ارتباط متقابل بود. سیستم جدید، قلمرو الکترونیکی را به کل زندگی گسترش داد. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، دولت‌ها و شرکت‌ها در سراسر جهان در ایجاد و گسترش سیستم جدید که ابزار قدرت، و منبع سود سرشار بود، در مسابقه‌ای بی‌امان از یکدیگر سبقت گرفتند. ویژگی سیستم ارتباطی جدید که پیرامون یکپارچگی الکترونیکی همه شیوه‌های ارتباط، از ارتباط مکتوب گرفته تا ارتباط چند حسی سازمان‌یافته است، القای واقعیت مجازی نیست، بلکه ایجاد مجاز واقعی است. بنابراین واقعیتی که تجربه می‌شود همواره مجازی است، چون همواره از طریق نمادهایی درک می‌شود که عمل را با گونه‌ای معنا شکل می‌دهند که از چارچوب تنگ معنایی که نمادها برای آن در

---

1 - ARPANET

2 - Milnet

نظر گرفته‌اند، می‌گیرزد. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۳۱)

ویژگی بارز انقلاب فناوری اطلاعات نه محوریت دانش و اطلاعات، بلکه کاربرد دانش و اطلاعات در تولید دانش و پردازش اطلاعات در یک چرخه بازخورد فراینده میان نوآوری و کاربردهای نوآوری است. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۱) بر خلاف دیگر انقلاب‌های فناورانه که ابتدا در در چند جامعه محدود رخ می‌داد و به تدریج و بعد از سالیان دراز به سایر جوامع گسترش می‌یافت، تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی با سرعت برق و در کمتر از دو دهه در سراسر جهان گسترش یافت.<sup>۱</sup> کاستلز این امر را در ویژگی انقلاب فناورانه می‌داند. به این معنا که به‌کارگیری مستقیم تکنولوژی‌هایی که این انقلاب ایجاد می‌کند برای گسترش بیشتر این انقلاب و بدین طریق به‌هم پیوستن جهان از طریق فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۳) کریستوفر فریمن<sup>۲</sup> انقلاب فناوری اطلاعات را نوعی تغییر پارادایمیک می‌داند و می‌گوید:

”در هر پارادایم جدید، یک درونداد خاص یا مجموعه‌ای از دروندادها را می‌توان به‌عنوان عامل کلیدی در آن پارادایم توصیف کرد که مشخصه آن کاهش هزینه‌های نسبی و دسترسی همگانی است. تغییر پارادایم در عصر حاضر را می‌توان به‌عنوان گذار از تکنولوژی عملتاً مبتنی بر دروندادهای ارزان انرژی، به تکنولوژی به‌طور عمده متکی به دروندادهای ارزان اطلاعاتی که از پیشرفت حاصل از تکنولوژی میکروالکترونیک و مخابرات به‌دست آمده است، در نظر گرفت.“ (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۲)

بر همین اساس، کاستلز در مجموعه سه جلدی با عنوان عصر اطلاعات سعی می‌کند تا با در نظر گرفتن انقلاب فناورانه به‌عنوان تغییر پارادایمیک از آن به‌عنوان الگویی برای تبیین دگرگونی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استفاده کند. آلون تافلر<sup>۳</sup> با هدف تبیین

۱ - برای مثال، انقلاب صنعتی طی دو قرن بعد از ظهور در اروپای غربی، به تدریج به سایر نقاط جهان گسترش یافت.

2 - Christopher Freeman

3 - Alvin Toffler

محیط راهبردی در حال ظهور به واسطه انقلاب الکترونیک استدلال می‌کند که جهان به سوی یک انقلاب اجتماعی-اقتصادی در حرکت است که این امر توسعه یک ساختار قدرت سه‌گانه را در پی خواهد داشت. در ساختار قدرت دوگانه عصر صنعتی، دولت‌ها اقتصادهای مبتنی بر صنایع سنگین را توسعه داده و از سیطره اقتصادی، اجتماعی و نظامی بر جوامع ابتدایی‌تر مبتنی بر کشاورزی بهره‌مند شدند، اما در موج سوم تمدنی که شاخه بارز آن انقلاب الکترونیک و اطلاعاتی است، دولت‌هایی که بیشترین بهره را از دانش و اطلاعات در حوزه‌های مختلف می‌برند، بر دیگر دولت‌ها برتری خواهند یافت (تافلر، ۱۳۶۸: ۲۱۰-۱۹۲)

## ۲-۲- تأثیرات چند بعدی فناوری اطلاعات و ارتباطات

### ۲-۲-۱- سطح فردی

شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، ماشین دورنگار، شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت، افراد را قادر ساخته‌اند از یک سو، مهارت‌هایشان را در جهت انطباق بیشتر با نیازها و پیچیدگی‌های روزافزون جهان تغییر دهند و از سوی دیگر، با آگاهی از سبک زندگی و رفاه سایر جوامع، سطح انتظارات و مطالبات از نظام‌های سیاسی متبوع خود را افزایش دهند. روزنا این تحولات را با عنوان «انقلاب مهارت‌ها»<sup>۱</sup> توصیف می‌کند که سه بعد تحلیلی، احساسی و تصویری دارد و تمامی آنها به‌طور عمده‌ای در اثر پیشرفت‌های فناورانه‌ای که ایده‌ها، اطلاعات و تصاویر را به زندگی مردم وارد می‌کنند، پدید می‌آیند. (Rosenau, 2003: 233)

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، اساس بهبود و ارتقای ظرفیت گردآوری و تحلیل اطلاعات را تشکیل داده‌اند. توزیع جغرافیایی این تکنولوژی‌ها در بخش‌های وسیعی از کره زمین و کاهش هزینه‌های خرید و استفاده از آنها به «دمکراتیک شدن تکنولوژی»<sup>۲</sup> (Rosenau, 2003: 200) انجامیده است. این وضعیت، تکنولوژی‌های مذکور را در دسترس اکثر افراد قرار داده است. افراد نیز

1 - Skill revolution

2 - Democratisation of technology

آموخته‌اند که چگونه از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از قبیل ایمیل، تالارهای گفت‌وگو و تلفن همراه استفاده کنند تا بتوانند علائق خود را بیان کنند و با سایر افرادی که اندیشه‌ها، هویت‌ها، یا تصاویر مشترکی از دشمن دارند، از طریق پیوندهای شبکه‌ای تعامل داشته باشند. این وضعیت، افراد را قادر می‌سازد تا برای بیان اندیشه‌ها و علائق، یا اجرای آنها در سطح جهان اجتماعات جدیدی را تشکیل دهند. (Rosenau and Fagen, 1997: 655-686)

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، ظرفیت‌های افراد در زمینه هماهنگی فعالیت‌ها از مجاری غیرقابل کنترل را افزایش داده‌اند و فرصت‌های جدیدی را برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری بر روندهای داخلی و حتی منطقه‌ای و بین‌المللی در اختیار افراد قرار داده‌اند. یکی از نمونه‌های افزایش ظرفیت‌های فنی و مهارتی افراد، مبارزه اطلاعاتی جنبش زاپاتیست‌ها<sup>۱</sup> با فرایند آزادسازی تجاری در داخل منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۲ از طریق اینترنت بود. اعضای این جنبش تصور می‌کردند اقدام دولت مکزیک در افزایش واردات غلات ارزان‌قیمت از خارج، سبک زندگی سنتی‌شان را به خطر انداخته است. زاپاتیست‌ها با استفاده وسیع از اینترنت، به سرعت اطلاعات و پیام خود را در سراسر جهان منتشر ساختند و شبکه‌ای از گروه‌های حامی و یک نهضت بین‌المللی افکار عمومی را به‌راه انداختند که استفاده گسترده از روش‌های سرکوب را برای دولت مکزیک عملاً غیرممکن ساخت. (Martinez and Ronfeldt, 1997: 374-382) یکی دیگر از نمونه‌های افزایش ظرفیت‌های هماهنگ‌سازی میان افراد، حملات تروریستی به نیویورک و واشنگتن در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ است. به‌عبارت دیگر، افزایش وابستگی جوامع مدرن به طیف وسیعی از فناوری‌های مدرن به‌ویژه در زیرساخت‌های حیاتی، اهداف بالقوه جدیدی را برای همه انواع تروریسم ایجاد می‌کند. افراد می‌توانند با استفاده از رایانه و اتصال به اینترنت، به مراکز حساس اطلاعاتی و امنیتی دولت‌ها نفوذ کنند و اطلاعات محرمانه آنها را به سرقت ببرند.

1 - Zapatista

2 - Northern American Free Trade Area (NAFTA).

## ۲-۲-۲ - سطح ملی

در سطح ملی، افول نسبی حاکمیت دولت در اثر فرایندهای جهانی شدن و یا فراملی شدن<sup>۱</sup> روی داده است که بیش از هر چیز از گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات سرچشمه می‌گیرد. گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از دو بُعد، جایگاه دولت‌های ملی را متحول ساخته است:

**الف) افول نقش و جایگاه انحصاری دولت‌ها:** کاستلز معتقد است که اقتصاد شبکه‌ای، قدرت دولت ملی برای کنترل سیاست پولی، تصمیم‌گیری درباره بودجه و سازماندهی تولید و تجارت را تضعیف کرده است و بدین‌سان، مؤلفه بنیادی مشروعیت و ثبات دولت ملی - دولت رفاه - در حال محو شدن است. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۰۷) در حوزه نظامی، پیشرفت‌های سریع فناوری نظامی توانایی دولت ملی را در اتکای به خویش کاهش می‌دهد. از آنجایی که دولت‌های ملی نمی‌توانند منابع عرضه این فناوری‌ها را کنترل کنند، قدرت جنگی بالقوه آنها به شبکه‌های جهانی و متنوع عرضه اسلحه وابسته می‌شود. (Blank, 1997: 63) در واقع، سرعت تحولات فناورانه در عصر اطلاعات باعث می‌شود تسلیحات در مدت کوتاهی کهنه شوند. به‌همین جهت، دولت‌ها مجبورند فناوری‌های نظامی خود را پیوسته ارتقاء بخشند. علاوه بر این، صنعتی شدن مناطق جدیدی از جهان، انتشار دانش علمی و فناورانه، و تجارت غیرقانونی تسلیحات نظامی موجب افزایش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی شده است. بنابراین، ممکن است بیشتر دولت‌های ملی و یا حتی گروه‌های تروریستی به تسلیحات کشتار جمعی دسترسی داشته باشند. به‌همین جهت، کاستلز معتقد است که «موازنه وحشت جهانی» در حال طی کردن فرایند تمرکززدایی و تبدیل شدن به «موازنه وحشت محلی» است. (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۵: ۳۱۸) با این وجود، دولت‌ها هنوز هم می‌توانند بر بازارها و تحولات فناورانه تأثیر بگذارند و می‌کوشند جریانهای اطلاعات را در کنترل خود درآورند. در همین

---

1 - Transnationalisation

راستا، پیتر دراگر<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که دولت - ملت در شکل کلاسیک خود از کارآمدی لازم برای ایفای وظایف در جهان پیچیده و متحول امروزی برخوردار نیست و دولت در دوره پسامایه‌داری باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهد تا بتواند کارویژه‌های خود را انجام دهد. (Arquilla and Ronfeld, 1997a: 144)

ب) **افزایش ظرفیت‌های هماهنگی دولت‌ها در سطح جهانی:** از بعد دیگر، گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای هماهنگی دولت‌ها در سطح جهانی در اختیار دولت‌ها قرار داده است. اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی نمونه‌ای از تلاش دولت‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت سازمانهای بین‌الدولی برای حل معضلات جهانی در اثر ظهور جامعه اطلاعاتی جهانی است که در اوایل سال ۲۰۰۳ و سال ۲۰۰۵ در ژنو و تونس برگزار شد. فقط دولت‌ها، بازارها و شرکت‌های چندملیتی نیستند که در نظام بین‌المللی از توان بالقوه چشمگیری برای انجام اقداماتی در گستره‌ای جهانی برخوردار شده‌اند. کنشگران اجتماعی جدیدی مثل سازمانهای غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی یا خرده‌گروه‌هایی که نمایندگان جامعه مدنی خوانده می‌شوند، مهارت‌های خود را گسترش داده‌اند. بسیاری از این کنشگران، خود در سطحی گسترده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند. گروه‌های مخالف جهانی شدن، گروه‌های مخالف مین‌های زمینی و غیره از طریق اینترنت و دستگاه‌های ارتباطات سیار، فعالیت‌های خود را با هم هماهنگ می‌کنند و به دنبال کسب پایگاه‌های حمایتی در سراسر جهان می‌روند.

### ۲-۲-۳ - سطح بین‌المللی

فرایندهایی که در سطح فردی و ملی توصیف شد، به ظهور شیوه‌های جدید تدبیر امور<sup>۲</sup> در نظام بین‌الملل انجامیده است. دولت‌ها دیگر در موقعیتی نیستند که به‌طور انحصاری و به تنهایی

1 - Peter Drucker

2 - Governance

قواعد بازی سیاسی و اقتصادی را دیکته کنند؛ از این رو، دولت‌ها در برابر این وضعیت واکنش نشان می‌دهند (Lenk, 1997: 125). از یک سو، همکاری‌ها میان خود را از طریق نهادهای دولتی بین‌المللی (سازمانهای بین‌المللی دولتی یا رژیم‌های بین‌المللی) افزایش داده‌اند و از سوی دیگر، از طریق روی آوردن به همگرایی در مناطق مختلف جهان، در جوامع بزرگ‌تری که مبنای آنها اقتصادی بوده است، جای گرفته‌اند. (Bruhl and Rittberger, 2001: 14)

این وضعیت امکان کسب قدرت جدیدی را به آنها می‌دهد، به طوری که با توسل به آن می‌توانند به شرایط اساسی اقتصادی و سیاسی که بر تحولات فناورانه در آینده تأثیر می‌گذارند، شکل دهند. از دیدگاه روزنا<sup>۱</sup>، دولت‌هایی که می‌خواهند به شبکه‌های جهان‌گستر فناوری دسترسی داشته باشند، هیچ چاره‌ای جز پیوستن به آن نهادهای بین‌المللی که، مقررات فناوری‌های مورد نظر را به نمایندگی از همه دولت‌ها تنظیم می‌نمایند، ندارند. (Rosenau, 2002: 277) ساختارهای جهانی نوظهور، روزنا را بر آن داشت تا اصطلاح جدید «سیاست پسابین‌المللی<sup>۲</sup>» را برای اشاره به این تحولات وضع نماید:

«سیاست پسابین‌المللی اصطلاح مناسبی است، زیرا به روشنی حاکی از افول الگوهای دیرپاست، بی‌آن‌که روشن سازد که این تغییرات ممکن است به کجا منتهی شوند. در عین آن‌که به وجود و کارکرد ساختارهای پایدار و باثبات اشاره دارد، حاکی از وضعیتی سیال و گذرا است. این اصطلاح برای اشاره به تغییراتی است که آشوب جهانی به بار آورده است، برای گرایش‌های مرکزگرا و مرکزگریزی که هویت و تعداد کنشگران جهانی را دگرگون می‌سازد؛ برای سمت‌گیری‌های در حال تغییر که مناسبات مرجعیت و اقتدار را در میان کنشگران از نو تعریف می‌کند.» (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵)

روزنا در تبیین دگرگونی‌های فوق به نقش گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

1 - Rosenau

2 - Postinternational politics

اشاره می‌کند که ساختارهای سنتی را از دو مجرا به‌چالش می‌کشند: الف- پویش‌های فناوری به‌ویژه فناوری‌های ملایم با انقلاب ریزالکترونیک، که فواصل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به‌مراتب کوتاه‌تر و جابجایی اندیشه‌ها، تصاویر، پول و اطلاعات را بسیار سریع‌تر کرده‌اند و بدین ترتیب، وابستگی متقابل مردم و رویدادها را تشدید نموده‌اند؛ ب- پیدایش مسائلی هم‌چون آلودگی هوا، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، بحران‌های ارزی و ایدز که محصول مستقیم فناوری‌های نوپا و وابستگی شدیدتر جهان هستند. (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۴)

### ۳- ماهیت قدرت در عصر اطلاعات

با تغییر در محیط راهبردی دولت‌ها و ساختارهای جهانی در حال ظهور، قدرت را دیگر نمی‌توان در قالب رویکردهای سنتی توضیح داد. حاصل فناوری تغییر است؛ اگرچه فناوری تغییر را به صورت جبرگرایانه تعیین نمی‌کند و پیامدهای شبکه‌ای شدن بر دولت‌ها، قدرت و امنیت؛ فراتر از هر منطق جبرگرایانه تعیین نمی‌کند. فهم تحولات فناورانه مستلزم آن است که این تحولات را در بستر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی کنیم. همان‌طور که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد، هر فناوری دارای چهار بعد سخت افزار، نرم افزار، نهاد و فرهنگ است. هر گونه تلاشی برای فهم تأثیرات فناوری بر ساختارهای جهانی در حوزه قدرت و امنیت می‌بایست مبتنی بر رویکردی جامع‌نگر به ابعاد مختلف فناوری باشد.

با الهام از چارچوب تحلیلی هارت<sup>۱</sup> برای ارزیابی و سنجش قدرت، و هم‌چنین با توجه به ابعاد مختلف فناوری اطلاعات و ارتباطات تلاش خواهیم کرد تا تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر قدرت را مورد بررسی قرار دهیم.

1 - Hart



## ۳-۱ - قدرت به عنوان کنترل بر منابع

این شکل از قدرت به میزان کنترل بر منابع و توانمندی دولت‌ها می‌پردازد. فناوری اطلاعات، عدم اطمینان به منابع سنتی قدرت را به وجود آورده است. امروز دیگر قدرت تنها بر اساس حجم نیروهای نظامی، گستردگی زمین، جمعیت و منابع اولیه ارزیابی نمی‌گردد، بلکه عنصر جدیدی به نام اطلاعات وارد محاسبات قدرت ملی کشورها شده است. برتری یک کشور در ساختارهای قدرت جهانی در صورتی است که آن کشور از توانایی جمع‌آوری و پردازش اطلاعات، و عمل کردن با اتکا به اطلاعات برخوردار باشد (Arquilla and Ronfeldt, 1997b). فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات باعث کاهش اهمیت جغرافیا، جمعیت، منابع طبیعی و حتی میزان تعداد نیروهای نظامی در ارزیابی قدرت ملی کشورها شده است. در واقع امروزه فاکتورهای سنجش قدرت بین‌المللی مثل فناوری، دانش و رشد اقتصادی بسیار مهم‌تر از جغرافیا، جمعیت و منابع طبیعی، که در درجه پایین‌تری از اهمیت قرار دارند، هستند. (Nye, 2004a: 55)

مفهوم مشهور قدرت نرم<sup>۱</sup> که جوزف نای مطرح ساخت، بر اساس این اعتقاد است که قدرت در حال گذر از سرمایه مادی به اطلاعات است. (Nye, 1990b: 153-171) نای سه منبع برای ارزیابی قدرت نرم یک کشور بر می‌شمارد: فرهنگ آن کشور (در جایی که برای دیگران جذاب باشد)؛ ارزش‌های سیاسی آن کشور (زمانی که مطابق با معیارهای زندگی آنها در داخل و خارج از کشور باشد)؛ و سیاست خارجی آن کشور (زمانی که در نظر دیگران مشروع و دارای اقتدار اخلاقی باشد). نای با تمایزگذاری میان سه نوع قدرت نظامی، اقتصادی و نرم استدلال می‌کند که در عصر اطلاعات قدرت نرم در حال تبدیل شدن به قدرتی مهم‌تر در سیاست جهانی است. (Nye, 2004a: 11) به تعبیر آنتونی اسمیت:

”نتیجه انقلاب ارتباطات بدین صورت است که در آینده دانش و اطلاعات به مهم‌ترین منبع قدرت مبدل شده و قدرت هر فرد، گروه اجتماعی یا کشور بر

---

1 - Soft power

اساس ظرفیت داده‌پردازی و انباشت اطلاعاتی آن سنجیده خواهد شد. در واقع قدرت در جایی متمرکز می‌شود که بیشترین اطلاعات وجود دارد. بنابراین شناس افراد برای تأثیرگذاری و شناس حکومت‌ها برای بقاء و استمرار حیات در گرو آن است که بتوانند با ایجاد ساز و کارها و نهادهای متناوب، ظرفیت و سرعت دسترسی به اطلاعات و پردازش آن را ارتقاء دهند.<sup>۱</sup> (اسمیت، ۱۳۶۹: ۱۶۹)

### ۳-۱-۱ - اطلاعات، منبع قدرت

اهمیت اطلاعات و نقش محوری آن در منازعات و تعاملات میان دولت‌ها پدیده جدیدی نیست. سون تزو<sup>۱</sup> در سده ششم پیش از میلاد در کتاب «هنر جنگ»<sup>۲</sup> اهمیت اطلاعات را به تفصیل بیان کرد و چهار ادعا را درباره اهمیت اطلاعات مطرح کرد:

۱ - اطلاعات نقش محوری برای فرایندهای نظارت، برآورد وضعیت، تدوین استراتژی و برآورد بدیل‌ها و ریسک‌های فراروی تصمیم‌گیری دارد.

۲ - اطلاعات به شکل جاسوسی و توانایی پیش‌بینی برآندهای احتمالی در آینده، باعث تمایزبخشی بین بهترین جنگجویان می‌شود. بر این اساس، آنچه یک حکمران عاقل و ژنرال خوب را قادر می‌سازد به پیروزی در حملات دست یابد و به‌اموری که از ید قدرت یک آدم عادی خارج است دست یابد، شناخت قبلی<sup>۳</sup> است.

۳ - کنترل برخی از اطلاعات در دسترس دشمنان، از طریق فریب (اغفال و غافلگیرسازی) و انکار (مخفی‌کاری)، عاملی است که می‌تواند باعث گردد دشمن به‌طور موقت ادراک صحیحی از اوضاع نداشته باشد.

۴ - شکل اعلاي جنگ از اطلاعات برای اعمال نفوذ بر ادراک دشمن به‌منظور کنترل

1 - Sun Tzu

2 - The Art of War

3 - Foreknowledge

اراده وی بهره می‌گیرد، و زور فیزیکی را به کار نمی‌برد. در هنر عملی جنگ، بهترین کار تصرف کل قلمرو دشمن است و بر این اساس، جنگیدن و فتح کردن در همه نبردها عالی‌ترین حد پیروزی نیست؛ عالی‌ترین حد پیروزی همانا درهم شکستن مقاومت دشمن بدون جنگیدن است (Everett, 1997:36). از نظر سون تزو، معنای پیروزی نهایی القای تسلیم به دشمن است، بدون آن‌که حتی ضربه‌ای به دشمن وارد بیاید. بر همین اساس، سون تزو معتقد است که جنگ بر پایه فریب است. تکیه سون تزو بر فریب جنگی، اهمیت کسب و دستکاری اطلاعات به نفع خود را مورد تأکید قرار می‌دهد.

هر یک از این اصول بر پایه کسب، پردازش، و اشاعه اطلاعات بوده‌اند. این اصول تغییر نیافته‌اند، بلکه ابزارهای کسب، پردازش، و اشاعه اطلاعات دگرگون گردیده‌اند. ابزارهای الکترونیکی کسب و مدیریت اطلاعات جایگزین فناوری‌های قدیمی‌تر، پیک‌های انسانی، و ارتباطات مکتوب گردیده‌اند. وابستگی فزاینده به ابزارهای الکترونیکی، مدیریت حجم زیادی از اطلاعات، و ارزش فزاینده آن اطلاعات، خود اطلاعات را به منبع مهم قدرت و توانمندی در عصر اطلاعات تبدیل کرده است.

بنابراین، آینده منازعه و جنگ میان دولت‌ها با ویژگی‌های سرعت بالا، انطباق‌پذیری و چابکی که برخاسته از اطلاعات دقیق است، پیوند خورده است. (Metz, 2000:9) حتی برخی از محققان استدلال می‌کنند که به علت گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و کاربرد گسترده آنها در امور نظامی، نبرد نیرو در برابر نیرو دیگر موضوعیت نخواهد داشت، بلکه ویژگی جنگ‌های آینده پنهان‌شدن و تعقیب کردن خواهد بود. (Libicki,1995)

هدف بنیادین انقلاب در امور نظامی، سیطره بر طیف اطلاعاتی است. برای سیطره تمام‌عیار، که به مفهوم به‌کارگیری مؤثر قدرت نظامی از طریق طراحی و اجرای عملیات‌های

نظامی با بهره‌گیری از اطلاعات است، دست‌یابی به برتری اطلاعاتی<sup>۱</sup> ضروری است. برتری اطلاعاتی از طریق آگاهی به فضای نبرد مسلط<sup>۲</sup> که به معنای فهم وضعیت جاری بر اساس مشاهدات حس‌گر و منابع انسانی، و شناخت فضای نبرد مسلط<sup>۳</sup> است، به‌دست می‌آید. بنابراین، برتری اطلاعاتی باید یکی از مؤلفه‌های مهم در راهبرد کلی برای به‌کارگیری قدرت نظامی قلمداد شود.

برتری اطلاعاتی، توانمندی گردآوری، پردازش، و اشاعه جریان آزادانه اطلاعات و در عین حال بهره‌برداری یا ممانعت از توانایی دشمن در انجام همان کارها است. به‌عبارت دیگر، برتری در تولید، دستکاری و به‌کارگیری اطلاعات، یک کشور را در وضعیت اطلاعاتی برتر قرار خواهد داد و سیطره نظامی آن را تضمین خواهد کرد. مفهوم دیگری که به دست‌یابی به برتری اطلاعاتی کمک می‌کند، تنویر فضای نبرد<sup>۴</sup> است. این مفهوم، هدف ارتش برای ایجاد پیوند کم‌وبیش تقریباً کامل میان اطلاعات گردآوری‌شده در میدان نبرد و تصمیم‌گیرندگانی که از اطلاعات استفاده می‌کنند، و اقداماتی را که برای اجرای تصمیمات اتخاذ می‌گردند را به‌تصویر می‌کشد. در پرتو این تحولات، نظامیان امیدوارند تا مه جنگ<sup>۵</sup>، عبارت مشهور کلاوزویتس درباره عدم قطعیت نبرد، را بزدایند.

برتری اطلاعاتی تصویر کم‌وبیش کاملی از میدان نبرد را در اختیار فرمانده قرار می‌دهد تا او بتواند تصمیمات کم‌وبیش کاملی را اتخاذ کند. این بدین معنا است که فرمانده باید به مجموع اطلاعات جدید موجود در هر زمان و هر جا دسترسی داشته باشد. بر همین اساس، برتری اطلاعاتی یکی از ابعاد کلیدی استراتژی نظامی ایالات متحده است؛ ایالات متحده از این طریق می‌تواند قدرت نظامی خود در جهان متغیر را به‌منظور مقابله با چالش‌های امنیتی به‌نحو

1 - Information superiority

2 - Dominant battlespace awareness (DBA)

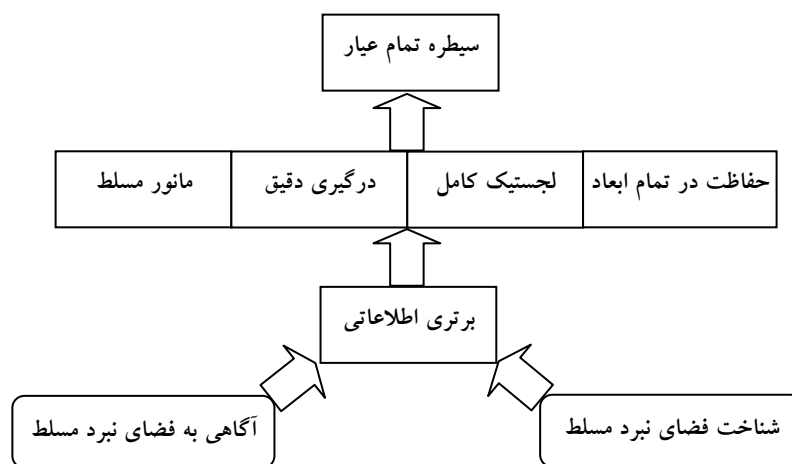
3 - Dominant battlespace knowledge (DBK)

- شناخت فضای نبرد مسلط به مفهوم فهم معنای وضعیت جاری از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها یا شبیه‌سازی است.

4 - Battlespace illumination

5 - Fog of war

مؤثری به کار بندد. «چشم‌انداز مشترک ۲۰۱۰»<sup>۱</sup> آمریکا که با هدف ارتقای کارایی نیروهای نظامی آمریکا تنظیم شده است، بر بهره‌گیری از نوآوری‌های فناورانه برای دستیابی به برتری اطلاعاتی تأکید دارد. دستیابی به برتری اطلاعاتی، توانمندی نیروهای نظامی را در چهار حوزه عملیاتی نظامی تقویت خواهد کرد. این چهار حوزه عبارتند از: مانور مسلط<sup>۲</sup>، درگیری دقیق<sup>۳</sup>، لجستیک متمرکز<sup>۴</sup>، حفاظت در تمام ابعاد.<sup>۵</sup> (JV,2010)



نمودار ۲ - برتری اطلاعاتی به عنوان استراتژی کلی برای کاربرست قدرت نظامی

علاوه بر این، دولت آمریکا مقرر کرده است که ارتش آمریکا باید به‌طور کامل متحول شود تا بتواند نیروی مشترک آینده را که قادر به دستیابی به موقعیت برتر در زمینه تصمیم‌گیری باشد، تحقق بخشد. برتری تصمیم<sup>۶</sup> در ادبیات نظامی وزارت دفاع آمریکا برای

- 1 - Joint Vision 2010(JV)
- 2 - Dominant maneuver
- 3 - Precision engagement
- 4 - Focused logistics
- 5 - Full-dimensional protection
- 6 - Decision superiority

توصیف مزیت رقابتی در قلمرو ادراکی به کار می رود و در صورت وجود برتری اطلاعاتی، تسهیل می شود. برتری اطلاعاتی نشانگر یک مزیت رقابتی است که فرماندهان نظامی را قادر می سازد دشمن خود را غافل گیر کنند و در مانور بر او فائق آیند. برتری اطلاعاتی هماهنگی بهتر یگانهای رزمی را تسهیل می کند و تک تک فرماندهان را قادر می سازد سریع تر و آگاهانه تر از فرماندهان دشمن تصمیم بگیرند. توانمندی های مرتبط با عملیات اطلاعاتی موجب تحقق برتری اطلاعاتی شده و این به نوبه خود موجب برتری تصمیم می شود. (JV, 2010)

### ۲-۳- قدرت ساختاری

قدرت ساختاری بر توانمندی تأثیرگذاری بر قواعد و نهادهایی که بر نتایج حاکم اند، دلالت می کند. فناوری اطلاعات راههایی را که در قالب آن دانش، اطلاعات و ایده ها به ساختارها شکل می دهند، فراهم می سازند. علاوه بر این، به واسطه فناوری اطلاعات اشکال جدیدی از قدرت ساختاری ظهور کرده است. هر کنشگری که قادر باشد دسترسی دیگران به دانش و اطلاعات را محدود کند و کانالهای ارتباطی میان کنشگران را کنترل کند، خواهد توانست قواعد حاکم بر رفتار کنشگران را شکل بدهد. (Cavelty, 2008:9) می توان سه برداشت از قدرت ساختاری را برشمرد: زمانی که فناوری ها شکل دهنده نهادها هستند؛ ساختارها و نهادهای موجود به فناوری شکل می دهند و نهایتاً برداشتی که در آن نهادها و فناوری ها به یکدیگر قوام متقابل می بخشند. (Singh, 2002a:10-11) بر اساس برداشت اول می توان گفت که مکتب مارکسیسم بر نقش فناوری در شکل دادن به نهادها توجه دارد، زیرا این مکتب به مساله نیروهای تولید از جمله فناوری و نقش اساسی آن در ترسیم و شکل دادن به روابط اجتماعی میان سرمایه دار و کارگر می پردازد.

### ۳-۳- فراقدرت

فناوری اطلاعات نه تنها بر کنشگران و مسائل موجود تأثیر می گذارد، بلکه تعاملات شبکه ای همچون یک بدنه دایما در حال انباشت از دانش، به شکل گیری کنشگران و حوزه های

موضوعی در سیاست جهان می‌انجامد. تاکید صرف بر توانمندی مادی کنشگران و مفروض قلمداد کردن هویت و منافع آنها به نادیده گرفتن و غفلت از بسیاری از تأثیرات شبکه‌های اطلاعاتی بر مسائل منتهی می‌شود. اما در مقابل، رویکرد سازنده به قدرت، نقش آن را در تغییر ایده‌ها، نهادها و منافع بازیگران برجسته می‌سازد و به قدرت تنها به‌عنوان پدیده‌ای کمی و متمرکز در دست بازیگران نمی‌نگرد. در این میان، فناوری اطلاعات متغیری است که این امکانات را برای قدرت فراهم می‌کند و به‌عبارتی خود به قدرت سازنده شکل می‌دهد. (Singh, 2002a: 11)

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نه تنها بر بازیگران و مسائل موجود تأثیر می‌گذارند، بلکه تعاملات شبکه‌ای و مجموعه دانش انباشتی به هویت بازیگران و مسائل موجود شکل می‌دهند. محققان روابط بین‌الملل با هدف نشان دادن رابطه فناوری و قدرت در یک چارچوب سازه‌نگارانه، تعابیر و اصطلاحات مختلفی را بکار برده‌اند. جی.پی. سینگ<sup>۱</sup> عنوان «فرا قدرت»<sup>۲</sup> را برای فهم قدرت در عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای به کار می‌برد. فرا قدرت به این موضوع اشاره دارد که چگونه ارتباطات شبکه‌ای، منافع، و هویت بازیگران و نهادها را برمی‌سازند (Singh, 2005b: 4). سینگ استدلال می‌کند که با گسترش فناوری اطلاعاتی و شبکه‌ای شدن جوامع، قدرت دیگر در یک فضای سرزمینی و محصور در گستره جغرافیایی اعمال نمی‌شود، بلکه در فضای جدیدی ماورای محدودیت‌های سرزمینی و مبتنی بر فضای صفحه‌ای<sup>۳</sup> جاری و ساری است (Singh, 2005b: 4) در واقع فناوری‌های اطلاعات نه تنها قدرت ابزاری دولت‌ها را تقویت می‌کنند، بلکه هم‌چنین فضای جدیدی برای نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی با هویت‌ها و منافع متمایز فراهم می‌کنند. ویژگی فضای جدید سیاست جهانی، اصل تعامل میان تمامی اجزاء نظام بین‌الملل است. اعضاء نظام بین‌الملل صرفاً محدود

---

1 - J.P.Singh

2 - Meta-Power

3 - Screenal space

به دولت-ملت‌های محصور در یک محدوده جغرافیائی نیست، بلکه گستره وسیعی از اجزاء مانند افراد، گروه‌های فروملی و گروه‌های فراملی را در برمی‌گیرد که از ظرفیت تأثیرگذاری بر پویش‌ها و روندهای جهانی برخوردارند. بخش اعظمی از قدرت تأثیرگذاری بازیگران جدید ناشی از فناوری اطلاعات است، چرا که محیط عملیاتی و بافتار تعاملی میان دولت‌ها متحول شده و فضاهاى جدیدی خارج از کنترل انحصاری دولت‌ها شکل گرفته است. در این فضای جدید، ساختار اقتدار دیگر مبتنی بر سلسه مراتب نیست، بلکه ساختار شبکه‌ای شکل گرفته که هر بازیگری بر اساس میزان بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی قادر خواهد بود تا ظرفیت تعاملی و تأثیرگذاری خود را تقویت کند.

#### ۴- تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر ساختارهای قدرت

بیشتر محققان استدلال می‌کنند که انقلاب اطلاعات به تغییر ساختارهای قدرت می‌انجامد، اما در مورد میزان و ماهیت این تغییر با هم اختلاف نظر دارند. واقع‌گرایان ضرورت بازتعریف قدرت و بازیگران مؤثر در سیاست بین‌الملل را زیر سوال می‌برند و استدلال می‌کنند که برجسته‌ترین شکل قدرت، رکن نظامی آن است. دولت هم‌چنان مزیت اطلاعاتی دارد و اطلاعات راهبردی در سطح وسیعی در دسترس نیست و بازیگران غیردولتی فاقد توانایی لازم برای گردآوری و تنظیم اطلاعات خاص هستند. (Rosenau and Fagen, 1997:37) با این حال هر دو گروه معمولاً به این نکته اشاره می‌کنند که منابع قدرت از منابع نظامی به منابع اقتصادی و اطلاعاتی در حال تغییر است و تفویض اقتدار در جهات متنوع از طریق پویش‌های از هم گسسته‌ساز در شرف وقوع است. (Rosenau and Fagen, 1997:37) خلق ثروت از طریق ایده‌ها و دانش رخ می‌دهد و قدرت نیز بیش از پیش به مراکز فناوری‌های پیشرفته یعنی به سمت متخصصانی که از طریق ایده‌ها و مهارت‌های فوق‌العاده بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی کنترل دارند، جریان می‌یابد.

دو منازعه محوری ماهیت تغییر ساختارهای قدرت را آشکار می‌سازد؛ نخست این استدلال که ظهور بازار الکترونیک جهان‌گستر به فروپاشی رکن اقتصادی قدرت دولت



می‌انجامد، چرا که شرکت‌ها به شهروندان جهانی مبدل می‌شوند و مرزهای اقتصادی نیز دیگر با مرزهای سیاسی انطباق ندارند. (Rothkopf, 1998: 331-333) و دوم این‌که انقلاب اطلاعات اشکال جدیدی از کنشگران بین‌المللی مانند سازمان‌های غیردولتی و افراد را توانمند می‌سازد و در نتیجه جایگاه دولت به‌عنوان بازیگر اصلی نظام بین‌الملل را به چالش می‌کشد.

#### ۴-۱- تشدید وابستگی متقابل اقتصادی و دولت‌های مجازی

تشدید پیوندهای اقتصادی میان دولت‌ها و حرکت کشورهای توسعه‌یافته به سمت بخش خدمات، تأثیر چشمگیری بر روابط بین‌الملل خواهد گذاشت. تلاش دولت‌ها برای بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در بخش‌های تولید و خدمات، حاکی از آن است که انقلاب اقتصادی در جریان است و بتدریج الگوهای تولید، توزیع و خدمات را متحول خواهد ساخت. در این چارچوب می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف) آینده اقتصاد به دارایی‌های ناملموس تعلق خواهد داشت. دانش و جریان اطلاعات

ارزشمندترین منبع به‌شمار می‌آیند. (Bauwens, 2009: 210)

ب) مبادلات اقتصادی، بیش از پیش به شبکه‌ها وابسته می‌شود. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مبادلات تجاری و مالی را به نحو چشمگیری دگرگون ساخته است و محیطی مجازی را به‌وجود آورده است که فعالیت‌های مالی و تجاری را تسهیل، و

کنترل دولت بر مبادلات اقتصادی را تضعیف می‌کند. (Youngs, 2007: 25)

از میان رفتن کنترل دولت بر مبادلات اقتصادی و روند جدید تولید ثروت به بازتوزیع قدرت انجامیده است. اهمیت دانش به‌عنوان منبع ثروت به این ایده منتهی گردیده است که آینده به دولت‌های مجازی که قدرت نظامی و منابع طبیعی ندارند ولی به‌نحو هوشمندانه‌ای در به‌کارگیری ابزارهای مدیریتی، مالی مهارت دارند؛ تعلق خواهد داشت. در شرایطی که تولیدات زمین دیگر تعیین‌کننده بازار و روابط قدرت نیست، نوع جدیدی از دولت به شکل ملت‌های مجازی بر مبنای سرمایه سیار، نیروی کار و اطلاعات در حال تولد است. (رزکرانس، ۱۳۸۷: ۱۷) دولت‌های مجازی با انتقال بخش اعظم تولیدات داخلی خود به خارج و هدایت

اقتصادشان به سطوح بالای خدمات، روابط تولیدی و بین‌المللی را از نو شکل می‌دهند. در چنین محیطی که دولت‌های مجازی بازار جهانی را به کسب سرزمین ترجیح می‌دهند، تصرف قلمروهای سرزمینی با استفاده از قدرت نظامی از موضوعیت خواهد افتاد. (رزکرانس، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۴) کشورهای توسعه‌یافته نه برای سلطه سیاسی بلکه برای کسب سهم بیشتری از برون‌داد جهانی کشمکش خواهند داشت. این دولت‌ها دیگر نیازی به سرزمین بیشتر را نخواهند داشت، چرا که نیروی کار ماهر، سرمایه و کنترل اطلاعاتی بر عوامل تولید قدیمی برتری خواهد داشت. (رزکرانس، ۱۳۸۷: ۴۶)

با این وجود، این دیدگاه نمی‌تواند تهدیدات جدیدی را که از تشدید وابستگی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نشات می‌گیرد و افزایش آسیب‌پذیری‌ها که سایر کنشگران از آنها به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند، مورد توجه قرار دهد. ابعاد جدید منازعه که سرشتی تجاری و اقتصادی دارند، اهمیت بیشتری خواهند یافت.

#### ۲-۴- افزایش شمار کنشگران بین‌المللی تأثیرگذار

یکی از مباحث چالش‌برانگیز روابط بین‌الملل این است که آیا انقلاب اطلاعات، جایگاه و کارویژه دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین کنشگر را به چالش خواهد کشید یا نه دولت‌ها هم‌چنان کنشگران مسلط نظام بین‌الملل باقی خواهند ماند. برخی از محققان روابط بین‌الملل استدلال می‌کنند که دهکده جهانی و کنشگران غیرسرزمینی، دولت - ملت را از موضوعیت خواهد انداخت. (Everard, 2000: 5) در این وضعیت، کارآمدی دولت‌ها برای تأمین امنیت و رفاه اقتصادی شهروندان تضعیف خواهد شد. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند امنیت بنیادین را در مقابل تهدیدات جنگ اطلاعاتی و سایبرتروریسم تأمین نمایند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی این امکان را فراهم می‌کند تا شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی نقش بین‌المللی به‌مراتب گسترده‌ای را برعهده بگیرند. (Nichiporuk and Builder, 1997: 296) اما این بدان معنا نیست که دولت در شرف نابودی است. همه دولت‌ها در برابر پیامدهای انقلاب اطلاعاتی واکنش نشان داده و می‌کوشند نقش

خود را در یک نظام بین‌المللی در حال تغییر، بازتعریف کنند. ظهور ایده دولت الکترونیک، توسعه توانایی‌های دیپلماسی مجازی و ایجاد ابزارهای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی برخی از برآیندهای مشهود تلاش دولت‌ها برای انطباق خود با محیط عملیاتی در حال ظهور است. انقلاب اطلاعات نه تنها جایگاه و کارویژه دولت‌ها را متحول ساخته، بلکه بر نفوذ و جایگاه سایر کنشگران بین‌المللی نیز تأثیر می‌نهد. به یمن پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، قابلیت‌ها و مهارت‌های تحلیلی فرد گسترش یافته و در برخی حوزه‌های موضوعی فرد قادر است نقشی همپای سازمان‌های غیرحکومتی ایفا کند. (Rosenau, 1997: 42-45) انقلاب مهارت‌ها موجب می‌گردد شهروندان مهارت‌ها و قابلیت بیشتری به دست آورند و در نتیجه نفوذ بیشتری را طلب کنند. این وضعیت موجب جابجایی مرکز اقتدار یا تمرکززدایی از تصمیم‌گیری می‌شود.

علاوه بر این، انقلاب اطلاعات هم تأثیر یکپارچه‌ساز دارد و هم تأثیر از هم گسسته‌ساز. پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، اطلاعات بهتری را در اختیار قرار می‌دهد ولی سئوال‌های بیشتری را در مورد وثوق و امنیت اطلاعات ایجاد می‌کند. (Rothkopf, 1998: 327-328) نتیجه چنین روندهایی، تجزیه ساختارهای جهان‌گستر در زیرسیستم‌های دولت‌محور و چندمحور است که در آنها دولت‌ها دیگر تنها کنشگران اصلی نیستند. جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه انقلاب اطلاعات، نقش و کارویژه کنشگران را تغییر می‌دهد.

جدول ۲ - تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر الگوهای بازیگران بین‌المللی

بازیگران	تغییرات ناشی از انقلاب اطلاعات	نتایج
دولت‌ها	- تأثیرگذاری بر توانایی دولت‌ها برای تأمین امنیت شهروندان در مقابل تهدید جنگ اطلاعاتی - انجام فعالیت‌های اقتصادی و رای محدودیت‌های اعمالی از جانب دولت‌ها که این امر بر تأمین رفاه شهروندان تأثیر می‌گذارد.	از دست دادن جایگاه بازیگر کلیدی در امور بین‌المللی. تقویت نفوذ دیگر بازیگران بین‌المللی. ضرورت بازتعریف دولت.
سازمان‌های دولتی بین‌المللی	سازمان‌های غیردولتی، اموری را که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به انجام آن نیستند، برعهده می‌گیرند.	انتقال مسئولیت‌های بیشتری از دولت‌ها به سازمان‌های غیردولتی
شرکت‌های چندملیتی	شتاب روند جهانی - محلی شدن توانایی فزاینده برای اقدام و رای محدودیت‌های دولت‌ها	ارتقای نقش شرکت‌های چندملیتی در امور بین‌المللی
سازمان‌های غیرحکومتی	دسترسی به اعضا بی‌شمار به‌واسطه شبکه‌ای شدن جوامع تکنیر سازمان‌های غیردولتی به دلیل هزینه پایین فناوری‌های ارتباطی امکان تاسیس سازمان‌های مجازی	تقویت هماهنگی، نفوذ و فعالیت سازمان‌های غیردولتی
افراد	ارتقای مهارت‌های فنی و تحلیلی شهروندان انقلاب مهارت‌ها، تأثیرگذاری مستقیم افراد بر حکومت‌ها را تقویت می‌کند.	توانایی افراد برای تشدید فشارها علیه حکومت‌ها

Source: Papp and Alberts, 1997:287-290

## نتیجه‌گیری

تحولات ساختارهای جهانی به‌واسطه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات موجب شده که قدرت اقتصادی، فناورانه و اطلاعاتی بر قدرت نظامی ارجحیت پیدا کند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، و به‌ویژه اینترنت ساختار حکومت‌ها و چگونگی تعامل آنها با شهروندان را دچار تغییرات جدی کرده است. در واقع فناوری‌های اطلاعات، چالش‌های موجود در مقابل دولت - ملت را افزایش داده و حاکمیت بلامنازع دولت بر سرزمین و اتباعش را با مشکلات جدی

مواجه کرده است. بر همین اساس روزنا استدلال می‌کند که تکامل جهان چندمرکزی به تضعیف اقتدار اعطاء شده به دولت انجامیده است به گونه‌ای که دولت‌ها هر چند ابزارهای زور و جبر را در اختیار دارند، اما مشروعیت و اقتدار خود را تا حد زیادی از دست داده است. منابع و مؤلفه‌های قدرت در قرن بیست و یکم، بیشتر متکی به قدرت اقتصادی و اطلاعاتی است. در حال حاضر مفهوم سنتی قدرت بر پایه قابلیت‌های نظامی تا حدود زیادی تحت تأثیر مؤلفه‌های جدید قدرت بر اساس توانایی‌های اقتصادی، فناورانه و اطلاعات قرار گرفته است. شکل اعمال قدرت نیز متحول شده و اعمال قدرت بر اذهان و افکار کنشگران در اولویت راهبرد امنیتی دولت‌ها قرار گرفته است.

علاوه بر این، فضای مجازی به عنوان بستر تعاملی نوین کنشگران در کنار جهان واقعی، نقش مهمی در فرایند هویت‌سازی ایفا می‌کند. معانی جمعی که کنشگران در مورد خود دارند، حاصل نقش شبکه‌ها و فناوری است که البته خود فناوری و شبکه نیز از این معانی تأثیر می‌پذیرند. شبکه خود به میزان زیادی پویا و متحرک است و داشتن رویکرد متفاوت به قدرت و تلقی آن به عنوان پدیده‌ای مجازی این امکان را فراهم می‌کند تا چگونگی بازترکیب بندی، ایجاد و بازسازی هویت و منافع کنشگران از سوی شبکه‌ها را بهتر درک کنیم. در همین چارچوب، بررسی ظرفیت هویت‌سازی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌تواند راهگشای فهم قدرت در عصر اطلاعات باشد. تحقق این مستلزم توجه محققان روابط بین‌الملل به نقش فزاینده فناوری‌های اطلاعات در زندگی مدرن و بویژه در سیاست جهانی است.

## منابع

## الف) فارسی

- ۱ - اسمیت، آنتونی. (۱۳۶۹)، ژئوپلتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شیروانی، تهران: انتشارات سروش.
- ۲ - دان تیم، برایان سی اسمیت. (۱۳۸۳)، "رئالیسم". در: جان بلیس و استیو اسمیت (گردآورندگان). جهانی شدن سیاست، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۳ - تافلر، آلون. (۱۳۶۸)، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
- ۴ - لمی، استیون ال. (۱۳۸۳)، "رویکردهای معاصر و جدید: نئورئالیسم و نئولیبرالیسم". در: جان بلیس و استیو اسمیت. جهانی شدن سیاست: روابط بین‌المللی در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۵ - روزنا، جیمز. (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان؛ نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات روزنه.
- ۶ - روزکرانس، ریچارد. (۱۳۸۷)، پیدایش دولت‌های مجازی، ترجمه بابک خادمی پاشاکی، تهران: نشر پلیکان.
- ۷ - کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵)، عصراطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۸ - کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵)، عصراطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۹ - مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۴) سیاست میان ملتها: تلاش در راه قدرت و صلح (حمیرا مشیرزاده، مترجم). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

## ب) انگلیسی

- 10 - Arquilla, John and David Ronfeldt.(1997a) **"Information, Power, and Grand Strategy"**, in: Arquilla, John and David Ronfeldt (eds) In Athens Camp: Preparing for Conflict in the Information Age. Santa Monica: Rand Corporation.
- 11 - Arquilla, John and David F. Ronfeldt.(1997b) **"Cyberwar is Coming!"**, in: John Arquilla and David F. Ronfeldt (eds). In Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age. Santa Monica: Rand Corporation.
- 12 - Bauwens, Michel.(2009) **"Some Notes on the Social Antagonism in Netarchical Capitalism"**, in: Karatzogianni, Athina(ed).Cyber Conflict and Global Politics. New York: Routledge.

- 13 - Blank, S.J. (1997), "**Preparing for the Next War: Reflections on the Revolution in Military Affairs**". in: J. Arquilla & D. Ronfeldt, (eds) in: Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age. Santa Monica: RAND Corporation.
- 14 - Bruhl, T. & Rittberger, V. (2001), "**From International Governance to Global Governace**" in: V. Rittberger (ed) Global Governance and the UN System. New York: UNU press.
- 15 - Caveltly, M. D. (2008) Cyber-Security and Threat Politics;US efforts to secure the information age. New York: Routledge
- 16 - Creveld, M. Van.(1999) The Rise and Decline of the State. Cambridge: Cambridge University Press.
- 17 - Dunn Caveltly, Myriam and Elgin M. Brunner.(2007) "**Introduction: Information, Power, and Security; An Outline of Debates and Implications**", in: Myriam Dunn and others(eds). Power and security in the information age: investigating the role of the state in cyberspace.London: Ashgate Publishing Company.
- 18 - Everard, Jerry.(2000) Virtual States: the Internet and the Boundaries of the Nation-State. New York: Routledge
- 19 - Everett, C. B. (1997), "**The Silicon Spear: An Assessment of Information Based Warfare and U.S. National Security**". in: R. E.Neilson. Sun Tzu and information Warfare. Washington DC: National Defence University Press.
- 20 - Guzzini, Stefano. (1993) "**Structural Power: the Limits of Neorealist Power Analysis**", International Organization, Vol. 47, No.3,pp.443-478.
- 21 - Hart,J.A.(1976) "**Three Approaches to the Measurement of Power in International Relation**". International Organisation. Vol.30,NO.2,pp.289-305
- 22 - Hart, Jeffrey. A and Kim Sang-Bae,(2000) "**Power in the Information Age**", in: Ciprut, Jose V.(ed) Of fears and foes: security and insecurity in an evolving global political economy. Westport CT: Praeger Publishers.
- 23 - JV 2010. US Armed Forces, Chairman of the Joint Chiefs of Staff. US Armed Forces.
- 24 - Lenk, L. (1997) "**The challenge of cyberspatial forms of human interaction to territorial governance and policing**". in: B.D. Loader. The governance of cyberspace: politics, technology and global restructuring. New York: Routledge.
- 25 - Libicki, M. (1995) What Is Information Warfare?. New York: National Defense University.
- 26 - Martinez, A. & Ronfeldt, D. (1997) "**A Comment on the Zapatista Netwar**" in: J. Arquilla, & D. Ronfeldt (eds) in: Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age. Santa Monica: Rand Corporation.
- 27 - Meikle, Graham.(2009) "**Electronic Civil Disobedience and Symbolic Power**", in: Karatzogianni, Athina(ed) Cyber Conflict and Global Politics. New York: Routledge.
- 28 - Metz, S. (2000) Armed Conflict in the 21 Century: The Information Revolution and Post-Modern Warfare. Carlisle Barracks: Strategic Studies Institute.

- 29 - Nye, Joseph S.(2004a) Power in the Global Information Age; From realism to globalization. London And New York: Routledge Taylor & Francis Group.
- 30 - Nye, Joseph S. (2004b) Soft Power: The Means to Success in World Politics. New York: Public Affairs.
- 31 - Nichiporuk, Brian and Carl H. Builder.(1997) **"Societal Implications"**, in: John Arquilla and David F. Ronfeldt (eds), In Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age. Santa Monica:Rand Corporation.
- 32 - Papp, Daniel S. and David, S. Alberts.(1997) **"the Impacts of the Information Age on International Actors and the International System"**. in: David S. Alberts and Daniel S. Papp. The Information Age: An Anthology on Its Impact and Consequences. CCRP Publication Series.
- 33 - Rosenau, J. N. (2003) Distant Proximities: Dynamics Beyond Globalisation. New Jersey: Princeton University Press.
- 34 - Rosenau, J. N. (2002) **"Skills, Networks, and Structures that Sustain world Affairs"**. in: J. Rosenau, & J. P. Singh (eds) Information Technology and Global politics. London: Cornell University Press.
- 35 - Rosenau, J.N. and M.W. Fagen.(1997) **"A New Dynamism in World Politics; Increasingly skillful Individuals?"**, International Studies Quarterly, 41(4)
- 36 - Rothkopf, David.J.(1998) **"Cyberpolitik: The Changing Nature Power in the Information Age"**. Journal of International Affairs.51(2),pp.325-360
- 37 - Singh, J.P. (2002a) **"Introduction: Information Technologies and the Changing Scope of Power and Governance"**, in: J.N. Rosenau and J.P. Singh. Information Technologies and Global Politics: the Changing Scope of Power and Governance. New York: State University of New York Press.
- 38 - Singh, J.P. (2005b) Meta-Power and Information Technologies. presentation at the 1st International Conference on **"The Information Revolution and the Changing Face of International Relations and Security"** Center for Security Studies, Swiss Federal Institute of Security and the Comparative Interdisciplinary Studies Section (CISS) of the International Studies Association. May 23 - 25, Switzerland.
- 39 - Waltz, K. (1997)Theory of International politics. New York: Random house.
- 40 - Youngs, Gillian.(2007) Global Political Economy in the Information Age: Power and Inequality. New York: Routledge.



## فناوری‌های اطلاعاتی؛ مبنایی برای توسعه فناوری‌های دفاعی و امنیتی

امین حکیم<sup>۱</sup>

وحید اسکویی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۹

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۱/۳

صفحات مقاله: ۱۹۳-۲۱۵

### چکیده

در دنیای امروزی، همانطور که حجم اطلاعات چندین برابر می‌شود به همان میزان نیز اطلاعات کهنه و بی‌مصرف می‌شود؛ دانسته‌های علمی مدام در حال اصلاح، آزمون و بازنگرایی است. در این بستر، نیروهای نظامی قادر به مقابله به مثل و بقا نخواهند بود اگر تنها از یک روش فکری سود بجویند، بنابراین شرایط ایجاد می‌کند متناوباً خود را با شرایط فکری رقیب تطبیق داده، افکار راهبردی خود را ارتقا دهند، از فن‌آوریهای روز بهره مناسبتی ببرند و از مزایای فن‌آوری‌های آینده نزدیک نیز بهره جویند. فناوری اطلاعات در چند دهه گذشته زندگی بشر را به صورت مستمر دستخوش تغییرات بسیار زیادی ساخته است که این روند همچنان با سرعت فزاینده‌ای ادامه دارد. همواره تصمیم‌گیران در لایه‌های بالای مدیریتی، به دنبال رصد آینده فناوری اطلاعات به منظور سیاست‌گذاری‌های کلان و تدارک نیازمندی‌های لازم برای مواجهه با آینده بوده‌اند. به واقع این مقاله پاسخی به این نیاز می‌باشد که در آن سعی شده است تا از طریق بررسی الگوی رشد و مطالعه روند آتی فناوری اطلاعات در دو حوزه فناوری اطلاعات نظامی و غیر نظامی، آینده فناوری اطلاعات پایش و معرفی گردد. در همین خصوص، بر اساس مطالعه تطبیقی صورت پذیرفته، نحوه تأثیرگذاری فناوری اطلاعات بر عملکردهای مختلف همچنین الگوی توسعه زیر ساختارهای آن شناسایی شده و از این منظر روند کلان توسعه فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی و امنیتی استخراج و رصد شده است.

۱ - پژوهشگر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی و دانشجوی دکتری فناوری اطلاعات (IT)، دانشگاه تهران.  
۲ - دانشجوی دکتری فناوری اطلاعات (IT)، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت فناوری اطلاعات.

## کلید واژگان

فناوری اطلاعات، فناوری هوشمند نظامی، فناوری‌های نوین دفاعی، آینده پژوهی فناوری دفاعی، جامعه شبکه‌ای همه‌جا حاضر

### ۱ - فناوری اطلاعات و عامل نظامی هوشمند

از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، کامپیوترها نقش مهم خود در زندگی بشری را نشان داده و روز به روز آن نقش را پررنگ تر نموده اند. در حال حاضر فناوری اطلاعات جزئی جدایی ناپذیر از زندگی انسان محسوب شده و روز به روز جایگاه خود را مستحکم تر می‌سازد. این روند همچنان ادامه دارد و همچنان فناوری اطلاعات سعی در بهینه سازی فرایندهای موجود در زندگی بشری دارند. فناوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف مانند صنعت، تولید، کشاورزی، کمک به مصرف کنندگان، تجارت، تفریح، حکومت داری، امور نظامی و آموزش تغییرات کلیدی و ماهیتی ایجاد کرده است.

فن آوری عامل هوشمند اطلاعاتی<sup>۱</sup>، که نشأت گرفته از تحقیقات هوش مصنوعی<sup>۲</sup> می‌باشد، از اواخر دهه ۱۹۸۰ به طور چشمگیری پیشرفت کرده است. عامل اطلاعاتی هوشمند برنامه ای رایانه ای است که محیط خود را درک می‌کند، درباره آن فکر می‌کند و سپس عکس العمل لازم را درست مثل یک کارشناس حقیقی و خبره<sup>۳</sup> نسبت به محیط نشان می‌دهد. (Russell; Norvig, 1995) برای نمونه، در جنگ خلیج فارس به کاربرد فن آوری عامل اطلاعاتی هوشمند در ارتش آمریکا در تصمیم گیریهای عملیاتی سرعت بیشتری بخشید. (Owens, 2000) بنابراین می‌توان گفت شبکه معنایی<sup>۴</sup> نیز گامی دیگر در استفاده ارتش‌ها از فن آوری عامل اطلاعاتی هوشمند می‌باشد. (Kenyon, 2003)

- 
- 1 - Intelligence-agent
  - 2 - Artificial Intelligence
  - 3 - Human Subject Matter Expert
  - 4 - Semantic Web

شبکه معنایی حالت غایی متصور شده ای برای تبدیل شبکه جهانی اینترنت ۱ از کلمات، تصاویر و صدا که فقط توسط انسان فهمیده می‌شوند، به همان داده‌های مشابه اما بصورتی مرتبط و سازماندهی شده می‌باشد، که عاملهای هوشمند بتوانند همانند انسانها آنها را درک کنند. (Berners-Lee; Hendler; Lassila, 2001) در آینده ای نه چندان دور فن آوری اطلاعاتی هوشمند و تفکر نظامی با هم ادغام خواهند شد تا شبکه معنایی را برای فهم و درک زمینه‌های استراتژیکی که بر اساس دانش و استنتاج بنا شده اند، بکار گیرند. (Port, 2002)

## ۲- فناوری اطلاعات، رویکردها و روندها

فناوری اطلاعات عبارتست از گرد آوری، سازماندهی، ذخیره و نشر اطلاعات اعم از صوت، تصویر، متن یا اعداد که با استفاده از ابزار رایان‌های و مخابراتی، صورت گیرد (انصاری؛ اسکویی، ۱۳۸۵). فناوری اطلاعات تغییرات زیادی را در حوزه‌های مختلف کاری فراهم آورده است. بدون شک هر حوزه ای بدون استفاده از قابلیت‌های فناوری اطلاعات در برآورده ساختن نیازهای کاربران خود ناموفق مانده و از کارایی لازم به دور می‌ماند. فناوری اطلاعات بر مبنای نوع کاربری که از آن مورد انتظار است به دو حوزه نظامی و غیر نظامی تقسیم می‌شود. در این بخش بعد از مروری بر مفاهیم هر حوزه، روندهای آینده هر حوزه نیز معرفی می‌گردد.

به طور کلی فناوری اطلاعات را می‌توان در دو حوزه غیر نظامی و نظامی تقسیم بندی نمود. با وجود تفاوت‌های ماهوی که در این دو حوزه وجود دارد، ولیکن در نحوه استفاده از فناوری اطلاعات و آینده فناوری اطلاعات در هر کدام شباهت‌های فراوان و همگرایی یکسانی به چشم می‌خورد. این مقاله سعی دارد تا با مطالعه هر کدام از این حوزه‌ها و انجام یک بررسی تطبیقی میان آنها، در گام اول همگرایی‌های موجود در آینده هر حوزه کاربردی فناوری

---

1 - World Wide Web

اطلاعات را پیدا کرده و در گام بعد یک رصد و آینده پژوهی را که نتیجه تطبیق آینده فناوری اطلاعات است را ارائه نماید.

آینده پژوهی در حوزه فناوری اطلاعات از جمله مباحثی است که از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز گردیده و تا به امروز نیز ادامه داشته است. به کمک رصد آینده فناوری اطلاعات، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان هر مجموعه شکل می‌گیرد و راهکارهایی برای کلیه فعالیت‌های آتی فراهم می‌آید. سمت و سوی تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری پنج الی پنجاه سال آینده هر حوزه‌ای از جمله فناوری اطلاعات تحت تأثیر این پایش قرار دارد. (NIC, 2004)

#### ۲-۱ - فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی و نظامی

علوم نظامی از قابلیت‌های ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال اطلاعات توسط کامپیوترها، سیستم‌های کامپیوتری و دیگر زیر ساخت‌های قدرتمند فن‌آوری اطلاعات، استفاده برده‌اند و همواره درصدد استفاده از این قابلیت‌ها بوده‌اند. عبارت C4ISR<sup>۱</sup> در علوم نظامی، معرف استفاده از قابلیت‌های فن‌آوری اطلاعات در مفاهیم و کاربردهای علوم نظامی است.

برای نمونه، بعد از جنگ خلیج فارس، محققان هوش مصنوعی سیستم‌های هوشمندی را برای گردآوری تجربیاتی که از طریق انسان به صورت بی واسطه و دست اول تجربه می‌شد، ساختند. یک چنین سیستمی در نیروی هوایی و واحد مشاور برنامه‌ریزی عملیات هوایی آمریکا بکار گرفته شده است که یک سیستم شبکه محور<sup>۲</sup> می‌باشد که به یک سیستم پشتیبان اجرایی<sup>۳</sup> (PSS) متصل است (Johnson; Birnbaum; Bareiss; et al., 2000).

با بکارگیری «C4ISR»، یک نیروی کوچک نظامی، بسیار مؤثرتر از نیروهای متعارف و قراردادی، عمل خواهد کرد. هنگامی که سیستم‌های «C4ISR»، از یکپارچگی لازم برخوردار

1 - Command, Control, Communication, Computers, Intelligence, Surveillance and Reconnaissance (C4ISR)

2 - Web Based

3 - Performance Support System (PSS)

باشند، تبادل اطلاعات بین آن‌ها بخوبی صورت پذیرفته و کمک می‌کند نیروهای نظامی با بهره‌گیری از برتری در عوامل سرعت، انسجام، وحدت و هماهنگی، بر دشمن فایق آیند. فرماندهان در همه سطوح، می‌توانند نیروهای خود را رهبری نموده و تجهیزات نیرو را با دقت بالا، مطمئن از موقعیت دشمن، آگاه از شرایط محیطی و اقدام‌های دشمن آرایش نموده و آماده بکار نگاه دارند. «فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته» قادرند تأمین اطلاعات به موقع، آگاهی از وضعیت و یک تصویر یکپارچه عملیاتی از میدان نبرد را ارائه کنند. افزایش قدرت آتش، کارایی بالاتر تسلیحات دوربرد، کاهش صدمات جانی نیروهای خودی و افزایش قدرت مانور نیروها از دیگر نتایج بکارگیری «C4ISR» در سطح نیروهای نظامی است.

چار چوب معماری «C4ISR» که در ابتدا برای توصیف معماری سیستم‌های نظامی طراحی شده بود چارچوبی است بسیار جامع که در نهایت از طریق تعدادی مستند معین به نام (محصول) به توصیف کامل معماری نائل می‌آید.

#### دیدگاه معماری عملیاتی

دیدگاه عملیاتی توصیفی است کامل از مجموعه وظایف فعالیت‌ها، عناصر عملیاتی و نحوه گردش اطلاعات که جهت انجام موفقیت آمیز و یا پشتیبانی یک عملیات نظامی لازم هستند. این دیدگاه شامل توصیف (اغلب گرافیکی) عناصر عملیاتی فعالیت‌ها و وظایف محول شده و نحوه گردش اطلاعات مربوط به یک عملیات نظامی است که به منظور پشتیبانی از آن عملیات به کار گرفته می‌شوند.

#### دیدگاه معماری سیستم‌ها

دیدگاه معماری سیستم‌ها توصیفی است که از سیستم‌ها و ارتباطات بین آن‌ها (گرافیکی و غیرگرافیکی) به منظور انجام و یا پشتیبانی یک کار یا وظیفه ای جنگی در نظر گرفته شده اند. در دیدگاه معماری سیستم‌ها برای هر کدام از سیستم‌ها اتصال فیزیکی محل و مشخصه‌های گره‌های کلیدی مدارها، شبکه‌ها، ادوات جنگی و غیره تعیین می‌شوند. علاوه بر

آن پارامترهای کیفی سیستم و اجزا نیز تعیین می‌شوند (به عنوان مثال سطح دسترسی، میزان حساسیت به خرابی، تعمیر پذیری). دیدگاه معماری سیستم‌ها منابع فیزیکی و خواص کیفی آن‌ها را مطابق با استانداردهائی که در معماری تکنیکی تعریف شده اند با دیدگاه عملیاتی و ملزومات آن مرتبط می‌سازد.

### دیدگاه معماری تکنیکی

دیدگاه معماری تکنیکی عبارتست از تعیین حداقل مجموعه قوانین حاکم بر ترتیب عملکرد و وابستگی‌های بین اجزا و عناصر یک سیستم که با هدف تضمین ملزومات و نیازمندی‌های مشخص شده برای آن سیستم تدوین می‌شوند. دیدگاه معماری تکنیکی دستورالعمل‌هایی از پیاده سازی سیستم‌ها را در اختیار ما می‌گذارد که در اموری نظیر استخراج مشخصات مهندسی پیاده سازی و اجرای بلوک‌های اصلی و ایجاد خطوط تولید استفاده می‌شوند. دیدگاه معماری تکنیکی شامل مجموعه ای از استانداردها، موافقت نامه‌ها، قوانین و شروط و حالات مختلف است که به صورت تعدادی پروفایل به تمام سرویس‌های سیستمی و ارتباطات آن‌ها اعمال می‌شود.

### ۱-۱-۲ - روندهای آینده «C4ISR»

بررسی روندهای آتی فناوری اطلاعات نظامی بیان می‌دارد که «C4ISR»، مهارت‌های نظامی امروزی را در آینده به:

- برتری یکپارچه،
- درگیری دقیق و کوتاه مدت،
- آماد و پشتیبانی ساختاریافته متمرکز،
- پشتیبانی فراگیر،
- قابلیت پوشش منسجم و
- سازگاری عملیاتی متقابل مخصوصا در ارتباطات بین نیروها

تبدیل خواهد کرد. از دیگر نکاتی که در آینده فناوری اطلاعات نظامی دیده می‌شود قابلیت انعطاف پذیری و پاسخگویی بسیار بالا و کارآمد نیروهای مشترک در میدان‌های نبرد متفاوت می‌باشد. ماهیت منحصربه‌فرد هر سرباز/واحد عملیاتی بدون توجه به موقعیت زمانی/مکانی، برتری اطلاعاتی و هدایت کارآمد و سریع میدان‌های نبرد و عملیات‌های همزمان در تمامی صحنه‌های هوایی، دریایی و زمینی خواستگاه این رویکرد در آینده می‌باشد.

#### ۲-۲ - حاکمیت و دولت الکترونیک

ظهور و کاربرد فن‌آوری اطلاعات در کمک به دولت‌ها در اداره کشور را تحت عنوان «دولت الکترونیک» معرفی می‌نمایند. دولت الکترونیک به گونه‌ای تمام وقت، یعنی ۲۴ ساعت در شبانه روز و ۷ روز در هفته، سعی در ارائه و توزیع خدمات دولتی به گونه‌ای آسان و فراگیر دارد و در این راه، از تمامی قابلیت‌های فن‌آوری اطلاعات بهره می‌برد. دولت‌ها در راستای افزایش میزان پاسخ‌گویی و ارائه خدمات دولتی و با توجه به سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان خود، سعی در استفاده از فن‌آوری اطلاعات دارند. بدین صورت، دولت، خود را به شهروندان و دیگر استفاده‌کنندگان از خدمات دولتی، نزدیک‌تر و قابل دسترس‌تر می‌نماید. دولت الکترونیک، در سه سطح فعالیت کرده و تعامل ایجاد می‌کند:

۱ - اشخاص حقیقی یا شهروندان<sup>۲</sup> C

۲ - اشخاص حقوقی یا شرکت‌ها<sup>۳</sup> B

۳ - زیر مجموعه‌ها و اجزای دولت<sup>۴</sup> G

شهروندان و سازمان‌ها می‌توانند از طریق قابلیت‌های دولت الکترونیک و با توجه به سیاست‌های کلان دولت‌ها و طریقه استفاده دولت‌ها از فن‌آوری اطلاعات در راستای تسهیل و

- 
- 1 - E-government
  - 2 - Customer C
  - 3 - Business B
  - 4 - Government G

توسعه سیاست‌هایشان، در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایفای نقش نمایند. بدین نحو، دولت‌ها بسیاری از ارتباطات و تعاملات خود را فراگیرتر کرده و سعی در برآورده کردن نیازها و سرویس‌دهی‌های مناسب دارند؛ از جمله شرکت در انتخابات و نظر سنجی‌ها، پرداخت مالیات، پی‌گیری انجام فرآیندهای دولتی و پاسخ‌گویی به تقاضاهای ارسالی، فعالیت‌های مالی و اعتباری، پرداخت انواع صورت‌حساب‌ها، تقاضای دریافت و یا تمدید اسناد مهم مانند جواز کسب، گواهینامه و گذرنامه، دریافت اخبار مرتبط با سیاست‌های دولت و تغییرات قوانین و مشاوره و تعامل با زیر مجموعه‌های دولت. (OECD, 2005 and Al-Hakim, 2006)

به علاوه، «دولت الکترونیک»، ارتباطات و تعاملات بین اجزای دولت را تسریع کرده و باعث افزایش بهره‌وری در تمامی تعاملات و کارکرد اجزای دولت می‌شود. ارتباط بین اجزای دولت که به «E-Administration» و یا سیستم «G2G» معروف است، در سطوح مختلف و به صورت یکپارچه صورت می‌پذیرد و تحت چنین ساختاری، بسیاری از دوباره کاری‌ها و ارتباطات و تعاملات زمان گیر و یا زائد دوایر دولتی حذف می‌شود و همراه با شفاف سازی فرآیندهای کاری و تعاملی، بر کارآمدی کارکرد مجموعه اجزای دولت افزوده می‌گردد. در این مدل از دولت الکترونیک، اجزای دولت، تحت ساختاری یکپارچه با یکدیگر مرتبط بوده و «ارتباطات» در کیفیت و کمیتی بسیار مناسب برقرار خواهد شد. این امر، تأثیر بسیار مثبتی در بهبود فرآیندهای اخذ تصمیم در زیر مجموعه‌های دولتی دارد. (Zarei; Oskuee, 2005)

امری که دولت‌ها را به استفاده هر چه بیشتر از فن‌آوری اطلاعات سوق می‌دهد، بالا رفتن سطوح انتظارات شهروندان از دولت‌های منتخب خود، مسائل مرتبط با جهانی شدن، رشد و بی‌ثباتی بازارهای اقتصادی، بازرگانی و مالی و همچنین سرمایه‌گذاری بسیار بالا و تخصصی بخش‌های خصوصی در فن‌آوری اطلاعات می‌باشد. (Badri; Alshare, 2008)



## ۲-۱- آینده دولت الکترونیک: جامعه شبکه‌ای همه جا حاضر<sup>۱</sup>

دولت الکترونیک در آینده راه خود قصد دارد تا در هر جا و هر مکانی بتواند نیازهای شهروندان را پوشش داده و به بهترین نحو بتواند خواسته‌های آن‌ها را برآورده سازد. ( Van der Duin; Hazeu; Rademaker; et al., 2006 ) جامعه شبکه‌ای همه جا حاضر، گام آینده دولت الکترونیک در پاسخ‌گویی به این خواسته است. در واقع متصدیان دولت الکترونیک قصد دارند تا در هر زمان، مکان و بدون توجه به نوع وسیله مورد استفاده و زیر ساختارهای منطقه‌ای بهترین سرویس ممکنه را برای شهروندان خود فراهم بیاورند. «UNS» سعی دارد تا برای شهروندان موارد زیر را مهیا سازد. (ITU, 2005 and Arto, 2006)

### همه جا حاضری

- محاسبات همه جا حاضر<sup>۲</sup> : یکپارچگی پردازشگرها در هر شیئی، از دستگاه تلفن همراه گرفته تا لوازم خانگی.
- ارتباطات همه جا حاضر<sup>۳</sup>: همیشه، هر جا و با هر وسیله‌ای امکان برقراری ارتباط وجود داشته باشد، از سویی دیگر این ارتباط بین انسان و انسان، انسان و شیئی، و شیئی و شیئی قابل انجام باشد.
- واسط‌های کاربر کاربرپسند: سادگی و سهولت کار برای تمامی کاربران.
- واسط‌های کاربر هوشمند<sup>۴</sup>: این واسط‌های کاربر امکان برقراری ارتباط طبیعی<sup>۵</sup> بین انسان و ماشین را فراهم می‌آورند (صحبت، تشخیص حرکات صورت).
- هویت منحصر به فرد: هر شهروند صرفاً و صرفاً دارای یک هویت منحصر به فرد

---

1 - Ubiquitous Network Society (UNS)  
 2 - Ubiquitous Computing  
 3 - Ubiquitous Communication  
 4 - Intelligent  
 5 - Natural Communication

می‌باشد و تمامی اجزای دولت الکترونیک در تمامی نقاط، با هر وسیله ارتباطی و بر روی هر زیر ساختاری، صرفاً یک هویت را برای هر فردی قائل می‌باشند.

- کاربرمحور بودن امکانات و سرویس‌هایی که به شهروندان ارائه می‌شود: این خاصیت بدان معنی است که خدماتی که به هر شهروندی ارائه می‌گردد بر مبنای نیازهای او طراحی و بهینه شده است و دقیقاً مختص وی می‌باشد.

### ۲-۳- تجارت الکترونیک

به عنوان یک معرفی مختصر از تجارت الکترونیک، می‌توان بیان داشت که تجارت الکترونیک چیزی نیست جز مبادله داده‌ها به صورت الکترونیک (مبادله الکترونیکی داده‌ها) به منظور تولید، پردازش، کاربرد و تبادل اطلاعات و اسناد به شیوه‌های الکترونیکی، با استفاده از شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری، بویژه اینترنت و بین سیستم‌های کامپیوتری، براساس پروتکل‌های تعریف شده و استانداردهای مشخص و با کمترین دخالت عامل انسانی. (Reynolds, 2004)

تجارت الکترونیکی در ساده‌ترین تعریف عبارت از یافتن منابع، انجام ارزیابی، مذاکره کردن، سفارش، تحویل، پرداخت و ارائه خدمات پشتیبانی است که بصورت الکترونیکی انجام می‌شود. لذا تجارت الکترونیک روشی است براساس آن اطلاعات، محصولات و خدمات از طریق شبکه‌های ارتباطات کامپیوتری خرید و فروش می‌شوند. (Barnes, 2002) شرکت‌ها برای ارتباط با یکدیگر، محدودیت‌های فعلی را نخواهند داشت و ارتباط آنها با یکدیگر ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. تجارت الکترونیک شامل مدل‌های زیر می‌باشد. (Laudo; Traver, 2008)

- تجارت الکترونیک کسب و کار با مصرف‌کننده (B2C)
- تجارت الکترونیک کسب و کار با کسب و کار (B2B)
- تجارت الکترونیک کسب و کار با دولت (B2G)
- تجارت الکترونیک مصرف‌کننده با مصرف‌کننده (C2C)

### ۲-۳-۱ - آینده پیش روی تجارت الکترونیک: تجارت غایی

روند و سمت و سوی تجارت الکترونیک بعد از تجارت سیار و محاسبات فراگیر به سمت تجارت غایی<sup>۱</sup> می‌باشد. منظور از تجارت غایی استفاده از شبکه‌های فراگیر و همه جا حاضر<sup>۲</sup> برای پشتیبانی ارتباطات شخصی و بی وقفه بین یک شرکت و ذی نفعان و سهامداران مختلف آن می‌باشد و هدف دست یابی به ارزشی فراتر تر از ارزش‌های افزوده مرسوم از تجارت الکترونیک رایج می‌باشد. (Zarei; Oskuee, 2005) تجارت غایی بر مبنای چهار مفهوم کلیدی پایه گذاری شده است:

#### فراگیری (همه جا حاضری)

این خاصیت به استفاده کنندگان از خدمات الکترونیک کمک می‌کند تا در هر مکان و زمانی بتوانند از خدمات مورد نظر و مورد نیازشان استفاده نمایند.

#### منحصر به فردی<sup>۳</sup>

این خاصیت استفاده کنندگان را قادر می‌سازد که نه تنها در حیطه جغرافیایی خویش، بلکه در سرتاسر جهان دارای یک هویت<sup>۴</sup> تک و منحصر به فرد باشند.

#### عمومیت<sup>۵</sup>

این اصل بر این نکته تاکید دارد که ابزارهای سیار<sup>۶</sup> در همه جای دنیا قابلیت کار و عملکرد خواهند داشت. در واقع زیر ساختارهای ارتباطی در قاره‌های مختلف باید بتوانند نیازها و استانداردهای مختلف را پوشش بدهند.

- 
- 1 - Ultimate Commerce (U-C)
  - 2 - Ubiquitous
  - 3 - Uniqueness
  - 4 - Identity
  - 5 - Universality
  - 6 - Mobile devices

### یک صدایی<sup>۱</sup>

این اصل سعی دارد تا رویکرد داده‌های منسجم در کاربری‌های مختلف را پوشش بدهد. در نتیجه، بدون توجه به نوع دستگاه و زیر ساختار، همواره یک مفهوم واحد از یک سری داده استنباط خواهد شد.

### ۳- بررسی روند حرکت آتی و توسعه فناوری اطلاعات

بنابر مطالعه تطبیقی در سه حوزه فناوری اطلاعات و یافته‌های پژوهش، آینده فناوری اطلاعات را می‌توان در تغییرات عملکردی و ماهیتی آن، و همچنین زیر ساختارهای آن دسته بندی نمود. البته یک آینده کلان نیز برای آن قابل پیش بینی است که نسبت به دو رویکرد قبلی کلی تر بوده و در بردارنده آن‌ها نیز می‌باشد.

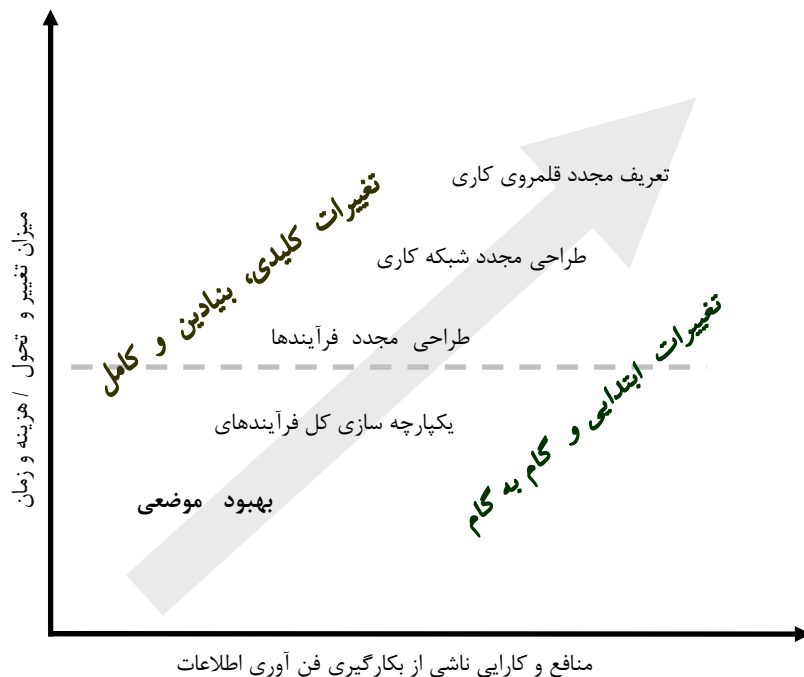
#### ۳-۱- روند عملکرد در فناوری اطلاعات

ابتدایی ترین برآوردی که می‌توان از آینده فناوری اطلاعات ارائه نمود روند تغییراتی است که فناوری اطلاعات در هر حوزه و عملکردی موجب می‌شود. این روند در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. (Owens, 2000 and EMCC1, 2004 and EMCC2, 2004) در ابتدایی ترین سطح، مجموعه/حوزه با شناسایی بخش‌های کاری مهم خود (فرآیندهای ایجادکننده ارزش افزوده بالا)، به استفاده از توانمندی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، در راستای بهبود و افزایش کارایی آنان می‌پردازد. این بهبودهای موضعی (محلّی یا جزیره‌ای)، باعث افزایش کارایی خواهند شد. سطح دوم، گسترش منطقی سطح اول است؛ با این تفاوت که از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، برای یکپارچه‌سازی فرآیندها استفاده می‌شود. در این سطح، علاوه بر یکپارچه‌سازی فنی (سازگاری کل سیستم‌های)، تعامل بخش‌های مختلف نیز شکل می‌گیرد و مرز مابین بخش‌های مختلف، برچیده می‌شود.

---

1 - Unison

در سطح سوم، آن حوزه عملکردی (فرضا دولت الکترونیک) اقدام به مهندسی مجدد فرآیندهای کلیدی خود در راستای کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت محصول و خدمات و افزایش سرعت انجام کارها می‌نمایند و از فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان یک توانمندکننده، در جهت ایجاد و ارتقای توانمندی‌های موجود و آینده بهره می‌برند. در سطح چهارم، حوزه عملکردی بر مبنای نگاهی راهبردی، به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت اصلاح و بهبود شبکه کسب و کار خود در محیط (تأمین نیازها و ارائه خدمات و محصولات خود) می‌پردازد و از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای یادگیری، هماهنگی و کنترل ارتباطات خود، بهره می‌گیرد. در سطح پنجم، که آخرین سطح بلوغی استفاده از فناوری اطلاعات می‌باشد، حوزه عملکردی به کمک کارکردها و ظرفیت‌های مختلف فناوری اطلاعات و ارتباطات، به متحول‌سازی و بازتعریف کسب و کار خود می‌پردازد. به این معنی که یا مأموریت خود را گسترش داده و به توسعه محصولات/خدمات جدید می‌پردازد و یا حوزه مأموریتی خود را تغییر می‌دهد.



شکل شماره ۱ - روند تغییر ماهیت/عملکرد در فناوری اطلاعات

در فناوری اطلاعات نظامی، تجارت الکترونیک و دولت الکترونیک روند گام‌های یک تا پنج به خوبی مشهود می‌باشند و ما در سه حوزه در حال حاضر شاهد پشت سر گذاشتن تغییرات ابتدایی یعنی گام‌های یک و دو، و حرکت به سمت تغییرات بنیادین (گام‌های سه تا پنج) هستیم. تجارت غایبی مثال بسیار مناسبی از این حرکت می‌باشد، همچنین در «C4ISR» و «UNS» انسجام، کارایی بالاتر، تغییر در نحوه سرویس دهی و تحول در نحوه عملکرد کاملاً مشهود می‌باشد.

### ۲-۳- روند زیر ساختاری در فناوری اطلاعات

از بررسی روندهای موجود در سه حوزه عملکرد فناوری اطلاعات می‌توان سه شاخص زیر ساختاری تکیه روز افزون بر:

- اینترنت و وب،
- دستگاه‌های سیار (بی سیم)
- هوش مصنوعی

را استنتاج نمود. استفاده هر چه بیشتر از خدمات اینترنت و وب در حوزه‌های مختلف فناوری اطلاعات امری غیر قابل انکار می‌باشد، به گونه‌ای که در آینده زندگی بدون اینترنت امری غیر قابل تصور خواهد بود. (NGP, 2002) این امر نیاز هر چه بیشتر به داشتن هویتی منحصر به فرد را برای تمامی کاربران غیر قابل اجتناب می‌نماید. این نکته بدون برخورداری از امنیت لازم، استانداردهای دسترسی و امکانات مورد نیاز برای احراز هویت مقدر نخواهد بود. در آینده، همانگونه که در حال حاضر برخی از سرویس‌ها ارائه می‌شوند، تمرکز بر ارائه خدمت (سرویس) می‌باشد و نه تهیه و در اختیار نهادن برنامه‌های کاربردی. سربازی که در میدان نبرد به فرماندهی متصل می‌شود و برای اطلاعات اخذ کرده از محیط یک سرویس (فرضا قابلیت تحلیل) را در رابطه با صحنه نبرد دریافت می‌کند و یا کاربری که که با اتصال به شبکه‌های امن دولت الکترونیک و بعد از تایید هویت خدمتی را دریافت می‌دارد از مصادیق بارز این روند می‌باشند.

بنابر نوع کاربری، قدرت محاسه و ذخیره سازی سه نوع دستگاه سیار (بی سیم) مورد

استفاده کاربران حوزه‌های مختلف فناوری اطلاعات قرار می‌گیرد: تلفن همراه، لپ‌تاپ و دستیارهای دیجیتال شخصی. در «C4ISR» لپ‌تاپ و در حوزه تجارت غایی و جامعه شبکه ای همه جا حاضر، تلفن‌های همراه نقش فراوان و روز افزونی را به عهده دارند.

شبکه‌های عصبی<sup>۱</sup>، الگوریتم‌های ژنتیک<sup>۲</sup>، الگوهای جهانی واقعیت‌گرا/ مفهوم‌گرا<sup>۳</sup>، سیستم‌های خبره<sup>۴</sup> و منطق فازی<sup>۵</sup> در کاربری‌های کنونی و آتی فناوری اطلاعات نقش بسیار بالایی را ایفا می‌کنند. سیستم‌های خبره هدایت‌کننده موشک‌های کروز و یا شبکه‌های عصبی به کار رفته در سیستم‌های هدف‌گیری هدایت آتش تانک، منطق فازی که در سیستم‌های بازاریابی به کار می‌رود و سیستم‌های خبره به کار رفته در جامعه شبکه ای هم جا حاضر برای تشخیص کاربر و تخصیص بهترین امکانات به او از جمله مصادیق کاربردهای رو به رشد هوش مصنوعی در فناوری اطلاعات می‌باشند.

### ۳-۳ - روند کلان در فناوری اطلاعات نظامی و غیرنظامی

به عنوان جمع بندی از روندهای رشد فناوری اطلاعات، با توجه به خصوصیات هر حوزه از فناوری اطلاعات و آینده پیش روی هر کدام می‌توان روندهای کلان زیر را نتیجه‌گیری نمود:

- هر حوزه از فناوری اطلاعات، در آینده خدمات مورد انتظار را سریعتر و کارآمدتر ارائه می‌دهند.
- هزینه استفاده از فناوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف یک روند کاهشی را پیش رو دارد.

- 
- 1 - Neural networks
  - 2 - Gentic algorithms
  - 3 - Semantic/Pragmatic World models
  - 4 - Expert Systems
  - 5 - Fuzzy logic

- سامانه‌های ارائه دهنده خدمات، کوچک تر و سیارتر می‌شوند.
- یکپارچگی و انسجام بین زیرساختارهای مختلف امری اجتناب ناپذیر می‌نمایند.
- هوش مصنوعی، کاربردهای آتی فناوری اطلاعات را کاملاً تحت تأثیر خود قرار خواهد داد و هوشمندی سیستم‌ها یکی از مشخصه‌های اصلی فناوری اطلاعات خواهد بود.

#### ۴ - روند توسعه و فرایند بکارگیری فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی

در طول تاریخ، نیروهای نظامی برای تفوق عملیاتی یا تاکتیکی بر علیه دشمنان خود وسایلی ساخته و بکار گرفته اند. امروزه نیروهای نظامی در سلاح‌های پیشرفته و هوشمند و نبرد الکترونیکی از کامپیوترها بهره برده و هم اکنون می‌توانند با تطبیق فناوری هوشمند به نحو متفاوتی عمل کنند و از تفکر نظامی با ضریب بالاتری از اندیشه نسبت به تعیین دقیق محل فرود بمب‌ها یا شناسایی محل استقرار واحدهای نظامی و حمایت و پشتیبانی آنها عمل کنند.

ساختارهای نظامی و دفاعی باید فناوری هوشمند و شبکه معنایی در حال ظهور خود را با هم ترکیب کند تا نسبت به رقبا به تفوق راهبردی دست یابد. پارت<sup>۱</sup> در این خصوص اینگونه بیان می‌کند که «اغلب - در مراحل حساس جنگ جهانی اول- یک استراتژی عقب تر از واقعیت جاری عمل می‌کند». ناپلئون درست بر عکس او، استراتژی‌هایی را ترسیم می‌کند که با امکانات و مقتضیات زمانی وی موازی است و برای چندین سال در اجرای این استراتژی‌ها با موفقیت کامل عمل کرد. از آنجایی که شرایطی که او آنها را دریافته بود و به درستی آنها را تحت نظارت داشت شروع به تغییر کرد، -که گاهی به دلیل نتیجه مستقیم تصمیم‌های وی بود- رویکرد راهبردی او نیز باید اصلاح شده و یا به کلی کنار گذاشته می‌شد. (Paret, 1986) همانطور که ناپلئون رویکرد راهبردی خود را بخاطر تغییر شرایط عوض

1 - Paret



می‌کرد ما نیز باید با توجه به واقعیات عصر حاضر آنها را تغییر دهیم - فن آوری هوشمند، شبکه دشمنان خارجی و یک شبکه معنایی که هم انسان‌ها و هم ماشین‌ها آن را درک می‌کنند -

آیا می‌توانیم راهبرد را بسط دهیم که به نحو احسن این واقعیات را شامل شود؟

در راستای دستیابی به یک راهبرد برتر به واسطه بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی فرایندی سه مرحله‌ای معرفی شده است تا از فناوریهای جاری بهره‌گرفته و ظرفیت دفاعی را به جایی برساند تا از فناوری‌های آینده نزدیک بیشتر بهره‌برداری کند.

**مرحله اول؛** درک روشن و واضح از مفاهیم و ارتباط بین آنهاست. سخن کلاوس ویتز که "جنگ چیزی نیست جز ادامه سیاست اما به شکلی دیگر" نشانگر اولین مرحله در برنامه می‌باشد. (Clausewitz, 1976) کلاوس ویتز این مرحله را زمانی پایه ریزی کرد که نوشت: عملکرد شناختی تئوری این است که ساختار واقعیات گذشته و حال را مشخص کند تا نشان دهد «چطور یک چیز به دیگری مربوط است، مهم را از غیر مهم متمایز کند، شاخصه‌های غیر قابل اجتناب پدیده جنگ را روشن کند و ارتباطات پویا و منطقی که آنها را در یک ساختار منسجم متمرکز می‌کند، آشکار سازد». (Paret, 1986) آنتولوژی<sup>۱</sup> که به وسیله عاملان هوشمند بکار می‌رود بطور واضح این مفاهیم و ارتباط آنها را نشان می‌دهد و شبکه معنایی نیز در تمییز مفاهیم مهم از غیر مهم کمک خواهد کرد. عاملان هوشمند، منطق ارتباطات پویایی که مفاهیم را به یک ساختار قابل فهم منتهی می‌کند تعیین می‌کنند.

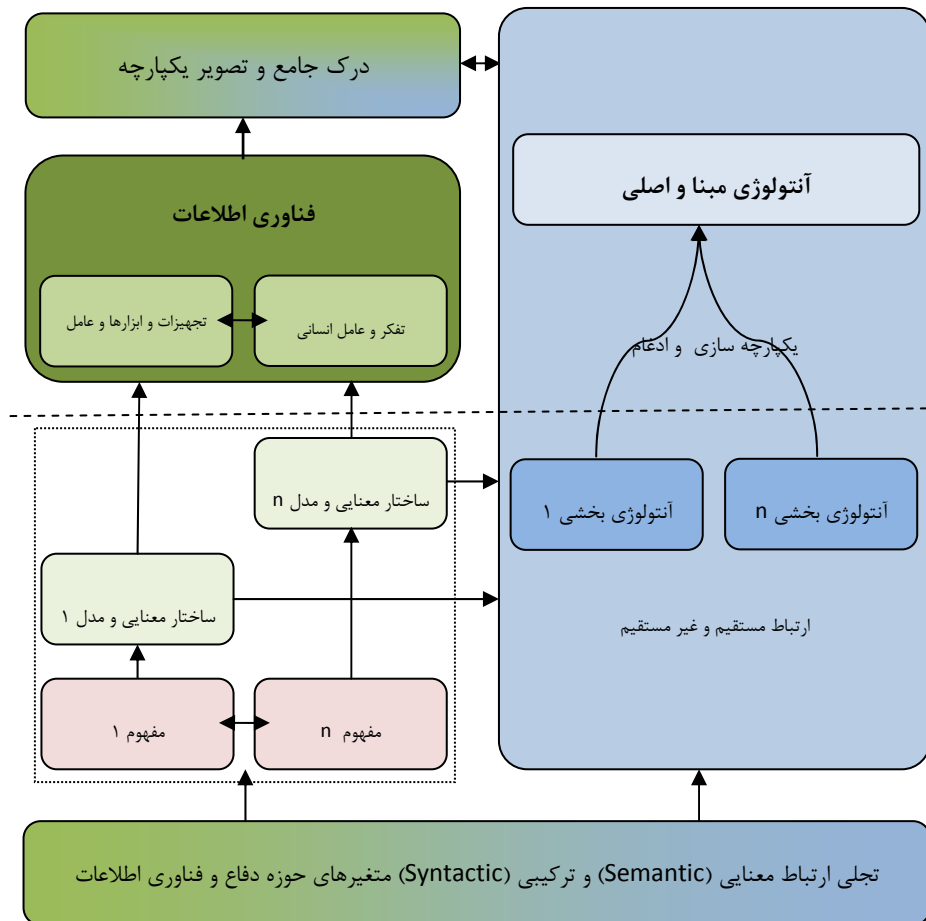
**مرحله دوم؛** بکارگیری فناوری عامل اطلاعاتی هوشمند برای تقویت اندیشه و تفکر است. برای اینکه یک عامل اطلاعاتی هوشمند کارش را انجام دهد، یعنی محیطش را درک کند، تحلیل و تعقل کند، و بر اساس ادراک و تعقلش عکس العمل نشان دهد باید یک آنتولوژی داشته باشد، یک تئوری که به انسان‌ها اجازه می‌دهد با ماشین‌ها تعامل داشته و

۱ - آنتولوژی‌ها کلید شبکه معنایی هستند چراکه آنها درک مشترکی از یک محدوده را مهیا می‌کنند که می‌تواند بین مردم و عاملان هوشمند ارتباط برقرار کند. (Davis, Fensel; Harmelen, 2003) یک آنتولوژی یک تئوری منطقی است که یک توضیح واضح از یک مفهوم را ارائه می‌دهد، به واقع آنتولوژی یک ساختار معنایی ارادی است که قوانین مطلق را که ساختار بخشی از واقعیت را تشکیل می‌دهند، کد گذاری می‌کند (Guarino; Giarretta, 1995).

اطلاعات رد و بدل نمایند. داشتن افکار نظامی ساخت یافته بر اساس آنتولوژی ها، با نظریه‌های کارکرد آموزشی کلاوزویتس سازگاری دارد. او کارکرد آموزش نظریه را در کمک به دانشجوی برای سازماندهی و بسط عقایدش از جنگ که نتیجه تجربه، مطالعه و تاریخ کاوی او می‌باشد، می‌داند. بنابر این کنکاش گذشته این حقیقت را بسط می‌دهد که هر کسی می‌تواند تجربه کند. (Paret, 1986) باید به خاطر داشت، تجربه و گذشته مهم هستند ولی دانستن دقیق تر اینکه چطور عوامل اقتصادی، مذهبی و ایدئولوژیکی جنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهند هم، رفته رفته به همان اندازه مهم می‌شود. در همین خصوص می‌توان اشاره کرد، هنگامی که شرایط ناپلئون که آنها را درک کرده و تحت کنترل داشت شروع به تغییر کردند او نیز مجبور شد به نوبه خود مفاهیم راهبردی خود را تغییر دهد. (The White House, 2004)

**مرحله پایانی؛** بکارگیری تفکر نظامی و ماشینی (ابزار فناوری اطلاعات) برای دستیابی به درک جامع از صحنه نبرد است. کلاوس ویتز در این خصوص می‌گوید: "تئوری باید جامع و مانع باشد. این به آن معنی می‌باشد که برای پوشش کامل تمام جوانب موضوع مورد مطالعه توانمند باشد، چه مربوط به این دوران باشد چه دیگر دورانهای تاریخی. این تئوری باید بر اساس فاکتوهای ثابت و مطلق موضوع مورد مطالعه بنا شده باشد نه عواملی که موقتی هستند، حتی اگر در زمان مطالعه این عوامل بر جنگ تأثیر کنترل کننده داشته باشند. (Paret, 1986)

از جمله مصادیق این امر شبکه معنایی می‌باشد که در افق نزدیک به ارتقاء ادراک از جهان کمک خواهد کرد. عاملان هوشمند اطلاعاتی از آن برای خواندن اسناد، غربال (فیلتر) کردن اطلاعات و استنتاج سریعتر دانش نسبت به انسانها استفاده خواهند کرد، همانطور که کلاوس ویتز می‌نویسد: «اگر قرار بود در جنگ به یک منظور سیاسی دست یابیم، هر چیزی که وارد جنگ می‌شد - آمادگی اجتماعی و اقتصادی، برنامه ریزی راهبردی، انجام عملیات ها، کاربرد خشونت در تمام سطوح - می‌بایستی با این منظور یا دست کم به موازات آن تعیین می‌شد». (Clausewitz, 1976)



شکل شماره ۲ - ساختار آنتولوژی و مدل بکارگیری فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی

##### ۵ - جمع بندی

تعیین اولویت‌های دفاعی و به تبع آن طراحی و به کارگیری تاکتیک‌هایی برای رسیدن به آنها که امروزه به عنوان یکی از اصول حیاتی اداره کشورها و سازمان‌ها نقش خود را تثبیت نموده است، زمانی در جوامع کشاورزی در قالب وسعت زمین و ازدیاد محصولات و پس از

آن در جوامع صنعتی به اشکالی دیگر در قالب قدرت نمایی‌های نظامی، جغرافیای، جمعیتی، صنعتی و... مطرح بود، امروزه نیز در عصر فناوری اطلاعات، به شکل برتری اطلاعاتی و سهولت، امنیت و سرعت برقراری ارتباطات، حایز اهمیت می‌باشد و همین اطلاعات است که منشاء هدایت و برنامه‌ریزی در کشورها می‌باشد. از جمله مزایای نفوذ ابزارهای فناوری اطلاعات در حوزه دفاعی می‌توان به مواردی همچون:

- ایجاد قابلیت شبیه سازی و نتایج آن، با حقیقت نمایی بالا
  - پیشگیری از رقابت مخرب و تبعات آن (جنگ) در عرصه بین‌المللی
  - استفاده بهینه از منابع دفاعی و کسب مزیت‌های رقابتی
  - کاهش ریسک و ایجاد حس اعتماد و افزایش قابلیت‌های کنترلی و راهبری
- اشاره کرد اما در این میان نباید از تهدیدهای کاربرد فناوری اطلاعات در ساختار دفاعی غافل شد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- وابستگی عمیق به فناوری اطلاعات باعث خواهد شد که در صورت نقصان یا کمبود آن، امکان آسیب پذیری بالا رود.
  - تمرکز بر استفاده از قابلیت‌های فناوری اطلاعات نیازمند توجه به حفظ، تامین امنیت، نگهداری و پشتیبانی از اطلاعات و ارایه راه‌کارهای مناسب برای آن می‌باشد.
  - فناوری اطلاعات که در شرایط آرمانی برای افزایش قدرت و کارایی به خدمت گرفته شده است، می‌تواند به هدف اصلی برای رقبا و دشمنانی تبدیل شود که درصدد خرابکاری می‌باشند.

- برای جامعیت بخشیدن به اطلاعات و یکپارچه سازی فناوری، سرمایه‌گذاری و فعالیت جهت ایجاد زیر ساخت‌های فنی و علمی در سطح کلان مورد نیاز می‌باشد. (حکیم، ۱۳۸۹)
- به هر حال، کمبود و محدودیت منابع ایجاد می‌کند که از منابع و امکاناتی که برای تحقق هدف‌ها و انجام ماموریت‌ها اختصاص داده می‌شود به گونه‌ای بهره گرفت که بتوان به حداکثر کارایی ممکن دست یافت. بنابراین نیروهای نظامی برای تفوق راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی همواره از منابع و ابزار گوناگونی علیه دشمنان خود بهره گرفته اند که در این میان

تطابق با تغییرات ابزار قدرت و فناوری و به تبع آن همگامی با ماهیت جدید صحنه نبرد، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. در این میان نیروهای نظامی با بهره‌گیری از قابلیت‌های فناوری اطلاعات در سلاح‌ها و سطح هوشمند و عملکرد خود تغییرات بنیادینی را ایجاد کرده‌اند و از این منظر هم اکنون قادر هستند با تطبیق فن آوری به نحو متفاوتی عمل کرده و از تفکر نظامی با ضریب بالاتری از اندیشه و هوشمندی نسبت به پیش‌بهره‌جویند.

در همین خصوص باید اشاره کرد، ساختارهای نظامی و دفاعی باید فن آوری هوشمند و شبکه‌معنایی در حال ظهور خود را با هم ترکیب کنند تا نسبت به رقبای به تفوق استراتژیک دست یابند به واقع فناوری اطلاعات جزء اصلی و پیشران در فرهنگ دفاعی جهان می‌باشد و با توجه به تحول پیوسته در ساختار زندگی بشر توسط فناوری اطلاعات و بالعکس (رابطه دو سویه). بدون شک رشد فناوری اطلاعات متوقف نخواهد شد و این رشد همواره بر ساختار دفاعی کشورها اثر گذار خواهد بود.

## منابع

- ۱ - انصاری م، و. اسکویی (۱۳۸۵)، "نقش روابط عمومی در توسعه فناوری اطلاعات در سازمان‌ها"، انتشارات کتاب نو.
- ۲ - حکیم ا.، برنامه ریزی راهبردی و فناوری اطلاعات (۱۳۸۹)، تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی - دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۱۳۸۹.
- 3 - Al-Hakim L. (2006), Global E-Government: Theory, Applications and Benchmarking, Idea-Group.
- 4 - Arto K. (2006), Towards Ubiquitous Network Society, Helsinki Institute for Information Technology.
- 5 - Badri A.M.; K. Alshare (2008), "A Path Analytic Model and Measurement of the Business Value of E-Government: An International Perspective", International Journal of Information Management (vol 28).
- 6 - Barnes S.J. (2002), "The Mobile Commerce Value Chain: Analysis and Future Developments", International Journal of Information Management (vol 22).
- 7 - Berners-Lee T.; J. Hendler ; O. Lassila (2001), "The Semantic Web", Scientific American.
- 8 - Clausewitz C.V. (1976), On War, trans. and ed. Michael Howard and Peter Paret, New Jersey: Princeton University Press.
- 9 - Davis J.; D. Fensel; F.V. Harmelen (2003), Towards the Semantic Web: Ontology-Driven Knowledge Management, West Sussex, UK: John Wiley & Sons.
- 10 - EMCC (2004), Sector Futures (sec 1), The Future of IT-Now it's getting personal, European Foundation.
- 11 - EMCC (2004), Sector Futures (sec 2), The Future of IT-Now it's getting personal, European Foundation.
- 12 - Guarino N.; P. Giaretta (1995), Ontologies and Knowledge Bases: Towards a Terminological Clarification, in Towards Very Large Knowledge Bases: Knowledge Building and Knowledge Sharing, ed. N.J.I. Mars, Amsterdam: ISO Press.
- 13 - ITU (2005), ITU Workshop on Ubiquitous Network Societies.
- 14 - Johnson C.R.; L. Birnbaum; R. Bareiss; T. Hinrichs (2000), "War Stories: Harnessing

- Organizational Memories to Support Task Performance”, *Intelligence* (Vol. 11).
- 15 - Kenyon H.S. (2003), “Computer Language Seeks Deeper Meaning”, *Signal*.
  - 16 - Laudon K.C.; C.G. Traver (2008), *E-commerce: Business, Technology, Society*, Prentice Hall.
  - 17 - NGP (2002), *Information Technology Trends*, NGP Inc.
  - 18 - NIC (2004), *Mapping the Global Future*, Report of the National Intelligence Council’s 2020 Project.
  - 19 - OECD (2005), *E-government for Better Government*, OECD Publication.
  - 20 - Owens W.A. (2001), *Lifting the Fog of War*, Johns Hopkins University Press.
  - 21 - Paret P. (1986), *Makers of Modern Strategy: From Machiavelli to the Nuclear Age*, New Jersey: Princeton University Press.
  - 22 - Port O. (2002), “The Next Web: Think the World Wide Web is a Godsend? By 2005, Tim Berners-Lee aims to be replacing it with the Semantic Web, which will understand human Language”, *Business Week*.
  - 23 - Reynolds J. (2004), *The Complete E-Commerce Book: Design, Build & Maintain a Successful Web*, Elsevier.
  - 24 - Russell S.; P. Norvig (1995), *Artificial Intelligence: A Modern Approach*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
  - 25 - The White House (2004), *National Strategy for Combating Terrorism* (Washington, DC: 2003), on-line at
  - 26 - <[www.whitehouse.gov/news/releases/2003/02/counter\\_terrorism/counter\\_terrorism\\_strategy.pdf](http://www.whitehouse.gov/news/releases/2003/02/counter_terrorism/counter_terrorism_strategy.pdf)>, accessed 16 July.
  - 27 - Van der Duin P.; C. Hazeu; P. Rademaker; J. Schoonenboom (2006), “The Future Revisited: Looking Back at the Next 25 Years by the Netherlands Scientific Council for Government Policy (WRR)”, *Futures* (vol 38).
  - 28 - Zarei B.; V. Oskuee (2005), “Decision Support Systems for Government Processes”, *EUROSIS Conference*, Palermo University, Palermo, Portugal.





## فرهنگ راهبردی و آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزی

علیرضا فرشچی <sup>۱</sup>	تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۹
مریم صنیع اجلال <sup>۲</sup>	تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۱/۲۷
محمد حسینی مقدم <sup>۳</sup>	صفحات مقاله: ۲۱۷-۲۴۶

### چکیده

این مقاله ناظر بر تبیین آمایش دفاعی - فرهنگی مناطق مرزی به عنوان عاملی توانمندساز در راستای حفظ همبستگی و اتحاد ملی است. با توجه به شرایط متحول منطقه‌ای و جهانی از جمله خودمختاری مناطق کردنشین شمال عراق، حضور نیروهای آمریکایی در مرزهای غربی و تقویت تحرکات گروهک‌های تروریستی در این مناطق، آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرز نشین کشور نقطه تمرکز این مقاله است. در این مقاله با رویکرد فرهنگ راهبردی تلاش می‌شود با استفاده از مدل مفهومی مناسب مجموعه شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر فرهنگ راهبردی به منظور دستیابی به همبستگی و اتحاد ملی شناسایی شود.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

قومیت، هویت قومی، فرهنگ راهبردی، آمایش دفاعی - فرهنگی.

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت علوم دفاعی و امنیت ملی، دانشگاه جامع امام حسین (ع).  
۲ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.  
۳ - دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).

## مقدمه

امنیت هر کشوری منوط به افزایش توانمندی‌های آن کشور از جمله توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی است. تجربه سه دهه گذشته ایران نشان می‌دهد، افزایش توانمندی‌های دفاعی کشور، یکی از ضروری‌ترین ابزارهای مورد نیاز در حراست و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و حفظ تمامیت ارضی است. به لحاظ مفهومی توانمندی‌های دفاعی کشور را می‌توان در دو سطح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بررسی کرد. تجهیزات شامل نظام جنگ‌افزار<sup>۱</sup> یا «نجم»، در سطح توانمندی‌های دفاعی سخت‌افزاری مورد بررسی قرار می‌گیرد و مقابله با جنگ روانی یا قدرت نرم دشمن و تقویت توانمندی‌های شناختی در سطح توانمندی‌های دفاعی نرم‌افزاری قابل فهم و بررسی است.

در سپهر امنیتی و دفاعی ایران مناطق مرزی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به عبارت روشن‌تر با نگاهی به نقشه جغرافیایی ایران و بررسی موقعیت حساس کشور از نظر ژئوپلیتیک، ژئوراهبردی و ژئواکونومیک و نیز تحولاتی که در کشورهای همسایه به وقوع پیوسته و یا در حال وقوع است، لزوم توجه به طیف وسیعی از متغیرها را در سطوح تحلیل فروملی، ملی و فراملی الزام‌آور می‌سازد. از جمله آنکه ایران در سطح فروملی از ساختار متنوع قومی منحصر به فردی برخوردار است. به نحوی که گروه‌های قومی ایران عمدتاً در استان‌های مرزی سکونت داشته و دارای ریشه‌های مشترک نژادی و قومی با ساکنان آن‌سوی مرزها هستند. این شرایط فی‌نفسه فرصت‌ها و تهدیداتی را برای کشور فراهم می‌سازد. تقویت هم‌گرایی منطقه‌ای و روابط دوستانه با کشورهای همسایه و در نتیجه حفظ امنیت مرزها به عنوان فرصت و در مقابل، گسترش حرکت‌های واگرایانه قومی در مناطق مرزی از مهم‌ترین تهدیدات حفظ تمامیت ارضی ایران به شمار می‌رود.

تجربه‌های به دست آمده طی سال‌های اخیر بیانگر آن است که راهبرد تقابل با نظام سلطه به

۱ - عبارت رایج آن همان سیستم تسلیحاتی است.

عنوان جهت گیری اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باعث شده قدرت‌های حاکم بر نظام سلطه جهانی، برای تضعیف و مهار قدرت و نفوذ ایران در منطقه و جهان از ابزارها، روش‌ها و فناوری‌های مختلف سخت و نرم بهره گیرند. از جمله این موارد تلاش قدرت‌های بزرگ برای نفوذ در مناطق قومی و جهت‌دهی به روندها و رویدادهای این مناطق در راستای اهداف خود است.

طراحی مجدد خاورمیانه و جغرافیای آن از جمله مصادیق تلاش قدرت‌های بزرگ برای تأثیرگذاری بر مسیر رویدادها و روندهای حاکم بر مناسبات کشورهای منطقه خاورمیانه و به طور خاص مناطق قومی این کشورها محسوب می‌شود. جفری گلدبرگ<sup>۱</sup> معتقد است دامن زدن به فرایند استقلال‌طلبی مناطق قومی کشورهای خاورمیانه از جمله ایران یکی از دستور کارهای آمریکا به منظور طراحی نقشه خاورمیانه جدید است. این نقشه ناظر بر موزاییکی و بالکانیزه کردن خاورمیانه است. (Goldberg, 2008) اندرو مارشال<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «هلال بحران: بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه و آسیای میانه»<sup>۳</sup> علاوه بر صحنه گذاشتن بر تصمیم کشورهای آمریکا و انگلیس به منظور بالکانیزه کردن خاورمیانه با استناد به تلاش برنارد لوئیس<sup>۴</sup>، افسر سابق سازمان اطلاعات انگلیس، طراحی مجدد خاورمیانه و ایجاد هلال بحران را به منظور تأمین منافع قدرت‌های مذکور مورد توجه قرار می‌دهد. (Marshall, 2008) برنارد لوئیس که از پیشگامان موضوع طراحی مجدد خاورمیانه به شمار می‌رود در سال ۱۹۹۲ میلادی درست اندکی بعد از فروپاشی نظام دوقطبی طی مقاله‌ای در مجله فارین افیرز<sup>۵</sup> با عنوان «بازاندیشی در خاورمیانه»<sup>۶</sup> برای نخستین بار موضوع تغییر جغرافیا و نقشه خاورمیانه را از اندیشگاه‌های سازمان اطلاعات انگلیس به عرصه عمومی کشاند و نقشه مطلوب خود را به شرح شکل ۱ - در این مجله منتشر کرد. (Lewis, 1992)

1 - Jeffrey Goldberg

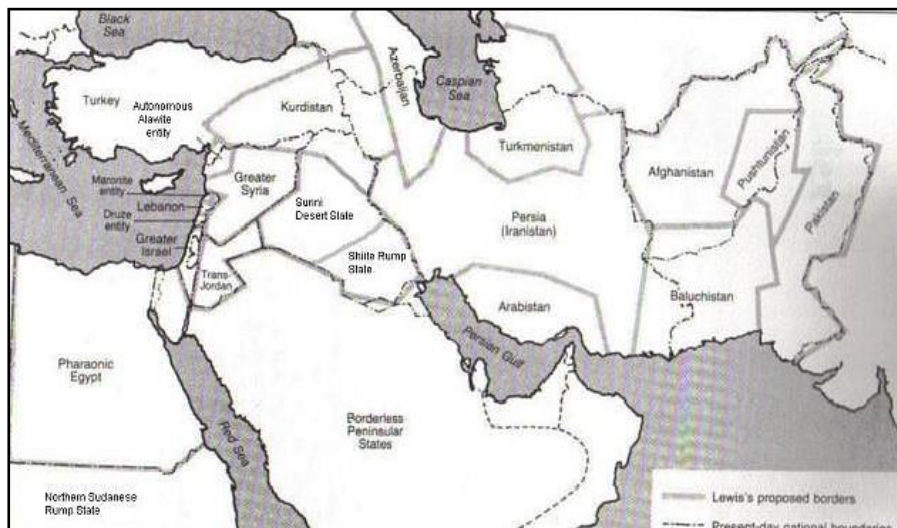
2 - Andrew Gavin Marshall

3 - Arc of Crisis": The Destabilization of the Middle East and Central Asia

4 - Bernard Lewis'

5 - Foreign Affairs

6 - Rethinking the Middle East

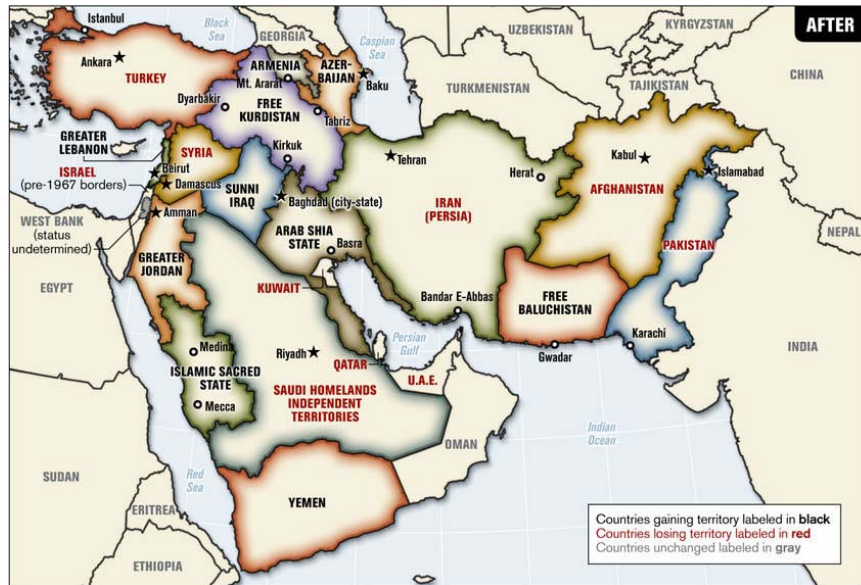


شکل ۱ - نقشه برنارد لوئیس از جغرافیای آینده خاورمیانه

رالف پیترز<sup>۱</sup> ایده طراحی و آرایش مجدد مرزها و ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه با استفاده از ظرفیت‌های قومی این منطقه را طی مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونی: خاورمیانه بهتر چه شکلی است؟»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۶ میلادی در مجله نیروهای مسلح در سال ۲۰۰۶ میلادی اندکی متفاوت با ایده لوئیس منتشر کرد. (Ralph Peters, 2006)

1 - Ralph Peters

2 - Blood borders: How a better Middle East would look?



شکل ۲ - نقشه آینده خاورمیانه مطلوب از نگاه رالف پیترز

مطابق شکل ۲ - خاورمیانه مطلوب رالف پیترز ناظر بر خاورمیانه‌ای موزاییکی و بالکانیزه شده است. به عبارت روشن‌تر، در این خاورمیانه جغرافیای کشورها دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد. مهم‌ترین نکته قابل توجه در این جغرافیای جدید آن است که مناطق قومی کانون‌های شکل‌دهی به جغرافیای جدید محسوب می‌شوند. به طور خاص در خصوص ایران مطابق این نقشه دیده می‌شود که به تمامی مناطق قومی هر کدام به صورت کشوری مستقل توجه شده است. بنابراین مناطق مرزی ایران همواره در معرض خطر اعمال نفوذ قدرت‌های خارجی بوده است به گونه‌ای که این قدرت‌ها تلاش کرده‌اند از موقعیت دموگرافیک و جغرافیایی مناطق قومی در جهت تضعیف ایران و تغییر جغرافیای آن استفاده کنند. به عنوان مثال در استراتژی اطلاعات ملی آمریکا سال ۲۰۰۴ میلادی آمده است. (The Defense Technical Information Center, 2004)

”وزارت دفاع باید خود را آماده کند که تیم جدیدی از رهبران و عوامل اجرایی را توسعه دهد که قادر باشند به راحتی در مناطق دوردست جهان فعالیت کنند، با

اجتماعات بومی و قومی به تعامل بپردازند، خود را با زبان‌ها و فرهنگ‌های خارجی وفق دهند، و با شبکه‌های محلی برای توسعه اهداف و منافع آمریکا و شرکایش همکاری کنند و این کار را از طریق تعهد شخصی، متقاعدسازی و نفوذ بی‌صدا، و نه فقط با نیروی نظامی صرف انجام دهند.<sup>۱</sup>

بنابراین همان‌گونه که فهمیده می‌شود مناطق قومی از یک سو یکی از کانون‌های مورد علاقه قدرت‌های سلطه‌گر برای اعمال نفوذ و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولتمردان و سیاستگذاران داخلی برای حفظ اتحاد، همبستگی و حاکمیت ملی بوده است. این اهمیت سبب شده است طی سال‌های اخیر مناطق قومی به یکی از مهم‌ترین آستانه‌های حاکمیت و امنیت ملی کشور تبدیل شود. به منظور مواجهه هوشمندانه و کنش‌گرایانه با روندهایی که به آینده جغرافیای خاورمیانه و ایران شکل می‌دهند لازم است که طیفی از اقدامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد توجه قرار گیرد. محور توجه این مقاله، عوامل نرم‌افزاری است. به عبارت روشن‌تر فرهنگ راهبردی، نظام شناختی و هویتی مرزنشینان مرکز ثقل فراهم نمودن توانمندی‌های نرم‌افزاری دفاعی محسوب می‌شود.

در این مقاله به طور خاص نقش فرهنگ راهبری در حفظ تمامیت سرزمینی کشور مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت روشن‌تر در این مقاله تلاش شده است نگرش‌ها، باورها و ایستارهایی که موجب همبستگی و اتحاد ملی در مناطق مرزی می‌شود به عنوان مصداق فرهنگ راهبردی بررسی شود.

با توجه به مفروضات مطرح شده درخصوص اهمیت مناطق مرزی برای حفظ تمامیت ارضی و اتحاد ملی و اهمیت تقویت توانمندی‌های نرم‌افزاری دفاعی در این مناطق، تلاش این نگارش ناظر بر تبیین آمایش دفاعی - فرهنگی مناطق مرزی به عنوان عاملی توانمندساز<sup>۱</sup> در راستای حفظ همبستگی و اتحاد ملی است. با توجه به شرایط متحول منطقه‌ای و جهانی

---

1 - Enabler Factor

حضور نیروهای آمریکایی در مرزهای غربی و شرقی ایران و تقویت تحرکات گروهک‌های تروریستی در این مناطق، آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزنشین کشور نقطه تمرکز این مقاله است. از این رو در ادامه مفاهیم اصلی این مقاله شامل: قومیت، هویت قومی، فرهنگ راهبردی و آمایش دفاعی - فرهنگی بررسی و سپس مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در این حوزه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ادامه تلاش می‌شود با استفاده از مدل مفهومی مناسب مجموعه شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر فرهنگ راهبردی ساکنان مناطق مرزنشین به منظور دستیابی به همبستگی و اتحاد ملی معرفی شود. بدیهی است که آزمون، سنجش و ارزیابی شاخص‌های به دست آمده مستلزم انجام پژوهش مستقل و میدانی است. در ادامه کلیدی‌ترین مفاهیم مؤثر در فهم و تبیین آمایش دفاعی - فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

### قومیت

مفهوم قومیت که در طول تاریخ دچار تحولات فراوان شده از جمله مفاهیمی است که بنا به هدف بکارگیرنده‌اش معانی مختلفی به خود گرفته است. به‌طور کلی به علت تعدد معیارهای در نظر گرفته شده برای تعریف قومیت و گروه‌قومی، تعاریف متفاوتی از این واژه ارائه شده است. به‌طور کلی دو رویکرد عمده را در تعریف این واژه می‌توان مشخص کرد (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۳: ۲۴):

رویکرد نخست گروه قومی را گروهی با پیوندهای نژادی، زبانی و ملی معرفی می‌کند. در بسیاری از موارد ویژگی‌های فرهنگی همانند مذهب یا پوشش را نیز به آن می‌افزاید. طرفداران این رویکرد را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: گروه نخست کسانی هستند که بر پیوندهای بیولوژیکی اعضای یک گروه قومی تأکید می‌کنند. این افراد عمدتاً متعلق به سال‌هایی هستند که اندیشه تمایز نژادی نوع بشر اندیشه‌ای مسلط بود. گروه دوم متعلق به دوره‌ای است که افسانه تمایز نژادی به فراموشی سپرده شد و در نتیجه تنها بر تمایزات فرهنگی همچون زبان، دین و آرایش ظاهری تأکید می‌شد. (بی‌تس و بلاک، ۱۳۷۵: ۵۵۲)

دومین رویکرد به روابط درونی اعضای یک گروه و مرزهایی که گروه بین خود و دیگر

محیطها ترسیم می‌کند، نظر دارد. صیانت از این مرزها بر عهده ساز و کارهایی است که روابط میان اعضای گروه را به عنوان روابطی پایدار در طول تاریخ تعیین می‌کند. اسمیت و هاتچیسون این رویکرد را «رویکرد ذهنی» می‌خوانند. مانینگ ناش<sup>۱</sup> معتقد است که مرزهای گروه قومی، ساز و کارهایی را برای صیانت از گروه دربردارند که شاخص‌هایی فرهنگی را برای شناخت تفاوت میان گروه‌ها به دست می‌دهند. (Nash, 1996: 224)

به نظر می‌رسد که تعداد و نوع ویژگی‌های در نظر گرفته شده برای تعریف قومیت یا گروه قومی بستگی به هدف محقق در استفاده از آن تعریف دارد. واقعیت این است که در خصوص ویژگی‌های تعاریف این واژه‌ها و اصطلاحات هیچ‌گونه توافقی میان دانشمندان علوم اجتماعی وجود ندارد. لذا کثرت تعاریف و ویژگی‌های قومیت و نیز فقدان ارائه تعریف از قومیت در بسیاری از آثار باعث آشفتگی در حوزه این مفهوم شده است. مشکل دیگر زمانی به وجود می‌آید که محقق، اصطلاح قومیت را در بررسی کشورهای خاورمیانه که جوامعی پیچیده‌اند به کار می‌گیرد. در کشورهای خاورمیانه نمی‌توان ملاک واحدی برای تعیین مرز میان گروه‌های قومی مشخص کرد و حتی نمی‌توان مرز مشخصی بین گروه قومی با ملت ترسیم کرد. برای مثال در لبنان، مذهب ملاک تمایز است. در افغانستان عموماً زبان و در ایران هر دو عامل ملاک شناسایی گروه‌های قومی است.

با توجه به آنچه بحث شد می‌توان گفت که به رغم عدم ثبات و آشفتگی در مفهوم‌بندی قومیت و مسائل مربوط به آن، تمام محققان و دانشمندان و نویسندگان امور مسائل قومی بر این نکته توافق دارند که قومیت هم عوامل عینی<sup>۲</sup> و هم فاکتورهای ذهنی<sup>۳</sup> دارد که فاکتورهای عینی آن عبارتند از: پیشینه تاریخی، دین و سرزمین مشترک، زبان مشترک و غیره، اما فاکتورهای ذهنی آن شامل هویت، احساس تعلق به سرزمین خاص، منافع و علائق مشترک

---

1 - Maning Nash  
2 - Objective  
3 - Subjective



می‌باشد (صنیع‌اجلال، همان).

با توجه به تعاریف و معیارهای ارائه شده به‌طور کلی می‌توان ۸ شاخص را به عنوان معیار تعیین گروه‌های قومی ذکر کرد که عبارتند از (همان):

- ۱ - نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکان اسطوره‌ای
- ۲ - پیشینه تاریخی مشترک
- ۳ - سرزمین مشترک
- ۴ - زبان و مذهب مشترک
- ۵ - فضاهای مشترک زیستی
- ۶ - آداب و رسوم مشترک
- ۷ - ارزش‌های مشترک
- ۸ - احساس تعلق به یک گروه واحد

البته برای اینکه یک گروه قومی خود را قومیتی متمایز و مشخص بدانند، وجود همه شاخص‌های فوق ضروری نیست. علاوه بر اینکه هر یک از این شاخص‌ها همان اندازه که امکان عینی بودن دارند ممکن است زاییده اسطوره‌ها و باورهای اعضای یک گروه قومی باشند. به هر حال این عوامل باعث شکل‌گیری یک هویت قومی خاص می‌شود که خود را متمایز از سایر همسایگان می‌داند. البته مرز بین این‌ها همیشه پایدار نیست و بسته به میزان شرایط عینی و ذهنی در دوره‌های مختلف تاریخی همواره در حال تغییر است. ضمن اینکه ارزش این عوامل نیز در دوره‌های مختلف، تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال شاخص‌های ذکر شده برای قومیت را می‌توان در بسیاری از تعاریف برای ملت نیز مشاهده نمود. سرزمین مشترک، پیشینه تاریخی، زبان، مذهب، ارزش‌ها و احساس تعلق همان‌طور که در تعریف یک قوم واحد کاربرد دارند برای تعریف ملت نیز به‌کار گرفته شده‌اند. همین امر اهمیت آرایه تعاریف از مفاهیم اصلی در هر پژوهش علمی را نشان می‌دهد.

## هویت قومی

در یک تعریف کلی هویت یا آنچه تصور ما از خویشتن گفته می‌شود یک تصویر کلی از وجود ما در برابر دیگران است. بنابراین هویت از یکسو شناخت ما از خویشتن است و از سوی دیگر این شناخت زمانی به دست می‌آید که ما در برابر دیگری یا غیر قرار می‌گیریم و از همین رو نقطه عزیمت شناخت ما از خویشتن مواجه شدن با دیگران است. (قریشی، ۱۳۸۱: ۳۹)

با شکل‌گیری نظریه اجتماعی هویت که اولین بار توسط مایکل باختین در عرصه نقد ادبی مطرح شده بود هویت در تعریف خود در مقابل دیگری شکل گرفت. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۶۸)

بر همین اساس است که در عصر شکل‌گیری دولت‌های مدرن و تلاش برای تقویت بنیادهای دولت - ملت‌ها هویت، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای در دست دولت‌ها در شکل‌دهی به انسجام ملی درون مرزهای جغرافیایی کشور تحت حاکمیتشان تبدیل شد و مفهوم هویت ملی در رأس همه هویت‌یابی‌ها و مرجع بر آنان قرار گرفت.

اما با فروپاشی نظام دوقطبی و آغاز فرآیندی که از آن به جهانی شدن تعبیر می‌شود یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌های ملی، بقای دولت - ملت در بستری از روندهای اجتناب‌ناپذیر جهانی از قبیل جهانی شدن تولید، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و انفورماتیک، پیدایش دنیای مجازی و ظهور بازیگران فراملی و فروملی متعدد و متنوع است. (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰)

برای هویت ملی شاخص‌های مختلفی ذکر شده که برخی از آنها عبارتند از: ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی، تاریخ، سابقه فرهنگی، مذهب، زبان و... نکته اینکه حضور این شاخص‌ها در شکل‌دهی به هویت ملی یک کشور امری نسبی است و در بین ملل مختلف متفاوت است. بر همین اساس اولین مسأله‌ای که در یک کشور باید مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، تعیین منابع هویتی و شاخص‌های شکل‌دهنده به هویت ملی آن است. شناسایی این مؤلفه‌ها بسترساز تقویت و تداوم انسجام و پیوستگی ملی یک کشور و تضعیف و غفلت از آنها منجر به گسترش واگرایی و فروپاشی یک ملت خواهد بود.

نکته اینکه در کشورهای متشکل از چندین قوم و طایفه، شناسایی این مؤلفه‌های مقوم هویت ملی در طول و در رأس سایر هویت‌ها از جمله هویت قومی اهمیت بالایی دارد. از

آنجا که مؤلفه‌هایی چون زبان، نژاد، گذشته تاریخی، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک از شاخص‌های متمایز کننده اقوام از یکدیگر نیز محسوب می‌شوند، تأکید بر هویت‌یابی قومی که در تعارض با دیگری شکل می‌گیرد که درون همان مرزهای مشترک قرار دارد، اگر جایگزین هویت ملی گردد حرکت‌های واگرایانه قومی را سبب خواهد شد. فروپاشی یوگسلاوی، تجزیه چکسلواکی به دو کشور، فروپاشی شوروی سابق به پانزده جمهوری مستقل و تداوم درگیری‌ها در اکثر این جمهوری‌ها نمونه‌هایی از این هویت‌یابی قومی هستند. (Ralph Peters, Ibid)

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان هویت‌ها را مطابق نظر مانوئل کاستلز در سه دسته هویت مقاومت، برنامه‌دار و مشروعیت‌بخش و به شرح زیر مورد بررسی قرار داد. (کاستلز، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۳):

#### الف) هویت مشروعیت‌بخش

این نوع هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش دهد و عقلائی کند. این موضوع هسته اصلی نظریه اقتدار و سلطه سنت است، اما با نظریه‌های گوناگون مربوط به ملی‌گرایی نیز هم‌خوانی دارد.

#### ب) هویت مقاومت

این هویت به دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق مسلط بی‌ارزش دانسته می‌شود. از همین روی همان‌طور که کالهن<sup>۱</sup> در توضیح خود درباره ظهور خط‌مشی‌های هویتی مطرح ساخته است، سنگ‌رایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود. از این‌رو این هویت به‌عنوان هویت مقاومت شناخته می‌شود.

---

1 - Calhan

## ج) هویت برنامه‌دار

هنگامی که کنش‌گران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنها را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هویت تحقق می‌یابد. طبعاً، هویت‌هایی که در آغاز به منزله هویت مقاومت شکل می‌گیرند، ممکن است مبلغ برنامه‌هایی شوند یا ممکن است در طول تاریخ در میان نهادهای جامعه، به نهاد مسلط بدل شوند و بدین ترتیب به منظور عقلانی کردن سلطه خود به هویت‌های مشروعیت‌بخش تبدیل شوند. در واقع، تحول هویت‌ها در طول این توالی نشان می‌دهد که از دیدگاه نظریه اجتماعی، هیچ هویتی نمی‌تواند یک جوهر به شمار آورده شود و هیچ هویتی به خودی خود خارج از متن تاریخی خود، ارزش مترقی یا ارتجاعی ندارد. (کاستلز، همان: ۲۵-۲۴)

هر یک از فرآیندهای هویت‌سازی، به نتیجه متفاوتی در ایجاد جامعه می‌انجامد. هویت مشروعیت‌بخش جامعه مدنی ایجاد می‌کند، یعنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها و همچنین مجموعه‌ای از کنش‌گران اجتماعی سازمان یافته و ساختارمند، این مجموعه هویتی را باز تولید می‌کند که منابع سلطه ساختاری را عقلانی می‌سازد.

نوع دوم هویت‌سازی یعنی مقاومت، منجر به ایجاد جماعت‌ها، اجتماعات می‌شود. این هویت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر هویت حاکم ایجاد می‌کند که در غیر این صورت تحمل‌ناپذیر بودند و معمولاً بر مبنای هویت‌هایی ساخته می‌شود که آشکارا بوسیله تاریخ، جغرافیا یا زیست‌شناسی تعریف شده‌اند و تبدیل مرزهای مقاومت را به جنبه‌های اساسی و ذاتی آسان‌تر می‌کنند. مثلاً ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت، همانطور که شف<sup>۱</sup> می‌گوید، غالباً «از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی برمی‌خیزد».

---

1 - Shef

سومین فرآیند ساختن هویت، یعنی هویت برنامه‌دار، به ایجاد سوژه {فاعل} می‌انجامد که بنا به تعریف آلن تورن (همان):

”آنچه من سوژه {فاعل} می‌نامم عبارت است از آرزوی فرد بودن، آرزوی خلق تاریخ شخصی، آرزوی معنا دادن به کل تجربه‌های زندگی فردی... تبدیل افراد به سوژه‌ها از ضرورت ترکیب دو نوع احراز و اثبات {هویت} ناشی می‌شود: یکی اثبات حق افراد در برابر اجتماعات و دیگری اثبات {هویت} افراد در برابر بازار.“

سوژه‌ها {فاعلان} با اینکه به وسیله افراد ساخته می‌شوند، همان افراد نیستند. سوژه‌ها کنش‌گر اجتماعی جمعی هستند که افراد به کمک آنها در تجربه‌های خود به معنایی همه جانبه دست می‌یابند. در اینجا، ساختن هویت، پروژه یا برنامه‌ای برای یک زندگی متفاوت است که هرچند ممکن است مبتنی بر یک هویت تحت ستم باشد، اما در جهت دگرگونی جامعه به منزله استمرار برنامه این هویت گسترش یافته است. (کاستلز، همان: ۲۷)

در این مقاله با نگاه فرآیندی در صدد توضیح چگونگی امکان دگردیسی هویت مقاومت و به هویت مشروعیت‌بخش در راستای تحقق آمایش دفاعی - فرهنگی مورد توجه است. مبنای این فرایند دگردیسی تحول در فرهنگ راهبردی گروه‌های قومی است.

### فرهنگ راهبردی

جک استایدر در سال ۱۹۷۷ برای نخستین بار تلاش کرد که مفهوم فرهنگ راهبردی را به عنوان چارچوبی برای تفسیر گسترش دکتترین‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی بکار گیرد. بر اساس این چارچوب، دکتترین‌های هسته‌ای این دو کشور محصول محدودیت‌های تکنولوژیک و بسترهای سیاسی، تاریخی و سازمانی متفاوت آنهاست. (Lantis, 2005)

گری کالین<sup>۱</sup> فرهنگ راهبردی را ناظر بر مجموعه‌ای وسیع از ایده‌هایی می‌داند که در بطن

1 - Gray Colin

مناسبات اجتماعی بازتولید شده‌اند، به نحوی که با سیاست‌های دفاعی و موضع‌گیری‌های نظامی همخوان هستند. اجزای هر فرهنگ راهبردی متشکل از سه محورند. (Colin, 1999: 28):

- تجربه تاریخی کشور مورد بررسی؛
- فرهنگی که در بطن مناسبات اجتماعی بازتولید شده (منظور از این فرهنگ ایده‌هایی است که در اذهان شهروندان وجود دارد، ایده‌هایی که بر اساس آنها افراد خود را شهروند تلقی می‌کنند)؛
- ابزارهای نهادی این ایده‌ها (مدارس، اماکن مذهبی، الگوهای سازمان‌های نظامی و دیوان‌سالار و مواردی از این دست).

به اعتقاد خاویر کریم<sup>۱</sup> فرهنگ راهبردی ناظر بر الگوهای رفتاری و ایستارهای ستی گروه‌های ملی و فروملی در خصوص تهدید و بکارگیری نیروی نظامی است. این مهم بیانگر آن است که ایستارها و الگوهای رفتاری از طریق فرایند جامعه‌پذیری ایجاد و طی زمان باعث شکل‌گیری باورهای عمومی می‌شوند. نکته حائز اهمیت در خصوص فرهنگ راهبردی آن است که اجتماعات انسانی از وجوه آفاقی<sup>۲</sup> برخوردار است که به سادگی مشاهده‌پذیر نیستند. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این وجوه آفاقی عبارتند از جغرافیا، سطوح فناوری، توسعه اقتصادی، تاریخ، حجم و اندازه کشور و... برای مثال عوامل جغرافیایی از قبیل طبیعت و امنیت مرزهای طبیعی ممکن است فرهنگ راهبردی را بر حسب الگوهای تاریخی دوستی و دشمنی میان اجتماعات انسانی شکل دهد. در خصوص عوامل اقتصادی طرح پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا اقتصاد خودکفا است؟ ظرفیت‌های اقتصادی کدام است؟ نیز بر فرهنگ راهبردی اثرگذارند. (Carim, 1999: 61)

مهم‌ترین دلایل اهمیت فرهنگ راهبردی را به شرح زیر می‌توان برشمرد. (Carim, Ibid: 63)

1 - Xavier Carim  
2 - Subjectivity

- کم‌رنگ کردن تأثیر رویکردهای قوم‌مدار<sup>۱</sup> در تحلیل راهبردی
- برجسته کردن اهمیت تاریخ در تحلیل‌های مرتبط با توسعه توان ملی نظامی
- از میان بردن مرزهای مصنوعی میان محیط‌های داخلی و خارجی سیاست‌گذاری
- کمک به ارزیابی دقیق تهدید

به‌هر حال، مفیدترین روش پرداختن به مفهوم فرهنگ راهبردی مطالعه‌ی آن در چارچوب متن<sup>۲</sup> است. واژه‌ی متن در اینجا به دو معنی به‌کار می‌رود. از یک سو فرهنگ به مثابه متن به وقایع و رویدادها معنی می‌بخشد، آدمیان ساکن فرهنگ راهبردی خود، جزء تفکیک‌ناپذیر متن راهبردی مختص خود هستند. متن، انسان‌های اجتماعی شده و جهان پیرامون آن‌ها را درهم می‌بافد و در نتیجه می‌توان گفت که انسان‌ها بخشی از متن راهبردی خود به-شمار می‌روند. (گری، ۱۳۸۶: ۲)

با توجه به پیوند مفهومی و عملی فرهنگ راهبردی با آمایش دفاعی - فرهنگی، در ادامه پس از مشخص کردن مفهوم آمایش دفاعی - فرهنگی از منظر این مقاله مدل پیشنهادی به منظور آمایش دفاعی - فرهنگی ارائه شده است.

### آمایش دفاعی - فرهنگی

مفهوم آمایش ناظر بر چینش ارادی و ترکیب تعاملی عناصر فضا‌ساز محیط جغرافیایی است و از این رو در این برداشت همواره برنامه‌ریزی مستتر است. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۳)

آمایش سرزمین در حال حاضر شامل سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیستی محیطی به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب پیشنهاد می‌شود. (همان: ۳۲)

اما آمایش مناطق مرزی ناظر بر سازماندهی فضایی مناطق مرزی به منظور بهره‌وری مطلوب و متناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و

1 - Ethnocentrism

2 - Context

امنیت کشور است. شایان ذکر است که این امر از طریق توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه جغرافیایی مناطق مرزی امکان‌پذیر خواهد بود، به گونه‌ای که هر یک از این مناطق متناسب با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و تهدیدات مربوط به امنیت و دفاع در آن از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی برخوردار بوده و امکان رشد مادی و معنوی را برای ساکنین این مناطق فراهم سازد. (همان: ۳۵) خط‌مشی‌های کلی نظام در خصوص آمایش سرزمینی به شرح زیر است: (قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء<sup>(ص)</sup>، ۱۳۸۵: ۱۶)

۱ - ملاحظات دفاعی و امنیتی

۲ - وحدت و یکپارچگی سرزمین

۳ - حفظ هویت اسلامی - ایرانی و حراست از میراث فرهنگی

۴ - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور

۵ - توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیت‌ها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور

همچنین هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۸/۶ براساس پیشنهاد شماره ۱۰۱/۱۳۴۱۰۸ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد اصل یکصد و سی هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابط ملی آمایش سرزمین را تشریح و تصویب کرده است. در ماده ۱ این مصوبه آمده است جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور و مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین، شامل ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارآیی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی - ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها، به خصوص در مناطق روستایی کشور، تنظیم شده است.

با توجه به مفاهیم بررسی شده از قبیل قومیت، هویت، فرهنگ راهبردی و آمایش و نیز اهمیت و جهت‌گیری‌های کلی نظام در خصوص آمایش سرزمینی می‌توان گفت که آمایش



دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزی ناظر بر ایجاد سامانه دفاعی نرم‌افزاری است که اجزای این سامانه شامل آن دسته از ایستارها، باورها، گرایش‌ها و الگوهای شناختی می‌شود که زمینه‌ساز وحدت و همبستگی ملی است. در این سامانه الگوهای شناختی واگرا و تجزیه‌طلب اثربخش نیست. به کمک این سامانه می‌توان هویت مقاومت و برنامه‌دار را که امنیت ملی را به چالش می‌کشد، به هویت مشروعیت‌بخش که ناظر بر هویت یکپارچه ملی است سوق داد.

### بررسی نظری و ارائه مدل مفهومی ارزیابی آمایش دفاعی - فرهنگی

بررسی و ارزیابی نظریات موجود به منظور تدوین و طراحی مدلی مناسب برای آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزی ایران، بیانگر آن است که عمده این نظریات سطح تحلیل خود را متوجه عوامل بیرونی ساخته‌اند. حال آنکه نظام شناختی، ایستارها و باورها و هنجارهای شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی اعضای اجتماع ساکن در مناطق مرزی ناظر بر عوامل درونی هستند. از این رو در طراحی مدل مفهومی مناسب برای آمایش دفاعی - فرهنگی در مناطق مرزی ضمن توجه به عوامل بیرونی تلاش شده است با عنایت به تبارشناسی جنبش‌های واگرا در مناطق مرزی، و با محور قرار دادن ریشه‌ها و عوامل درونی شکل‌دهنده به کنش فردی، شاخص‌ها و نماگرهای مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ راهبردی اقوام ایرانی شناسایی شود. شناسایی ایستارها، باورها و الگوهای شناختی ساکنان مناطق مرزی از زوایای نظری مختلفی قابل فهم است. از جمله نظریات بدیعی که می‌تواند به منظور شناسایی عوامل درونی (ایستارها، باورها و عوامل شناختی و...) به کار گرفته شود، نظریه کنش اجتماعی است. با تکیه بر این نظریه می‌توان با مبنا قرار دادن نگرش‌ها، ایستارها، باورها و در مجموع عوامل شناختی که زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتار و کنش فردی می‌شود، به تحلیل شکل‌گیری فرهنگ راهبردی ساکنان مناطق مرزی پرداخت. در این نظریه کنش اجتماعی در سه سطح انتزاعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

الف) اولین سطح انتزاع ناظر بر سه مفهوم کنش<sup>۱</sup>، کنش‌گر<sup>۲</sup> و وضعیت<sup>۳</sup> کنش است. منظور از کنش نوعی رابطه است که در بین اجزای یک نظام برقرار می‌شود و منظور از کنش‌گر، یک نظام کنش است که در آن تمایل و گرایش به کنش (رابطه) برقرار است. وضعیت کنش نیز از نقطه نظر کنش‌گر تعریف می‌شود. وضعیت کنش متشکل از سه عنصر اساسی است که عبارتند از: اعیان<sup>۴</sup>، اهداف<sup>۵</sup> و هنجارها<sup>۶</sup>. اعیان به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از: اعیان اجتماعی، اعیان فرهنگی و اعیان فیزیکی. از نقطه نظر کنش‌گر، اعیانی اجتماعی هستند که از خود واکنش اجتماعی نشان دهند یعنی حائز نظام تمایلی یا انگیزشی هستند. اعیان فرهنگی صرفاً رساننده نوعی معنا (مثل اسطوره، نماد، علامت، اندیشه، استعاره و...) هستند و اعیان فیزیکی نیز به هویت‌های مادی و جامدی اطلاق می‌شود که قابلیت دستکاری و تصرف داشته باشند. (چلبی، ۱۳۸۳: ۲۵-۵)

ب) دومین سطح انتزاع ناظر بر چهار نوع نظام کنش و ارتباط آنها با هم است که عبارتند از: نظام اثباتی، نظام شخصیت<sup>۷</sup>، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی. منظور از نظام اثباتی آرایش فرصت‌های فیزیکی، شیمیایی و آلی است. نظام شخصیت ناظر بر برخورد و تعامل نظام اثباتی انسانی با نظام‌های اجتماعی و فرهنگی در خلال فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر نظام شخصیت از ترکیب تدریجی و مداوم نیازهای ارگانیسم با انتظارات اجتماعی و معانی حاصل می‌شود. نظام فرهنگی ناظر بر مجموعه‌ای از معانی است که از وضعیت کنش انتزاع می‌شود. این معانی رساننده باورها، ارزش‌ها، نمادها و فرمان‌ها هستند که میان آنها سازگاری منطقی موجود است. نظام اجتماعی ناظر بر تعامل شبکه‌ای کنشگران فردی و جمعی است.

- 
- 1 - Action
  - 2 - Actor
  - 3 - Situation
  - 4 - Objects
  - 5 - Goals
  - 6 - Norms
  - 7 - Dispositional System

ج) سومین سطح انتزاع ناظر بر مفهوم کلی نظام کنش است که از ترکیب چهار نظام فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی و اثباتی حاصل می‌شود. این نظامها برای حفظ بقای خود در ارتباط با محیطهای داخلی و خارجی مقتضیات کارکردی مشترکی دارند. بر اساس نظریه کنش چهارنوع ضرورت کارکردی (AGIL) برای حفظ نظام مطرح است که عبارتند از (چلبی، همان):

۱ - انطباق با محیط<sup>۱</sup>؛ هر گاه بین نظام کنش و محیط مبادلات کارکردی وجود داشته باشد در آن صورت می‌توان گفت که نیاز انطباق آن تأمین شده است.

کارکرد (خروجی) نظام در بعد انطباق (A)، آمایش منابع در قبال بقا در محیط است.

۲ - تحصیل هدف<sup>۲</sup>؛ مسأله نظام کنش در این بعد، تعیین و تعریف اهداف و راههای رسیدن به آن است. کارکرد (خروجی) نظام در مرحله تحصیل هدف (G)، بسیج منابع در قبال کسب هدف است.

۳ - انسجام<sup>۳</sup>؛ مسأله نظام در بعد انسجام (I)، هماهنگی و همکاری در بین اجزای نظام است. کارکرد (خروجی) نظام در فاز انسجام (I)، ایجاد ارتباط در قبال انسجام است.

۴ - حفظ الگوهای نمادی نهفته<sup>۴</sup>؛ مشکل نظام در بعد حفظ الگو (L)، تولید، اشاعه و حفظ رموز بقای خود در ارتباط با محیطهای بیرونی و درونی اش است. کارکرد نظام در این مرحله ارائه معنا در قبال ثبات و تغییر و انتقال پایدار است.

در نظریه کنش، نظام اجتماعی از چهار نظام فرعی تشکیل می‌شود که عبارتند از: نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام فرهنگی - اجتماعی و نظام اجتماع<sup>۱</sup>. هر یک از چهار نظام مذکور یکی از مقتضیات کارکردی پیش گفته را برای جامعه برآورده می‌سازد. نظام اقتصادی کارکرد انطباق (A)، نظام سیاسی کارکرد حصول به هدف (G)، نظام فرهنگی - اجتماعی کارکرد حفظ الگوهای نمادی (L) و نظام اجتماع کارکرد انسجام (I) را در جامعه بر عهده دارد. در ادامه برخی

- 
- 1 - Adaptation
  - 2 - Goal Attainment
  - 3 - Integrational
  - 4 - Latent Pattern Maintenance

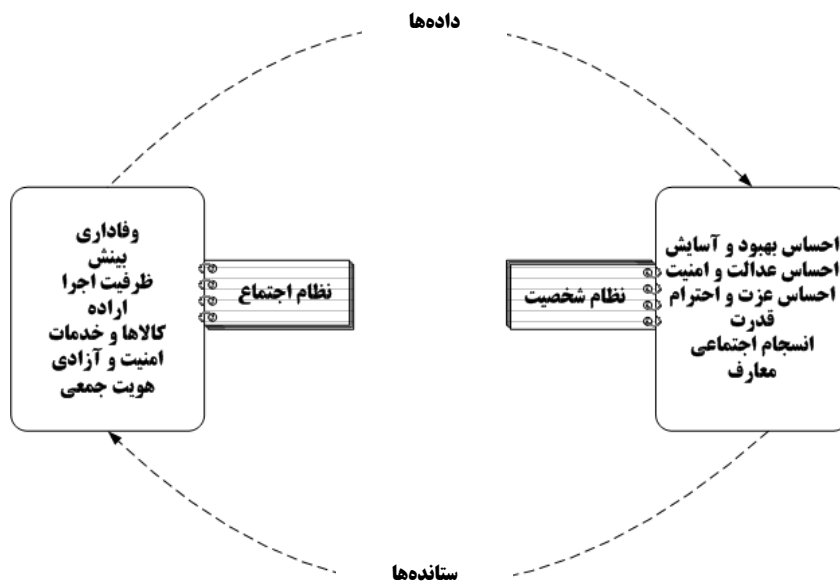
از مختصات عمده چهار نظام فرعی جامعه مورد بررسی شده است. در میدان تعاملی اقتصاد، روابط از نوع روابط مبادله‌ای است. رسانه نمادین آن در مناسبات اجتماعی اعم از درون یا مابین نظام اقتصادی و نظامهای دیگر پول است و منطق درونی آن مبتنی بر محاسبه فایده‌مندی است. هنجار اجرا در این نظام، تلاش و کارایی است. در میدان تعاملی سیاست، رابطه غالب، رابطه اقتدار است. رسانه نمادین این نظام در تعاملات اجتماعی قدرت است و قانون درونی آن بر تحقق هدف استوار است. هنجار محوری اجرا در این نظام، مسئولیت نسبت به قواعد و قوانین نظام است و از کنشگران این انتظار است که قواعد پذیرفته شده نظام را در میدان عمل مراعات نمایند.

نظام اجتماع منشأ بروز و ظهور هر نوع «ما» و گروه اجتماعی است. روابط غالب در هر اجتماع از نوع معاشرتی و عاطفی است و لذا روابط بیشتر هدف هستند تا وسیله. هنجار کلیدی در این نظام وفاداری است. کار اصلی این نظام تولید احساس جمعی است و با تولید احساس، انرژی عاطفی برای حفظ همبستگی و احساس تعهد نسبت به اجتماع فراهم می‌شود. در حوزه فرهنگ، نمادها، اندیشه‌ها، مفاهیم و اسطوره‌ها رد و بدل می‌شوند. رسانه تنظیمی در مناسبات گفتگویی، استدلال و قانون درونی آن سازگاری منطقی است. کار اصلی این نظام تولید و توزیع (آموزش و جامعه‌پذیری) اندیشه‌ها، معارف، ارزشها و قواعد گوناگون در جامعه است. نظام فرهنگی- اجتماعی همزمان با تولید اندیشه‌ها، باورها و ایستارها کار تغییر و تنظیم نمادی جامعه را نیز تا حدودی بر عهده دارد. قاعده کلیدی برای اجرا در این نظام صداقت است.

#### شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی فرهنگ راهبردی

با توضیحاتی که درباره مختصات عمده چهار نظام فرعی جامعه ارائه شد، اکنون می‌توان فهرستی از اعیان فرهنگی (مفاهیم، ارزشها، نمادها، اندیشه‌ها، اسطوره‌ها و...) و اعیان اجتماعی (کنشگران فردی و جمعی) را بطور جداگانه برای هر یک از چهار نظام مذکور به منظور سنجش و ارزیابی باورها، ایستارها، نگرشها و ارزشها و به عبارتی دیگر فرهنگ

راهبردی ساکنان مناطق مرزنشین پیشنهاد کرد. نقطه عزیمت مفهومی برای تعیین موضوعات مطالعه، ارتباط نظام جامعه و نظام شخصیت بویژه شبکه مبادلات داده‌ها (Inputs) (عوامل) و ستانده‌ها (Outputs) (محصولات) است. شبکه مبادلاتی نظام اجتماع و نظام شخصیت در ابعاد چهارگانه در شکل ۳- نشان داد شده است.



شکل ۳ - شبکه مبادلاتی نظام اجتماع و نظام شخصیت

مطابق این نمودار فرهنگ راهبردی ساکنان مناطق مرزی ناظر بر در نظر گرفتن عواملی در ابعاد چهارگانه زیر است (چلبی، همان):

- ۱ - وفاداری و دلبستگی: در این بعد احساس مثبت و منفی (ناشی از مجموعه ارزیابی‌های اخلاقی، کارکردی و زیباشناختی نسبت به خود، جامعه و محیط) با ترکیب و ضریب معینی از شخصیت وارد نظام اجتماع می‌شود.
- ۲ - بینش و شناخت: در این بعد طرز تلقی و پنداشت مفهومی از جامعه و ارکان آن با

ترکیب و ضریبی مشخص از هر نظام شخصیت وارد نظام اجتماع می‌شود.  
 ۳ - ظرفیت اجرا: در این بعد توانایی هوشی و عملی هر شخصیت با ضریب معینی وارد نظام اجتماع می‌شود.

۴ - اراده و انگیزه: در این بعد میزان تمایل به انجام فعلی و یا ترک آن و یا به عبارت ساده‌تر میزان تمایل به فعالیت با ضریب معینی برای هر شخصیت وارد نظام اجتماع می‌شود.

مطابق شکل ۳ - ورودی‌های نظام اجتماع برای نظام شخصیت عبارتند از:  
 کالاها و خدمات، امنیت و آزادی، هویت جمعی و ارزش، دانش و هویت فردی.  
 آنچه تا کنون در مورد مبادلات بین دو نظام عنوان شد، ناظر بر عواملی بود که هر یک از دو نظام برای دیگری فراهم می‌کند. حال چنانچه به ستانده‌ها یا محصولات در این مبادلات توجه شود، مشخص می‌شود که ستانده‌های نظام شخصیت عبارتند از:

الف) احساس بهبودی و آسایش. این بعد ناظر بر احساس سلامتی، احساس رفاه مادی، احساس رضایت شغلی و نظایر آن است.

ب) احساس عدالت و احساس امنیت. این بعد شامل اجزایی نظیر احساس امنیت، احساس خودمختاری و استقلال (در مقابل احساس عجز و درماندگی)، احساس امید و احساس عدالت می‌شود.

ج) احساس همبستگی اجتماعی. این بعد شامل اجزایی نظیر احساس دوستی و همبستگی، احساس خشنودی خانوادگی، احساس هویت قومی، احساس هویت سازمانی، احساس اعتماد بین شخصی، احساس هویت جامعه‌ای.

د) احساس عزت و احترام. این بعد ناظر بر اجزایی نظیر احساس هویت فردی، عزت نفس و احساس بصیرت و تعین اجتماعی می‌شود.

و ستانده‌های نظام اجتماع را مطابق جدول ۱ عبارتند از:

الف) قدرت. این بعد شامل تولید کالاها، خدمات و فرآورده‌ها و مصنوعات جدید می‌شود.

ب) انسجام اجتماعی. این بعد ناظر بر وحدت ملی و انسجام جامعه‌ای است.  
 ج) معارف. این بعد شامل انواع نمادها، اندیشه‌ها، ارزشها و اسطوره‌ها می‌شود.  
 با توجه به مبانی نظری و مفهومی ارائه شده به منظور تبیین ملاحظات اساسی در آمایش دفاعی - فرهنگی مناطق مرزنشین دو مجموعه موضوع برای مطالعه پیشنهاد می‌شود: مجموعه ستانده‌ها و مجموعه داده‌های نظام شخصیت.

الف) ستانده‌های نظام شخصیت

۱- احساس بهبودی و آسایش

۱-۱- احساس سلامتی

۱-۲- احساس رفاه مادی

۱-۳- احساس رضایت شغلی

۲- احساس عدالت، امنیت و آزادی

۲-۱- احساس عدالت اجتماعی

۲-۱-۱- احساس عدالت اجتماعی از حیث ثروت

۲-۱-۲- احساس عدالت اجتماعی از حیث قدرت

۲-۱-۳- احساس عدالت اجتماعی از حیث منزلت

۲-۱-۴- احساس عدالت اجتماعی از حیث معرفت و دانش

۲-۱-۵- احساس عدالت قضایی

۲-۱-۶- احساس عدالت رویه‌ای

۲-۱-۷- احساس عدالت قومی

۲-۱-۸- احساس عدالت اطلاعاتی

۲-۲- احساس امنیت

۲-۲-۱- احساس امنیت جانی و غذایی

۲-۲-۲- احساس امنیت دسته‌جمعی

۲-۲-۳- احساس امنیت مالی





جدول ۱ - نظامهای فرعی جامعه

نظام	اعیان اجتماعی (کنشگران جمعی)	اعیان فرهنگی (مفاهیم، ارزشها، اندیشه‌ها و هنجارها)
نظام اقتصادی	خانواده، سازمان خصوصی کار، سازمان دولتی کار، بانک، شرکت بیمه، شهرداری، بیمارستان، اصناف، انجمنهای حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری	آزادی، کار، مالکیت، بازار، فناوری، محیط زیست، پس‌انداز، صرفه‌جویی، تولید، توزیع، مبادله، مصرف، تضاد بین فرد و جمع، تلاش و کارایی فنی (هنجار محوری)
نظام سیاسی	قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، دادگاه، پلیس، ارتش، سپاه، نهاد رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، احزاب سیاسی	عدالت، حکومت، قانون، قانون اساسی، ملیت، مذهب، سرود ملی، پرچم ملی، مفاخر ملی (ادبی، سیاسی، مذهبی، نظامی)، گذشته مشترک (خطرات مشترک)، سرنوشت مشترک، سرزمین مشترک، بیگانه، شهروند، جامعه مدنی، صلح، طبقات اجتماعی، تضاد اجتماعی، اعیان ملی (مذهبی، باستانی، دولتی)، مسئولیت نسبت به قواعد و قوانین اجتماعی (هنجار محوری)
نظام اجتماع	خانواده، قوم، مذهب (مسجد)، انجمنهای خیریه، جامعه	عام‌گرایی، دوستی، تعاون، ازدواج، بردباری، جنسیت، قومیت، یاری، غریبه، مردم، تضاد قومی، وفاداری (هنجار محوری)
نظام فرهنگی اجتماعی	خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه، رسانه‌های جمعی، انجمنهای علمی، انجمنهای ادبی، انجمنهای دینی	غایت (خدا)، دین، انسانیت، عقلانیت، جهان، علم، فلسفه، هنر، صداقت (هنجار محوری)

بر اساس مدل و حوزه‌های مفهومی ارائه شده در جدول ۱ متغیرهای نهایی مورد بررسی

در پیمایش فرهنگ راهبردی ساکنان مناطق مرزنشین عبارتند از:

۱- احساس بهبودی و آسایش

۱-۱ احساس سلامتی

۱-۲ احساس رفاه مادی

۱-۳ احساس رضایت شغلی

- ۲- احساس عدالت اجتماعی
- ۲-۱- احساس عدالت از حیث توزیع ثروت
- ۲-۲- احساس عدالت قومی
- ۳- احساس امنیت
- ۴- احساس آزادی
- ۵- احساس امید
- ۶- احساس دوستی و همبستگی اجتماعی
- ۶-۱- احساس هویت ملی
- ۶-۲- احساس اعتماد متقابل
- ۶-۳- احساس اعتماد تعمیم یافته
- ۶-۴- احساس دوستی
- ۶-۵- احساس رضایت خانوادگی
- ۷- احساس عزت و احترام
- ۷-۱- احساس هویت فردی
- ۷-۲- احساس عزت نفس
- ۷-۳- احساس بصیریت و تعیین اجتماعی
- ۸- گرایش دینی
- ۸-۱- دینداری
- ۸-۲- مدارای مذهبی
- ۸-۳- گرایش مذهبی سکولار
- ۹- گرایش سیاسی
- ۹-۱- اعتماد به عملکرد حکومت
- ۹-۲- اعتماد به نهادهای حکومتی
- ۹-۳- علاقه سیاسی

- ۹-۴- احساس تأثیر سیاسی
- ۹-۵- ترجیحات سیاسی
- ۱۰- گرایش به عدالت
- ۱۰-۱- پنداشت از عدالت
- ۱۰-۲- تصور نسبت به تبعیض اجتماعی
- ۱۰-۳- پذیرش نابرابری اجتماعی
- ۱۱- فشار هنجاری
- ۱۱-۱- فشار هنجار صداقت
- ۱۱-۲- فشار هنجار وفاداری
- ۱۲- عام‌گرایی
- ۱۳- رواج ارزشهای اخلاقی
- ۱۴- اهمیت مسائل اجتماعی
- ۱۵- اهمیت موضوعات عام
- ۱۶- اولویت ارزشهای شغلی
- ۱۷- گرایش رسانه‌ای
- ۱۷-۱- اعتماد به رسانه‌های جمعی
- ۱۷-۲- استفاده از رسانه‌ها
- ۱۷-۳- اولویت منابع خبری
- ۱۸- خصوصیات زمینه‌ای (سن، جنس، درآمد، تحصیل، وضع فعالیت، شغل، تأهل، قومیت، مذهب و محل سکونت)

#### جمع‌بندی

خلق آینده مطلوب در مناطق مرزی در گرو آینده‌اندیشی در خصوص پیشران‌ها، رویدادها و روندهای این مناطق است. اهمیت منطقه خاورمیانه از حیث ژئوپلیتیک،

ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک سبب شده این منطقه همواره مطمح نظر قدرتهای بزرگ باشد. رویارویی هوشمندانه و کنشگرایانه با تحولات و رویدادهای این منطقه ضرورت توجه به طیف وسیعی از متغیرها را ضروری می‌سازد. بنابراین آرایش و چیدمان اصول و محورهای آمایش دفاعی-امنیتی در مناطق مرزی باید ناظر بر طیف وسیعی از عواملی عینی-ذهنی، ملموس-ناملموس و درونی و بیرونی باشد. گذار از هویت مقاومت به هویت مشروعیت‌بخش سبب می‌شود هویت قومی نه در عرض هویت ملی بلکه در طول و ذیل آن معنا پیدا کند. فرهنگ راهبردی برآمده از هویت قومی مشروعیت‌بخش، در راستای حفظ و تحکیم همبستگی و اتحاد ملی عمل خواهد کرد.

شناسایی نماگرها و شاخص‌های فرهنگ راهبردی ساکنان مناطق مرزنشین با تکیه بر مدلی که ارائه شد زمینه شکل‌گیری ایستارها، باورها، گرایشها و هنجارهایی مؤثر بر همگرایی و وحدت ملی را فراهم می‌سازد. توصیه این نوشتار ناظر بر اجرای مدل مذکور و استخراج داده‌های مرتبط از طریق انجام پیمایشهای میدانی در مناطق مرزنشین است.

## منابع

- ۱ - بیتس، دانیل و بلاک، فرد، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
- ۲ - صنیع‌اجلال، مریم، بررسی علل بین‌المللی شدن مسأله کردها در خاورمیانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. تابستان ۱۳۸۳.
- ۳ - صنیع‌اجلال، مریم. درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۴.
- ۴ - کاستلز، م؛ عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، مترجم: احد علی‌قلیان؛ ج ۲. تهران: طرح نو، ۱۳۸۳.
- ۵ - عندلیب، علی‌رضا. نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دوره عالی جنگ، ۱۳۸۰.
- ۶ - قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص). پدافند غیرعامل: آشنایی با آمایش و دفاع سرزمینی، نشریه شماره ۷، بهار ۱۳۸۵.
- ۷ - قریشی، فردین، جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۱ شماره ۱۱.
- ۸ - چلبی، مسعود. ارزشها و نگرشهای ایرانیان: چهارچوب مفهومی پیمایش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرحهای ملی، ۱۳۸۳.
- ۹ - مشیرزاده، حمیرا. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: ۱۳۸۴.
- 10 - Andrew G. Marshall, Creating an "Arc of Crisis": The Destabilization of the Middle East and Central Asia, Global Research, December 7, 2008, Available at: [www.globalresearch.ca/PrintArticle.php?articleId=11313](http://www.globalresearch.ca/PrintArticle.php?articleId=11313).
- 11 - Carim, Xavier, Critical and postmodern readings of strategic culture and Southern African security in the 1990s', *Politikon*, 1995: 22:2.
- 12 - Goldberg, Jeffrey, After Iraq: A report from the new Middle East and a glimpse of its possible future, *The Atlantic Monthly Magazine*, January/February 2008 available at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2008/01/after-iraq/6577/>
- 13 - Gray, Colin S. (2007) 'Out of the Wilderness: Prime Time for Strategic Culture', *Comparative Strategy*, 26:1, 1 – 20.
- 14 - Lantis, Jeffrey, Strategic Culture: From Clausewitz to Constructivism. *Strategic Insights*, Volume IV, Issue 10 (October 2005).
- 15 - Lewis, Bernard, Rethinking the Middle East. *Foreign Affairs*, Fall 1992.

- 16 - Nash, Maning, "The Core Elements of Ethnicity", John Hutchinson and Anthonng Smith eds, Ethnicity, London: Oxford University Press, 1996.
- 17 - Peters, Ralph, Blood borders: How a better Middle East would look?, Armed Forces Journal , June 2006, Available at: <http://www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899>
- 18 - Snyder, Jack L., The Soviet Strategic Culture: Implications for Limited Nuclear Operations, R-2154-AF, Santa Monica, CA: Rand, September 1977.
- 19 - The Defense Technical Information Center. The National Intelligence Strategy of the United States of America: Transformation Through Integration and Innovation. 2004. Available at: [www.dtic.mi](http://www.dtic.mi).

## The Strategic Culture and Defense-Cultural Planning in Borderline Regions

*Alireza Farsh'chee,  
Maryam Sane'e Ejlal  
Mohammad Hosseini Moghad'dam*

### ABSTRACT

This article focuses on explaining defense-cultural planning in borderline regions as an enabling factor aimed at preserving national unity and solidarity. Considering the changed conditions in the region and the world including the autonomy of Kurdish areas in North Iraq, the presence of American forces along West borders, and movements of terrorist groups being strengthened in such areas, defense-cultural planning in the country's borderline regions is the focus of this article. In order to achieve national unity and solidarity, this article tries to detect the set of factors and parameters effective on the strategic culture by using a suitable conceptual model and with a strategic culture approach.

**KeyWords:** *ethnic identity; ethnicity; strategic culture; defense-cultural planning*

## Informational Technologies as a Basis for the Development of Defense and Security Technologies

*Amin Hakim*  
*Vahid Oskuei*

### ABSTRACT

In today's world, information becomes old and useless as much as it multiplies in amount. Scientific findings are increasingly improved, tested, and revisioned. Here, if military forces only make use of one way of thinking, they will not be able neither to respond, nor to survive accordingly. So, circumstances require them to adapt themselves with the conditions in which their adversaries think, upgrade their strategic thoughts, make a more convenient use of the technologies of the day, and also use the technologies of the near future. During the past decades, the information technology has made the human life undergo great changes, and continues to do so with an increasing speed. Decision makers are invariably seeking to probe into the future of the information technology in order to provide for macro policy makings, and meet the necessary requirements for facing with future. In fact, this article is meant to meet this requirement, trying to introduce information technology by examining the paradigm of growth, and studying the future trend of information technology in both military and non-military information technology. On the basis of the comparative study which was carried out, the way the information technology has affected, and affects various functions, as well as the pattern for developing the infrastructures, have been determined, and this way the macro trend of information technology development in defense and security domains have been explored and extracted.

**KeyWords:** *information technology; intelligent military technology; modern defense technologies; futurology of defense technology; ubiquitous network society.*



## Power in the Age of Information

*Hossein Daeshyar  
Morteza NurMohammadi*

### ABSTRACT

This article argues that information and communication technology and its increasing application in all dimensions of human life has transformed the common understanding of the sources, nature and forms of power in several ways. Firstly, on the basis of the requirements of information and communication technology, and as the most important actors of the age of industry, nation- states have faced with new actors with whom they have established a complex relationship of coexistence, interaction and confrontation. Power distribution among various actors like international organizations, multinational corporations, and cross-national social movements, non-state organizations and individuals, has imposed a great challenge onto the traditional function and status of the state as the only one that owns and controls power; secondly, within the framework of two ways of looking, namely instrumental and structural, resulted from the developments originating from digital technologies and their new facilities and capabilities ought to be redefined, in a way that it covers the other face of power, namely its virtual and actual power, for the application of power depends increasingly on the context into which it is placed. In the new context which is based on virtual space, the power of information has taken on an increasing importance in the structures of global power and in the interactions between states. Thirdly, and most importantly, if we consider the actors' tendencies as a result of their interaction with others and their achieving a definition of themselves and others, then information technology, due to its interactional nature, can be said to have been transformed into the most important factor paving the way for that interaction.

**KeyWords:** *age of information; mega power; networked society; virtual state; virtual space*

## An Explanation of Operational Scenes in Past Wars

*Hadi MoradPiri*

### **ABSTRACT**

As selecting scenes for operation in all wars is a very important subject for all commanders in different levels, especially in the intermediate level of war. One can ensure success in selecting the above scenes only when they can draw on precise and effective factors in doing so, which itself requires that the mentioned factors be detected and examined. The Iran-Iraq is no exception in this case, each side specifying land operation scenes (Southwest, West, and Northwest) and naval operation scenes (the North of the Persian Gulf) according to their military, political, economical, social, and cultural conditions and capabilities as well as military geography, and by drawing on factors and subfactors as well, to perform their defensive and offensive operations. Therefore, this research is aimed at studying the past wars, focusing on the operation scenes during the past wars, not to mention the eight years of the holy defense. In doing so, the author has detected the operation scenes in past wars. Then, he gathers the necessary information using library methods, documents, and interviews to enrich, and supplement his information. Also, the type of research is applied and developmental, and the research method historical and descriptive. The results of this research show that in past wars, selecting scenes for operation followed no specified depth and width, but suited different conditions and circumstances.

**KeyWords:** *scene; operation scene; war; past wars*

## Asymmetric Warfare and an Explanation of The Role of Popular Forces in Future War

*MohammadJavad SobhaniFar  
Seyyed Hussein Mohammad Najm*

### ABSTRACT

As the industrial age passed and the information age evolved, human knowledge transcended matter, focusing on the nonmaterial elements of war. Effect (as a qualitative feature) versus destruction (as a quantitative feature) constitutes one of the most important nonmaterial parameters of future war. Although the entire actors on the scene of war share a common understanding of the concept of war, they present by no means a common manuscript of the effects-based operation (as a realized model of). As we will see in this article, at this time there are two different manuscripts of effects-based approach, which can be counted to some extent as thesis and antithesis: effects-based operation based on technology and effects-based operation based on popular forces. The important point is that neither of these two manuscripts are inherently superior to each other, the criterion of effectiveness in each one depending on the extent to which change has taken place in the behavior on the other side. This is a good promise to those weak actors who try to compensate their technological weaknesses by relying on popular forces' unsubstitutable capabilities, and to introduce a successful manuscript of effects-based operation.

**KeyWords:** *operation Based Operations, asymmetric warfare, Network, new technology, holistic*

## Designing the Strategic Model of the Logistics of Asymmetric Warfare

*Seyyed Abbas Kazem  
Siavosh NosratPanah  
Jamshid Salehi Sedghiyanee  
Ahmad J'afari*

### ABSTRACT

Although the concept of asymmetric warfare has very recently entered the strategic military literature of the world, specially of the Western world, the history of wars indicates that the concept of asymmetric warfare is rooted in the old literature on defense. This research is meant to explain the designing of a logistic and strategic model of asymmetric warfare which covers the entire activities related to the flow of goods and materials conversion from the phase of providing the raw material to that of delivering the final goods to the final consumer. The main hypothesis in this research is that under asymmetric conditions and recurring threats, the logistic model of warfare is a mix of pure, virtual, integrated, and agile logistic systems. This research is descriptive-analytical in terms of aim achievement, and applied in terms of orientation; and has been carried out with survey method in terms of strategy. The explanation of relations between the main variables of research and the factors effective on each variable has been addressed through factor analysis method and the analysis of structural equations. The results show that the strategic model of warfare is a mix of pure, virtual, integrated, and agile logistic systems in asymmetric conditions and recurring threats, and an integrated logistic system can not be used.

**KeyWords:** *logistics; asymmetric warfare; pure logistics; integrated logistics; virtual logistics; agile logistics*

## Designing the Theoretical Model of Spatial Planning through Implementing the Principles of Passive Defense

*MohammadReza HafezNia*

*Seyyed Yahya Safavi*

*Sharif Motavvaf*

*GholamReza Jalali*

### ABSTRACT

This research has been carried out under the title of "Designing the Theoretical Pattern of Spatial Planning through Implementing the Principles of Passive Defense" in order to achieve national development. In doing so, this article is aimed to determine the effective factors and variables in the status quo by studying and analyzing it, and to design the theoretical pattern of spatial planning through Implementing the principles of passive defense in order to achieve national development.

The major factors in this research include assessing the major factors and threats of military geography, the spatial elements and principles of passive defense, and the geopolitical elements, the interactional effects of which have been studied. Further, it tries to present an optimal pattern.

In conclusion, this article explains the theoretical pattern of spatial planning by taking passive defense considerations into consideration.

**KeyWords:** *spatial planning; passive defense; threats; military geography; geopolitical*

## Table of Contents

*The Journal of Defense Policy, Vol. 18, Serial No. 69, Winter 2010*

Title	Page
<b>Articles</b>	
Designing the Theoretical Model of Spatial Planning through Implementing the Principles of Passive Defense ..... 9	
<i>MohammadReza HafezNia Seyyed Yahya Safavi Sharif Motavvaf GholamReza Jalali</i>	
Designing the Strategic Model of the Logistics of Asymmetric Warfare ..... 47	
<i>Seyyed Abbas Kazemi Siavosh NosratPanah Jamshid Salehi Sedghiyanee Ahmad J'afari</i>	
Asymmetric Warfare and an Explanation of the Role of Popular Forces in Future War ..... 79	
<i>MohammadJavad SobhaniFar Seyyed Hussein Mohammad Najm</i>	
An Explanation of Operational Scenes in Past Wars ..... 111	
<i>Hadi Morad Piri</i>	
Power in the Age of Information ..... 163	
<i>Hossein Daheshyar Morteza NurMohammadi</i>	
Informational Technologies as a Basis for the Development of Defense and Security Technologies ..... 193	
<i>Amin Hakim Vahid Oskuei</i>	
The Strategic Culture and Defense-Cultural Planning in Borderline Regions . 217	
<i>Alireza Farsh'chee, Maryam Sane'e' Ejlal Mohammad Hosseini Moghad'dam</i>	
<b>English Abstracts</b>	
<i>Seyyed Saadat Hosseini Damabi</i>	

***Editorial, Advisory and Examiner Board of  
The Journal of Defense Policy***

***Editorial Board***

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan	Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi
Dr. Mohammad Hossein Afshordi	Dr. Seyyed Yahya Safavi
Dr. Homayoon Elahi	Ali Reza Farshchi
Dr. Bahador Aminian	Dr. Jahangir Karami
Dr. Hossein Hosseini	Dr. Manoocher Mohammadi
Dr. Hossein Dehghan	Sayyed Hossein Mohammadi Najm

***Examiner Board***

Dr. Hossein Ardestani	Dr. Hossein Zarif Manesh
Seyyed Ali HosseiniTash	Dr. Asghar Gha'edan
Dr. Mohsen Rezaee	GholamReza Mehrabi
Akbar RamezanZade	Dr. Parviz Mir Abbasi
Dr. Allah Morad Seif	

***Advisory Board***

Dr. Hadi Morad Piri	MohammadHossein Ghanbari Jahromi
Seyyed KamaloddinMohammad Rafi'ee	Ahmad MohammadZadeh
Dr. MohammadAli Sobhani	Dr. Abbas Mehri
Ahmad GholamPur	Mahdi NattaghPour

***In the Name of God, the Compassionate, the Merciful***

**The Journal of Defense Policy**

***The Scientific and Promotional Journal  
of Center for Defense Studies and National Security,  
Imam Hossein (P.B.U.H) University***

---

**Vol. 18, No. 1, Winter 2010, Serial No. 69 (ISSN-1025-5087)**

---

Proprietor: Imam Hossein  
Comprehensive University, the  
Centre for Defense Studies and  
National Security

Chairman Manager: Ali Reza Farshchi

Editor: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Managing Editor: Ali Ghanbarzadeh

Typesetter and Typographer: Hassan  
Soleymani

Observer of Publication: Andishgah-e  
Elmo-San'ate Jahan-e Moaser

Lithograph, Publication and Bookbinding:  
Shakib Publications

Address: the Centre for Defense Studies  
and National Security; Imam  
Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive  
University

Tel: +9821-77105765

Fax: +9821-77105747

P. O. Box: 16765-3459 Tehran, Iran

Book Store: the Centre for Defense  
Studies and National Security; Imam  
Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive  
University; Shahid Babaie Exp way,  
Tehran, Iran.

Tel: +9821-77105741 & 42